

شود، مورد استفاده قرار می گیرد. کتاب مقدس هرگز میان تناقض ظاهری قادر مطلق بودن خدا و اراده آزاد انسان آشتی ایجاد نمی کند بلکه هر دو را تأیید می نماید! نمونه خوبی از این تنش کتاب مقدسی میان رومیان ۹، گزینش مطلق خدا و رومیان ۱۰، پاسخ مقتضی بشریت است (ر. ک. ۱۰: ۱۱، ۱۳).

کلید گشایش این تنش الهیاتی را می توان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی برگزیده خداست و همه افراد بشر بالقوه در او برگزیده شده اند (کارل بارت). عیسی جواب مثبت خدا به نیاز بشریت است (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ در روشن کردن این موضوع اظهار می دارد که هدف از این تقدیر، رفتن به بهشت نیست بلکه مقدس (شبهه عیسی) شدن است. ما اغلب مجذوب مزایای انجیل می شویم و مسئولیتهای آن را نادیده می گیریم! فراخوانی خدا (گزینش) هم برای زمان حاضر است و هم برای ابدیت!

آموزه‌ها در ارتباط با سایر حقایق بوجود می آیند، نه به عنوان حقایق مجزا و نامربوط به همدیگر. یک تمثیل خوب می تواند مجموعه ستارگان در برابر یک ستاره مجزا باشد. خدا حقیقت را به طریقه شرقی عرضه کرده است، نه به شیوه غربی. ما نباید تنش ایجاد شده مناظره برانگیز (به ظاهر متناقض) میان حقایق دوگانه نمای الهیاتی را از میان برداریم (مانند: خدای ماورا در برابر خدای همه جا حاضر، امنیت در برابر بردباری؛ عیسیای همتراز با خدای پدر در مقابل عیسیای خدمتگزار خدای پدر؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی در برابر شریک عهد و غیره).

دیدگاه الهیاتی "عهد"، قادر مطلق بودن خدا (که همواره ابتکار عمل را در دست دارد و برنامه ریزی می کند) را با پاسخ ایمان همراه الزام اولیه و توبه دائمی انسانها، یگانگی می بخشد (ر. ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱). برحذر باشید که با متون کتاب مقدسی نکوشید تا یک جنبه از این دوگانگی‌ها را ثابت کنید و جنبه دیگر را کم بها تلقی نمایید! مراقب باشید که فقط آموزه مورد علاقه یا سیستم الهیاتی خود را به کرسی ننشانید!

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲: ۱۵-۲۰

۱۵ بعد از آنکه فرشتگان آنان را ترک کردند و به آسمان رفتند، چوپانان به یکدیگر گفتند: «بیایید، به بیت لحم برویم و واقعه‌ای را که خداوند ما را از آن آگاه ساخته است ببینیم». ۱۶ پس با شتاب رفتند و مریم و یوسف و آن کودک را که در آخور خوابیده بود پیدا کردند. ۱۷ وقتی کودک را دیدند آنچه را که درباره او به آنان گفته شده بود بیان کردند. ۱۸ همه شنوندگان از آنچه چوپانان می گفتند تعجب می کردند. ۱۹ اما مریم تمام این چیزها را به خاطر می سپرد و درباره آنها عمیقاً می اندیشید. ۲۰ چوپانان برگشتند و به خاطر آنچه شنیده و دیده بودند خدا را حمد و سپاس می گفتند، زیرا آنچه به ایشان گفته شده بود اتفاق افتاده بود.

۱۵:۲ این چوپانان جنبه‌ی نبوتی پیام فرشتگان را تشخیص داده، و تصمیم گرفتند که رفته و این مکاشفه‌ی عظیم را در روستای مجاور اعلام نمایند.

اگر من آن چوپانی می بودم که پس از رفتن سایرین، مجبور بود آنجا ایستاده و به نگهبانی از گله ادامه دهد، بشدت از خود متنفر می شدم!

در این آیه به عوض «کلمه» یا «سخن» (ر. ک. آیه ۱۷) واژه‌ی *rēma* معادل «چیز» (ر. ک. آیه ۱۹) به کار رفته است.

۱۶:۲ پیدا کردن مریم، یوسف و طفل در روستای کوچک بیت لحم کار دشواری نبود. صحنه‌ای که چوپانان با آن مواجه شدند، دقیقاً همان صحنه‌ای بود که فرشتگان توصیف نموده بودند.

۱۷:۲-۱۸ «همه‌ی شنوندگان» اشاره به چه کسانی دارد؟ ممکن است مقصود، مردم و مسافران حاضر در بیت لحم باشد، یا به دلیل نزدیکی اورشلیم، و اهمیت و منشأ پیام، احتمالاً رهبران مذهبی اورشلیم مورد نظر بوده‌اند. در عین حال، توجه نمایید که ما در هیچ جای دیگری از کتب عهد جدید با این پیام برخورد نمی کنیم. به احتمال قوی، پیش داوری و جبهه گیری منفی رهبران یهودی علیه شبانان، سبب شد اعتبار روایت و داستان آنان مورد تردید قرار گیرد.

۱۹:۲ «اما مریم تمام این چیزها را به خاطر می سپرد و درباره آنها عمیقاً می اندیشید» مریم بارها و بارها دربارهی این رویدادها می اندیشید (ر. ک. ۵۱:۲). به نظر می رسد منبع لوقا در ثبت این رخدادهای سال‌های آغازین زندگی عیسی، مریم بوده است. به احتمال زیاد، لوقا مریم را در مقطعی که پولس به مدت دو سال در قیصریه زندانی بود، ملاقات کرده است.

۲۰:۲ بازگشتن به روال عادی زندگی برای این چوپانان می‌بایست کار سختی بوده باشد. از خود می‌پرسیم چه تعداد از این شبانان، در حدود سی سال بعد، هنگامی که عیسی خدمت عمومی خود را آغاز نمود، همچنان در قید حیات بوده‌اند.

■ «خدا را حمد و سپاس می‌گفتند» در این عبارت دو وجه وصفی معلوم وجود دارد.

۱. حمد گفتن خدا- ۲:۲؛ ۲۵:۲؛ ۲۶:۷؛ ۱۳:۱۳؛ ۱۵:۱۷؛ ۴۳:۱۸؛ ۴۷:۲۳؛ اعمال ۴:۲۱؛ ۱۸:۱۱؛ ۲۰:۲۱؛ ۴۷:۲۳

۲. سپاس گفتن خدا- ۲:۱۳؛ ۲۰:۱۹؛ اعمال ۲:۴۷؛ ۸:۳؛ ۹

تعبیری متناظر:

۱. مبارک خواندن خدا- ۱:۶۴؛ ۶۸:۲۸؛ ۲۴:۵۳

۲. سپاس گفتن خدا- ۲:۳۸

۳. جلال دادن خدا- ۲:۱۴؛ ۱۷:۱۸؛ ۱۹:۳۸

کاملاً آشکار است که این موضوع، مضمونی تکرارشونده در نوشته‌های لوقا است. خدا سزاوار جلال، ستایش و برکت است!

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراورش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در تفسیر کتاب مقدس، نقش اول را بر عهده دارید. شما نمی‌بایست از این وظیفه شانه خالی کنید و آن را صرفاً بر دوش مفسر کتاب مقدس بگذارید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده‌ی نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. سرشماری عمومی در قلمرو روم با چه هدفی انجام می‌گرفت؟

۲. آیا در وقایع نگاری لوقا نقصی وجود دارد؟

۳. چرا واقعیت به دنیا آمدن عیسی در بیت لحم حائز اهمیت می‌باشد؟ این موضوع حاوی چه پیامی درباره‌ی این واقعیت است که تاریخ در کنترل خداوند می‌باشد؟

۴. چرا عیسی در یک آخور متولد شد؟

۵. اعلام خبر تولد مسیح به چوپانان توسط فرشته‌ی خدا گویای چه حقیقت قابل ملاحظه‌ای است؟

۶. چرا عناوین «نجات‌دهنده»، «ماشیح»، و «خداوند» تا این حد مهم می‌باشند؟

نگرشی بر حسب مضمون متن لوقا ۲:۲۱-۵۲

در این متن با تعدادی از مراسم و تشریفات مذهبی یهودی برمی‌خوریم.

الف) مراسم ختنه

۱. نشانه‌ی عهد یهوّه با ابراهیم (ر. ک. پیدایش ۱۷:۱-۱۴)

الف) همه‌ی مردان

ب) در روز هشتم پس از تولد (ر. ک. لاویان ۱۲:۳)

ج) برای همه‌ی نسل‌ها

د) برای غلامان (ر. ک. خروج ۱۲:۴۴)

ه) مرد نامختون را از اجتماع ایمانی بیرون می‌کردند

۲. با چاقوهای ساخته شده از سنگ چخماق

الف) خروج ۲۵:۴

ب) یوشع ۵:۲-۳

۳. نیاز به مکان مخصوصی نبود، پدر باید آن را انجام می‌داد (ر. ک. پیدایش ۲۳:۱۷-۲۷)، معمولاً در منزل (نه در خیمه‌ی اجتماع)
۴. پاتریارخ‌ها آن را انجام داده‌اند (ر. ک. پیدایش ۱۳:۳۴-۲۴)، در دوران اسارت مصر مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته (ر. ک. خروج ۲۴:۶-۲۶) و پس از تسخیر کنعان دوباره احیا شده است (ر. ک. یوشع ۴:۵-۹)

ب) مراسم تطهیر پس از زایمان

۱. دوره‌ی ناپاکی

- الف) هر گونه مایعی که از بدن خارج می‌شد، موجب می‌شد که فرد برای به انجام رساندن مراسم مذهبی ناپاک محسوب شود.
- ب) مادر به مدت ۷ روز پس از به دنیا آوردن فرزند پسر، ناپاک محسوب می‌شد (ر. ک. لاویان ۱۲:۲)
- ج) مادر به مدت ۱۴ روز پس از به دنیا آوردن فرزند دختر، ناپاک محسوب می‌شد (ر. ک. لاویان ۱۲:۵)
- د) اگر فرزندش پسر بود به مدت ۴۰ روز (ر. ک. لاویان ۳:۱۲-۴) و اگر دختر بود، ۸۰ روز ناپاک باقی می‌ماند
- ه) ناپاک محسوب شدن مادر برای انجام دادن مراسم مذهبی، با ناپاکی او در دوران عادت ماهیانه‌اش مورد قیاس قرار گرفته است

۲. مراسم تطهیر

الف) مادر پس از سپری کردن دوره‌ی انتظار (زمان طهارت) باید به خیمه آمده و قربانی تقدیم می‌کرد

- (۱) یک بره‌ی یک ساله برای قربانی سوختی (ر. ک. لاویان ۱۲:۶)
- (۲) یک کبوتر یا یک قمری برای قربانی گناه (ر. ک. لاویان ۱۲:۶)
- (۳) اگر آن زن تهی دست بود، دو کبوتر یا دو قمری قابل قبول بود (ر. ک. لاویان ۱۲:۸)
- ب) انجام دادن این رویه‌ها، سبب می‌شد زن برای انجام دادن مراسم مذهبی طاهر تلقی شود

ج) مراسم فدیهِی (بازخرید) نخست‌زادگان

۱. در پی کشته شدن تمامی نخست‌زادگان مصریان، نخست‌زادگان خاندان‌های اسرائیلی (خانواده‌هایی که از طایفه‌ی کاهنان نبودند) برای خدمت کردن به یهوه به او تقدیم شدند (ر. ک. خروج ۱۳).
۲. یهوه لاویان و کاهنان را به جای نخست‌زادگان ذکور قوم، به جهت خدمت به وی انتخاب کرد (ر. ک. اعداد ۱۲:۳، ۱۴:۸)
۳. والدین کاهن می‌بایست به جهت بازخرید فرزند نخست‌زاده‌ی ذکورشان، بهای مشخصی پرداخت می‌کردند (ر. ک. خروج ۲۰:۳۴).
۴. به نظر می‌رسد نکته‌ی قبلی، در لوقا ۲:۲۳ و ۲۷، و تطهیر مادر در ۲:۲۲، ۲۴ بازتاب یافته است.
۵. معلمان مذهبی یهود می‌گویند که این مراسم فدیهِی نخست‌زاده، می‌تواند برای هر کاهنی، در سی و یکمین روز بعد از تولدش انجام گیرد؛ این الزام زمانی با دوره‌ی چهل روزه‌ی ناپاکی مریم تطبیق ندارد. برخی از پژوهشگران در این متن فقط دو مورد از مراسم مذهبی را برمی‌شمارند.

د) فرمانی که طبق آن همه‌ی مردان (که تلویحاً به خانواده‌هایشان نیز اشاره دارد) می‌بایست دست‌کم، سالی سه مرتبه برای حضور یافتن در روزهای اعیاد سالیانه، خود را به خیمه/معبد برسانند (ر. ک. خروج ۱۴:۲۳، ۱۷؛ لاویان ۲۳)

۱. سه عید اصلی

الف) فصح/فطیر (ر. ک. خروج ۱۴:۲۳-۱۵؛ لاویان ۲۳:۴-۸؛ اعداد ۱۶:۲۸-۲۵)

ب) عید نوبرها (عید هفته‌ها)/پنطیکاست (ر. ک. خروج ۱۶:۲۳؛ ۲۲:۳۴؛ لاویان ۱۵:۲۳-۲۱؛ اعداد ۲۶:۲۸-۳۱)

ج) عید جمع‌آوری محصول/عید خیمه‌ها (ر. ک. خروج ۱۶:۲۳؛ لاویان ۲۲:۳۴-۳۶؛ تثنیه ۱۶:۱۳-۱۷)

۲. والدین عیسی در سن دوازده سالگی، وی را در موسم عید فصح به اورشلیم آوردند (ر. ک. لوقا ۴۱:۲-۴۳)، دقیقاً پیش از بر میتسو (bar mitzvah) (مکلف شدن) در سن سیزده سالگی.

۳. عیسی تمام جوانب شریعت موسی را به‌طور کامل به انجام رسانید (ر. ک. ۳۹:۲)

ه) مایه‌ی شگفتی است که در انجیل لوقا آیات بسیار اندکی از عهد عتیق نقل قول شده‌اند (۲۳:۲، ۲۴؛ ۴:۳-۶). این موضوع درباره‌ی انجیل مرقس نیز صادق است (انجیلی که مخاطبانش رومیان بودند). این سه مورد صرف (از نقل قول‌های مربوط به کتب عهد عتیق)، در سه باب آغازین انجیل لوقا، که به احتمال زیاد مبتنی بر مصاحبه‌های او با مریم (یا مبتنی بر اسنادی از مریم) نگاشته شده‌اند، به چشم می‌خورند. از آن رو که مخاطبان لوقا غیریهودیان بودند، وی به منظور سندیت بخشیدن به سخنانش، به‌مانند متی - که مخاطبانش یهودیان بودند - خود را ملزم به ارائه‌ی تأییدها و تصدیق‌هایی از نبوت‌های عهد عتیق نمی‌داند (ر. ک. ۲۳:۱؛ ۱۵:۲، ۱۸، ۲۳؛ ۳:۳؛ ۱۵:۴؛ ۱۷:۸؛ ۱۸:۱۲-۲۱؛ ۲۵:۱۳؛ ۲۵:۲۱؛ ۲۷:۹).

مطالعه‌ی واژگان و عبارت‌ها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۲:۲

۲۱ یک هفته بعد که وقت ختنهٔ کودک فرا رسید او را عیسی نامیدند، همان نامی که فرشته قبل از قرار گرفتن او در رحم تعیین کرده بود.

۲۱:۲

ترجمه‌ی قدیم: «روز هشتم»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «روز هشتم»

ترجمه‌ی مؤده: «یک هفته بعد»

طبق سنت یهود، ختنه‌ی نوزاد می‌بایست در روز هشتم بعد از تولد انجام شود (ر. ک. پیدایش ۱۷:۱۲؛ لاویان ۱۲:۳). این آیین از چنان اهمیتی برخوردار بود که حتی در روز سبت نیز انجام می‌گرفت. تمام اقوام ساکن در منطقه‌ی مدیترانه مختون بودند (به غیر از فلسطینی‌ها). رومی‌ها این مراسم را در روز نهم، یونانی‌ها در روز هفتم یا دهم، و اعراب در سیزده سالگی اجرا می‌کردند (ر. ک. پیدایش ۱۷:۲۳-۲۶). یهودی‌ها این آیین را به عنوان نشانه‌ای از پیمان یهوه با ابراهیم تلقی می‌کردند. عیسی در زیر شریعت به دنیا آمد. رجوع کنید به قسمت الف از «نگرشی بر حسب مضمون متن».

□ «او را عیسی نامیدند» معمولاً این والدین هستند که برای فرزندان خود نام برمی‌گزینند، اما جبرائیل نام این طفل را مکشوف ساخت (ر. ک. ۳۱:۱؛ متی ۲۱:۱).

ایسوس (یونانی) و یوشع یا یسوع (عبری)، در زبان عبری هر سه به یک نام اشاره دارند. این نام‌ها ترکیبی هستند از نام عهدی خدا، یهوه، و وجه اسمی «یاری» یا «رهایی». شیوه‌ی دقیق ترکیب این دو اسم، نامشخص است؛ برای نیل به این منظور، به یاری طلبیدن یک فعل اجتناب‌ناپذیر است. در زیر چند گزینه‌ی احتمالی برای این ترکیب ارائه می‌شود:

۱. «یهوه نجات می‌دهد»

۲. «رهایی از سوی یهوه فرا می‌رسد»

۳. «یهوه رهایی می‌بخشد»

۴. «یهوه رهاننده است»

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۲:۲-۲۴

۲۲ پس از آنکه روزهای تطهیر را مطابق شریعت موسی پشت سر گذاردند کودک را به اورشلیم آوردند تا به خداوند تقدیم نمایند. ۲۳ چنانکه در شریعت خداوند نوشته شده است: نخستزادهٔ مذکر از آن خداوند شمرده می‌شود ۲۴ و نیز طبق آنچه در شریعت خداوند نوشته شده است قربانی‌ای تقدیم کنند. یعنی یک جفت کبوتر و یا دو جوجه قمری.

۲۲:۲

ترجمه‌ی قدیم: «و چون ایام تطهیر ایشان»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «چون ایام تطهیر ایشان»

ترجمه‌ی مؤده: «روزهای تطهیر»

ضمیر جمع «ایشان» در این عبارت، برای دانشجویانی که قصد پژوهش در کتاب مقدس را داشته‌اند، همواره مایه‌ی دردسر بوده است؛ زیرا چنین برداشت می‌شود که قربانی گناه، هم برای نوزاد بوده است و هم برای مادر. عیسی تحت شریعت متولد گردید (ر. ک. ۲۱-۲۲، ۲۷؛ غلاطیان ۴: ۴-۵) و لازم بود که وی همه‌ی مقتضیات آن را به‌جا آورد (ر. ک. متی ۱۵: ۳). همانند یک یهودی اصیل، وی خود را مؤظف به اجرای همه‌ی رسوم یهودی عصر خویش می‌دانست. دوره‌ی تطهیر برای مادر، اگر فرزند پسر به‌دنیا آورده بود، ۴۰ روز، و اگر دختر به‌دنیا آورده بود، ۸۰ روز بود (ر. ک. لایوان ۱۲: ۵-۱۵). رجوع کنید به قسمت ب از «نگرشی بر حسب مضمون متن».

□ «به اورشلیم» در کتاب مقدس انگلیسی نسخه‌ی NASB^۶، پیش از اورشلیم حرف اضافی «up to» آمده است، که به حرکت از مکانی پایین‌دست به مکانی بالادست اشاره دارد. از لحاظ مکانی، بیت‌لحم بالادست‌تر از اورشلیم است، اما بنا به باور یهودیان، هیچ مکانی بر روی زمین از لحاظ روحانی بالاتر از اورشلیم نیست. در کتاب مقدس همواره فرد باید با حرکت به سوی بالادست به اورشلیم برسد. دو یا سه مراسم مذهبی یهودی در آیات ۲۲-۴۴ خاطرنشان شده است. اولین آیین، در محل اجرا گردید (ختنه)، سایر آیین‌ها، کمی بعد در معبد اجرا شدند. تطهیر مریم پس از چهل روز صورت گرفت و بازخريد (فدیه) نخست‌زاده‌ی ذکور طبق سنت جدیدتر معلمان مذهبی یهودی-در روز سی و یکم پس از تولد طفل انجام شد.

۲۳:۲ «نخست‌زاده‌ی مذکر» این مراسم مذهبی یهودی (ر. ک. خروج ۱۳: ۲، ۱۲، ۱۳، ۱۵) در روز فصح پایه‌گذاری گردید (ر. ک. خروج ۱۲). خاندان لایوان جایگزین تمام نخست‌زادگان قوم در کار خدمت به خدا شدند. بهای فدیة در روزگار عیسی، ۵ «شِکِل» (shekel) بود، که به هر کاهنی پرداخت می‌شد (ر. ک. اعداد ۱۸: ۱۶). این مبلغ، قیمت معمول یک بره‌ی قربانی بود. رجوع کنید به قسمت ج از «نگرشی بر حسب مضمون متن».

۲۴:۲ «یک جفت کبوتر و یا دو جوجه قمری» این گزینه ارزان‌ترین قربانی تطهیر بود. یک پرنده برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی (ر. ک. لایوان ۱۲: ۶-۸). این مراسم مذهبی بازمی‌گردد به تطهیری که در آیه‌ی ۲۲ به آن اشاره شده است. خروج هر گونه‌ی مایعی از بدن، موجب می‌شد که فرد یهودی برای انجام مراسم مذهبی ناپاک محسوب شود، بنابراین پس از زایمان نیز می‌بایست مشکل ناپاکی مادر را با تقدیم قربانی، حل می‌کردند. مادر یا زن ناپاک می‌توانست از دور و از دروازه‌ی «نیکور» (Nicor) نظاره‌گر اجرای مراسم مذهبی باشد، اما اجازه نداشت وارد حیاط اندرونی معبد گردد، زیرا (۱) او برای انجام مراسم مذهبی ناپاک محسوب می‌شد (۲) او زن بود.

این قربانی^۷ نشان می‌دهد که هنوز مجوسیان هدایای خود را به مریم و یوسف تقدیم نکرده بودند.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۵:۲-۳۲

۲۵ در اورشلیم مردی به نام شمعون زندگی می‌کرد که درستکار و پارسا بود و در انتظار سعادت اسرائیل به سر می‌برد و روح‌القدس بر او بود. ۲۶ از طرف روح‌القدس به او الهام رسیده بود که تا مسیح موعود خداوند را نبیند، نخواهد مرد. ۲۷ او به هدایت روح به داخل معبد بزرگ آمد و هنگامی که والدین عیسی، طفل را به داخل آوردند تا آنچه را که طبق شریعت مرسوم بود انجام دهند، ۲۸ شمعون، طفل را در آغوش گرفت و خدا را حمدکنان گفت: ۲۹ «حال ای خداوند، بر طبق وعده‌ی خود بنده‌ات را بسلامت مرخص فرما ۳۰ چون چشمانم نجات تو را دیده است، ۳۱ نجاتی که تو در حضور همه ملتها آماده ساخته‌ای، ۳۲ نوری که افکار ملل بیگانه را روشن سازد و مایه سربلندی قوم تو، اسرائیل گردد.»

۲۵:۲ «شمعون» این نام، نام بسیار متداولی بود (BDB 1035)، به معنای «شنیدن» از پیدایش ۳۳:۲۹. برخی منابع کهن چنین می‌پنداشتند که شاید این شمعون، پسر «رابی هیلل» و پدر «غمالائیل» بوده است، اما صحت چنین فرضیه‌ای بسیار نامتحمّل است. گروهی دیگر، تصور می‌کنند که او رئیس سندهرین بوده است. آنچه این فرضیه‌ها قصد تأکید بر آن را دارند این است که شمعون کاهنی در معبد بوده است و در این صحنه، ما شاهد اجرای مراسم مذهبی

^۶ این ترجمه، نسخه‌ی مرجع نویسنده است- مترجم

^۷ نویسنده ارزان بودن این قربانی را مدنظر دارد- مترجم

باز خرید نخست‌زاده‌ی مذکر هستیم، اما در واقع، چنین چیزی در متن به چشم نمی‌خورد! سنت می‌گوید که او فردی سالخورده بوده است، اما متن در این باره سکوت می‌کند.

■ «پارسا» برای توضیحات کامل رجوع کنید به عنوان خاص در ۶:۱.



ترجمه‌ی قدیم: «متقی»
ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «دیندار»
ترجمه‌ی مؤده: «درستکار»

این واژه به‌طور تحت‌اللفظی به معنای «به‌محکمی چسبیدن» است، و به کسی اشاره می‌کند که نسبت به موضوعات مذهبی بسیار جدی است، و در نتیجه، شخص متدینی محسوب می‌شود. این اصطلاح در ترجمه‌ی هفتادگان، در لایوان ۳۱:۱۵ و میکاه ۲:۷ به کار رفته است. در عهد جدید نیز فقط در نوشته‌های لوقا به چشم می‌خورد (ر. ک. ۲۵:۲؛ اعمال ۵:۲؛ ۲۸:۸؛ ۱۲:۲۲).



ترجمه‌ی قدیم: «تسلی اسرائیل»
ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «تسلی اسرائیل»
ترجمه‌ی مؤده: «سعادت اسرائیل»

این عبارت بارها در نوشته‌های لوقا به کار رفته (ر. ک. ۲۵:۲؛ ۲۴:۶؛ اعمال ۳۶:۴؛ ۳۱:۹؛ ۱۵:۱۳؛ ۳۱:۱۵)، اما در سایر اناجیل مورد استفاده قرار نگرفته است. به‌نظر می‌رسد این عبارت، متناظر و مشابه با عبارت‌های «نجات اسرائیل» در آیه‌ی ۳۸ (ر. ک. ۲۱:۲۴) و احتمالاً «پادشاهی خدا» در ۵۱:۲۳ (ر. ک. مرقس ۴۳:۱۵) باشد. بنابراین، این عبارت دارای مفهومی آخرالزمانی است (ر. ک. اشعیا ۴۰:۱-۲). همچنین، عبارت مورد علاقه‌ی پولس محسوب می‌شود. پولس در پاراگرافی در فصل اول، دوم قرن‌تیا، ۶ بار آن را به کار برده است.

عنوان خاص: تسلی

آن‌چه در زیر آمده است برگرفته از تفسیر دوم قرن‌تیا ۱:۴-۱۱ به‌قلم نگارنده می‌باشد.

«"تسلی" این واژه، *paraklēsis*، با فرم‌های مختلف خود، ۱۰ بار در آیات ۳-۱۱ این باب به کار رفته است. این واژه، واژه‌ی کلیدی در سراسر این متن و همچنین باب‌های ۱ الی ۹ می‌باشد، و ۲۵ بار در این باب‌ها به چشم می‌خورد. این اصطلاح به معنای «به ایستادن در کنار شخص فراخواندن» است. اغلب، به تعبیر قضایی، و برای وکیل مدافعی به کار رفته است که وکالت تسخیری انجام داده و به موکل خود آرامش و راهنمایی داده است.

در این متن، به معنای تشویق و تسلی مورد استفاده قرار گرفته است. اصطلاح مرتبط دیگری، *paraklētos*، در یوحنا ۱۴:۱۶؛ ۲۶؛ ۷:۱۶ برای روح‌القدس و در اول یوحنا ۱:۲ برای عیسی به کار رفته است. در این متن، در ارتباط با خدای پدر از آن استفاده شده است.

وجه فعلی لفظ *parakaleō* به تعابیر مختلفی مورد کاربرد قرار گرفته است.

الف) در ترجمه‌ی هفتادگان

۱. تشویق نمودن، برانگیختن، تشنه ۲۸:۳
۲. تسلی دادن، پیدایش ۶۷:۲۴؛ ۳۵:۳۷؛ مزمو ۵۰:۱۱۹ (به تعبیر مسیحایی در اشعیا ۱:۴۰؛ ۱۳:۴۹؛ ۳:۵۱؛ ۲:۶۱)
۳. شفقت نمودن، تشنه ۳۶:۳۲؛ داوران ۱۸:۲؛ مزمو ۱۴:۱۳۵
۴. دل‌داری دادن، اشعیا ۴:۳۵
۵. فراخواندن، خروج ۱۳:۱۵

ب) نوشته‌های پولس به کلیسای قرن‌تس

۱. تشویق، اول قرن‌تیا ۱:۱۰؛ ۱۶:۴؛ ۳۱-۳۰؛ ۱۴-۱۵؛ ۱۶-۱۵؛ دوم قرن‌تیا ۸:۲؛ ۲۰:۵؛ ۱:۶؛ ۴۸؛ ۶؛ ۱:۱۰

۲. تسلی، دل‌داری، دوم قرن‌تیا ۱:۴، ۶:۷؛ ۷:۲؛ ۷:۶، ۱۳:۱۱

۳. شفقت داشتن، دل‌داری دادن، اول قرن‌تیا ۴:۱۳

۴. استدعا کردن، درخواست کردن، تقاضا کردن، اول قرن‌تیا ۱۶:۱۲؛ دوم قرن‌تیا ۹:۵؛ ۱۸:۱۸

□ «روح‌القدس بر او بود» انسان با تکیه بر پژوهش یا در اثر اکتشاف، به درک حقیقت انجیل دست نمی‌یابد. این روح خداست که از طریق مکاشفه‌ی فوق‌طبیعی این کار را انجام می‌دهد (ر. ک. آیات ۲۶-۲۷)

در این فصل‌های آغازین انجیل لوقا، روح‌القدس از روند عملی شدن نقشه‌ی رهایی بشر توسط خدا مکاشفاتی عطا می‌کند:

۱. الیزابت ۴۱:۱

۲. زکریا ۶۷:۱

۳. شمعون ۲۵:۲، ۲۶

به زمان این فعل، «گذشته‌ی استمراری» (در یونانی) توجه کنید. روح خدا نیامد و نرفت، بلکه بر او باقی ماند.

عنوان خاص: الهام

"ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد،" (یهودا ۱:۳) به حقایق، آموزه‌ها، مفاهیم و تعالیم جهان‌بینی مسیحیت اشاره دارد (اول پطرس ۱:۲۱). تأکید بر "یک بار"، اساس کتاب‌مقدسی‌ای است که از لحاظ الهیاتی، "الهام" را صرفاً به نوشته‌های عهد جدید محدود می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا نوشته‌های دیگر یا جدیدتر به عنوان متونی تلقی شوند که حاوی مکاشفه‌ی خدا هستند. در عهد جدید نکات مبهم، غیرقطعی، و پیچیده‌ای وجود دارند، اما ایمانداران، با ایمان این واقعیت را تصدیق می‌کنند که هر آنچه برای ایمان و زندگی به آن نیاز دارند، به اندازه‌ی کافی به روشنی و شفافیت در عهد جدید به آن اشاره شده است. این مفهوم در آن‌چه آن را "مثلت مکاشفه" می‌خوانند، توضیح داده می‌شود:

۱. خدا خود را در تاریخ، در بُعد زمان-مکان مکشوف کرده است (مکاشفه)

۲. او نویسندگان انسانی مشخصی را برگزیده است تا اعمالش را به ثبت رسانده و تشریح نمایند (الهام)

۳. خدا روح خود را عطا کرده است تا ذهن و قلب انسان باز شود، و قادر به درک کردن این نوشته‌ها گردد؛ نه این که همه چیز را به طور قطع درک کند، بلکه به آن میزان که برای دریافت نجات و داشتن زندگی مسیحی مؤثر کافی باشد (تنویر یا روشنگری)

نکته این مطلب در این جاست که "الهام"، صرفاً به نویسندگان کتب مقدس محدود می‌شود. هیچ نوشته، رویا یا مکاشفه‌ی معتبر و مقتدر دیگری وجود ندارد. کائن کتاب مقدس بسته شده است. تمام آن حقیقتی که بر اساس آن می‌توانیم به طرز مناسب و شایسته‌ای به خدا واکنش نشان داده و او را خشنود سازیم، در اختیار ما قرار داده شده است.

این حقیقت به بهترین شکل، خود را در توافق و سازگاری موجود میان نویسندگان کتب مقدس، در قیاس با عدم توافق موجود در میان ایمانداران بی‌ریا و پارسا، نشان می‌دهد. تمام نویسندگان یا واعظان جدید، از آن سطح رهبری الهی‌ای که نویسندگان کتب مقدس برخوردار بودند، محروم هستند.

۲۶:۲ «مسیح موعود خداوند» روح خدا به شمعون وعده داده بود که تا زمانی که وی نجات‌دهنده‌ی خدا، آن مسح‌شده، و ماشیح (ر. ک. عنوان خاص در

۱۱:۲) را با چشمان خود نبیند، مرگ جسمانی را تجربه نخواهد نمود (مانند ایوب ۱۹:۲۵-۲۷ به نظر می‌رسد).

اصطلاح «الهام رسیده بود» در وجه غیرصرفی/اخباری مجهول کامل است. خدا این کار را انجام داد و مکاشفه‌ی او برجا ماند. این فعل در ترجمه‌ی هفتادگان برای مکشوف ساختن خدا توسط خودش به کار رفته است (ر. ک. ارمیا ۳۲:۳۰؛ ۲۳:۳۳؛ ۲۳:۳۶).

اصطلاح «خداوند» به وضوح به یهوه و «مسیح» به عیسی نوزاد اشاره دارد. عیسی، حق ماشیح به‌شمار آمدن را کسب نکرد، او در مقام مسیح متولد گردید (مسیح بودن عیسی در اثر فرزندخوانده-انگاری (Adoptionism) یا باورهای گنوسی (Gnosticism) نبوده است، رجوع کنید به ضمیمه: فهرست اصطلاحات).

۲۷:۲ «والدین» کاربرد این لفظ صرفاً به منظور تعریف رابطه‌ی مریم و یوسف با عیسی است و به هیچ وجه آموزه‌ی تولد از باکره را زیر سؤال نمی‌برد (ر. ک. ۳۴:۱ متی ۱۸:۱-۲۵).

□ «تا آنچه را که طبق شریعت مرسوم بود انجام دهند» به نظر می‌رسد که این بخش اشاره به مراسم مذهبی فدیة/بازخرید نخست‌زاده‌ی ذکور دارد (ر. ک. خروج ۱۳). رجوع کنید به قسمت ج از «نگرشی بر حسب مضمون متن».

□ «خدا را حمد کنان گفت» شمعون یهوه را برای فرستادن رهاننده‌ی موعودش (برای همه‌ی بشر، ر. ک. ۳۲-۲۹:۲) حمد و ستایش نمود.

۲۹:۲ «ای خداوند» اصطلاح یونانی *despotēs* در ترجمه‌ی هفتادگان، اغلب معادل یهوه به کار رفته است (ر. ک. پیدایش ۲:۱۵، ۸ یوشع ۱۴:۵؛ اشعیا ۱:۳؛ ۲۴:۱). واژه‌ی "despot" در زبان انگلیسی، برگرفته از این لغت یونانی است؛ و به مفهوم کسی که صاحب برترین اقتدار و قدرت باشد، به کار رفته است. این واژه در اعمال ۲۴:۴ و مکاشفه ۱۰:۶ معادل یهوه، و در دوم پطرس ۱:۲ و یهوذا آیه‌ی ۴ معادل عیسی به کار رفته است.

□ «به سلامت مرخص فرما» این یک تعبیر عهد عتیقی است، و هنگامی که فرد پس از عمری طولانی و پر از شادی، از دنیا می‌رفت، به کار رفته است (ر. ک. پیدایش ۱۵:۱۵؛ ارمیا ۵:۳۴). مرگ برای آنانی که خدا را می‌شناسند، دشمن محسوب نمی‌شود!

□ «بر طبق وعده‌ی خود» «وعده‌ی خود» به آیه‌ی ۲۶ در این متن اشاره دارد. معادل یونانی «الهام رسیده بود» در آیه‌ی ۲۶، در وجه وصفی مجهول کامل آمده است. این اصطلاح زمانی که حاکی از مکاشفات الهی باشد، اغلب با حالت مجهول به کار برده می‌شود (ر. ک. متی ۱۲:۲، ۲۲؛ لوقا ۲۶:۲؛ اعمال ۱۰:۱۰؛ ۲۲:۱۰؛ عبرانیان ۵:۸؛ ۷:۱۱).

۳۰:۲ این تأکید بر دیدن «نجات خدا» ممکن است از نبوتی در عهد عتیق (ر. ک. اشعیا ۵۲:۱۰) نشأت گرفته یا بازتاب همان پیام باشد. لفظ «نجات» در این فصول آغازین انجیل لوقا، دارای دو معنی ضمنی است:

۱. در آیاتی که از عهد عتیق نقل قول شده‌اند، به نجات و رهایی فیزیکی اسرائیل اشاره دارد.

۲. در پرتو حقایق انجیل، به نجات روحانی که از طریق ایمان بر شخص و کار عیسی میسر می‌شود، اشاره دارد.

در عهد عتیق، اسرائیل از امت‌ها نجات یافت، اما اکنون، ماشیح اسرائیل، امت‌ها را نجات خواهد داد!

۳۱:۲-۳۲ «همه‌ی ملت‌ها... نور... ملل بیگانه» این آن انجیل جهان‌شمول است که می‌بایست برای یهودیان بسیار تکان‌دهنده بوده باشد (از خود می‌پرسم آیا شمعون به طور کامل این نبوت‌ها را در پرتوی مسیح درک نموده بود یا نه)، اما شنیدن این گفته‌ها برای خوانندگان غیریهودی لوقا، مایه‌ی شادی و شفع بوده است (ر. ک. اشعیا ۲:۲-۴؛ ۹:۲؛ ۴۹:۶؛ ۴۹:۵۱؛ ۶۰:۱-۳). این عبارت می‌تواند به معنای «در حضور همه‌ی غیریهودی‌ها» باشد (ر. ک. مزبور ۱:۹۸-۳؛ اشعیا ۱:۵۲-۱۰)، اما در این متن چنین معنایی را نمی‌توان برداشت کرد. شگفت‌انگیز است که چه تعداد کنایات زیادی از نبوت‌های اشعیا در دو فصل آغازین انجیل لوقا به چشم می‌خورد. این اشعیا بود که در بین تمام انبیاء، قادر شد این نجات جهانی را ببیند (که تبدیل شد به درون‌مایه‌ی کتب عهد جدید (مانند، ۴۷:۲۴؛ یوحنا ۱:۱۲؛ ۱۶:۳؛ ۱۰:۴؛ اعمال ۱۰:۳۴-۳۵، ۴۳؛ اول تیموتائوس ۴:۲؛ ۱۰:۴؛ تیطس ۱:۲؛ اول یوحنا ۲:۱-۲؛ ۴:۱۴؛ دوم پطرس ۹:۳).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۳-۳۵

۳۳ پدر و مادر آن طفل از آنچه درباره‌ی او گفته شد متحیر گشتند. ۳۴ شمعون برای آنان دعای خیر کرد و به مریم مادر عیسی، گفت: «این کودک برای سقوط و یا سرافرازی بسیاری در اسرائیل تعیین شده است و نشانه‌ای است که در رد کردن او ۳۵ افکار پنهانی عدّه کثیری آشکار خواهد شد و در دل تو نیز خنجر فرو خواهد رفت.»

۳۳:۲ «متحیر گشتند» این عبارت در حالت غیرصرفی ناکامل است. آنان به طور پیاپی حیرت زده می شدند. احتمالاً حیرت ایشان در ارتباط با مضمون شدن غیریهودیان در نجات خدا بود! مریم، از پیش شهادت جبرائیل و الیزابت را شنیده بود. یوسف و مریم، هر دو، پیام چوپانان را دریافت کرده بودند.

۳۴:۲

ترجمه‌ی قدیم: «قرار داده شد»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «مقدر است»

ترجمه‌ی مؤده: «تعیین شده است»

معنای تحت‌اللفظی این اصطلاح در یونانی «تکیه کردن» یا «بر روی چیزی/کسی قرار دادن» است، اما بعدها در ترجمه‌ی هفتادگان، در یوشع ۶:۴، مفهوم مجازی گسترده‌ای به دست آورده و به معنای «علامتی مقرر» به کار رفته است. این اصطلاح بارها به همین تعبیر (مقرر یا مقدر شده) در کتب عهد جدید به کار رفته است (ر. ک. اول تسالونیکیان ۳:۳؛ که در این مثال نیز در حالت/خبری مجهول حال به کار رفته است).

■ «سقوط» برای بسیاری از مردم، ایمان آوردن به نقشه‌ی رهایی خدا برای نجات همه‌ی انسان‌ها (رجوع کنید به عنوان خاص در ۱۱:۲)، که در ماسیحی رنج کشیده مکشوف می گردد، ساده نخواهد بود. اما، واکنش آنان به این طرح خدا، سرنوشت روحانی و ابدیت آنان را رقم خواهد زد (ر. ک. یوحنا ۱۲:۱؛ ۱۶:۳-۱۹؛ ۳۹:۹).

ممکن است «سقوط» به یهودیانی اشاره دارد که بر روی عیسی می افتند (ر. ک. ۱۷:۲۰-۱۸؛ اول قرنتیان ۲۳:۱؛ اول پطرس ۶:۲-۸). او آن سنگی است که معماران آن را رد کردند (ر. ک. اشعیا ۱۴:۸؛ ۱۶:۲۸؛ متی ۴۲:۲۱؛ ۴۴؛ رومیان ۹:۳۳؛ اول قرنتیان ۲۳:۱؛ اول پطرس ۸:۲). شنوندگان پیام انجیل لاجرم باید درباره‌ی عیسی دست به انتخاب بزنند. هیچ کس نمی تواند موضعی خنثی در برابر عیسی اتخاذ کند (ر. ک. متی ۳۴:۱۰-۳۹). یا او همان مسیحای موعود است یا ماسیحی کاذب و دروغ گو (ر. ک. یوحنا ۱:۱۰-۱۸؛ ۶:۱۴).

■ «و یا سرافرازی» همین اصطلاح یونانی در سایر قسمت‌های کتب عهد جدید، «رستخیز» ترجمه شده است. این طفل خاص، ماسیح موعود، تنها طریق ترمیم و احیای رابطه‌ی میان انسان و خدا خواهد شد. اعتماد کردن به او، سرنوشت ابدی شخص را تعیین خواهد کرد. راز وجود شر این است که علی رغم حضور و کار روح القدس و خبر خوش مسیح، بسیاری ماسیح را رد خواهند کرد (ر. ک. ۱۱:۸-۱۲؛ دوم قرنتیان ۴:۴).

■

ترجمه‌ی قدیم: «آیتی که به خلاف آن خواهند گفت»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «او آیت و نشانه‌ای خواهد بود که در برابرش خواهند ایستاد»

ترجمه‌ی مؤده: «نشانه‌ای است که در رد کردن او ...»

یکی از دلایلی که ماسیح بودن عیسی را ثابت می کند، عدم پذیرش و مخالفت با او بود. ممکن است این قسمت کنایه‌ای باشد از آیاتی از عهد عتیق، مانند اشعیا ۹:۶-۱۰، که عیسی عنوان می کند که هدف از سخن گفتن او به زبان مثل ها نیز همین موضوع است (یعنی، پنهان کردن مفهوم حقیقی، ر. ک. لوقا ۱۰:۸؛ متی ۱۳:۱۳؛ مرقس ۱۲:۴؛ یوحنا ۱۲:۳۶-۴۳). عهد عتیق بارها و بارها پیش گویی می کند که تنها بقیتی (باقیمانده گان) وفادار نجات (رهایی) خواهد یافت.

۳۵:۲ «خنجری» معادل یونانی این لغت، به شمشیر بزرگی اشاره دارد که سربازان رومی حمل می کردند. خنجر به طور مجازی به عدم پذیرش و مصلوب شدن عیسی اشاره دارد. مریم در رویداد مصلوب شدن عیسی حاضر بود (ر. ک. یوحنا ۱۹:۲۶-۲۷). به نظر می رسد این عبارت به طور خاص، خطاب به مریم بیان شده است.

■ «افکار پنهانی عده‌ی کثیری آشکار خواهد شد» هیچ موضع میانه‌ای در خصوص عیسی وجود ندارد. او همه‌ی مردم را به دو قطب مخالف تقسیم می کند، و در پی واکنش هر فرد نسبت به او، جوهر قلب آن فرد آشکار می شود (ر. ک. لوقا ۱۷:۸-۱۸). هرگز دارا بودن اصالتی یهودی، به طور خودکار، رابطه‌ی فرد را با خدا ترمیم و احیا نمی کند (و به همین شکل، عضویت در کلیسا یا شرکت در فعالیت‌های مذهبی قادر به انجام دادن چنین کاری نیست).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۶:۲-۳۸

۳۶ در آنجا، همچنین زنی نبیه به نام حنا زندگی می کرد که دختر فنوئیل از طایفه اشیر بود، او زنی بود بسیار سالخورده، که بعد از ازدواج، مدت هفت سال با شوهرش زندگی کرده ۳۷ و بعد از آن هشتاد و چهار سال بیوه مانده بود. او هرگز از معبد بزرگ خارج نمی شد بلکه شب و روز با نماز و روزه، خدا را عبادت می کرد. ۳۸ او در همان موقع جلو آمد، به درگاه خدا شکرگزاری نمود و برای همه کسانی که در انتظار نجات اورشلیم بودند، درباره آن طفل صحبت کرد.

۳۶:۲ «زنی نبیه» از زمان ملاکی نبی (یا نویسنده ی کتاب های تواریخ) به بعد، هیچ نبی ای که حقیقتاً از سوی خدا ملهم شده باشد، در اسرائیل وجود نداشت. حضور زنان در مناصب رهبری، امری جدید یا غیرعادی در عهد عتیق نبود. نمونه هایی از این گروه از زنان به این قرار است: مریم نبیه (خواهر هارون)، حنا، دבורه، روت، خلد و استر (ر. ک. اعمال ۱۷:۲؛ ۹:۲۱).

عنوان خاص: زنان در کتاب مقدس

۱. عهد عتیق

(الف) زنان از لحاظ فرهنگی، به عنوان دارائی محسوب می شدند.

۱. در فهرست دارایی، نامشان می آمد (خروج ۲۰: ۱۷)
 ۲. طرز رفتار با کنیزان (خروج ۲۱: ۷-۱۱)
 ۳. نذر زنان توسط قیم مرد او قابل انحلال یا ممانعت است (اعداد ۳۰)
 ۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۴-۱۰؛ ۲۱: ۱۰-۱۴)
- (ب) در عمل توازنی در میان بود.

۱. مرد و زن در شباهت خدا آفریده شدند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷)
۲. احترام به پدر و مادر (خروج ۲۰: ۱۲ [تث. ۵: ۱۶])
۳. تکریم مادر و پدر (لاویان ۱۹: ۳؛ ۲۰: ۹)
۴. مردان و زنان می توانستند نذیره باشند (اعداد ۶: ۱-۲)
۵. دختران ارث می بردند (اعداد ۲۷: ۱-۱۱)
۶. بخشی از قوم وعده بودند (تثنیه ۲۹: ۱۰-۱۲)
۷. به تعلیم پدر و مادر گوش فرا ده (امثال ۱: ۸؛ ۶: ۲۰)
۸. پسران و دختران هیمان (از خاندان لاوی) در معبد موسیقی می نواختند (۱ تووا. ۲۵: ۵-۶)
۹. پسر و دختر در عصر جدید نبوت خواهند کرد (یوئیل ۲: ۲۸-۲۹)

(ج) زنان در نقش رهبری بودند

۱. مریم، خواهر موسی، نبیه خوانده می شد (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱)
۲. زنانی که خدا به آنها موهبت بخشیده بود تا برای خیمه مقدس پارچه ببافند (خروج ۳۵: ۲۵-۲۶)
۳. دבורا، نیز نبیه ای بود (ر. ک. داو. ۴: ۴) که همه قبیله های اسرائیل را رهبری کرد (داوران ۴: ۴؛ ۵: ۵؛ ۷)
۴. حلد نبیه ای بود که یوشیای پادشاه از وی خواست تا "کتاب شریعت" که تازه پیدا شده بود، بخواند و تفسیر کند (۲ پاد. ۲۲: ۱۴؛ ۲ تووا. ۳۴: ۲۲-۲۷)
۵. ملکه استر، زنی خداترس بود که یهودیان را در پارس نجات داد.

۲. عهد جدید

(الف) از لحاظ فرهنگی چه در میان یهودیان و چه در جهان یونانی-رومی، زنان شهروندان درجه دوم محسوب می شدند و حقوق و مزایای اندکی داشتند. (مقدونیه در این میان استثنا بود.)

(ب) زنان در نقش رهبری

۱. الیزابت و مریم، زنان خداترس آماده به خدمت خدا بودند (لوقا ۱-۲)

۲. حنا، زن خداترس خدمتگذار در معبد خدا بود (لوقا ۲: ۳۶)

۳. لیدیا، ایماندار و رهبر کلیسای خانگی (اعمال ۱۶: ۱۴، ۴۰)

۴. چهار دختر باکره فیلیپس نبیه بودند (اعمال ۲۱: ۸-۹)

۵. فیبی، شماسه کلیسای کنخریه (روم. ۱۶: ۱)

۶. پریسکا (پرسکله)، همکار پولس و معلم آپولس (اعمال ۱۸: ۲۶؛ روم. ۱۶: ۳)

۷. مریم، طریفینا، طریفوسا، پرسیس، جولیا، خواهر نیریاس، چند زن همکار پولس بود (روم. ۱۶: ۶-۱۶)

۸. یونیا، احتمالاً یک رسول زن بوده است (روم ۱۶: ۷)

۹. افودیه و سنتیخی، همکاران پولس (فیل. ۴: ۲-۳)

۳. چگونه یک ایماندار امروزی میان نمونه های واگرای کتاب مقدس توازن ایجاد کند؟

الف) چگونه می توان حقایق تاریخی یا فرهنگی را که فقط در متن اصلی کاربرد دارند، از حقایق صادق ابدی برای تمامی کلیساها و همه ایمانداران در تمامی اعصار، تشخیص داد؟

۱. باید نیت نویسنده الهام یافته اصلی را بسیار جدی بگیریم. کتاب مقدس کلام خداست و تنها منبع ایمان و رفتار ماست.

۲. باید متنبایی که آشکارا شرایط تاریخی را در نظر دارند، خوب بررسی کنیم.

الف) آیین (مذهبی و مناجاتی) اسرائیل (ر.ک. اعمال ۱۵؛ غلا. ۳)

ب) یهودی گرایی قرن اول میلادی

ج) عبارات مشروط تاریخی آشکار پولس در اقرنتیان

۱. نظام قانونی روم بت پرست (۱ قرن. ۶)

۲. برده ماندن (۱ قرن. ۷: ۱-۳۵)

۳. تجرد و بیوگی (۱ قرن. ۷: ۱-۳۵)

۴. باکره ها (۱ قرن. ۷: ۳۶-۳۸)

۵. غذای قربانی بتها (۱ قرن. ۱۰: ۲۳-۳۳)

۶. اعمال ناشایست در شام خداوند (۱ قرن. ۱۱)

۳. خدا خود را به طور کامل و واضح به فرهنگی خاص در زمانی مشخص آشکار ساخت. ما باید این مکاشفه را جدی بگیریم، اما نه با تطبیق کامل با شرایط خاص تاریخی آن. کلام خدا به زبان انسانی و خطاب به فرهنگی مشخص در یک زمان مشخص نگاشته شد.

ب) تفسیر کتاب مقدسی باید در طلب نیت اصلی نویسنده باشد. نویسنده در روزگار خود چه می گفت؟ این برای تفسیر خوب یک پرسش اساسی و حیاتی است. اما پس از آن باید این امر را در زمان خودمان به کار ببریم. مسئله رهبری زنان از اینجا ناشی می شود (مشکلی تفسیری واقعی می تواند مربوط به تعریف این اصطلاح باشد. آیا به غیر از شبانان که رهبری کلیسا را برعهده داشتند، نقشهای رهبری دیگری نیز وجود داشت؟ آیا شماسه ها و نبیه ها نیز نقش رهبری داشتند؟) کاملاً واضح است که پولس در ۱ قرن. ۱۴: ۳۴-۳۵ و ۱ تیمو. ۲: ۹-۱۵ اظهار می دارد که زنان نباید رهبری پرستش عمومی را برعهده بگیرند! اما کاربرد امروزی آن چیست؟ نمی خواهم فرهنگ پولس یا فرهنگ خودم باعث شود که کلام خدا و اراده او به خاموشی گراید. ممکن است روزگار پولس بسیار محدود بوده باشد، اما روزگار من هم بسیار بی حد و مرز است. احساس ناراحتی می کنم از اینکه بگویم سخنان و تعالیم پولس بستگی به شرایط دارد، متعلق به قرن اول بوده یا حقایقی محلی محسوب می شود. من که هستم که بگذارم فکر و فرهنگم سخنان یک نویسنده تحت الهام الهی را بلا اثر کند؟!؟

اما با نمونه زنان رهبر در کتاب مقدس چه کنم (حتی در نوشته های پولس، ر.ک. روم ۱۶)؟ یک مثال خوب از این موضوع، بحث پولس درباره پرستش عمومی در ۱ قرن. ۱۱-۱۴ است. در ۱۱: ۵، به نظر می رسد که او اجازه می دهد زنان با سر پوشیده، در ملأ عام موعظه و دعا کنند، اما در ۱۴: ۳۴-۳۵ دستور می دهد آنها ساکت بمانند! شماسه ها (ر.ک. روم ۱۶: ۱) و نبیه ها (ر.ک. اعمال ۲۱: ۹) در کلیساها وجود داشتند. همین گوناگونی در بیان است که مرا مجاز می گرداند تا نصایح پولس (در مورد ممنوعیتهای مربوط به زنان) را به عنوان نصایحی محدود به قرن اول در

قرنتس و افسس، بدانم. در هر دو کلیسا زنانی که تازه به آزادی دست یافته بودند، مسئله ساز شدند (ر.ک. *Corinth After Paul Left* نوشته Bruce Winter) و کلیسایشان را در رسانیدن پیام مسیح به جامعه خود، دچار مشکل کردند. آزادی آنان می بایست محدود می شد تا انجیل موثرتر بشارت داده شود.

روزگار ما درست مقابل روزگار پولس است. در روزگار ما اگر به زنان ماهر در سخنوری اجازه داده نشود تا پیام انجیل را برسانند، یا مجاز به رهبری نباشند، امکان دارد رسانیدن پیام انجیل دچار اشکال شود! هدف غایی پرستش عمومی چیست؟ مگر بشارت و شاگردی نیست؟ آیا می توان با زنان رهبر، خدا را خشنود کرد و او را جلال داد؟ به نظر می رسد جواب کل کتاب مقدس به این سؤال مثبت باشد!

می خواهم به پولس توسل بجویم؛ الهیات من در اصل پولسی است. نمی خواهم بیش از حد تحت تأثیر فمینیسم مدرن قرار بگیرم! در عین حال احساس می کنم کلیسا در پاسخگویی به حقایق آشکار کتاب مقدس، مانند عدم اقتضای برده داری، نژادپرستی، تعصب خشک و جنسیت گرایی بسیار کند عمل می کند. در نشان دادن واکنش مناسب به سوء رفتار با زنان در جهان امروزی نیز کند بوده است. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می کند. من جرأت نمی کنم بگذارم متنی که مربوط به فرهنگی خاص بوده است، بار دیگر آنها را زیر یوغ بگیرد. بیان یک نکته دیگر نیز ضروری به نظر می رسد: من به عنوان مفسر کتاب مقدس به خوبی می دانم که کلیسای قرنتس بسیار از هم گسیخته بوده است. در آنجا اعضا به عطایای روحانی شان بسیار می بالیدند و بها می دادند. زنان ممکن است گرفتار این اشتباه شده باشند. همچنین ایمان دارم که افسس تحت تأثیر معلمین دروغین بود که از زنان بهره می جستند و از آنان به عنوان سخنگویان خود در کلیساهای خانگی افسس استفاده می کردند.

ج. پیشنهاداتی برای مطالعه بیشتر در این زمینه:

How to Read the Bible For All Its Worth, Gordon Fee and Doug Stuart (pp.61-67)

Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics, by Gordon Fee

Hard Sayings of the Bible, Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce and Manfred T. Branch (pp. 613-616)

عنوان خاص: یاری گرفتن پولس از زنان در کار خدمت

به فهرست زنانی که همکاران پولس در خدمت انجیل بودند و نامشان در رومیان فصل شانزدهم آمده است، توجه کنید (ر.ک. فیلیپیان ۳:۴): فیبی در آیه ۱؛ پرسکله در آیه ۳؛ مریم در آیه ۶؛ یونیا (یا یونیا) اگر چنین باشد، او مرد بوده است) در آیه ۷؛ طریفینا و طریفوسا در آیه ۱۲؛ پرسیس در آیه ۱۲؛ «مادرش» در آیه ۱۳؛ جولیا در آیه ۱۵؛ «خواهرش» در آیه ۱۵. مراقب باشید درباره ی مقوله ی شرکت زنان در کار خدمت، دچار دُگم باوری نگردید. هر ایمانداری دارای عطیه ای است (ر.ک. اول قرنتیان ۷:۱۲، ۱۱)؛ همه ی ایمانداران خادمان تمام-وقت هستند (ر.ک. افسسیان ۱۲:۴). در این فهرست، زن شماسی به نام فیبی را می بینیم و احتمالاً یک رسول زن، یونیا (Junia) (ر.ک. یوئیل ۲:۲۸؛ اعمال ۱۶:۲-۲۱). سخنان به ظاهر متناقض پولس مانند اول قرنتیان ۱۱:۴-۵ در قیاس با ۱۴:۳۴، کار ما در تشخیص نحوه ی برخورد کتاب مقدس با این مقوله را، دشوار می سازد.

□ «از طایفه ی اشیر» این موضوع نشان دهنده ی حضور یک طایفه از ده طایفه ی حکومت شمالی-که در سال ۷۲۲ ق.م. توسط آشور به اسارت برده شده بودند-در روزگار عیسی است؛ برخی از طایفه های حکومت شمالی از اسارت بازگشتند.

۳۷:۲ «هشتاد و چهار سال بیوه مانده بود» این زن پس از مرگ زود هنگام شوهرش، زندگی خود را به خدا وقف کرده بود.

□ «او هرگز از معبد بزرگ خارج نمی شد» این عبارت جزو آن دسته از عبارت هایی است که به موضوع بحث و مجادله ی مفسران تبدیل شده است. برخی از ایمانداران عصر حاضر تأکید دارند که یا این عبارت باید تحت اللفظی تفسیر شود (یعنی، او واقعاً در معبد زندگی می کرد)، یا حقایق کتاب مقدس زیر سؤال خواهد رفت. به نظر من، در عبارت آرایه ی «اغراق» به کار رفته است. او در طول روز در معبد بود و در همه ی مراسم مذهبی خاص، شرکت می جست. پرستش و عبادت خدا تمام زندگی او بود. همین مقوله ی تفسیر تحت اللفظی در برابر تفسیر مجازی را می توان بر موضوع خوابیدن حزقیال در مقابل منزلش در بابل به مدت روزهای طولانی، نیز تعمیم داد (حزقیال ۴:۴-۸).

۳۸:۲ «درباره‌ی آن طفل صحبت کرد» محتوای صحبت حنا بر ما معلوم نیست، در نتیجه، اصلاً چه ضرورتی وجود داشت که لوقا در انجیلش به او اشاره کند؟ لوقا درصدد بود تا شهادت دو شاهد را- بنا بر اقتضای شریعت موسی- ارائه کند (ر. ک. اعداد ۳۰:۳۵؛ تثیبه ۱۷:۶؛ ۱۵:۱۹). چه جوان (یحیی در رحم مادرش) و چه پیر (شمعون و حنا)، چه زن و چه مرد، کیستی عیسی را بازشناخته و تصدیق نمودند.

□ «در انتظار نجات اورشلیم بودند» رجوع کنید به یادداشت مربوط به «تسلی اسرائیل» در ۲۵:۲. زکریا نیز در ۶۸:۱-۷۴ در این خصوص صحبت می‌کند. درباره‌ی موضوع «رهایی» به عنوان خاص مربوطه در ۶۸:۱ رجوع کنید.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۹:۲-۴۰

۳۹ بعد از آنکه همه کارهایی را که در شریعت خداوند مقرر است انجام دادند، به شهر خود، ناصره جلیل برگشتند. ۴۰ و کودک سرشار از حکمت، بزرگ و قوی می‌گشت و لطف خدا با او بود.

۳۹:۲ «بعد از آنکه همه کارهایی را که در شریعت خداوند مقرر است انجام دادند» عیسی و والدینش از تمامی جهات، یهودیان راست‌دینی بودند. آنان تمام خواسته‌ها و مطالبات شریعت موسی را چه در خصوص خودشان و چه در خصوص طفل، به‌طور کامل در معبد اجرا نمودند.

□ «به... جلیل برگشتند» عیسی خدمت زمینی خود را از همین منطقه آغاز نمود، منطقه‌ای که در کتب عهد عتیق درباره‌ی آن پیش‌گویی شده بود (ر. ک. اشعیا ۱:۱۱). این منطقه نخستین بخش از سرزمین موعود بوده است که به‌وسیله‌ی سوریه، آشور، بابل و پارس، مورد تعدی و یورش قرار گرفته است.

□ «ناصره» روستایی که عیسی در آن دوران کودکی‌اش را سپری نمود، ناصره نام داشت. نام این روستا در کتب عهد عتیق، تلمود یا در نوشته‌های یوسفوس تاریخ‌نگار به چشم نمی‌خورد. ظاهراً تا زمان یوحنا هورکانوس (از سلسله‌ی هاسمونیان) که از ۱۳۴-۱۰۴ ق. م. سلطنت کرده است، این روستا هنوز تشکیل نشده بود. تعلق داشتن یوسف و مریم به این روستا به این امر اشاره دارد که خاندانی از نسل داوود در آن جا ساکن بوده است. ممکن است از جنبه‌ی ریشه‌شناسی، رابطه‌ای میان «ناصره» و عنوان مسیحایی «شاخه» وجود داشته باشد (ر. ک. متی ۲۳:۲، «به ناصری خوانده خواهد شد»)، که معادل آن در زبان عبری *netser* است (ر. ک. اشعیا ۱۱:۱؛ ارمیا ۲۳:۵؛ ۳۳:۱۵؛ زکریا ۳:۸؛ ۶:۱۲؛ مکاشفه ۵:۵؛ ۱۶:۲۲). رجوع کنید به عنوان خاص در ۳۴:۴.

ظاهراً به‌دلیل دور بودن موقعیت ناصره از اورشلیم و قرار گرفتن آن در منطقه‌ای متعلق به غریبه‌ودیان، برخورداری از اصالتی ناصری، مایه‌ی سرافکندگی بود (ر. ک. یوحنا ۴۶:۱ و اعمال ۵:۲۴، گرچه، همین موضوع نیز توسط نبی خدا نبوت شده بود [ر. ک. اشعیا ۱:۹]). ممکن است دقیقاً به همین دلیل، عبارت «عیسی ناصری، پادشاه یهود» بر آن لوحی که سربازان رومی بر روی صلیب، در بالای سر عیسی قرار دادند، نوشته شد.

۴۰:۲ «کودک... بزرگ و قوی می‌گشت» عیسی مانند هر کودک دیگری، به‌طور عادی از لحاظ فیزیکی، احساسی و روحانی رشد می‌یافت (مانند یحیی، ر. ک. ۸۰:۱) (ر. ک. آیه‌ی ۵۲، عنوان خاص در ۸۰:۱). احتمالاً این عبارت، جهت‌گیری ضد-گنوسی دارد. واضح است که عیسی همراه با سایر کودکان یهودی در کلاس‌های مدرسه‌ی کنیسه شرکت می‌کرد. عنوان خاص زیر را مطالعه نمایید.

عنوان خاص: گنوسی‌گری (طریقت گنوسی)

بیشتر اطلاعاتی که در مورد این بدعت داریم از نوشته‌های ناستیک قرن دوم می‌آید. با اینوجود، ایده‌های نخستین آن در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت. بعضی مرام مکتب فکری ولنتاین و سرنیان قرن دوم را اینگونه بیان می‌کنند: (۱) ماده و روح هردو ابدی هستند (نوعی دوگانگی هستی‌شناسانه). ماده شر، اما روح نیک است. خدا، که روح است نمی‌تواند مستقیماً در سرشتن ماده بد دست داشته باشد؛ (۲) بین خدا و ماده تجلی‌هایی وجود دارند (یونها یا سطوح فرشتگان). آخرین یا پایین‌ترین یهوه عهدعتیق بود که جهان (کازموس) را آفرید؛ (۳) عیسی تجلی همانند یهوه بود اما در قیاس بالاتر و نزدیکتر به خدای حقیقی. برخی او را بالاترین اما هنوز پایین‌تر از خدا می‌دانستند که قطعاً الوهیت جسم پوشیده (یوحنا ۱:۱۴) نبود. از آنجایی که ماده شر است، عیسی

نمی‌توانست بدنی انسانی داشته و با کماکان خدا باشد. او تجلی روحانی بود (۱ یوحنا ۱: ۳-۴؛ ۱-۶)؛ و (۴) نجات از طریق ایمان به عیسی و معرفتی خاص بدست آمد که تنها افرادی خاص می‌توانند از آن بهره‌مند باشند. برای گذشتن از لایه‌های آسمانی کسب معرفت (رمزهای عبور) ضرورت داشت. شریعت‌گرایی یهود نیز برای رسیدن به خدا لازم بود. معلمین دروغین ناستیکی دو سیستم اخلاقی متضاد را تبلیغ می‌کردند: (۱) برای برخی، طرز زندگی هیچ ربطی به نجات نداشت. برای آنها نجات و زندگی روحانی از طریق لایه‌های فرشتگان (ایونها) درون معرفت سری (رمزهای عبور) جاسازی شده بود؛ یا (۲) برای سایرین، زندگی شایسته برای دستیابی به نجات ضرورت محض داشت. آنها تاکید داشتند که زندگی همراه با ریاضت گواهی بود بر روحانیت حقیقی.



ترجمه‌ی قدیم: «فیض خدا بر وی می‌بود»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «فیض خدا بر او قرار داشت»

ترجمه‌ی مؤده: «لطف خدا با او بود»

واژه‌ی یونانی «charis» طیف معنایی گسترده‌ای دارد. در ص. ۲۶۲، جلد دوم، از کتاب «Greek-English Lexicon»، به‌قلم Low و Nida، «لطف، هدیه، سپاس، و قصد نیکو» را به عنوان ترجمه‌های پذیرفتنی این واژه معرفی می‌کند. تعبیری که این واژه در این آیه با اشاره به آن به کار رفته است، در میان اناجیل هم‌نظر منحصر به فرد است. این واژه بارها در انجیل لوقا به چشم می‌خورد، اما فقط در این آیه به تعبیر «فیض» به کار رفته است.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴۱:۲-۵۱

۴۱ والدین عیسی همه ساله برای عید فصح به اورشلیم می‌رفتند. ۴۲ وقتی او به دوازده سالگی رسید آنها طبق معمول برای آن عید به آنجا رفتند. ۴۳ وقتی روزهای عید به پایان رسید و آنان عازم شهر خود شدند، عیسی نوجوان در اورشلیم ماند ولی والدینش این را نمی‌دانستند ۴۴ و به گمان اینکه او در بین کاروان است یک روز تمام به سفر ادامه دادند و آن وقت در میان دوستان و خویشان خود به جستجوی او پرداختند. ۴۵ چون او را پیدا نکردند ناچار به اورشلیم برگشتند تا به دنبال او بگردند. ۴۶ بعد از سه روز او را در معبد بزرگ پیدا کردند - درحالی که در میان معلمان نشسته بود- و به آنان گوش می‌داد و از ایشان سوال می‌کرد. ۴۷ همه شنوندگان از هوش او و از پاسخهایی که می‌داد در حیرت بودند. ۴۸ والدین عیسی از دیدن او تعجب کردند و مادرش به او گفت: «پسر، چرا با ما چنین کردی؟ من و پدرت با نگرانی زیاد دنبال تو می‌گشتیم.» ۴۹ او گفت: «برای چه دنبال من می‌گشتید؟ مگر نمی‌دانستید که من موظف هستم در خانه پدرم باشم؟» ۵۰ اما آنان نفهمیدند که مقصود او چیست. ۵۱ عیسی با ایشان به ناصره بازگشت و مطیع آنان بود. مادرش همه این چیزها را در دل خود نگاه می‌داشت.

۴۱:۲ «همه ساله برای عید فصح به اورشلیم می‌رفتند» مردان یهودی، که سن‌شان بیش از ۲۱ سال بود، می‌بایست هر سال برای شرکت در سه جشن بزرگ سالیانه‌ی یهود، خود را به اورشلیم می‌رساندند (ر. ک. خروج ۲۳:۱۴-۱۷؛ ۲۳:۳۴؛ تثنیه ۱۶:۱۶). در قرن اول میلادی به دلیل زیاد بودن تعداد یهودیانی که خارج از فلسطین ساکن بودند، لزوم شرکت در سه جشن در هر سال، به یک جشن کاهش پیدا کرد. این موضوع، گواه دیگری است از پابندی و تعهد والدین عیسی به شریعت موسی. بنا به شریعت، الزامی برای حضور مریم در جشن‌ها نبود، اما وی این چنین خواسته بود.

۴۲:۲ «وقتی او به دوازده سالگی رسید» عیسی به تدریج به سن تکلیف (Bar Mitzvah) نزدیک می‌شد؛ سنی که یک نوجوان پسر در آن در برابر اجرای فرامین مذهبی یهودی صاحب مسؤولیت می‌شد. پسران در سیزده سالگی مکلف می‌شدند. احتمالاً لوقا به این دلیل به دوازده سال سن داشتن عیسی اشاره می‌کند تا نشان دهد که وی حتی در این سن، تا چه حد به‌طور کامل در شناخت کتب مقدس رشد یافته بود. بدیهی است که در این مقطع عیسی بر کیستی خود واقف بود (ر. ک. آیه‌ی ۴۹).

۴۳:۲ «وقتی روزهای عید به پایان رسید» این دسته‌های زائران، بنا به دلایل امنیتی به شکل گروهی به سوی اورشلیم راهی می‌شدند و معمولاً دو و یا هفت روز در آنجا می‌ماندند (ر. ک. خروج ۱۵:۱۲-۱۶؛ لاویان ۲۳:۶-۸؛ تثنیه ۱۶:۳).

□ «عیسی نوجوان در اورشلیم ماند ولی والدینش این را نمی دانستند» معمولاً در این کاروان‌های زیارتی، مردان و زنان به صورت جداگانه سفر می کردند و اغلب اوقات کودکان در بین راه با یکدیگر مشغول بازی می شدند. احتمالاً هر یک از والدین با خود فکر کرده است که عیسی تحت مراقبت آن دیگری است.

۴۴:۲ «یک روز تمام به سفر ادامه دادند و آن وقت ... به جستجوی او پرداختند» معمولاً این کاروان‌ها پس از ترک اورشلیم، برای سپری کردن شب، در شهر Beeroth - حدود ۱۳-۱۶ کیلومتری اورشلیم - توقف می کردند. مسافتی که روزانه به طور معمول پیموده می شد، در حدود ۳۲ کیلومتر بود.

۴۶:۲ «بعد از سه روز» این سه روز شامل: یک روز برای حرکت از اورشلیم، یک روز برای بازگشت به اورشلیم، و یک روز نیز صرف جستجوی عیسی گردید.

□ «در معبد بزرگ» در روزهای سبت و روزهای عید، معلمان مذهبی یهود در ایوان‌های سرپوشیده‌ی صحن مخصوص زنان در معبد سخنرانی می کردند (بیرونی ترین حیات معبد).

□ «به آنان گوش می داد و از ایشان سوال می کرد» عملکرد عیسی الگوی بسیار مؤثری برای همه‌ی ماست. همه‌ی ما معلمانی داشته‌ایم که بر ما تأثیر برجای گذاشته‌اند و خدا را برای وجود آنان سپاس می گوئیم. داشتن روحیه‌ای پذیرنده امری بسیار قابل ستایش است. با وجود این، زمانی فرا می رسد که تفکر ما به بلوغ رسیده و درباره‌ی آنچه به ما گفته شده است، شروع به پرسیدن پرسش‌هایی می کنیم، حتی از کسانی که مورد اعتمادمان بوده‌اند. شخص بالغ، هم گوش فرامی دهد و هم سوال می کند. حقیقتی که دیگران آن را با ما در میان می گذارند، می بایست به حقیقت شخصی ما تبدیل گردد.

۴۷:۲ «همه شنوندگان از هوش او و از پاسخهایی که می داد در حیرت بودند» این عبارت اخباری میانی ناکامل است، که به تجربه‌ای تکرارشونده اشاره دارد. این تنها فرصتی است (که از آن آگاهی داریم) که عیسی در اختیار داشت تا سخنرانی‌های معلمان مذهبی برجسته را در اورشلیم شنیده و درباره‌ی شریعت با آنان به بحث و گفتگو بپردازد. این قشر از رهبران مذهبی، همان گروهی خواهند بود که بعدها به سخنان عیسی بالغ، گوش فرانخواهند داد.

این آیه منحصر به فرد بودن عیسی را خاطرنشان می کند، در حالی که آیه ۵۲، بر عادی بودن عیسی تأکید دارد. هر دو این موارد، حقیقت می باشند. عیسی، از همان اوایل زندگی، می دانست که چه کسی است و چرا به این دنیا آمده است! با این وجود، او حقیقتاً و به معنای واقعی یک انسان بود!

۴۸:۲ «در حیرت بودند» معنای تحت‌اللفظی این واژه در زبان یونانی، «با مشت ضربه زدن» است (ر. ک. ۴۸:۲؛ ۳۲:۴؛ ۴۳:۹؛ اعمال ۱۳:۱۲).

□ «من و پدرت» به تفاوت موجود میان ضمیر شخصی پیوسته‌ای که مریم در عبارت «پدرت» به کار برده، با ضمیر شخصی پیوسته‌ای که عیسی در عبارت «پدرم» در آیه ۴۹ به کار برده است، توجه نمایند. آیه ۵۰ به وضوح نشان می دهد که مریم و یوسف این تمایز را به روشنی متوجه نشدند، اما عیسی نوجوان، کاملاً بر این نکته واقف بود!

□ «با نگرانی زیاد دنبال تو می گشتم» این عبارتی ناکامل است. سه روز بود که آنان در حال جستجوی عیسی بوده (ر. ک. ۴۶:۲) و به شدت نگران سلامتی وی بودند.

۴۹:۲ «مگر نمی دانستید که من موظف هستم در خانه‌ی پدرم باشم؟» این سخنان، نخستین کلماتی هستند که از زبان عیسی به ثبت رسیده است. این گفته، نشان می دهد که عیسی، حتی در همین سن کم خود، از اصل و نسب و هدف زندگی خود کاملاً آگاهی داشته است. همچنین، ممکن است لوقا این عبارت را در راستای رد بدعت «فرزندخوانده-انگاری» (Adoptionism) نگاشته است.

برای مطالعه‌ی یک مباحثه‌ی بسیار جالب توجه در خصوص «فرزندخوانده-انگاری»، و این موضوع که چگونه کاتبان در دوران آغازین مسیحیت، به منظور رد کردن این بدعت مسیح‌شناسی، دست به جرح و تعدیل نوشته‌های خود زده‌اند، رجوع کنید به صص. ۴۷-۱۱۸، از کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture*، به قلم Bart D. Ehrman. برای مطالعه‌ی تعریف کوتاهی از این بدعت، رجوع کنید به فهرست اصطلاحات در بخش ضمیمه.

۵۰:۲ در سه بخش از انجیل لوقا، به طور خاص به این موضوع اشاره شده است که شنوندگان عیسی سخنانش را درک نکردند.

۱. والدینش - ۵۰:۲

۲. گروه بزرگی از مردم - ۴۵:۹

۳. دوازده شاگرد - ۳۴:۱۸ (درباره‌ی مرگ عیسی)

دوازده شاگرد عیسی، علی‌رغم برخورداری از امتیاز ویژه‌ی شنیدن تعالیم عیسی به طور خصوصی (ر. ک. ۲۱:۱۰-۲۴)، تا پس از رستاخیز او (ر. ک. ۴۵:۲۴) قادر به درک سخنان وی درباره‌ی رنج و مرگی که در اورشلیم انتظارش را می‌کشید، نبودند (ر. ک. مرقس ۳۲:۹؛ یوحنا ۲۲:۲؛ ۱۶:۱۲؛ ۱۴:۲۶). در انجیل یوحنا این ناتوانی شاگردان در فهم سخنان عیسی، بخشی از «دوگانگی عمودی» است (یعنی، عیسی به عالم بالا تعلق دارد، اما انسان متعلق به عالم پایین است).

۵۱:۲ «عیسی با ایشان به ناصره بازگشت» این آخرین جایی است که در آن به یوسف اشاره شده است. گویا، وی در جوانی از دنیا رفته است، اما زوج مریم و یوسف، پیش از مرگ یوسف، صاحب چند فرزند بوده‌اند (ر. ک. متی ۱۲:۴۶؛ ۵۵:۱۳؛ مرقس ۳:۶؛ یوحنا ۱۲:۲؛ ۳:۷، ۵، ۱۰؛ اعمال ۱:۱۴؛ اول قرنتیان ۹:۵؛ غلاطیان ۱:۱۹).

□ «مطیع آنان بود» این فعل، فعل اضافی مجهول ناکامل است، به معنای «او به طور مستمر مطیع آنان بود». شریعت تأکید اکیدی بر این موضوع داشت (ر. ک. تثنیه ۲۱:۱۸-۲۱). عیسی در یک خانواده‌ی متعارف یهودی بزرگ شده، و از احکام متعارف یهودی درباره‌ی فرزندان، پیروی و اطاعت می‌نمود.

□ «مادرش همه‌ی این چیزها را در دل خود نگاه می‌داشت» مریم این رویدادهای اوایل زندگی عیسی را به‌خاطر می‌سپرد، اما تا رستاخیز، آنها را درک نمی‌کرد (آیه‌ی ۵۰). ظاهراً لوقا با مریم مصاحبه نموده است، و او یکی از منابع لوقا در نگارش این انجیل بوده است. به احتمال زیاد، این مصاحبه در طی دو سالی که پولس رسول در قیصریه زندانی بود، صورت گرفته است.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۵۲:۲

۵۲ عیسی در حکمت و قامت رشد می‌کرد و مورد پسند خدا و مردم بود.

۵۲:۲ دوران کودکی عیسی بسیار عادی سپری شده است. او حقیقتاً انسان است (بر خلاف نظر گنوسی‌ها)؛ و به همین خاطر، او ما را به طور کامل درک می‌کند (ر. ک. عبرانیان ۲:۱۸؛ ۴:۱۵)!

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در تفسیر کتاب مقدس، نقش اول را بر عهده دارید. شما نمی‌بایست از این وظیفه شانه خالی کنید و آن را صرفاً بر دوش مفسر کتاب مقدس بگذارید.

پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده‌ی نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. چرا می‌بایست برای عیسی و مریم قربانی گناه تقدیم گردد؟

۲. چه نکته‌ی غیر معمولی در پیغام شمعون به چشم می‌خورد؟

۳. چرا در حالی که سخنان حنا درباره‌ی عیسی به ثبت نرسیده، اما نام وی در انجیل ذکر شده است؟
۴. آیا دوران کودکی عیسی «عادی و طبیعی» بوده است؟
۵. سه مراسم مذهبی یهودی را که در آیات ۲۱-۲۴ به آنها اشاره شده است، نام ببرید.
۶. چرا لوقا شرح ملاقات مجوسیان و فرار به مصر را از روایت انجیلش حذف کرده است؟
۷. یهودیت راست‌دین، چه دیدی نسبت به عیسی داشت؟
۸. آیات ۴۰ و ۵۲ به چه موضوعی اشاره دارند؟
۹. آیا رویدادی که در آیه‌ی ۴۰ رخ داد، حاکی از مکلف شدن عیسی دارد؟
۱۰. نحوه سفر کاروان‌های زیارتی توضیح دهید. آیا به این دلیل والدین عیسی به مدت یک روزِ کامل، او را گم کرده بودند؟
۱۱. چرا والدین عیسی متحیر بودند؟ چرا عیسی با دیدن واکنش آنان متحیر گشت؟

انجیل لوقا فصل سوم
تقسیم‌بندی بر اساس پاراگراف‌ها در ترجمه‌های مختلف

ترجمه‌ی قدیم	ترجمه‌ی هزاره‌ی نو	ترجمه‌ی مؤده
یحیی تعمید دهنده راه را برای عیسی آماده می‌کند لوقا ۱:۳-۱۸	یحیی هموارکننده‌ی راه مسیح لوقا ۱:۳-۲۰	پیام یحیی لوقا ۱:۳-۲۰
هیروдіس یحیی را زندانی می‌کند لوقا ۳:۱۹-۲۰	تعمید عیسی و شجره‌نامه‌ی او لوقا ۲۱:۳-۳۸	تعمید گرفتن عیسی لوقا ۲۱:۳-۲۲
یحیی عیسی را تعمید می‌دهد لوقا ۳:۲۱-۲۲		
نسب‌نامه‌ی عیسی لوقا ۳:۲۳-۳۸		شجره‌نامه‌ی عیسی لوقا ۳:۲۳-۳۸

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه‌ی خوب کتاب مقدس» صفحه‌ی vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در تفسیر کتاب مقدس، نقش اول را بر عهده دارید. شما نمی‌بایست از این وظیفه شانه خالی کنید و آن را صرفاً بر دوش مفسر کتاب مقدس بگذارید.

این فصل را در یک نشست، از ابتدا تا انتها بخوانید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با ترجمه‌ی جدید کتاب مقدس مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. الی آخر...

مطالعه‌ی واژگان و عبارت‌ها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱:۳-۶

۱ در پانزدهمین سال حکومت طبریوس قیصر، وقتی پنطیوس پیلاتس فرماندار یهودیه و هیروдіس، حاکم استان جلیل و برادرش فیلیپس، حاکم استانهای ایتوریه و نواحی ترخونیتس، و لیسانیوس حاکم آبلیه بود، ۲ یعنی در زمانی که حنا و قیافا کاهنان اعظم بودند، کلام خدا در بیابان به یحیی پسر زکریا رسید. ۳ او به تمام نواحی اطراف رود اردن می‌رفت و اعلام می‌کرد که مردم توبه کنند و برای آمرزش گناهان خود تعمید بگیرند. ۴ همچنان که در کتاب اشعای نبی آمده است: «شخصی در بیابان فریاد می‌زند: راهی برای خداوند آماده سازید، طریق او را راست نمایید. ۵ درّه‌ها پر شوند، کوه‌ها و تپه‌ها صاف گردند، کجی‌ها راست خواهند شد راه‌های ناهموار هموار خواهند گشت ۶ و همه آدمیان نجات خدا را خواهند دید.»

۱:۳ «در پانزدهمین سال حکومت طبریوس قیصر» این تاریخ، به طور دقیق مشخص نیست، اما به احتمال زیاد، تاریخ محتمل آن میان ۲۷ م. تا ۲۹ م. می باشد. طبریوس دو سال پیش از مرگ اوگستوس قیصر، امپراتوری را در دست گرفت، و از ۱۴ م. تا ۳۷ م. بر مسند قیصر تکیه زد. کاملاً آشکار است که آیات ۱ و ۲، بازتابنده‌ی تلاش لوقا در راستای هر چه دقیق‌تر ارائه نمودن تاریخ به وقوع پیوستن رویدادهاست. لوقا بیش از سایر نویسندگان عهدجدید، این دغدغه را دارد که رویدادهای مذکور در انجیلش را با یادآور شدن وقایع تاریخی آن عصر، به ثبت برساند. مسیحیت دینی است با بنیاد سندیت تاریخی. تأیید یا عدم تأیید مسیحیت، وابسته است به سندیت تاریخی رویدادهایی که کتاب مقدس آنها را به ثبت رسانیده است.

□ وقتی پنطیوس پیلطس فرماندار یهودیه» عنوان خاص زیر را مطالعه نمایید.

عنوان خاص: پنطیوس پیلطس

۱. خصوصیات پیلطس:

- ا. مکان و زمان تولد او نامعلوم است.
 - ب. از رتبه چابک سوار (طبقه بالاتر از متوسط جامعه روم)
 - ج. متأهل، مشخص نیست که فرزندی داشته یا نه
 - د. مقامات اداری پیشین او (که احتمالاً مقامات زیادی بوده اند) نامعلوم است
۲. شخصیت او:

ا. دو دیدگاه متفاوت

۱. فیلو (*Legatio and Gaium* ۲۹۹-۳۰۵) و یوسفوس (*Antiq.* 18.3.1 و *Jewish Wars* 2.9.2-4) او را دیکتاتوری بیرحم و

پیدادگر توصیف کرده اند.

۲. عهد جدید (اناجیل، اعمال) می گویند او یک فرماندار رومی ضعیف النفس بود که به آسانی فریب می خورد

ب. پُل بارت در کتاب *Jesus and the Rise of Early Christianity* صفحات ۱۴۳-۱۴۴ توضیح شنیدنی ای از این دو دیدگاه ارائه می دهد.

۱. پیلطس در سال ۲۶ م. در زمان امپراتوری تیریوس، که طرفدار یهودیان بود (ر.ک. *Philo, Legatio and Gaium*, 160-161)

به فرمانداری منصوب شد، اما مشاور ضد-یهودی امپراتور، سِجانوس وی را به این سمت منصوب نمود.

۲. تیریوس به ناچار، قدرت سیاسی خود را به *L. Aelius Sejanus*، مشاور پر قدرتش واگذار کرده بود که در پشت تخت امپراتوری

قدرت واقعی را بدست داشت و از یهودیان منزجر بود (*Philo, Legatio land Gaium*, 159-160).

۳. پیلطس دست نشانده سِجانوس بود و می کوشید تا به روشهای زیر وی را تحت تأثیر قرار دهد:

ا) وارد کردن معیارهای رومی در اورشلیم (۲۶ م.) که سایر فرماندار چنین نکرده بودند. این نمادهای خدایان رومی، یهودیان را به

آتش می کشید (ر.ک. *Josephus' Antiq.* 18: 31; *Jewish Wars* 2.9.2-3).

ب) ضرب سکه (۲۹-۳۱ م.) که دارای نقش خدایان روم بود. یوسفوس می گوید که او عمداً می کوشید تا فرهنگ و قوانین یهود را

براندازد (ر.ک. *Josephus, Antiq.* ۱۸,۴, ۲).

ج) گرفتن پول از خزانه معبد برای ساخت یک قنات در اورشلیم (ر.ک. *Josephus, Antiq.* 18.3.2; *Jewish Wars* 2.9.3).

د) کشتن چند تن از جلیلیانی که در هنگام عید فصح در اورشلیم قربانی می گذرانیدند (ر.ک. لوقا ۱۳: ۱۲).

ه) آوردن سپرهای رومی به داخل اورشلیم در ۳۱ م. پسر هیرودیس کبیر از او درخواست کرد تا آنها را بر دارد، اما او نپذیرفت. پس

نامه ای به تیریوس فرستادند و او دستور داد تا آن سپرها را برداشته از راه دریا به قیصریه بازگردانند (ر.ک. *Philo, Legatio*

and Gaium, 299-305).

و) بسیاری از سامریان را که بر کوه جرزیم در جستجوی اشیاء مقدس گمشده مذهب خود بودند، قتل عام کرد (۳۷/۳۶ م.). این کار

موجب شد که سرپرست محلی پیلطس (ویتلیوس، افسر ارشد سوریه) او را از مقامش معزول نموده به روم بازفرستد (ر.ک.

یوسفوس، *Antiq.* 18. 4.1-2).

ز) سجانوس در سال ۳۱ م. اعدام شد و قدرت کامل سیاسی تیبریوس اعاده شد، بنابراین، پیلطس احتمالاً شماره های ۱، ۲، ۳ و ۴ را برای جلب اعتماد سجانوس انجام داد. امکان دارد شماره های ۵ و ۶ تلاشهای وی برای جلب اعتماد تیبریوس بوده که نتیجه معکوس گرفته اند.

ح) آشکارا با وجود اعاده قدرت یک امپراتور دوستدار یهودیان و نامه شخصی تیبریوس به فرمانداران رومی در ملاطفت با یهودیان (ر.ک. Philo, *Legatio and Gaium*, 160-161) بود که رهبران یهود در اورشلیم با استفاده از ضعف سیاسی پیلطس در برابر تیبریوس او را با مهارت وادار به مصلوب کردن عیسی نمودند. این فرضیه ارائه شده توسط بارنت، دو دیدگاه مربوط به پیلطس را به شیوه ای قابل توجه به هم می پیوندند.

۳. سرنوشت او

أ. او درست پس از مرگ تیبریوس به روم رسید (۳۷ م.).

ب. دوباره به سمت قبلی خود منصوب نشد.

ج. زندگی اش از آن پس نامعلوم است. فرضیه های بسیاری در این مورد وجود دارد اما هیچیک قطعیت ندارد.

□ «**هیرودیس، حاکم استان جلیل**» هیرودیس انتیپاس، ۴ ق. م. - ۳۹ م. ، حاکم یا تترارک خوانده شده است. پس از آن که نام خود را به «پادشاه» تغییر داد، توسط کالیگولا برکنار شد. عنوان خاص زیر را مطالعه نمایید.

عنوان خاص: خاندان هیرودیس کبیر

□ «**برادرش فیلیپس، حاکم استانهای ایتوریه و نواحی ترخونیتس**» فیلیپس، ۴ ق. م. - ۳۴ م. ، بهترین حاکم در میان فرزندان هیرودیس کبیر بود.

□ «**لیسانئوس حاکم آبلیه^۸ بود**» نام این فرد، فقط در این بخش از کتب عهد جدید مورد اشاره قرار گرفته است. یوسفوس، به یکی از فرزندان بطلمیوس (Ptolemy)، که از سال ۴۰ ق. م.، بر کالسیس (Chalcis) - که شامل آبلیه (و نه آبیلینی) بود - حکومت می نمود، اشاره می کند (ر.ک. یوسفوس، کتاب 14.13.3 - Antiq. 15.4.1).

در کتیبه ای متعلق به آبیلینی، به طور خاص به تترارکی به نام لیسانئوس اشاره شده است. قدمت این کتیبه، به سال ۱۱ م. یا ۱۴-۲۹ م. می رسد. یوسفوس، همچنین در ارتباط با آبلیه، به فردی به نام لیسانئوس اشاره کرده است (ر.ک. Antiq. 19.5.1; 20.7.1; and Jewish Wars 2.11.5; 2.12.8). دوباره، تعهد لوقا را نسبت به تاریخ، به اثبات می رسد. آبیلینی در شمال جلیل قرار دارد و از ابتدا در قلمروی هیرودیس کبیر بوده است.

۲:۳ «**یعنی در زمانی که حنا ... کاهنان اعظم بودند**» معادل یونانی نام حنا، «Hannas» است؛ یوسفوس این فرد را «Hannanos» می خواند. به نظر می رسد این نام از واژه ی عبری «رحیم» یا «قیاض» مشتق شده باشد (hānān).

^۸ در ترجمه ی NASB، ترجمه ای که مؤلف در تفسیرهایش آن را مرجع قرار داده است، نام این منطقه به جای Abilene، Abila آمده است، در میان ترجمه های فارسی کتاب مقدس نیز، در ترجمه ی هزاره ی نو، «آبیلینی» آمده است. مترجم

در عهد عتیق، کاهن اعظم می‌بایست تا آخر عمر خود، خدا را خدمت کرده و نیز باید حتماً از خاندان هارون می‌بود. اما، رومی‌ها این مقام را به شغل سیاسی پرسودی برای خاندان لاوی تبدیل کرده بودند. کاهن اعظم تمامی خرید و فروشی را که در صحن زنان در معبد صورت می‌گرفت، اداره می‌نمود. تطهیر معبد توسط عیسی، خشم این خاندان را برافروخته بود.

طبق گفته‌ی یوسفوس، حنانيا در سال‌های ۶-۱۴ م. کاهن اعظم بوده است. وی توسط کیرینیوس به این مقام منصوب شده، و توسط والریوس گراتوس نیز عزل گردید. پس از او، بستگانش (۵ پسر و ۱ نوه) جایگزین او گشتند. قیافا (۱۸-۳۶ م.)، داماد حنانيا (یوحنا ۱۸:۱۳)، نخستین جانشین او بود. اما، در دوره‌ای که قیافا رئیس کهنه بود، در اصل، قدرت همچنان در اختیار حنانيا بود. یوحنا وی را اولین فردی معرفی می‌کند که عیسی را پس از دستگیری، نزدش بردند(ر. ک. یوحنا ۱۸:۱۳؛ ۱۹-۲۲).

■ «قیافا» قیافا کاهن اعظم بود (۱۸-۳۶ م.)؛ رومی‌ها در ازای دریافت مبلغی، او را به این مقام منصوب کرده بودند. او داماد حنانيا، کاهن اعظم پیش از خود بود (۶-۱۵ م.). این خاندان قدرتمند، با انگیزه‌ی سیاسی و به قصد ثروت‌اندوزی به این مقام رسیده بود، و نه با انگیزه‌ای روحانی. عادلانه نخواهد بود که همه‌ی صدوقیان یا اعضای سنهدرین را، با محک این خاندان، مورد قضاوت قرار دهیم.

■ «کلام خدا» این عبارت، اصطلاحی رایج در کتب عهد عتیق برای سخن گفتن خدا با انبیا است (مانند، ارمیا ۲:۱). در این بخش، برای پیغام خدا از زبان آخرین نبی عهد عتیق، یحیی تعمیده دهنده، به کار رفته است.

■ «در بیابان» احتمالاً او عضو گروه یا فرقه‌ی اِسنی‌ها (Essene Community) و یا صرفاً شرکت‌کننده در جمع آنان (ر. ک. مرقس ۴:۱؛ متی ۱:۳) بوده است. بیابان همچنین محل سکونت همیشگی ایلای نبی بود. ظاهر، رفتار و شیوه‌ی زندگی یحیی، به ایلای شباهت داشت. عیسی درباره‌ی یحیی می‌گوید که او تمام نبوت‌های مذکور در فصل‌های ۳ و ۴ ملاکی را -درباره‌ی ظهور مجدد ایلای پیش از آمدن ماشیح- به تحقق رساند (ر. ک. متی ۱۱:۱۴؛ ۱۷:۱۰-۱۳).

■ «تعمید» موارد زیر را شاید بتوان به عنوان پیش‌زمینه‌ی آیین تعمید آب در فلسطین قرن اول میلادی ذکر کرد:

۱. فرقه‌ی اسنی‌ها (از طومارهای دریای مرده)
۲. تعمید نوگرویدگان غیریهودی به دین یهود
۳. نمادی از پاکی و طهارت در دین یهود (ر. ک. اشعیا ۱:۱۶)

■ «توبه» عنوان خاص زیر را مطالعه نمایید.

عنوان خاص: توبه

توبه (همراه با ایمان) یکی از ملزومات عهد چه در عهد عتیق (*Nacham*، I پاد. ۸: ۴۷؛ *Shuv*، I پاد. ۸: ۴۸؛ حز. ۱۴: ۶؛ ۱۸: ۳۰؛ یوئیل ۲: ۱۲-۱۳؛ زکریا ۱: ۴-۳) و چه در عهد جدید است.

۱. یحیای تعمید دهنده (متی ۳: ۲؛ مرقس ۱: ۴؛ لوقا ۳: ۳۸)
 ۲. عیسی (متی ۴: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۵؛ ۲: ۱۷؛ لوقا ۵: ۳۲؛ ۱۳: ۵؛ ۱۵: ۷؛ ۱۷: ۳)
 ۳. پطرس (اعمال ۲: ۳۸؛ ۳: ۱۹؛ ۸: ۲۲؛ ۱۱: ۱۸؛ II پطرس ۳: ۹)
 ۴. پولس (اعمال ۱۳: ۲۴؛ ۱۷: ۳۰؛ ۲۰: ۲۱؛ ۲۶: ۲۰؛ روم ۲: ۴؛ II قرن ۲: ۹-۱۰)
- اما توبه چیست؟ آیا اندوهگین شدن یا قطع گناه کردن است؟ بهترین فصل کتاب عهد جدید برای درک تفاوت معانی این مفهوم، II قرن‌یان ۷: ۸-۱۱ است که در آن سه واژه یونانی مرتبط، اما در عین حال متفاوت بکار رفته اند.

۱. "ناراحتی/حزن/غم" (*lupe-*، ر. ک. آیات ۸ [دوبار]، ۹ [سه بار]، ۱۰ [دو بار]، ۱۱). این واژه به معنی اندوه یا پریشانی است و معنای الهیاتی خنثی دارد.
۲. "توبه" (*metanoeo-*، ر. ک. آیات ۹، ۱۰). این واژه ترکیبی از "فکر" و "پسین"، به معنی تفکری جدید، طرز تفکری تازه، در پیش گرفتن

برخوردی جدید با زندگی و خدا است. توبه حقیقی چنین است.

"پشیمانی" (*metanoeo*-) ر.ک. آیات ۸ [بار] ۱۰). این واژه ترکیبی از "توجه/بیم" و "پسین" است. در مورد یهودا در متی ۲۷: ۳ و عیسو در عبر. ۱۲: ۱۶-۱۷ مورد استفاده قرار گرفته است. حاوی معنای اندوه از عواقب عمل است و نه اندوه از اعمال انجام شده. توبه و ایمان در رفتار مربوط به عهد الزامی هستند (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۲: ۳۸، ۴۱؛ ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱). از برخی متون چنین برداشت می شود که خدا توبه را می بخشاید (ر.ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ II تیمو. ۲: ۲۵). اما در اکثر متون، توبه به عنوان پاسخ الزامی انسان به عهد پیشنهادی نجات رایگان خدا، تلقی می شود (بازگشت به مشارکت خانوادگی، ر.ک. لوقا ۱۵: ۲۰-۲۴).

معنی هر دو واژه عبری و یونانی، ضرورتاً معنی کامل توبه را دربردارد. واژه عبری حاوی معنی "تغییر رفتار" و واژه یونانی حاوی "تغییر فکر" است. شخص نجات یافته فکر و دلی تازه دریافت می کند. او به گونه متفاوتی می اندیشد و زندگی می نماید. در عوض پرسش: "این چه نفعی برای من دارد؟"، سوال او اکنون این است که: "اراده خدا چیست؟" توبه یک احساس گذرا یا بی گناهی مطلق نیست، بلکه رابطه ای جدید با خدای قدوس است که به تدریج شخص ایماندار را مقدس می گرداند.

□ «آموزش گناهان» این عبارت، وجهی است از یک اصطلاح معمول یونانی *aphiēm*، که اغلب به معنای آموزش گناه به کار رفته است (ر.ک. ۲۰: ۵، ۲۱، ۲۳، ۲۴؛ ۷: ۴۷، ۴۸). همچنین این اصطلاح، یک اصطلاح پزشکی است (*aphesis*)، به مفهوم «کاسته شدن از شدت بیماری» (ر.ک. ۳۹: ۴). لوقا به دفعات از اصطلاح *aphesis* در نوشته های خود بهره گرفته است، اما این اصطلاح در انجیل متی صرفاً یک بار، در مرقس دو بار، در یوحنا هرگز و در نوشته های پولس نیز فقط دوبار به چشم می خورد.

رسالت یحیی، دعوت از اسرائیل به بازگشت از گناه و از انجام دادن مراسم صرف و بدون داشتن دید ایمان، به سمت ایمان شخصی به خداوند بود. پیغام او مشخصاً خطاب به قوم طرف عهد خدا بود، قومی که پیمان رحمت و محبت یهوه را مکرراً شکسته و به درستی آن را درک نکرده بود. یحیی آن نیاز روحانی ای را که تنها و تنها عیسی قادر به رفعش بود، برجسته تر نموده و مورد تأکید قرار داد.

عنوان خاص: واژه های به کار رفته در معنای «آموزش گناهان»

در زیر، اکثر واژه ها یا اصطلاحات عبری که بیان کننده ی مفهوم آموزش گناه و عصیان انسان توسط خدا می باشند، ارائه شده است.

۱. «بخشیدن»، «آموزیدن»، *לָמַד* KB 757, BDB 669، برای مثال: خروج ۹: ۳۴؛ لاویان ۲۰: ۴، ۲۶، ۳۱، ۳۵؛ ۱۰: ۵، ۱۳، ۱۶، ۱۸؛ ۷: ۶؛ ۲۲: ۱۹؛ اعداد ۱۴: ۲۰؛ ۲۵: ۱۵-۲۸؛ ۳۰: ۵، ۸، ۱۲؛ اول پادشاهان ۳۰: ۸، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۵۰؛ مزمور ۱۱: ۲۵؛ ۱۰۳: ۳؛ اشعیا ۷: ۵۵؛ دانیال ۱۹: ۹؛ عاموس ۲: ۷ (این اصطلاح همواره در ارتباط با خدا به کار رفته، و هرگز در مورد انسان استفاده نشده است)
۲. «زدودن»، «محو کردن»، *מָחָה* (فعلی بسیار رایج، با معانی متعدد) - KB 724, BDB 669، برای مثال: خروج ۲۱: ۲۳؛ ۳۲: ۳۲؛ ۷: ۳۴؛ اعداد ۱۴: ۱۸؛ یوشع ۱۹: ۲۴؛ مزمور ۱۸: ۲۵؛ ۱۳۲: ۱، ۵؛ ۲: ۸۵؛ ۸: ۹۹؛ میکاه ۱۸: ۷
۳. «پوشش دادن»، «کفاره دادن»، *כָּפַר* KB 493, BDB 497، برای مثال: در کتاب لاویان به فراوانی به کار رفته است؛ مزمور ۳: ۶۵؛ ۳۸: ۷۸؛ ۹: ۷۹؛ اشعیا ۷: ۶؛ ۷: ۲۲؛ ۱۴: ۲۲؛ ارمیا ۲۳: ۱۸؛ حزقیال ۶۳: ۱۶؛ دانیال ۲۴: ۹
۴. «از بین بردن»، «محو ساختن»، *מָחָה* KB 567, BDB 562، برای مثال: نحمیا ۵: ۴؛ مزمور ۱: ۵۱؛ ۹؛ اشعیا ۲۵: ۴۳؛ ۲۲: ۴۴؛ ارمیا ۲۳: ۱۸
۵. «شفا دادن»، *שָׁפַח* KB 1272, BDB 950، برای مثال: دوم تواریخ ۱۴: ۷؛ مزمور ۴: ۴۱؛ ۱۰۳: ۳؛ اشعیا ۶: ۱۰؛ ۱۸: ۵۷؛ ارمیا ۲۲: ۳؛ ۱۴: ۱۷؛ ۱۷: ۳۰؛ هوشع ۴: ۱۴؛ ۱۳: ۵
۶. «چشم پوشیدن»، *כָּבַח* KB 778, BDB 716، برای مثال: امثال ۱۱: ۱۹؛ عاموس ۸: ۷؛ ۲: ۸؛ میکاه ۱۸: ۷
۷. «شستن»، *שָׁחַח* KB 459, BDB 460، برای مثال: مزمور ۲: ۵۱؛ ۷؛ ارمیا ۲۲: ۲؛ ۱۴: ۴
۸. «ظاهر کردن»، *הִפָּחֵהוּ* KB 369, BDB 372، برای مثال: لاویان ۱۶: ۳۰؛ مزمور ۷: ۵۱؛ امثال ۹: ۲۰؛ حزقیال ۱۳: ۲۴؛ ۲۵: ۳۶
۹. «به پشت سر انداختن»، KB 1527, BDB 1020، برای مثال: اشعیا ۱۷: ۳۸؛ میکاه ۱۹: ۷
۱۰. «شست و شو کردن»، *שָׁחַח* KB 305, BDB 306، برای مثال: مزمور ۷: ۵۱ (تنها در این آیه، این فعل رایج، به طور ضمنی به تطهیر الاهی اشاره دارد)
۱۱. «پوشاندن چهره»، *הִסָּח* KB 771, BDB 711، برای مثال: مزمور ۹: ۵۱

۴:۳-۶ این بخش، نقل قولی است از اشعیا ۳:۴۰-۵. تنها لوقا است که به طور کامل آیات ۴ و ۵ را نقل قول کرده است؛ در سایر اناجیل فقط آیه ی ۳، نقل قول شده است. این امر، نشانگر تأکید لوقا بر واقعیت جهان شمولی بودن پیغام انجیل است.

و جوه مشترک این نقل قول از کتب عهد عتیق با یحیی:

۱. یحیی در «بیابان» زندگی می کرد.
۲. یحیی باید قوم را برای پیغام و خدمت عیسی، ماشیح، آماده می نمود.
۳. تمام موانع بر سر راه خدا-که در این جا به صورتی نمادین به شکل موانعی فیزیکی نشان داده شده اند-باید برداشته می شد.
۴. «همه ی آدمیان» نجات خدا را خواهند دید و در دسترسشان قرار خواهد گرفت.

۴:۳ «همچنان که در کتاب...آمده است» این عبارت، وجه اخباری مجهول کامل لفظ *graphō* است، که تعبیری عبری است و برای معرفی نقل قولی از کتب عهد عتیق به کار می رفته است. لفظ یونانی *graphē*، اغلب برای توصیف کردن «کتب مقدس» در کتب عهد جدید به کار رفته است (ر. ک. ۲۱:۴؛ ۲۷:۲۴؛ ۳۲).

□ «در کتاب» معادل یونانی این واژه، *biblos* است (ر. ک. ۴۲:۲۰)، که در زبان انگلیسی، واژه ی «book» و بعدها، «Bible» از آن گرفته شده است، اما، این واژه در این آیه به یک طومار پوستی اشاره دارد (ر. ک. ۲۰:۴؛ مکاشفه ۵:۱-۵).

□ «راهی برای خداوند آماده سازید» این فعل در وجه امری معلوم نامعین است، که ضرورت این مهم را مورد تأکید قرار می دهد. در متون مازورتنی عبری (Masoretic Hebrew text) در هنگام قرائت متن، به جای واژه ی *یهوه* که در این متن وجود دارد، واژه ی «خداوند» (یعنی، *Adon*) جایگزین می شود. اما، این عبارت، در اصل، به مهیا کردن مقدمات از جنبه ی فیزیکی، برای یک ملاقات سلطنتی اشاره داشته است (ر. ک. اشعیا ۱۴:۵۷؛ ۶۲:۱۰). بعدها، این اصطلاح، به طور استعاری به خدمت یحیی تعمید دهنده-از لحاظ روحانی آماده نمودن راه برای عیسی، ماشیح، که همچنین «خداوند» (یعنی، *kurios*) خوانده می شود-اشاره داشته است.

□ «برای خداوند» نویسندگان کتب عهد جدید، به کرات نوشته های عهد عتیق درباره ی *یهوه* را به عیسی نسبت داده اند.

□ «طریق او را راست نمایید» در ترجمه ی هفتادگان و متن مازورتنی چنین آمده است: «طریق خدای ما را راست نمایید». مرقس (یا پطرس) به این منظور که این آیه به طور خاص عیسی را مدنظر داشته باشد، و نه *یهوه* را (لوقا در این نگارش این آیات، از انجیل مرقس بهره گرفته است)، متن عهد عتیقی را جرح و تعدیل کرده است (یا از یک منبع ناشناخته نقل قول کرده است).

۵:۳ تصویرپردازی این آیه را، به دو شکل می توان درک نمود:

۱. از لحاظ تاریخی، برای مفهوم آماده کردن مسیر برای باز دیدی سلطنتی به کار رفته است.
۲. از جنبه ی آخرت شناسانه، برای تمام آن موانع فیزیکی ای که از مسیر گردهم آمدن قوم خدا در حضورش، برداشته شده اند، به کار رفته است.

۶:۳ «همه ی آدمیان نجات خدا را خواهند دید» «نجات» برگرفته از ترجمه ی هفتادگان است؛ در انجیل متی «جلال» آمده است (ر. ک. ۳:۳۰-۳۲). لوقا-که به مخاطبان غیر یهودی می نویسد-بر نجات جهان شمول (یعنی، برای همه ی آنانی که توبه کرده و ایمان آورند) تأکید می کند.

۷ انبوه مردم می آمدند تا از دست یحیای تعمید بگیرند. او به ایشان گفت: «ای مارها، چه کسی شما را آگاه ساخت تا از خشم و غضب آینده بگریزید؟»
 ۸ پس توبه خود را با ثمراتی که به بار می آورید، نشان دهید و پیش خود نگویند که ما پدری مانند ابراهیم داریم. بدانید که خدا قادر است از این سنگها
 فرزندان برای ابراهیم بیافریند. ۹ تیشه بر ریشه درختان گذاشته شده و هر درختی که میوه خوب به بار نیاورد، بریده و در آتش افکنده خواهد شد.»

۷:۳

ترجمه ی قدیم: «گفت»

ترجمه ی هزاره ی نو: «می گفت»

ترجمه ی مؤده: «گفت»

در زبان یونانی، این فعل دارای وجه ناکامل است، و نشان دهنده ی این واقعیت است که یحیی تعمیددهنده به کرات این پیغام را تکرار کرده است.

□ «انبوه مردم می آمدند» این فعل، در وجه وصفی حال میانی است که بر تداوم آمدن مردم به سوی یحیی اشاره دارد. تشنگی روحانی شدیدی در اسرائیل وجود داشت.

□

ترجمه ی قدیم: «ای افعی زادگان»

ترجمه ی هزاره ی نو: «ای افعی زادگان»

ترجمه ی مؤده: «ای مارها»

در آن جماعت انبوه، رهبران مذهبی یهود نیز حضور داشتند (ر. ک. ۲۳:۲۳؛ ۳۴:۱۲). این عبارت، در متی ۷:۳ برای صدوقیان خودپارسانگار به کار رفته است. می بایست به یاد داشته باشیم که مردم، این رهبران مذهبی را مورد احترام و تمجید قرار می دادند (یعنی، صدوقیان و فریسیان). یحیی به هیچ وجه از آنان تعریف و تمجید نکرد، بلکه ایشان را به توبه و ایمان شخصی دعوت نمود (ر. ک. مرقس ۱:۱۵).

□ «خشم و غضب آینده» آخرت شناسی عصر جدید روح القدس را نوید می دهد، اما همچنین سخن از روز داوری نیز در میان است (ر. ک. متی ۲۴-۲۵). هر که به او بیش تر داده شود، از او بیش تر نیز مطالبه خواهد شد (ر. ک. ۴۸:۱۲).

۸:۳

ترجمه ی قدیم: «پس ثمرات مناسب توبه بیاورید»

ترجمه ی هزاره ی نو: «پس ثمرات شایسته ی توبه بیاورید»

ترجمه ی مؤده: «پس توبه ی خود را با ثمراتی که به بار می آورید، نشان دهید»

این فعل در وجه امری معلوم نامعین آمده است. یحیی بر دگرگونی در شیوه ی زندگی تأکید می کرد، تغییری که بازنمودی از دگرگونی حقیقی در قلب (توبه) باشد. این مفهوم ثمره ی روحانی، در متی ۷:۱۵-۲۳؛ ۳۳:۱۲؛ لوقا ۶:۳۹-۴۵؛ غلاطیان ۵:۲۲-۲۳ نیز به چشم می خورد. حیات جاودان، از مشخصاتی قابل مشاهده برخوردار است.

□ «پیش خود نگویند که ما پدری مانند ابراهیم داریم» این رهبران یهودی بر تعلق نژادی خود تکیه داشتند (ر. ک. یوحنا ۸:۳۷-۵۹؛ غلاطیان ۲۹:۳). معلمان مذهبی یهودی معتقد بودند که وعده های خدا به ابراهیم و نسل او (ر. ک. پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۷) وعده هایی بلا شرط بوده اند، اما انبیای عهد عتیق به وضوح تصریح نموده اند که شرط تحقق این وعده ها، نشان دادن واکنشی از روی ایمان است (ر. ک. رومیان ۴:۹-۵ در تقابل با ۱:۱۰-۴). نه استحقاق پاتریارک ها، و نه پیمان های عهد عتیق، نمی توانند جایگزینی برای توبه، ایمان شخصی، اطاعت، و پایداری محسوب شوند. تمرکز انجیل بر نسب شناسی نیست، بلکه بر ایمان (ر. ک. رومیان ۱۷:۲-۲۹).

□ «از این سنگ‌ها فرزندان برای...» دو واژه‌ی «سنگ» و «فرزندان» دارای تلفظی بسیار مشابه می‌باشند (فرزندان-*banayyā* و سنگ-*abnayyā*). عیسی اغلب به زبان آرامی سخن می‌گفت، و نه یونانی کوبینه. ممکن است با قصد قبلی از آرایه‌ی جناس (word play) استفاده شده است. احتمالاً کنایه‌ای است از نبوت درباره‌ی عصر جدید در اشعیا ۵۶:۱-۲.

۹:۳ همین استعاره‌ی بی‌ثمری درخت و قطع شدن آن را در متی ۱۹:۷ نیز می‌یابیم. قطعاً این عبارت، دارای جنبه‌ی آخرت‌شناسانه است. علی‌رغم آن‌که پادشاهی خدا در عیسی ظاهر شد، اما هنوز به‌طور کامل به کمال نرسیده است. در نهایت، خدا با تقسیم کردن مردم به دو گروه آنها را داوری خواهد نمود (ر. ک. متی ۲۵:۳۱-۴۶ و مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵). چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید یک اصل روحانی وجود دارد: ما همانی را درو می‌کنیم، که خود کاشته‌ایم (ر. ک. ایوب ۱۱:۳۴؛ مزبور ۴:۲۸؛ ۱۲:۶۲؛ امثال ۱۲:۲۴؛ جامعه ۱۴:۱۲؛ ارمیا ۱۰:۱۷؛ ۱۹:۳۲؛ متی ۲۷:۱۶؛ ۲۵:۳۱-۴۶؛ رومیان ۶:۲؛ ۱۲:۱۴؛ اول تواریخ ۸:۳؛ دوم تواریخ ۵:۱۰؛ غلاطیان ۶:۷-۱۰؛ دوم تیموتائوس ۱۴:۴؛ اول پطرس ۱:۱۷؛ مکاشفه ۲:۲۳؛ ۱۲:۲۰؛ ۱۲:۲۲).

آتش در کتب انبیای عهد عتیق استعاره از داوری خدا است (نمونه‌هایی از قرن ۸ ق. م.، اشعیا ۲۴:۵؛ ۱۸-۱۹؛ ۱۰-۱۶؛ ۱۷-۱۶؛ ۲۶-۱۱؛ ۳۳-۱۱، ۱۲، ۱۴؛ ۴۷؛ ۱۴؛ ۶۴؛ ۲، ۱۱؛ ۶۶-۱۵؛ ۲۴؛ و نمونه‌هایی از قرن ۷ ق. م.، ارمیا ۴:۴؛ ۵:۱۴؛ ۶:۱۱؛ ۱۵:۱۴؛ ۱۷:۴؛ ۲۷؛ ۲۱-۱۲، ۱۴؛ ۲۲-۷؛ ۲۳-۲۹؛ ۴۳-۱۲؛ ۱۳). رجوع کنید به عنوان خاص در ۱۷:۳.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۰:۳-۱۴

۱۰ مردم از او پرسیدند: «پس تکلیف ما چیست؟» ۱۱ او پاسخ داد: «آن کسی که دو پیراهن دارد، باید یکی از آنها را به کسی که ندارد بدهد و هر که خوراک دارد، باید همچنین کند.» ۱۲ باجگیران هم برای گرفتن تعمد آمدند و از او پرسیدند: «ای استاد، ما چه باید بکنیم؟» ۱۳ به ایشان گفت: «بیش از آنچه مقرر شده مطالبه نکنید.» ۱۴ سپاهیان هم پرسیدند: «ما چه کنیم؟» به آنان گفت: «از کسی بزور پول نگیرید و تهمت ناروا نزنید و به حقوق خود قانع باشید.»

۱۰:۳ «پس تکلیف ما چیست؟» روشن است که احکام، مراسم و آیین‌های مذهبی‌ای که معلمان مذهبی یهود مدافعشان بودند، کافی نبود. برای ایمانی کتاب مقدسی، به کارگیری حقیقت به‌طور شخصی، امری تعیین‌کننده محسوب می‌شود (یعنی، ختنه‌ی دل، ر. ک. تثنیه ۱۰:۱۶؛ ۳۰:۶؛ ارمیا ۴:۴؛ ۲۵:۹-۲۶؛ رومیان ۲:۲۸-۲۹). ایمان ما می‌بایست به‌طور کامل زندگی‌های ما را شکل دهد (ر. ک. یعقوب ۲:۱۴-۲۶). ماهیت پیغام انجیل، شخصی است که باید او (عیسی) را بپذیریم، حقایق درباره‌ی آن شخص است (عهد جدید) که باید به آنها ایمان داشته باشیم، و شیوه‌ی زندگی‌ای است که باید به شباهت او (زندگی روزانه به شباهت مسیح) زندگی نماییم.

۱۱:۳ «دو پیراهن» باور محققان بر این است که معادل یونانی این واژه (*chiton*)، وام‌واژه‌ای است از زبان عبری. این واژه در ترجمه‌ی هفتادگان برای موارد زیر به کار رفته است:

۱. زیرپوش زنانه، پیدایش ۲۱:۳
۲. زیرپوش مردانه، داوود ۱۹:۱۴
۳. زیرپوش کاهن، لاویان ۳:۶

مولتون و میلیگان، در کتاب خود (که حاصل پژوهش در زمینه‌ی آثار مکتوب به زبان کوبینه‌ی یونانی در پاپیروس‌های مصری است)، *The Vocabulary of the Greek Testament*، ص. ۶۸۸، اعتقاد دارند که این اصطلاحی بومی در آسیای صغیر بوده است؛ و دو معنا داشته است:

۱. لباس زیر که مردان یا زنان می‌پوشند و مستقیماً در تماس با پوست بدن می‌باشد (ر. ک. ترجمه‌ی هفتادگان، متی ۴۰:۵؛ ۱۰:۱۰؛ مرقس ۹:۶)
۲. به‌طور عام برای لباس (جامه) به کار رفته است (ر. ک. مرقس ۱۴:۶۳)

در این متن، مقصود این است که اگر کسی چیزی بیش از نیازش دارد، آن را با دیگرانی که به آن نیاز دارند (کسانی که پوشاک و خوراک ندارند)، تقسیم کند.

۱۲:۳-۱۴ «**باجگیران...سپاهیان**» در این بخش، شاهد هستیم که یحیی تعمیددهنده این دو گروه را به حفظ مواردی اخلاقی امر می‌کند. دقت داشته باشید که او، این دو گروه را به ترک کردن شغلشان (صاحبان این مشاغل، ناپاک یا شریر محسوب می‌شدند) تشویق نمی‌کند، بلکه آنان را به انصاف و قناعت دعوت می‌کند. یحیی از سنت‌های اخلاقی انبیاء در عهد عتیق تبعیت می‌کند.

در قسمت دوم آیه ۱۴، افعالی که خطاب به سربازان می‌باشند، حالت امری دارند.

۱. از کسی به‌زور پول نگیرید (امری معلوم نامعین)

۲. تهمت ناروا نزنید (امری معلوم نامعین)

۳. به حقوق خود قانع باشید (امری مجهول حال)

آیا این‌ها سربازانی یهودی بودند؟ یهودیان اغلب به عنوان سربازان مزدور، خدمت وظیفه‌ی خود را انجام می‌دادند (نسخه‌ی پاپیروس الفانتین Elephantine Papyri)، اما اغلب یهودیان که سرزمینشان در تصرف رومی‌ها بود از خدمت سربازی معاف بودند. افعال به‌کار رفته، به رفتاری بسیار ظالمانه با مردم عادی اشاره دارد. آیا یهودیان، با همکیشان خود که در همان اجتماع می‌زیستند، چنین رفتار می‌کردند؟ حکومت روم، یهودیان را از خدمت سربازی معاف کرده بود. ممکن است این گروه، یهودیانی بودند که تحت فرمان هیرودیس خدمت می‌کردند و مأموران جمع‌آوری مالیات او بودند. آیا ممکن است که آنها سربازان رومی بوده‌اند یا سربازان وظیفه‌ای که در کنار باجگیران خدمت می‌کردند؟ لفظ «*kai*» در آیه ۱۴، به معنای «حتی» تفسیر شده است. در این صورت، این امر نشان می‌دهد که لوقا قصد داشته از همان اوایل، حتی در دوارن خدمت یحیی تعمید دهنده، نشان دهد که پیغام انجیل خطاب به غیریهودیان نیز می‌باشد.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۵:۳-۱۷

۱۵ مردم در انتظار به سر می‌بردند و از یکدیگر می‌پرسیدند که آیا یحیی مسیح موعود است یا نه. ۱۶ اما او چنین جواب داد: «من شما را با آب تعمید می‌دهم اما کسی خواهد آمد که از من توانا تر است و من لایق آن نیستم که بند کفش او را باز کنم. او شما را با روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد. ۱۷ او چنگال خود را در دست دارد تا خرمن خود را پاک کند و گندم را در انبار جمع نماید، اما کاه را در آتشی خاموش نشدنی، خواهد سوزانید.»

۱۵:۳ «در انتظار به سر می‌بردند» اصطلاح یونانی *prosdokaō* بارها در نوشته‌های لوقا به چشم می‌خورد (۶ بار در انجیل؛ ۴ بار در اعمال)، عمدتاً به معنای «انتظار» به‌کار رفته (همچنین در ترجمه‌ی هفتادگان)، در عین حال، به مفهوم انتظار از جنبه‌ی آخرت‌شناسانه نیز به‌کار رفته است (ر. ک. لوقا ۱۵:۳؛ ۱۹:۷-۲۰؛ ۴۶:۱۲).

□ «آیا یحیی مسیح موعود است یا نه. این جمله در وجه آرزویی معلوم حال است. خدمت یحیی، شعله‌ی امید و انتظار مسیحایی را در وجود یهودیان شعله‌ور نمود. به ثبت رسانده شدن این تکذیب یحیی (مبنی بر این که او ماشیح نیست) دو هدف الاهیاتی را محقق نمود:

۱. تمجید و ستایش عیسی

۲. فرونشاندن تعالیم بدعت‌آمیز کلیسای اولیه درباره‌ی یحیی تعمید دهنده (ر. ک. اعمال ۷:۱-۱۹، تکذیب‌های مؤکد دیگری در انجیل یوحنا ۶:۱-۸، ۱۹-۴۲ نیز به چشم می‌خورد).

۱۶:۳ «اما کسی خواهد آمد که از من توانا تر است» این پیغام در همه‌ی اناجیل هم‌نظر تکرار شده است (ر. ک. متی ۱۱:۳؛ مرقس ۷:۱-۸). یحیی کاملاً واقف بود که خود کیست و حامل چه پیغامی از سوی خداست (ر. ک. اشعیا ۴۰:۳؛ ملاکی ۳:۴-۵). او آن مهیا کننده و منادی راه مسیحا بود (ر. ک. اشعیا ۴۰:۳-۵).

عنوان خاص: القاب عهد عتیقی مسیح موعود

الف) نبی - تثنیه ۱۸:۱۵، ۱۸

ب) پادشاه

۱. از قبیله‌ی یهودا، پیدایش ۴۹:۱۰؛ مزبور ۶۰:۷؛ ۱۰۸:۸

۲. از خاندان داوود، دوم سموئیل ۷ (از نسل یسی، اشعیا ۱۱:۱)

۳. از سایر آیات، اول سموئیل ۱۰:۲؛ مزبور ۳:۸۹-۴؛ اشعیا ۹، ۱۱؛ ارمیا ۸:۳۰-۹؛ حزقیال ۲۱:۳۷-۲۲؛ زکریا ۹:۹-۱۰

(ج) پادشاه/کاهن

۱. مزبور ۱۱۰ (پادشاه، آیات ۱-۳؛ کاهن، آیه ۴)

۲. زکریا ۱۴:۴ (دو درخت زیتون، دو مسح شده، زربابل [از نسل داوود] و یهوئش [از نسل هارون])

(د) مسیحا (ماشیح)

۱. پادشاه خدا، مزبور ۲:۲؛ ۷:۴۵

۲. حضور روح، اشعیا ۱۱:۲؛ ۶۱:۱

۳. آن موعود، دانیال ۲۶:۹

۴. سه گروه از رهبران در عهد عتیق به نشانه‌ی تأیید دعوت و یافتن قوت خدا، مسح می‌شدند: پادشاهان (ر. ک. داوران ۸:۹، ۱۵؛ اول سموئیل ۱۰:۲؛

۱۶:۹؛ ۱۰:۲۴؛ دوم سموئیل ۲۱:۱۹؛ ۱:۲۳؛ مزبور ۵۰:۱۸)، کاهنان (ر. ک. خروج ۴۱:۲۸؛ لاویان ۳:۴؛ ۲۲:۶) و انبیا (ر. ک. اول پادشاهان ۱۶:۱۹)

(ه) پسر پادشاه

۱. مزبور ۷:۲، ۱۲

۲. پادشاه اسرائیل به عنوان نمادی از سلطنت خدا (ر. ک. اول سموئیل ۸)

□ «من لایق آن نیستم که بند کفش او را باز کنم» معلمان مذهبی یهود بر این باور بودند که شاگردانشان می‌بایست هر آن‌چه را که غلامان برای اربابانشان انجام می‌دادند، برای آنان انجام دهند، به استثنای باز کردن بند کفش معلمان خود. یحیی از این مشخصه‌ی فرهنگی برای نشان دادن فروتنی خود و عظمت ماشیح استفاده کرده است.

□ «با روح القدس و آتش» این عبارت در عهد جدید صرفاً در بخش‌هایی به کار رفته است که تعمید آب توسط یحیی تعمید دهنده در تقابل با تعمید روح توسط عیسی قرار داده شده است (ر. ک. لوقا ۳:۱۶؛ متی ۱۱:۳؛ مرقس ۸:۱؛ یوحنا ۱:۳۳؛ اعمال ۱:۵؛ ۱۶:۱۱). به این ترتیب، این عبارت اثربخشی خدمت عیسی را نشان داده و آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. روح و آتش مترداف یکدیگراند. این آیه، نباید آیه‌ای در راستای اثبات گونه‌ای از عملکرد مجزا و جداگانه‌ی روح القدس، تلقی شود. این آیه به واقعه‌ای اشاره دارد که در همان آغاز، با واکنش مثبت نشان دادن شخص به دعوت انجیل و دریافت نجات اتفاق می‌افتد. آتش احتمالاً استعاره از پاک نمودن یا تطهیر است (ر. ک. لاویان ۱۳:۵۲، ۵۵، ۵۷)، که به مفهوم آموزش گناهان اشاره دارد (ر. ک. آیه ۳). یحیی به جهت مهیا نمودن فرستاده شده بود، اما عیسی به جهت به سرانجام رساندن هدف خدا.

عنوان خاص: آتش

آتش در کتب مقدس دارای معانی ضمنی مثبت و منفی می‌باشد.

الف) مثبت

۱. گرما می‌بخشد (ر. ک. اشعیا ۱۵:۴۴؛ یوحنا ۱۸:۱۸)

۲. نور می‌بخشد (ر. ک. اشعیا ۱۱:۵۰؛ متی ۱۳:۱-۱۳)

۳. می‌پزد (ر. ک. خروج ۸:۱۲؛ اشعیا ۱۵:۴۴-۱۶؛ یوحنا ۹:۲۱)

۴. پاک می‌سازد (ر. ک. اعداد ۲۲:۳۱-۲۳؛ امثال ۱۷:۳؛ اشعیا ۱:۲۵؛ ۶:۶-۸؛ ارمیا ۲۹:۶؛ ملاکی ۳:۲-۳)

۵. نشانی از قدوسیت (ر. ک. پیدایش ۱۷:۱۵؛ خروج ۲:۳؛ ۱۸:۱۹؛ حزقیال ۲۷:۱؛ حبقوق ۱۲:۲۹)

۶. نشانی از رهبری خدا (ر. ک. خروج ۲۱:۱۳؛ اعداد ۱۴:۱۴؛ اول پادشاهان ۲۴:۱۸)

۷. نشانی از قوت بخشی خدا (ر. ک. اعمال ۳:۲)

۸. نشانی از محافظت خدا (ر. ک. زکریا ۵:۲)

۱. می سوزاند (ر. ک. یوشع ۶:۲۴؛ ۸:۸؛ ۱۱:۱۱؛ متی ۷:۲۲)
 ۲. نابود می کند (ر. ک. پیدایش ۲۴:۱۹؛ لاویان ۱۰:۱-۲)
 ۳. نشانی از خشم (ر. ک. اعداد ۲۸:۲۱؛ اشعیا ۱۰:۱۶؛ زکریا ۱۲:۶)
 ۴. نشانی از مجازات (ر. ک. پیدایش ۲۴:۳۸؛ لاویان ۱۴:۲۰؛ ۹:۲۱؛ یوشع ۱۵:۷)
 ۵. نشانه‌ای کاذب برای زمان‌های آخر (ر. ک. مکاشفه ۱۳:۱۳)
- ج) خشم خدا نسبت به گناه به‌طور مجازی همانند آتش خود را ظاهر می‌سازد
۱. خشم او برافروخته می‌شود (ر. ک. هوشع ۵:۸؛ صفیا ۳:۸)
 ۲. او آتش می‌ریزد (ر. ک. نحما ۱:۶)
 ۳. آتش ابدی (ر. ک. ارمیا ۱۵:۱۴؛ ۴:۱۷)
 ۴. داوری آخرالزمانی (ر. ک. متی ۳:۱۰؛ ۱۳:۴۰؛ یوحنا ۱۵:۶؛ دوم تسالونیکیان ۱:۷؛ دوم پطرس ۳:۷-۱۰؛ مکاشفه ۷:۸؛ ۸:۱۶)
- د) همانند بسیاری از استعارات به‌کار گرفته شده در کتاب مقدس (مانند شیر، خمیرمایه)، با توجه به چارچوب متن، آتش نیز می‌تواند یک برکت محسوب گردد و یا یک لعنت.

۱۷:۳

ترجمه‌ی قدیم: «غربال»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «کج‌پیل»

ترجمه‌ی مؤده: «جنگال»

این لفظ در کتب عهد عتیق کنایه از داوری خدا دارد؛ در آیاتی که شخصی را می‌بینیم که در حال جدا کردن گندم از کاه است (گاهی که سوخته می‌شود، ر. ک. ایوب ۱۷:۲۱-۱۸؛ مزبور ۴:۱؛ ۳۵:۵؛ ۸۳:۱۳؛ اشعیا ۱۷:۱۳؛ ۵:۲۹؛ ۴۱-۱۵؛ ۱۶؛ ارمیا ۷:۱۵؛ هوشع ۳:۱۳؛ صفیا ۲:۲).

■ «گندم را در انبار جمع نماید» این عبارت، به‌طور مجازی به واقعیت آخرت‌شناسانه‌ی گردهم آوردن عادلان از دنیای شریر به‌منظور حضور یافتن در مسکن خدا اشاره دارد. به این موضوع دقت کنید که پس از غربال کردن، فقط دو نتیجه‌ی محتمل وجود خواهد داشت- انبار خدا یا آتش! بسیاری از مثل‌های عیسی از چنین مضامین مربوط به امور کشاورزی برخوردار هستند.

■ «آتشی خاموش نشدنی» این واژه، واژه‌ی یونانی برای خاموش کردن یا فرونشاندن است با پیشوند نفی، که موجب منفی شدن این فعل می‌شود. این مضمون، بارها در اناجیل تکرار شده است (ر. ک. متی ۳:۱۲؛ ۲۵:۴۱؛ مرقس ۹:۴۳-۴۸). ممکن است کنایه‌ای از اشعیا ۲۴:۶۶ باشد.

مسأله‌ی الهیاتی‌ای که این مقوله پیش می‌کشد، موضوع پیامدهای ابدی عدم‌پذیرش مسیح نمی‌باشد، بلکه اشاره دارد به درد و عذاب شدید بدون وجود داشتن هرگونه امید رهایی (یعنی، جهنم). کتاب بسیار قابل توجهی به‌قلم Edward Fudge، به‌نام *The Fire That Consums*، به‌گزینه‌ی نابودی ابدی گناهکاران پس از داوری می‌پردازد. قصد ندارم به هیچ نحو، نتایج ابدی بی‌ایمانی را تخفیف داده یا از شدت آن بکاهم. تشخیص دادن این که کدام بخش از کتاب مقدس که به مقوله‌ی زندگی پس از مرگ (چه خوب، و چه بد) مربوط است، به زبان استعاری نگاشته شده، و کدام بخش باید تحت‌اللفظی تفسیر شود، امری بسیار دشوار است. عیسی، خود بر پیامدهای جهنم تأکید می‌کند. اغلب اشارات کنایی عیسی به گِهِنِه (Gehenne) اشاره داشت به مکان دفن زباله واقع در دره و پسران هینام (Hinnom)، در جنوب اورشلیم، جایی که خدای آتش، مولک (Molech) به‌وسیله‌ی قربانی کردن کودکان مورد عبادت قرار می‌گرفت. جهنم، واقعیتی بسیار جدی است، واقعیتی که زبان انسانی توانایی توصیفش را ندارد. جهنم جداسازی و پاکسازی دائمی و ابدی شریر از صحنه‌ی خلقت خداست!

عنوان خاص: مردگان کجا هستند؟

۱. عهد عتیق

أ. همه انسانها به *She'ol* (ریشه اصلی آن نامشخص است) می‌روند. این روشی برای اشاره به مرگ یا قبر است، خصوصاً در ادبیات حکمت آمیز و اشعیا. در عهد عتیق این مکانی گذرا، همراه با هوشیاری اما فاقد شادی بود (ر.ک. ایوب ۱۰: ۲۱-۲۲؛ ۳۸: ۱۷؛ مز. ۱۰۷: ۱۴، ۱۰).

ب. مشخصات *She'ol*

۱. در ارتباط با داوری خدا (آتش)، تث. ۳۲: ۲۲
۲. در ارتباط با تنبیه پیش از روز داوری، مز. ۱۸: ۴-۵
۳. در ارتباط با *Abaddon* (ویرانی)، در عین حال گشوده در برابر خدا، ایوب ۲۶: ۶؛ مز. ۱۳۹: ۸؛ عام. ۹: ۲
۴. در ارتباط با "گودال" (قبر)، مز. ۱۶: ۱۰؛ اش. ۱۴: ۱۵؛ حز. ۳۱: ۱۵-۱۷
۵. شروران زنده به داخل *She'ol* سقوط می‌کنند، اعد. ۱۶: ۳۳، ۳۰؛ مز. ۵۵: ۱۵
۶. تشبیه به حیوانی با دهانی گشاده شده است، اعد. ۱۶: ۳۰؛ اش. ۵: ۱۴؛ ۹: ۱۴؛ حب. ۲: ۵
۷. مردمان ساکن در آن *Shades* خوانده می‌شوند، اش. ۱۴: ۹-۱۱

۲. عهد جدید

أ. ترجمه *She'ol* عبری، در یونانی *Hades* (جهان نادیدنی) است

ب. مشخصات هاویه (*Hades*)

۱. اشاره به مرگ است، متی ۱۶: ۱۸
۲. در پیوند با مرگ است، مکا. ۱: ۱۸؛ ۶: ۸؛ ۲۰: ۱۳-۱۴
۳. اغلب همچون مکانی برای تنبیه دائمی (*Gehenna*) تلقی می‌شود، متی ۱۱: ۲۳ (نقل قول از عهدعتیق)؛ لوقا ۱۰: ۱۵؛ ۱۶: ۲۴-۲۳
۴. اغلب مشابه گور است، لوقا ۱۶: ۲۳

ج. ممکن است تقسیم بندی داشته باشد (علمای دین یهود)

۱. بخش مربوط به عادلان، بهشت است (در واقع این نام دیگری برای آسمان می‌باشد، ر.ک. II قرن. ۱۲: ۴؛ مکا. ۲: ۷)، لوقا ۴۳: ۲۳

۲. بخش مربوط به شروران، *Tartarus* نامیده می‌شود، II پتر. ۲: ۴، که فرشتگان پلید در آن نگاهداری می‌شوند (ر.ک. پید. ۶؛ I خنوخ)

د. جهنم (*Gehenna*)

۱. انعکاسی از عبارت عهدعتیقی: "وادی پسران حَوم" (در جنوب اورشلیم) است. آنجا مکانی برای پرستش مولک (*Molech*)، خدای آتش فنیقیان بود که فرزندانشان را برایش قربانی می‌کردند (ر.ک. II پاد. ۱۶: ۳؛ ۲۱: ۶؛ II توا. ۲۸: ۳؛ ۳۳: ۶)، این کار در لاو. ۱۸: ۲۱؛ ۲۰: ۲-۵ ممنوع اعلام شده بود.
۲. ارمیا آن را از مکانی برای پرستش بتها به محل داوری YHWH تغییر داد (ر.ک. ارم. ۷: ۳۲؛ ۱۹: ۶-۷). آنجا تبدیل شد برای داوری آتشین جاودانی در I خنوخ ۹۰: ۲۶-۲۷ و سیب. ۱: ۱۰۳.
۳. یهودیان در روزگار عیسی چنان از شرکت اجدادشان در پرستش بتها بوسیله قربانی فرزندانشان هراسان بودند که این مکان را به محل جمع آوری زباله اورشلیم تبدیل کردند. بسیاری از تشبیهات عیسی در مورد داوری جاودانی، از این قطعه زمین مربوط می‌شد (آتش، دود، کرمها، بوی تعفن، ر.ک. مرقس ۹: ۴۶، ۴۴). واژه *Gehenna* را فقط عیسی بکار برده است (به غیر از یعقوب ۳: ۶).

۴. استفاده عیسی از *Gehenna*

أ. آتش، متی ۵: ۲۲؛ ۱۸: ۹؛ مرقس ۹: ۴۳

ب. دائمی، مرقس ۹: ۴۸ (متی ۲۵: ۴۶)

ج. محل هلاکت (چه روحی و چه جسمی)، متی ۱۰: ۲۸

- د. مترادف با *She'ol* متی ۵: ۲۹-۳۰؛ ۱۸: ۹
- ه. مشخص کننده پلیدان به عنوان "پسر جهنم"، متی ۲۳: ۱۵
- و. نتیجه حکم داوری، متی ۲۳: ۳۳؛ لوقا ۱۲: ۵
- ز. مفهوم *Gehenna* مترادف است با مرگ ثانوی (ر.ک. مکا. ۲: ۱۱؛ ۲۰: ۱۴، ۶) یا دریاچه آتش (ر.ک. متی ۱۳: ۴۲، ۵۰؛ مکا. ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۲۰؛ ۱۴-۱۵: ۲۱؛ ۸). امکان دارد که دریاچه آتش محل حضور دائمی انسانها (از *She'ol*) و نیز فرشتگان پلید (از *Tartarus*، II پطر. ۲: ۴؛ یهوذا ۶ یا هاویه، ر.ک. لوقا ۸: ۳۱؛ مکا. ۹: ۱-۱۰؛ ۲۰: ۱، ۳) باشد.
- ح. نه برای انسانها، بلکه برای شیطان و فرشتگانش درست شده بود، متی ۲۵: ۴۱
- ه. بخاطر همپوشانی *She'ol*، *Hades* و *Gehenna*، این امکان وجود دارد که:
۱. در اصل همه انسانها به *Se'ol* یا *Hades* (هاویه) می رفتند
 ۲. تجربه آنها در آنجا (چه خوب و چه بد) پس از روز داوری تشدید می گردد اما مکان شروران همانجا باقی می ماند (به همین جهت است که در ترجمه قدیمی *hades*، KJV (گور) به عنوان *gehenna* (جهنم) ترجمه شده است.
 ۳. تنها متنی که در عهد جدید به عذاب پیش از داوری اشاره می کند، مثلی است که لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱ (ایلعازر و مرد ثروتمند) است. *She'ol* به عنوان مکانی برای تنبیه در حال حاضر نیز توصیف شده است (ر.ک. تث. ۳۲: ۲۲؛ مز. ۱۸: ۵-۱). با این وجود هیچکس نمی تواند یک مثل را پایه ای برای آموزه الهی بسازد

۳. حالت میانی بین مرگ و قیامت (برزخ)

- أ. عهد جدید تعلیم "نامیرایی روح" را که یکی از دیدگاههای روزگار قدیم در مورد زندگی پس از مرگ است، ترویج نمی دهد.
۱. روح انسان پیش از حیات فیزیکی آنها وجود دارد
 ۲. روح انسان پیش از حیات فیزیکی او و پس مرگ جسمانی اش ابدیت دارد
 ۳. اغلب به بدن فیزیکی به عنوان زندان نگریسته می شود و است که گویی مرگ رهایی یافتن به سوی حالت موجودیت پیشین است
- ب. عهد جدید اشاره به حالت بدون بدن میان مرگ و قیامت می کند
۱. عیسی درباره جدایی میان بدن و روح سخن می گوید، متی ۱۰: ۲۸
 ۲. شاید ابراهیم اکنون بدنی داشته باشد، مرقس ۱۲: ۲۶-۲۷؛ لوقا ۱۶: ۲۳
 ۳. موسی و ایلیا در واقعه تبدیل هیئت، دارای بدن فیزیکی هستند، متی ۱۷
 ۴. پولس اظهار می دارد که در هنگام باز آمدن مسیح، ارواح همراه او، اول بدنی تازه می یابند، II تسلا. ۴: ۱۳-۱۸
 ۵. پولس اظهار می دارد که ایمانداران بدن جدید روحانی شان را در روز قیامت خواهند یافت، I قرن. ۱۵: ۵۲، ۲۳
 ۶. پولس بیان می کند که ایمانداران به *Hades* نمی روند، بلکه از هنگام مرگ با عیسی هستند، II قرن. ۵: ۶۸؛ فیل. ۱: ۲۳. عیسی بر مرگ چیره شد و عادلان را به آسمان نزد خود برد، I پطر. ۳: ۱۸-۲۲.

۴. آسمان

- أ. این واژه به سه معنا در کتاب مقدس به کار رفته است.
۱. جو موجود در اطراف زمین، پید. ۱: ۱۸؛ اش. ۴۲: ۵؛ ۴۵: ۱۸
 ۲. آسمانهای پر ستاره، پید. ۱: ۱۴؛ تث. ۱۰: ۱۴؛ مز. ۱۴۸: ۴؛ عبر. ۴: ۱۴؛ ۷: ۲۶
 ۳. جایگاه تخت خدا، تث. ۱۰: ۱۴؛ I پاد. ۸: ۲۷؛ مز. ۱۴۸: ۴؛ افس. ۴: ۱۰؛ عبر. ۹: ۲۴ (آسمان سوم، II قرن. ۱۲: ۲)

ب. کتاب مقدس درباره زندگی پس از مرگ مطلب زیادی آشکار نمی کند. احتمالاً از این سبب که انسانهای حیوط کرده ظرفیت درک آن را ندارند (ر.ک. I قرن. ۹: ۲).

ج. آسمان هم یک مکان است (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۲-۳) و هم یک شخصیت می باشد (ر.ک. II قرن. ۵: ۶۸). آسمان می تواند باغ عدن باز یافت شده (پید. ۱-۲؛ مکا. ۲۱-۲۲) باشد. زمین پاکیزه و اعاده خواهد گردید (ر.ک. اعمال ۳: ۲۱؛ II پطرس. ۳: ۱۰). صورت خدا (پید. ۱: ۲۶-۲۷) در مسیح اعاده شده است. صمیمیت باغ عدن بار دیگر امکان پذیر شده است. با این وجود، شاید این توصیف ها (آسمان همچون یک شهر مکعب شکل بزرگ در مکا. ۲۱: ۹-۲۷) استعاری باشند نه واقعی و تحت اللفظی. I قرن. ۱۵ تفاوت میان بدن جسمانی و بدن روحانی را به بدر و گیاه بزرگ شده تشبیه می کند. دیگر بار I قرن. ۲: ۹ (نقل قولی از اش. ۶۴: ۴ و ۶۵: ۱۷) یک امید و وعده بزرگ است! می دانم که وقتی خداوند را ببینیم، همانند او خواهیم بود (ر.ک. I یوحنا ۳: ۲).

۵. منابع مفید

الف. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

ب. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۸: ۳-۲۰

۱۸ یحیی با راه های بسیار و گوناگون مردم را تشویق می کرد و به آنها بشارت می داد ۱۹ اما هیروдіس، که بر سر موضوع زن برادرش هیروдіا و خلافتکاریهای دیگر خود مورد سرزنش یحیی واقع شده بود، ۲۰ با انداختن یحیی به زندان مرتکب کاری بدتر از همه شد.

۱۸: ۳ «بشارت می داد» این موضوع را می بایست همواره به یاد داشت که یحیی تعمیددهنده، آخرین نبی عهد عتیق بود و نه واعظی در عهد جدید. او از همه ی ابعاد پیغام انجیل، به طور کامل آگاهی نداشت. اصطلاح «بشارت» (یعنی، خبر خوش، انجیل) خبر از قصد خدا برای داوری گناه و تدارک آتی خدا برای حل مسأله ی گناه از طریق توبه و ایمان آوردن به کار ماسیح (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵) دارد.

۱۹: ۳ «هیروдіا» این متن در این باره سخن می گوید که هیروдіس در پی تحریک و ترغیب هیروдіا، یحیی را به قتل می رساند. یوسفوس اظهار دارد که هیروдіس به خاطر هراس از شورش، چاره ای جز کشتن یحیی نداشت (ر.ک. *Antiquities of the Jews*, 18.5.2). هیروдіا همسر فیلیپس، برادر هیروдіس انتیپاس بود (ر.ک. متی ۱۴: ۳). آنان در روم زندگی کرده بودند. هیروдіا همچنین دختر برادر هیروдіس، آریستوبولوس، بود. هیروдіس او را از دستان فیلیپس خارج کرده و با او ازدواج کرد.

طبق نظر یوسفوس (*Antiquities of the Jews* 18.5.4)، هیروдіا با پسر هیروдіس کبیر، هیروдіس (که مادرش مریم دوم، دختر کاهن اعظم بود) ازدواج کرده بود. وی همچنین می نویسد که دختر هیروдіا، سالومه، بعدها با فیلیپس ازدواج کرده است. احتمالاً هیروдіس به عنوان هیروдіس فیلیپس معروف بوده است.

۲۰: ۳ «با انداختن یحیی به زندان» یوسفوس می نویسد، هیروдіس یحیی را در قلعه ی مکاروس (Machaerus) زندانی کرده است (ر.ک. *Antiq.* 18.5.2,4). این قلعه، یکی از نه قلعه ای بود که هیروдіس کبیر در طی دوران سلطنتش ساخته بود، که او از آنها به عنوان زندان زیرزمینی برای دشمنانش استفاده می کرد. سه قلعه از این قلعه های نه گانه، همچنین به مثابه ی کاخ شاهی مورد استفاده قرار می گرفتند (مکاروس، ماسادا، هرودیوم). مکاروس بر بلندای کوهی در بخش شرقی دریای مرده بنا شده بود (ر.ک. *Jewish Wars* 7.6.2).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۱: ۳-۲۲

۲۱ پس از آنکه همه تعمید گرفتند، عیسی نیز تعمید گرفت و به دعا مشغول بود که آسمان گشوده شد ۲۲ و روح القدس به صورت کبوتری بر او

۲۱:۳ «پس از آنکه همه تعمید گرفتند» این عبارت، به دو واقعیت اشاره دارد:

۱. اثرگذاری چشمگیر موعظه‌ی یحیی بر زندگی شنوندگانش
۲. این که از میان آن انبوه جماعتی که برای شنیدن موعظه‌ی یحیی آمده بودند، آنانی که تحت تأثیر قرار گرفته بودند، ماندند تا تعمید گیرند.

□ «عیسی نیز تعمید گرفت» دلیل تعمید گرفتن عیسی همواره موضوعی سؤال‌برانگیز برای ایمانداران بوده است، از آن‌جا که تعمید یحیی، تعمیدی به نشانه‌ی توبه بود. عیسی به آمرزش گناهان نیازی نداشت، زیرا او بی‌گناه و پاک بود (ر. ک. دوم قرنتیان ۵:۲۱؛ عبرانیان ۴:۱۵؛ ۷:۲۶؛ اول پطرس ۲:۲۲؛ اول یوحنا ۳:۵). نظریه‌های مطرح شده به قرار زیراند:

تعمید گرفتن عیسی به عنوان:

۱. الگویی بود برای ایمانداران که باید از آن پیروی کنند
۲. هم‌ذات‌پنداری او با نیاز ایمانداران بود
۳. انتصاب و تجهیز او برای کار خدمت بود
۴. نمادی از رسالت نجات‌بخش او بود
۵. تأییدی برای خدمت و پیغام یحیی تعمید دهنده بود
۶. نشانه‌ای نبوتی درباره‌ی مرگ، تدفین و رستاخیز او بود

دلیل این رویداد هر چه که باشد، تعمید، لحظه‌ای تعیین‌کننده در زندگی عیسی بود. گرچه این واقعیت به این موضوع اشاره نمی‌کند که عیسی در این مقطع در پی تعمید، به مقام ماشیح رسید- که این تفکر مختص بدعت فرزندخوانده بودن عیسی (adoptionism) در قرون اولیه بود (ر. ک. The Orthodox Corruption of Scripture by Bart D. Ehrman, pp. 47-118) - اما از اهمیت چشمگیری برای او برخوردار بود.

□ «به دعا مشغول بود» انجیل لوقا بیش از سایر اناجیل، جایگاه دعا در زندگی عیسی را مورد تأکید قرار می‌دهد (ر. ک. ۳:۲۱؛ ۵:۱۶؛ ۶:۱۲؛ ۹:۱۸، ۲۸-۲۹؛ ۱۱:۱؛ ۲۲:۴۱). اگر عیسی، فرزند پاک خدا، اغلب احساس می‌کرد که به دعا کردن نیاز دارد، چقدر بیش‌تر ما نیز می‌بایست چنین باشیم!

۲۲:۳ «روح القدس... بر او... صدایی از آسمان» این آیه، یکی از چند آیه در عهد جدید است که سه شخص تثلیث، به‌طور هم‌زمان در آن مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

عنوان خاص: تثلیث اقدس

به عملکرد هر سه شخصیت تثلیث توجه کنید. اصطلاح "تثلیث"، کتاب مقدسی نیست و نخستین بار ترتولیان آن را ابداع کرد، اما مفهومی فراگیرنده است.

۱. اناجیل

أ. متی ۳:۱۶-۱۷؛ ۲۸:۱۹ (و معادل‌های آن)

ب. یوحنا ۱۴:۲۶

۲. اعمال - اعمال ۲: ۳۲-۳۳، ۳۸-۳۹

۳. پولس

أ. رومیان ۱: ۴-۵؛ ۵: ۵؛ ۸: ۱-۴، ۸-۱۰

ب. I قرن. ۲: ۸-۱۰؛ ۱۲: ۴-۶

ج. II قرن. ۱: ۲۱؛ ۱۳: ۱۴

د. غلاطیان ۴: ۴-۶

- ه. افسسیان ۱: ۳-۱۷، ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۴-۶
 - و. I تسالونیکیان ۱: ۲-۵
 - ز. II تسالونیکیان ۲: ۱۳
 - ح. تیطس ۳: ۴-۶
 ۴. پطرس - I پطرس ۱: ۲
 ۵. یهودا - آیات ۲۰-۲۱
- به این موضوع در عهد عتیق اشاره شده است:
۱. استفاده از جمع بندی برای خدا
 - أ. نام *Elohim* جمع است، اما وقتی برای خدا به کار می رود همواره فعل مفرد دارد
 - ب. ضمیر "ما" در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۷
 - ج. "واحد" در *Shema* (بشنو ای اسرائیل) تثیه ۶: ۴ جمع است (همانگونه که در پید. ۲: ۲۴؛ حز. ۳۷: ۱۷ است).
 ۲. فرشته خداوند به عنوان نماینده قابل رویت الهی
 - أ. پیدایش ۱۶: ۷-۱۳؛ ۲۲: ۱۱-۱۵؛ ۴۸: ۱۱، ۱۳؛ ۴۸: ۱۶-۱۵
 - ب. خروج ۳: ۴؛ ۲۱: ۱۳؛ ۱۹: ۱۴
 - ج. داوران ۲: ۱؛ ۶: ۲۲-۲۳؛ ۱۳: ۲۲-۳
 - د. زکریا ۳: ۱-۲
 ۳. خدا و روح القدس از هم مجزا هستند، پیدایش ۱: ۲-۱؛ زمزمور ۱۰۴: ۳۰؛ اش. ۶۳: ۹-۱۱؛ حز. ۳۷: ۱۳-۱۴
 ۴. خدا (YHWH) و مسیح موعود (*Adon*) از هم مجزا هستند، زمزمور ۴۵: ۶-۷؛ ۱۱۰: ۱؛ زکریا ۸: ۲؛ ۱۱-۸؛ ۱۰: ۱۲-۹
 ۵. مسیح و روح القدس از هم مجزا هستند، زکریا ۱۲: ۱۰
 ۶. هر سه با هم در اش. ۴۸: ۱۶؛ ۶۱: ۱ مورد اشاره قرار گرفته اند.
- الوهیت عیسی و شخصیت روح القدس برای ایمانداران اولیه سختگیر و توحیدگرا مشکلاتی را بوجود آورد:
۱. تریولیان - خدای پسر را مادون خدای پدر دانست
 ۲. اُریجن - ذات الهی خدای پسر و روح القدس را مادون و فروتر برشمرد
 ۳. آریوس - الوهیت خدای پسر و روح القدس را رد کرد
 ۴. مونارکیانسم - معتقد به تسلسل ظهور خدا بودند
- تثلیث یک قاعده نشو و نما یافته تاریخی است که توسط اصول کتاب مقدسی به اطلاع رسیده است:
۱. الوهیت کامل عیسی، برابر با خدای پدر، در سال ۳۲۵ م. توسط شورای نقیه تصدیق شد
 ۲. شخصیت و الوهیت کامل روح القدس برابر با خدای پدر و خدای پسر توسط شورای کنستانتینوپل (۳۸۱ م.) تصدیق شد
 ۳. آموزه تثلیث در کتاب *De Trinitate* آگوستین به طور کامل بیان شده است
- این موضوع به راستی اسرارآمیز است. اما به نظر می رسد عهد جدید تجلیات یک ذات الهی با سه شخصیت جاودانی را تصدیق می کند.

□ «کبوتر» کبوتر نمادی غیر متعارف برای روح القدس است. خدا قصد داشت تا همه قادر به دیدن تجلی ای فیزیکی از روح القدس بر ماسیح باشند. برخی بر این نظراند که این نماد در ارتباط با:

۱. واقعیت فرو گرفتن سطح آب ها توسط روح القدس در پیدایش ۲: ۱ است
 ۲. فرستادن کبوتر به بیرون از کشتی توسط نوح در پیدایش ۸: ۸-۱۰ است
 ۳. کاربرد این نماد توسط معلمان مذهبی یهود برای اسرائیل است (ر. ک. هوشع ۱۱: ۱)
- مسلمانیجی برای توصیف عملکرد روح القدس - از آتشی پاک کننده بودن تا آرامش و بی گناهی یک کبوتر - مفاهیم اشارات مجازی خود را با یکدیگر تلفیق نموده است.



ترجمه‌ی قدیم: «به هیأت جسمانی»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «به شکل جسمانی»

ترجمه‌ی مؤده: «به صورت»

انجیل لوقا، تنها انجیلی است که عبارت «به شکل جسمانی» در آن ذکر شده است. ظاهراً لوقا سعی در تأکید نمودن بر تجلی فیزیکی روح نادیده دارد. این فرود آمدن در قالبی فیزیکی، صرفاً به مثابه تأییدی برای عیسی نبود، بلکه شهادتی بود برای شنوندگان پیام یحیی، که به تازگی تعمید یافته بودند.

□ «صدایی از آسمان آمد» معادل عبری این عبارت، عبارت *bath kol* است. این عبارت، در متون کتب مقدس برای نشان دادن این امر که پیغمبی از جانب خدا می‌باشد، به کار گرفته شده است (ر. ک. مزمور ۷:۲؛ اشعیا ۱:۴۲). خدا برای مکشوف ساختن حضور و قدرتش در عیسی، از شیوه‌ای بهره جست که یهودیان حاضر، با آن مأنوس بودند.

□ «تو پسر عزیز من هستی» این واقعیت، نشان‌دهنده‌ی (۱) تأیید پسر از سوی پدر و (۲) شهادتی برای انبوه خلقی که جمع شده بود. این عبارت، کنایه‌ای است از مزمور ۲، که مزموری است شاهانه درباره‌ی پیروزی خدا به‌خاطر پادشاهی از نسل داوود (یعنی، پسر، ر. ک. ۷:۲). این عنوان (پسر) بار دیگر در رویداد تبدیل هیئت عیسی تکرار شده است (ر. ک. ۳۵:۹).

جورج ای. لَد (George E. Ladd) در کتاب *A Theology of the New Testament*, p. 164، درباره‌ی لفظ «عزیز» (*agapētos*) توضیح درخور تأملی مطرح می‌کند. وی عنوان می‌کند که این لفظ در ترجمه‌ی هفتادگان، معادل واژه‌ی یونانی *yachid*، به معنای «تنها» (یعنی، تنها پسر، ر. ک. پیدایش ۲۲:۲؛ ارمیا ۲۶:۶) به کار رفته است. وی بر همین اساس، همچنین تأکید دارد که این لفظ، مترادف با واژه‌ی *monogenēs* است (ر. ک. یوحنا ۱۶:۳)، به این طریق، او لفظ «پسر عزیز» را برای عیسی مترادف با «پسر یگانه، بی‌مانند، یکتای خدا» (یعنی، ماشیح) می‌داند.

□ «از تو خشنودم» این عبارت، کنایه‌ای است از اشعیا ۱:۴۲ (ترجمه‌ی هفتادگان)، که یکی از سرودهای بنده‌ی خدا در کتاب اشعیا است. خدا در این تأیید شفاهی عیسی و در برابر آن جماعت مؤمنان، دو مفهوم عهد عتیقی پادشاه و بنده‌ی رنج‌دیده را به هم پیوند می‌دهد (ر. ک. اشعیا ۱۳:۵۲-۱۲:۵۳). این کلمات، عیناً در مرقس ۱۱:۱ نیز آمده است.

در کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture*, pp. 62-67، به قلم Bart D. Ehrman، بحث جالبی درباره‌ی چند روایت موجود در خصوص این آیه، آمده است. نویسنده اظهار می‌کند که قرائت MS D (که مزمور ۷:۲ را نقل قول می‌کند) قرائت اصلی است، اما از آن‌جا که این امکان وجود داشت که حفظ آن، تأییدی الهیاتی بر بدعت «Adoptionism» تلقی شود، کاتبان دست به ویرایش آن زده‌اند.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳:۲۳-۳۸

۲۳ وقتی عیسی مأموریت خود را شروع کرد در حدود سی سال از عمرش گذشته بود و برحسب تصوّر مردم او پسر یوسف بود و یوسف پسر هالی،
۲۴ پسر مَتّات، پسر لاوی، پسر ملکی، پسر بنا، پسر یوسف، ۲۵ پسر مَتّاتیا، پسر آموس، پسر ناحوم، پسر حَسلی، پسر نَجّی، ۲۶ پسر مَتّاتیا، پسر شِمعی، پسر یوسف، پسر یهودا، ۲۷ پسر یوحنا، پسر رِیسا، پسر زروبابِل، پسر شالِثیئیل، پسر نیری، ۲۸ پسر ملکی، پسر آدی، پسر قوسام، پسر ایلمودام، پسر عیر،
۲۹ پسر یوسی، پسر البعزر، پسر یوریم، پسر مَتّات، پسر لاوی، ۳۰ پسر شَمعون، پسر یهودا، پسر یوسف، پسر یونان، پسر ایلِیا قِیم، ۳۱ پسر مِلِیا، پسر مینان، پسر مَتّاتا، پسر ناتان، پسر داوود، ۳۲ پسر یَسی، پسر عوبید، پسر بوعز، پسر شَلْمون، پسر نَحشون، ۳۳ پسر عمیناداب، پسر ارام، پسر حَصرون، پسر فارص، پسر یهودا، ۳۴ پسر یعقوب، پسر اسحاق، پسر ابراهیم، پسر تارح، پسر ناحور، ۳۵ پسر سروج، پسر رعو، پسر فالج، پسر عابر، پسر صالح، ۳۶ پسر قینان، پسر ارفکشداد، پسر سام، پسر نوح، پسر لامَک، ۳۷ پسر متوشالَح، پسر خنوخ، پسر یارد، پسر مَهلئیل، پسر قینان، ۳۸ پسر انوش، پسر شِث، پسر آدم بود و آدم از خدا بود.

۲۳:۳ «در حدود سی سال از عمرش گذشته بود» زمان دقیق رخ دادن رویدادهای عهد جدید مشخص نیست، اما در نتیجه‌ی مقایسه با سایر متون عهد جدید، سایر منابع تاریخی و باستان‌شناسی معاصر، گزینه‌های محتمل به تدریج مشخص‌تر و قطعی‌تر می‌شوند. این آیه، مشخصاً بر سی سالگی عیسی در این مقطع تأکید ندارد، بلکه اشاره دارد به در حدود سی سال سن داشتن عیسی.

□ «برحسب تصوّر مردم او پسر یوسف بود» نام یوسف در راستای تحقق بخشیدن به مقتضیات حقوقی یهودی ذکر شده است. عبارت «بر حسب تصوّر» مَهر تأییدی بر درک و تصدیق لوقا از آموزه‌ی تولد از باکره (مانند ۳۴:۱-۳۵) می‌باشد.

□ «پسر هالی» در ترجمه‌های مختلف انگلیسی، این نام به دو صورت “Eli” یا “Heli” به چشم می‌خورد. اما پرسش اصلی این است که پدر یوسف که بود؟ نسب‌نامه‌ای که لوقا ارائه می‌کند، هالی را پدر یوسف دانسته، و نسب‌نامه‌ی مذکور در انجیل متی، یعقوب را پدر یوسف معرفی می‌کند. تفاوت‌های متعددی میان دو نسب‌نامه‌ی ارائه شده توسط لوقا و متی به چشم می‌خورد. بهترین حدس و گمان این است که لوقا شجره‌ی خانوادگی مریم را، و متی شجره‌ی خانوادگی یوسف را ثبت کرده است.

یکی از مفسران محبوب من، F. F. Bruce در کتاب *Questions and Answers* (p. 41) به مورد دیگری در راستای توضیح تفاوت میان نسب‌نامه‌های لوقا و متی اشاره می‌کند: متی شجره‌ی خانوادگی شاهانه‌ی عیسی را ثبت کرده (یعنی، پادشاهانی که به‌طور متوالی بر تخت پادشاهی یهودا نشسته‌اند)، در آن حین که لوقا شجره‌نامه‌ی خانوادگی یوسف را ثبت نموده است (یکی از شاخه‌های خاندان داوود، و نه سلسله‌ی پادشاهان یهودا). گمان می‌کنم مشکل من این است که این جمله‌ی لوقا که «یوسف بر حسب تصور مردم پدر عیسی بود» (آیه‌ی ۲۳)؛ به‌نظر اقتضا می‌کند که مریم نیز می‌بایست از نسل داوود باشد تا نبوت دوم سموئیل ۱۲:۷-۱۶ محقق گردد.

۳۲:۳

ترجمه‌ی قدیم: «سَلْمون»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «سَلْمون»

ترجمه‌ی مؤده: «سَلْمون»

این نام، به اشکال متفاوتی در ترجمه‌های مختلف ظاهر شده است.

۱. سَلا (Sala) – MSS P⁴, S^{*} (ترجمه‌ی UBS⁴ به آن رتبه‌ی B داده است)

۲. سَلْمون (Salmōn) – A, D, L, MSS S² (از متی ۴:۱، ۵)

۳. سَلْمون (Salman) – برخی حروف کوچک (از روت ۲۰:۴)

۴. سَلْما (Salma) – در MSS یونانی نیامده است، بلکه در اول تواریخ ۱۱:۲

۳۳:۳ این آیه از اشکال متفاوتی برخوردار است. برای مطالعه‌ی جزئیات بیش‌تر، رجوع کنید به - Bruce Metzger, *Textual Commentary*, pp. 207-208.

۳۸:۳ «پسر آدم» انجیل متی – که خطاب به یهودیان نگاشته شده است – شجره‌ی خانوادگی عیسی را تا ابراهیم ذکر می‌کند. انجیل لوقا – که خطاب به غیریهودیان نگاشته شده است – نسب‌نامه را تا آدم، به عنوان سرمنشاء نسل بشر، به عقب می‌برد. لوقا حتی به کنایه از آفرینش انسان‌ها (ر. ک. پیدایش ۷:۲)، به صورت خدا سخن می‌گوید (ر. ک. پیدایش ۲۶:۱-۲۷).

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. چرا لوقا تا این حد مصمم بود که تاریخ خدمت یحیی تعمید دهنده را به شکل دقیق به ثبت برساند؟
۲. چرا پیغام یحیی در عصر خود، پیغامی بنیادستیزانه بود؟
۳. چرا آیات ۷-۹ برای یهودیان عصر یحیی آن‌چنان در خور توجه بود؟
۴. چرا هیروдіس یحیی را به قتل رسانید؟
۵. چرا عیسی تعمید آب گرفت؟
۶. چرا نسب‌نامه‌ی عیسی در انجیل لوقا با نسب‌نامه‌ی مذکور در انجیل متی تفاوت دارد؟

انجیل لوقا فصل چهار
تقسیم‌بندی بر اساس پارگراف‌ها در ترجمه‌های مختلف

ترجمه‌ی قدیم	ترجمه‌ی هزاره‌ی نو	ترجمه‌ی مؤده
تجربه‌ی عیسی لوقا ۱:۴-۱۳	عیسی در بوته‌ی آزمایش لوقا ۱:۴-۱۳	آزمایش‌ها لوقا ۱:۴-۱۳
موعظه‌ی عیسی در جلیل لوقا ۱۴:۴-۱۵	طرد عیسی در ناصره لوقا ۴:۴-۳۰	آغاز کار عیسی در جلیل لوقا ۴:۴-۱۵
طرد عیسی از ناصره لوقا ۴:۴-۳۰		مردم ناصره عیسی را رد می‌کنند لوقا ۴:۴-۳۰
عیسی با اقتدار بسیار تعلیم می‌دهد لوقا ۴:۴-۳۷	شفای مرد دیو زده لوقا ۴:۴-۳۷	شفای یک دیو زده لوقا ۴:۴-۳۷
شفای مادر زن پطرس و بسیاری دیگر لوقا ۴:۴-۴۱	شفای مادر زن پطرس و بسیاری دیگر لوقا ۴:۴-۴۱	شفای دردمندان لوقا ۴:۴-۴۱
موعظه‌ی عیسی در سراسر جلیل لوقا ۴:۴-۴۴	دعای عیسی در خلوت لوقا ۴:۴-۴۴	عیسی در کنایس موعظه می‌کند لوقا ۴:۴-۴۴

نگرشی بر مضمون متن لوقا ۴:۱-۱۳

الف) این امر حائز اهمیت فراوانی است که بلافاصله پس از آن که خدا مامیچ بودن پسر خود، عیسی را تأیید نمود (ر. ک. لوقا ۳:۲۲)، روح‌القدس، عیسی را به منظور آزمایش کردن به بیابان بُرد (مرقس ۱:۱۲). گذر عیسی از بوته‌ی آزمایش‌ها در اراده‌ی پدر برای پسرش بود. وسوسه را می‌توان چنین تعریف کرد: اغفالِ کشش یا میلی خدادادی به این قصد که در نهایت، مرزهای تعیین شده توسط خداوند زیر پا گذاشته شوند. وسوسه یا آزمایش، به خودی‌خود گناه نیست. خدا آغازگر این آزمایش بود. شیطان کارگزار و عامل عملی کردن آن بود (ر. ک. دوم پادشاهان ۲۲:۱۳-۲۳؛ ایوب ۱-۲؛ زکریا ۳).

ب) آیا عیسی حقیقتاً می‌توانست مرتکب گناه شود؟ این موضوع به‌واقع باز می‌گردد به حضور دو طبیعت در وجود مسیح. این تجربه، تجربه‌ای کاملاً واقعی بود. عیسی، در سرشت انسانی خود، می‌توانست از اراده‌ی خدا عدول نماید. این صحنه‌ای از یک نمایش خیمه‌شب بازی نبود. عیسی حقیقتاً انسان بود، اما فاقد طبیعتی سقوط کرده (ر. ک. فیلیپیان ۷:۲-۸؛ عبرانیان ۴:۱۵؛ ۷:۲۶). از این لحاظ، وی همانند آدم بود. در باغ جتسمانی هنگامی که عیسی سه بار، برای طریق دیگری برای فراهم آوردن نجات، غیر از صلیب دعا کرد، با همین طبیعت انسانی و ضعیف او روبه‌رو می‌شویم (ر. ک. ۲۶:۳۶-۴۶؛ مرقس ۱۴:۳۲-۴۲). این کشش، جوهره‌ی تمامی وسوسه‌های شیطانی در متی باب ۴ می‌باشد (ر. ک. *The Life and Teachings of James S. Stewart*). عیسی به چه نحو از عطایای مسیحایی خود برای رهایی دادن بشر سود خواهد جست؟ هر شیوه‌ای غیر از کفاره‌ی نیابتی، وسوسه محسوب می‌گردد!

ج) عیسی می‌بایست بعدها درباره‌ی این تجربه با شاگردانش سخن گفته باشد، چون او در آن بیابان تنها بود. این موضوع به این واقعیت اشاره دارد که این داستان نه تنها ما را از مورد وسوسه قرار گرفتن مسیح مطلع می‌سازد، بلکه همچنین به ما در رویارویی با تجربه‌های خودمان یاری می‌بخشد (ر. ک. عبرانیان ۱۸:۲؛ ۱۴:۱۵).

د) خلاصه‌شده‌ی روایت مذکور در فصل چهارم انجیل لوقا، به‌طور موازی در مرقس ۱۲:۱-۱۳ و متی ۱:۴-۱۱ آمده است. از آن‌جا که فقط متی و لوقا شرح کاملی از این رویداد را ارائه نموده‌اند، و به استثنای انجیل مرقس (۱۲:۱-۱۳)، که روایتی خلاصه دست می‌دهد، در جای دیگری با شرح این رویداد برخورد نمی‌کنیم، محققان اظهار دارند که این روایت برگرفته از فهرستی از سخنان عیسی است (احتمالاً این منبع، توسط متی و به زبان آرامی نوشته شده است)، که آن را *Quelle* می‌خوانند، که در زبان آلمانی به معنای «منبع» می‌باشد. شرح این وسوسه‌ها مشابه یکدیگر می‌باشد (ترتیب آنها فرق می‌کند، اما هر سه وسوسه و محتوای گفت‌وگوی رد و بدل شده، در هر سه انجیل یکسان است)، و این منجر می‌شود که فرضیه‌ی «لزوم» وجود منبعی مشترک تقویت یابد. مسأله این است که منبع «کیو»، حتی بخشی از آن، تا کنون هرگز یافت نشده است. بر اساس منطق و سنت کلیسایی، وجود چنین منبعی مفروض انگاشته شده است.

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه‌ی خوب کتاب مقدس» صفحه‌ی vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فرارویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در تفسیر کتاب مقدس، نقش اول را بر عهده دارید. شما نمی‌بایست از این وظیفه شانه خالی کنید و آن را صرفاً بر دوش مفسر کتاب مقدس بگذارید.

این فصل را در یک نشست، از ابتدا تا انتها بخوانید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ترجمه‌ی جدید کتاب مقدس مقایسه کنید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۴. پاراگراف اول

۵. پاراگراف دوم

۶. پاراگراف سوم

الی آخر...

مطالعه‌ی واژگان و عبارتها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴: ۱-۴

۱ عیسی پر از روح القدس از رود اردن بازگشت و روح خدا او را به بیابانها برد ۲ و در آنجا ابلیس او را مدت چهل روز با وسوسه‌ها آزمایش می‌کرد. او در آن روزها چیزی نخورد و سرانجام گرسنه شد. ۳ ابلیس به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی به این سنگ بگو تا نان شود.» ۴ عیسی پاسخ داد: «در کتاب مقدس نوشته شده است که زندگی انسان فقط بسته به نان نیست.»

۴: ۱ «پر از روح القدس» این آیه به واقعیه‌ی تعمید عیسی در ۲۲: ۳ اشاره دارد. تأکید لوقا بر روح القدس را می‌توان در این امر دید که در همین جمله‌های پیرو آغازین، او دو بار به روح القدس اشاره می‌کند، همچنین در آیات ۱۴ و ۱۸. به این موضوع توجه داشته باشید که وسوسه‌ها زمانی رخ داد که عیسی پر از روح القدس بود، حتی این خود روح بود که (ر. ک. مرقس ۱: ۱۲) وی را به سوی این آزمایش‌ها (همچنین زمانی برای کسب آمادگی روحانی و پالایش ذهنی) هدایت نمود.

انجیل لوقا، اغلب انجیل روح القدس خوانده می‌شود. در این انجیل، روح القدس به عنوان منبع قوت بخش عیسی مکشوف گشته است.

۱. مریم توسط روح القدس آبتن گردید- ۳۵: ۱

۲. به هدایت روح وارد معبد بزرگ شد- ۲۷: ۲

۳. به روح تعمید خواهد داد- ۱۶:۳

۴. روح بر او نازل گشت- ۲۲:۳

۵. پر از روح القدس- ۱:۴

۶. تحت هدایت روح القدس- ۱:۴

۷. به قوّت روح- ۱۴:۴

۸. مسح شده توسط روح خدا- ۱۸:۴

برخی از الاهی‌دانان سعی دارند دو مفهوم «پُر از روح القدس» و «پُر شدن از روح القدس» را در برابر یکدیگر قرار دهند، با این وجه افتراق که اولی، مفهومی همیشگی است (که به یقین این واقعیت در مورد عیسی حقیقت دارد، ر. ک. آیه‌ی ۱۴؛ ۱۸:۱۴). با وجود این، «پُر شدن از روح القدس» بارها در نوشته‌های لوقا به چشم می‌خورد:

۱. انجیل لوقا

(الف) الیزابت در ۴۱:۱

(ب) زکریا در ۶۷:۱

۲. اعمال رسولان

(الف) آن هفت نفر در اعمال ۳:۶

(ب) استفیان، یکی از آن هفت نفر در اعمال ۵۵:۷

(ج) برنابا در اعمال ۲۴:۱۱

بارها در کتاب اعمال بیان شده است که شاگردان «پُر از روح» شده‌اند:

۱. همه‌ی کسانی که در اتاق بالاخانه بودند، ۴:۲

۲. پطرس، ۸:۴

۳. آن گروهی که مشغول دعا بودند، ۳۱:۴

۴. پولس ۹:۱۳؛ ۱۷:۹

حتی عیسی در لوقا ۲۲:۳ تجربه‌ای خاص با روح القدس داشته است.

در این مجموعه‌ی تفاسیر، چندین «عنوان خاص» را به مبحث روح القدس اختصاص داده‌ام

۱. روح القدس (*pneuma*) در عهد جدید، در ۸۰:۱

۲. تثلیث، در ۲۲:۳

۳. تشخیص (شخص‌وار بودن) روح القدس، در ۱۲:۱۲

۴. روح القدس در کتاب مقدس (به عنوان خاص زیر رجوع کنید)

عنوان خاص: روح القدس در کتاب مقدس

□ «چهل روز» مرقس (پطرس) مضمونی را که بارها در عهد عتیق تکرار شده است، برگزیده است (۱) چهل روز و چهل شبی که موسی بر کوه سینا سپری نمود (ر. ک. خروج ۲۴:۱۸؛ ۲۸:۳۴؛ تثنیه ۹:۹؛ ۱۰:۱۰) و (۲) سرگردانی قوم اسرائیل به مدت چهل سال در بیابان (ر. ک. اعداد ۲۶:۱۴-۳۵). متی عیسی را در مقام بخشنده‌ی شریعت جدید و نجات‌دهنده معرفی می‌کند.

لفظ «چهل» به کرات در کتاب مقدس به کار رفته، که به طور تلویحی بر این امر دلالت داشته است که می‌تواند هم به معنای لغوی (چهل سال سفر از مصر به سوی کنعان) و هم به معنای مجازی (طوفان نوح) به کار گرفته شود. یهودیان از تقویم قمری استفاده می‌کردند. «چهل» تلویحاً به مدتی طولانی و نامعلوم-که طولانی‌تر از یک شبانه روز تقویم قمری بود- اشاره داشته است، و نه دقیقاً به چهل شبانه‌روز بیست و چهار ساعته.

□ «روح خدا او را ... بُرد» این عبارت در هر یک از اناجیل هم‌نظر به شکل متفاوتی آمده است:

الف) در مرقس (۱۲:۱) فعل *ekballō* (به معنای «بیرون کردن یا انداختن») و در حالت حال معلوم/اخباری آمده است، که به عملی مستمر اشاره دارد. این اصطلاح، اصطلاح قوی و محکمی است که برای اشاره به «اخراج کردن دیوها» از آن بهره گرفته شده است (ر. ک. مرقس ۱:۳۴، ۳:۲۲، ۵:۲۳، ۶:۱۳؛ ۷:۲۶؛ ۹:۱۸، ۲۸، ۳۸).

ب) در متی (۱:۴) فعل *anagō* آمده است، که ترکیبی است از *ana* به معنای «بالا» و *agō* به معنای «رفتن» یا «هدایت کردن»؛ و در حالت نامعین مجهول/اخباری است که به عملی تمام شده، که یک بار رخ داده است، اشاره دارد. این اصطلاح، همچنین در ارتباط با تقدیم قربانی‌ها به کار رفته است (ر. ک. اعمال ۷:۴۱).

ج) در لوقا (۱:۴) فعل *agō* در حالت ناکامل مجهول/اخباری آمده است که بر آغاز یک عمل تأکید دارد.

هر سه مورد بر عمل روح القدس (به عنوان خاص در ۱۲:۱۲ رجوع کنید) درآمده نمودن عیسی برای آغاز خدمات عمومی خود، تأکید دارند.

□ «بیابان‌ها» منظور صحرا نیست، بلکه مراتع غیرمسکونی جنوب و شرق اورشلیم است. در دوران سرگردانی قوم اسرائیل در بیابان بود (یعنی، خروج) که یهوه به شکل بی‌ظیری حاضر بود، و دائماً نیازهای قوم را تأمین می‌نمود. معلمان مذهبی یهودی بعدها این دوره‌ی چهل ساله‌ی سرگردانی را (در عمل سی و هشت سال) دوران ماه غسل میان یهوه و قوم اسرائیل نامیدند. این دقیقاً همان منطقه‌ای بود که یحیی تعمیددهنده خود را برای رسالتش آماده کرد. همچنین این امکان نیز وجود دارد که «بیابان‌ها» نمادی از مکان سکونت ارواح پلید باشد (*azazel*، ر. ک. لاویان ۱۶:۸، ۱۰). حیوانات مشخصی نمادی از این ارواح بوده‌اند (ر. ک. اشعیا ۳۴:۱۳؛ ۳۴:۱۴-۱۵). متی ۴۳:۱۲ به همین موضوع کنایه دارد.

عنوان خاص: ارواح پلید در عهد عتیق

۲:۴ «چهل روز» به‌نظر می‌رسد نویسندگان اناجیل درصدد بوده‌اند که با توسل به شیوه‌های ادبی، میان تجربه‌ی عیسی در بیابان و تجربه‌ی موسی در بیابان (ر. ک. خروج ۳۵:۱۶؛ اعداد ۳۳:۱۴-۳۴؛ تثیبه ۸:۲) یا دوره‌ی چهل روزه‌ای که موسی بر فراز کوه خدا بود (ر. ک. خروج ۱۸:۲۴؛ ۲۸:۳۴؛ تثیبه ۹:۱۸؛ ۱۰:۱۰) ارتباطی ایجاد نمایند. این تلاش برای برجسته ساختن همسانی این تجربه با تجربه‌ی موسی، با وضوح بیش‌تری در روایت متناظر در انجیل متی (ر. ک. متی فصل چهار)، قابل مشاهده است.

□ «با وسوسه‌ها آزمایش می‌کرد» به عنوان خاص زیر رجوع کنید.

عنوان خاص: معادل‌های یونانی برای «آزمایش کردن» و مفاهیم ضمنی آنها

دو لغت یونانی با مفهوم امتحان کردن شخص برای هدفی خاص وجود دارد.

۱. دوکیمازو، دوکیمیون، دوکیماسیا

این واژه، واژه فلز شناسی برای امتحان کردن خلوص چیزی (یا بطور استعاره، شخصی) با استفاده از آتش است. آتش مواد زائد را می‌سوزاند (خالص کردن) و فلز واقعی را آشکار می‌کند. این فرآیند مادی اصطلاح قدرتمندی شد برای توصیف امتحان اشیا یا افراد توسط خدا و یا انسان. این لغت تنها به حالت مثبت امتحان کردن با نظر پذیرش بکار می‌رود. در عهد جدید برای امتحان کردن موارد زیر استفاده شده:

الف. گاو، لوقا ۱۴:۱۹

ب. خود ما، ۱ قرنتیان ۱:۲۸

ج. ایمان ما، یعقوب ۱:۳

الف. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

نتایج این امتحانات قرار بود مثبت باشد (رومیان ۱: ۲۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۶: ۱۰؛ ۲۱: ۱۰؛ ۱۸: ۱۳؛ ۳: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۲۷؛ ۱ پطرس ۱: ۷). بنابراین، واژه این ایده را منتقل می‌کند که شخص امتحان می‌شود تا ثابت شود ارزشمند است.

الف. خوب

ب. خالص

ج. گرانبها

د. ارزنده

۲. پیرازو، پیرازموس

این واژه دارای مفهوم ضمنی امتحان کردن امتحان به منظور یافتن عیب یا رد کردن است. اغلب در ارتباط با وسوسه عیسی در بیابان بکار می‌رود.

الف. بیانگر تلاش برای بدام انداختن عیسی است (متی ۴: ۱؛ ۱۶: ۱؛ ۱۹: ۳؛ ۲۲: ۱۸، ۳۵؛ مرقس ۱: ۱۳؛ لوقا ۴: ۲؛ ۱۰: ۲۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸).

ب. این واژه (پیرازو) در متی ۴: ۳ و ۱ تسالونیکیان ۳: ۵ به صورت عنوانی برای شیطان بکار می‌رود.

ج. عیسی (در فرم ترکیبی، اکپیرازو) آن را برای امتحان نکردن خدا بکار می‌برد (متی ۴: ۷؛ لوقا ۴: ۱۲؛ و نیز ۱۰: ۹ را ببینید).

د. این واژه در رابطه با وسوسه و آزمایشهای ایمانداران استفاده می‌شود (۱ قرنیتان ۷: ۵؛ ۱۰: ۹؛ ۱۳: ۱۳؛ غلاطیان ۶: ۱؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲، ۱۳، ۱۴، ۱ پطرس ۴: ۱۲؛ ۲ پطرس ۲: ۹).

□ «ابلیس» معادل یونانی این واژه، واژه‌ی *diabolos* است، که برای شیطان در عهد عتیق به کار رفته است. رجوع کنید به عنوان خاص زیر.

عنوان خاص: شیطان

بدلائل متعددی این بحث بسیار دشواری است:

۱. عهد عتیق از دشمن بزرگ خوبی‌ها سخن نمی‌گوید، بلکه اشاره دارد به خادم *یهوه* که گزینه دیگری در اختیار انسان قرار می‌دهد و بشر را متهم به عدم پارسایی می‌کند. در عهد عتیق تنها یک خدا (وحدانیت)، یک قدرت، و تک مسبب وجود دارد - *یهوه*.

۲. مفهوم دشمن شخصی ناقلائی خدا در ادبیات بین‌العهدین (غیر استاندارد) تحت تاثیر مذهب دوقدرتی پارسیان (زرتشت) توسعه یافت. این نیز به نوبه خود شدیداً بر یهودیت کنترل شده توسط روحانیون یهود و جامعه اس‌ها تاثیر گذاشت (طومارهای دریای مرده).

۳. عهد جدید مباحث عهد عتیق را بطرز حیرت‌آوری دقیق، اما گزینشی و طبقه‌بندی شده بسط می‌دهد.

اگر کسی مسئله شیطان را از دیدگاه کتاب مقدسی مطالعه کند (هر کتاب یا مولف و سبک ادبی مطالعه و جداگانه خلاصه شود) دیدگاههای بسیار متفاوتی در مورد شیطان آشکار می‌شود.

اما اگر شخص از مسیر غیر کتاب مقدسی یا خیلی کتاب مقدسی مذاهب جهان یا ادیان شرقی به بحث شیطان بپردازد، در آنصورت بیشتر گستره عهد جدید برمی‌گردد به مذهب دوقدرتی ایرانی و روحانیت یونانی-رومی.

چنانچه شخص از قبل به منشا الهی کتاب مقدس اعتقاد داشته باشد، پس گسترش عهد جدید باید مکاشفه‌ای پیش‌رونده در نظر گرفته شود. مسیحیان باید برای پیشگیری از تاثیر بیشتر فرهنگ عامیانه یهودی یا ادبیات غربی (دانت، میلتن) بر این موضوع خود را تجهیز کنند. شکی نیست که در این بخش از مکاشفه رموز و ابهاماتی وجود دارد. اراده خدا این است که همه جنبه‌های شیطان، مبداش، گسترش نفوذش و مقصودش را آشکار نکند، اما شکستش را مکشوف کرده است!

در عهد عتیق واژه "شیطان" یا "اتهام زننده" ممکن است به سه دست جداگانه زیر مرتبط شوند:

۱. بشر اتهام‌زننده - ۱ سموئیل ۲۹: ۴؛ ۲ سموئیل ۱۹: ۲۲؛ ۱ پادشاهان ۱۱: ۱۴، ۲۰، ۲۹؛ مزمو ۱۰۹: ۶

۲. فرشتگان اتهام‌زننده - اعداد ۲۲: ۲۲-۲۳؛ ایوب ۱-۲؛ زکریا ۳: ۱۱

۳. ارواح شریر اتهام‌زننده - ۱ تواریخ ۲۱: ۲؛ ۱ پادشاهان ۲۲: ۲۱؛ زکریا ۱۳: ۲

تنها در دوره بین‌العهدین است که مار در پیدایش ۳ ماهیت شیطان پیدا می‌کند (کتاب حکمت ۲: ۲۳-۲۴؛ ۲ خنوخ ۳: ۳)، و حتی بعد از آن به گزینه‌ای در

تعلیم یهودیان تبدیل می شود (سات ۹ و سنه ۲۹ الف). "پسران خدا" در پیدایش ۶ در ۱ خنوخ ۵۴: ۶ فرشتگان می شوند. هدف از ذکر اینها در اینجا صحنه گذاشتن به الهیات آن نیست، بلکه تنها نشان دادن چگونگی بسط این ایده هاست. در عهد جدید این فعالیتهای عهد عتیقی به فرشتگان، یا همان شریران شخص نما نسبت داده می شوند (۱ قرنتیان ۱۱: ۳؛ مکاشفه ۱۲: ۹).

تعیین منشا شریران شخص نما بر اساس عهد عتیق مشکل یا غیرممکن است (بسته به دیدگاه شما). یک دلیل این دشواری گرایش بی چون و چرای یهودیان به وحدانیت است (۱ پادشاهان ۲۲: ۲۰-۲۲؛ جامعه ۷: ۱۴؛ اشعیا ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶). می گفتند *یهوه* مسبب همه چیز است تا از این طریق یکتایی و مبدا بودنش بروز دهد (اشعیا ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸؛ ۲۴: ۴۵؛ ۵-۶، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۲).

منابع موجود برای کسب اطلاعات عبارتند از (۱) ایوب ۱-۲، که در آن شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی فرشتگان) یا (۲) اشعیا ۱۴؛ حزقیال ۲۸، که پادشاهان مغرور خاور نزدیک (بابل و تیره) احتمالا بکار رفته اند تا غرور شیطان به تصویر کشیده شود (۱ تیموتائوس ۳: ۶). من در مورد این روش بررسی احساسات متضادی دارم. حزقیال نه تنها استعاره باغ عدن را برای پادشاه تیره به عنوان شیطان (حزقیال ۲۸: ۱۲-۱۶) بکار می برد، بلکه از آن برای پادشاه مصر به عنوان درخت معرفت خوب و بد نیز استفاده می کند (حزقیال ۳۱). با اینحال اشعیا ۱۴، بویژه آیات ۱۲-۱۴، ظاهرا طغیان یک فرشته در اثر غرور را توصیف می کنند. اگر خدا می خواست ماهیت و مبدا ویژه شیطان را بر ما آشکار کند، این مسیر منحرفی برای این منظور بود. باید خود را در مقابل گرایش به الهیات سیستماتیک تجهیز کنیم که بخش کوچکی از عهدهای مختلف، مولفان، کتابها و سبکهای نوشتاری را گرفته و آنها را ترکیب و به عنوان قطعاتی از معماری الهی ارائه می دهد.

من با آلفرد ادرشیم موافقم (زندگی و دوران عیسی مسیح، جلد ۲، ضمیمه ها iiiX [صفحات ۷۴۸-۷۶۳] و iVX [صفحات ۷۷۰-۷۷۶] که یهودیت تحت کنترل علمای یهود شدیداً تحت تأثیر ایده های قدرت دو گانه و فرضیات ارواح پلید ایرانیها قرار گرفته است. در این زمینه علمای یهود مرجع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی مسیح در این زمینه شدیداً از تعالیم کنیسه فاصله می گیرد. فکر می کنم تعلیم علمای یهود در مورد وساطت و مخالفت فرشتگان نسبت به عطای شریعت به موسی روی کوه سینا، باب را برای مفهوم فرشته ارشدی که دشمن *یهوه* و انسان است گشود. دو خدای برتر تفکر دو خدایی یهودی، یعنی *اهریمن و اهورامزدا*، خوب و بد، به تفکر دو گانه کتاب مقدسی *یهوه* و شیطان بسط یافت.

قطعا در عهد جدید مکاشفه پیش رونده ای در مورد تجسم شخصیتی شریر وجود دارد، اما به اندازه تعلیم علمای یهود با شرح و تفصیل همراه نیست. نمونه خوبی از این تفاوت "جنگ در آسمان" است. سقوط ابلیس ضرورتی منطقی است، اما جزئیات آن ارائه نشده است. حتی اطلاعات داده شده نیز در سبک نگارش مکاشفه ای مستور شده است (مکاشفه ۱۲: ۴، ۷، ۱۲-۱۳). درست است که در عیسی مسیح شیطان شکست خورد و به زمین تبعید شد، ولی او هنوز به عنوان خادم *یهوه* ایفای نقش می کند (متی ۴: ۱؛ لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲؛ ۱ قرنتیان ۵: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید کنجکاوی خود در این زمینه را کنترل کنیم. نیروی شخصی وسوسه و شریر وجود دارد، ولی هنوز یک خدا وجود دارد و ما هنوز در مقابل انتخابهایمان مسئولیم. نبردی روحانی در جریان است، هم قبل و هم بعد از نجات. پیروزی تنها از طریق خدای تثلیث کسب و برقرار می ماند. شریر شکست خورده و حذف خواهد شد.

□ «او در آن روزها چیزی نخورد» در یهودیت قرن اول میلادی، روزه گرفتن به منظور دستیابی به هوشیاری و حساسیت روحانی، امری متداول در میان پیروان این مذهب بود. اگر چه عیسی چیزی نخورد (نفی مضاعف - double negative)، اما این به آن معنا نیست که او هیچ گونه مایعی نیز ننوشیده است. از لحاظ فیزیکی، ادامه ی زندگی پس از سه یا چهار روز بدون مایع سپری کردن، غیرممکن است. رجوع کنید به عنوان خاص: روزه گرفتن در ۳۳: ۵.

□ «سرانجام گرسنه شد» عیسی، انسانی عادی همراه با نیازهای عادی جسمانی بود. محققان به بحث خود در رابطه با این موضوع همچنان ادامه می دهند که آیا تأکید لوقا بر جنبه ی بشری عیسی در راستای تقابل با بدعت گنوسی گری در کلیسای اولیه بوده است یا خیر؛ بدعتی که انسانیت حقیقی عیسی را انکار می کرد (رجوع کنید به عنوان خاص در ۴۰: ۲). این احتمال وجود دارد که شیطان/ ابلیس تا به پایان رسیدن روزه منتظر مانده، و هنگامی که عیسی گرسنه و کم رمق شده است، وسوسه های خود را آغاز کرده است؛ و نخستین وسوسه در ارتباط با نان بود.

۹: ۳، ۴ «اگر تو پسر خدا هستی» این یک جمله ی شرطی نوع اول است و می تواند چند معنی داشته باشد: (۱) گزاره ی این آیه درست مفروض شده است بر اساس آن، نویسنده می تواند مطلب خود را بیان کند یا (۲) نویسنده با درست بودن گزاره موافقت می کند. با توجه به چارچوب این آیات، من گزینه ی دوم را

ترجیح می‌دهم. ابلیس هیچ تردیدی درباره‌ی کیستی عیسی نداشت (یعنی، «پسر خدا»، ۲۲:۳، همچنین در ۳۵، ۳۲:۱ نیز به آن اشاره شده است)، بلکه او درباره‌ی نحوه‌ی به کمال رساندن رسالت مسیحایی عیسی دارای تردید بود (ر. ک. James S. Stewart, *The Life and Teachings of Jesus Christ*).

۳:۴ «سنگ... نان» به ظاهر، این سنگ‌ها در بیابان یهودیه از شکلی مانند قرص‌های نانی که در قرن اول میلادی در فلسطین مورد استفاده بود، برخوردار بودند. شیطان در صدد بود تا عیسی را وسوسه کند که قدرت مسیحایی اش را هم برای ارضای نیازهای شخصی اش و هم برای به دست آوردن پیروان از طریق غذا دادن به آنها، به کار برد. در عهد عتیق، غذا دادن به مسکینان به عنوان یکی از مشخصه‌های ماشیح مطرح شده است (ر. ک. اشعیا ۵۸:۶-۷، ۱۰). تجربیات وسوسه‌انگیزی از همین جنس، تا حدی در طی دوران خدمات زمینی عیسی نیز رخ دادند. غذا دادن به پنج هزار نفر (متی ۱۴:۱۳-۲۱) و چهار هزار نفر (متی ۲۹:۱۵-۳۳) نشان داد که چگونه آدمیان، تدارک الهی خدا مبنی بر مهیا کردن غذای جسمانی را مورد سوءاستفاده قرار دادند و می‌دهند. بار دیگر شاهد این امر هستیم که این مورد، مشابه مشکلاتی است که قوم اسرائیل در بیابان تجربه کردند (یعنی، مهیا کردن غذا توسط خدا). متی میان عیسی و موسی همانندی و تناظر می‌بیند. یهودیان متوقع بودند که روزی ماشیح، بسیاری از عملکردهای موسی را دوباره انجام خواهد داد (ر. ک. یوحنا فصل ۶).

۴:۴ «نوشته شده است» این فعل در وجه/خبری مجهول کامل است. این شیوه‌ای متداول برای نقل قول کردن از عهد عتیق بوده است (ر. ک. آیات ۴، ۷، ۱۰)، در این مورد، از تثنیه ۳:۸ از ترجمه‌ی هفتادگان (LXX) نقل قول شده است. این نقل قول خاص، به مشیت الهی در مهیا کردن مَنّا برای فرزندان اسرائیل در طی دوران سرگردانی در بیابان اشاره دارد.

تمامی پاسخ‌های عیسی به وسوسه‌های ابلیس، نقل قول‌هایی از کتاب تثنیه بود (۱۳:۶، ۱۶؛ ۳:۸). این کتاب، مطمئناً یکی از کتاب‌های محبوب عیسی بوده است.

۱. او در طی وسوسه‌هایش توسط شیطان در بیابان، به کرات از این کتاب نقل قول نمود، متی ۱:۴-۱۶؛ لوقا ۴:۱-۱۳.
 ۲. به احتمال زیاد، رثوس مطالب موعظه‌ی سر کوه نیز بر اساس مطالب این کتاب است، متی ۵-۷.
 ۳. عیسی تثنیه ۵:۶ را به عنوان بزرگ‌ترین حکم شریعت نقل قول نمود، متی ۲۲:۳۴-۴۰؛ مرقس ۱۲:۲۸-۳۴؛ لوقا ۱۰:۲۵-۲۸.
 ۴. عیسی از این بخش از عهد عتیق (پیدایش-تثنیه) بیش از سایر بخش‌ها نقل قول کرد، زیرا یهودیان آن روزگار، این بخش را مهم‌ترین بخش کائن کتاب مقدس می‌انگاشتند.
- عیسی کلام خدا را از حفظ کرده و آن را در دل خویش مخفی ساخته بود تا مبادا بر ضد خدا مرتکب گناهی گردد (ر. ک. مزمو ۱۱:۱۹). اگر عیسی برای مقابله با وسوسه و آزمایش، نیاز داشت تا کلام خدا را در ذهن و قلب خود بگنجاند، چقدر بیش‌تر، ما به این کلام نیاز داریم؟

□ «زندگی انسان فقط بسته به نان نیست» این جمله، نقل قولی است از تثنیه ۳:۸. در نسخه‌های یونانی، اشکال متفاوتی از این نقل قول به چشم می‌خورد.

۱. ترجمه‌های NASB, NRSV, TEV و NJB از نسخ خطی به نوشتار یونسیال یونانی (uncial) L, B, X و UBS⁴ درجه‌ی قطعیت B را قائل شده است (تبعیت کرده‌اند).
۲. ترجمه‌ی NKJV از MSS A و D پیروی می‌کند، که برگرفته از ترجمه‌ی هفتادگان تثنیه ۳:۸ و متی ۴:۴ (روایت متناظر) می‌باشد.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴:۵-۸

۵ بعد ابلیس او را به بالای کوهی برد و در یک چشم به هم زدن تمام ممالک دنیا را به او نشان داد ۶ و گفت: «تمامی اختیارات این قلمرو و همه شکوه و جلال آن را به تو خواهم بخشید، زیرا در اختیار من است و من می‌توانم آن را به هر که بخواهم ببخشم. ۷ اگر تو مرا سجده کنی، صاحب همه آن خواهی شد.» ۸ عیسی به او پاسخ داد: «در کتاب مقدس نوشته شده است: "تو باید خداوند، خدای خود را سجده کنی و فقط او را خدمت نمایی."»

۵:۴ «به بالای کوهی برد» «به بالا برد»، همان فعل *anagō* است که در متی ۱:۴ به کار رفته است، و در لوقا، شکل *agō* آن مورد استفاده قرار گرفته است. حرف اضافه‌ی *ana* به معنای «بالا» است. در نظیر این روایت در انجیل متی، ترتیب تجربه‌ها متفاوت می‌باشد؛ در متی، تعبیر «کوه بسیار بلندی» اضافه شده است.

□ «در یک چشم به هم زدن تمام ممالک دنیا را به او نشان داد» این جمله مرا به این فکر وا می‌دارد که گرچه این تجربه‌ها واقعی بوده‌اند، اما همه‌ی آنها در ذهن عیسی رخ داده‌اند (ر. ک. George E. Ladd, *A Theology of the New Testament*, p. 49). هیچ کوهی وجود ندارد که فرد بتواند از فراز آن، تمام ممالک دنیا را ببیند، حتی در آن نقطه‌ی مشخص از کره‌ی زمین. توصیف «در یک چشم به هم زدن» نیز بر این موضوع صحنه می‌گذارد. همین در تقابل هم قرار گرفتن جنبه‌ی جسمانی و جنبه‌ی ذهنی را می‌توان در حزقیال فصل ۸ و در روایای یوحنا در کتاب مکاشفه نیز مشاهده نمود.

۶:۴ «این قلمرو» رجوع کنید به عنوان خاص در ۲:۲۰.

□ «زیرا در اختیار من است» کتاب مقدس شیطان را حاکم (رئیس) این جهان معرفی می‌کند (ر. ک. یوحنا ۳۱:۱۲؛ ۳۰:۱۴؛ ۱۱:۱۶؛ دوم قرنتیان ۴:۴؛ افسسیان ۲:۲؛ اول یوحنا ۱۹:۵). اما، او مالک آن نیست.

این عبارت در حالت *اخباری مجهول کامل* است، که به چیزی اشاره دارد که تبدیل به مکانی ثابت و مستقر شده، و واسطه‌ای که معرفی نشده است آن را عطا کرده است. پرسشی که گره تفسیر این آیه توسط آن باز می‌شود از این قرار است که «آیا این جمله حقیقت دارد» یا «صرفاً یک دروغ است از زبان آن دروغ‌گوی بزرگ؟»

اگر بپذیریم که حقیقت دارد، این امر پیامد فصل سوم کتاب پیدایش است. اگر حقیقت باشد، این به آن معناست که شاید این خداست که به‌منظور آزمون انسان مخلوق خود، مجوز این فرصت برای گناه و عصیان را صادر کرده است. مطمئناً رازی در این خصوص وجود دارد! اگر حقیقت ندارد، این ادعا کاملاً با ذات دروغ‌گوی شیطان - متهم کننده‌ی برادران و پدر دروغ‌گویان - مطابق خواهد بود.

از لحاظ الهیاتی میان این دو گزینه می‌توان توازی و تناظر قائل شد. شیطان در فریب دادن آدم و حوا موفق عمل کرد، اما حيله و نیرنگ او در مقابل عیسی، آدم دوم، به موفقیت دست پیدا نکرد (ر. ک. رومیان ۱۲:۵-۲۱؛ دوم قرنتیان ۴۵:۱۵-۴۹؛ فیلیپیان ۲:۶-۱۱). در این آیه، شیطان ادعای در اختیار داشتن تمام قدرت را دارد، اما عیسی تمام قدرت و اقتدار را در اختیار دارد (ر. ک. متی ۱۸:۲۸؛ همچنین متی ۲۷:۱۱؛ یوحنا ۳:۳؛ ۱۳:۳؛ ۲:۱۷).

□ «من می‌توانم آن را به هر که بخواهم ببخشم» این یک دروغ است. شیطان صرفاً قادر به انجام دادن کاری است که خدا به او اجازه‌ی انجام دادنش را داده باشد (ر. ک. اول پادشاهان ۱۹:۲۲-۲۳؛ ایوب ۱-۲؛ زکریا ۳).

۷:۴ «اگر» این یک جمله‌ی شرطی نوع سوم است، که به عملی بالقوه که دارای عنصر احتمال یا تصادف باشد، اشاره دارد.

□

ترجمه‌ی قدیم: «پیش من سجده کنی»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «پرستم کنی»

ترجمه‌ی مؤده: «مرا سجده کنی»

الهیدانان چنین پنداشته‌اند که شیطان قصد داشت جانشین خدا شود. اغلب این دیدگاه مبتنی است بر (۱) اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸، یا (۲) دانیال ۳۶:۱۱-۳۹، و (۳) مکاشفه ۱۳. معلمان مذهبی یهود چنین تعلیم می‌دهند که شیطان، فرشته‌ای مخلوق است، و آن هنگام که به او فرمان داده شد تا بشر سقوط کرده را خدمت کند، بر علیه خدا دست به عصیان زد. و اکنون، قصد دارد تا جانشین خدا شود.

در عهد عتیق، شیطان بنده‌ی خدا، اما دشمن انسان است. مفهوم شریر به شکل پیش‌رونده در کتاب مقدس بسط و تکوین می‌یابد (رجوع کنید به A. B. Davidson, *An Old Testament Theology*, صص. ۳۰۰-۳۰۶).

۸:۴ این آیه نقل قولی است از تثنیه ۱۳:۶. عیسی به‌وسیله‌ی نقل قول دیگری از کتاب تثنیه به آزمایش ابلیس پاسخ می‌دهد. کتاب تثنیه از اهمیت و جایگاه خاصی در نزد عیسی برخوردار بود. به احتمال زیاد، آن را از بر بوده است. او در طی این وسوسه‌ها، در پاسخ به شیطان، سه بار از این کتاب نقل قول نمود.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۹:۴-۱۲

۹ سپس ابلیس او را به اورشلیم برد و بر کنگرهٔ معبد بزرگ قرار داد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پایین بینداز، ۱۰ زیرا در کتاب مقدس نوشته شده است: "او به فرشتگان خود فرمان خواهد داد تا تو را محافظت کنند." ۱۱ و نیز نوشته شده است: "تو را در دستهای خود نگاه خواهند داشت، مبادا پایت به سنگی بخورد." ۱۲ عیسی به او پاسخ داد: «کتاب مقدس همچنین می‌گوید که "نباید خداوند، خدای خود را بیازمایی."»

۹:۴ «کنگره‌ی معبد بزرگ» این کُنْجی مشرف به دره‌ی کیدرون (Kidron) بوده است، جایی که کاهن، موعِدِ تقدیم قربانی صبحگاهی و شامگاهی را از آنجا اعلام می‌کرد. شیطان قصد داشت عیسی را وسوسه کند تا از طریق انجام دادن عملی معجزه‌وار و خارق‌العاده، توجه مردم را به‌سوی خود جلب کند. بسیاری از یهودیان، چشم انتظار ظهور ناگهانی ماشیح در معبد بزرگ بودند (ر. ک. ملاکی ۱:۳).

۱۰:۴ شیطان از مزمو ۹۱:۱۱-۱۲ نقل قول می‌کند. نقل قول او قدری اشتباه است، اما چارچوب آیات مبدا را حفظ کرده است. این مورد مثال مناسبی است برای نشان دادن این موضوع که چه میزان شیوه‌ی «اثبات حقایق تفسیر با استناد بر آیات خاص» (proof-texting)، شیوه‌ی ضعیفی در امر تفسیر کتاب مقدس می‌باشد (حتی شیطان نیز از طریق این شیوه قادر است چنان کند که کتاب مقدس موضوعی را بیان کند که مدنظر و دلخواه اوست).

۱۲:۴ این پاسخ عیسی نقل قولی است از تثنیه ۱۶:۶. تمامی پاسخ‌های عیسی به شیطان در این چارچوب، از کتاب تثنیه و از بخش‌های مربوط به دوران عبور اسرائیل از میان بیابان می‌باشد. عیسی از این که خدا را به عمل نمودن وادار کند، امتناع ورزید (ر. ک. دانیال ۱۶:۳-۱۸).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۳:۴

۱۳ ابلیس پس از آنکه تمام وسوسه‌های خود را به پایان رسانید مدتی او را تنها گذاشت.

۱۳:۴ «ابلیس پس از آنکه تمام وسوسه‌های خود را به پایان رسانید» متی و لوقا، این سه وسوسه را با ترتیبی متفاوت ذکر کرده‌اند. این بخش از آیه، شاید اشاره به این امر داشته باشد که وسوسه‌ها محدود به این سه مورد نبوده است. در هر حال، می‌توان این عبارت را یک جمله‌ی جمع‌بندی، که به‌کارگیری آن در نوشته‌های لوقا امر بسیار متداولی است، محسوب کرد. عیسی وسوسه‌های ما را می‌شناسد و ما را به‌طور کامل محبت می‌کند (ر. ک. عبرانیان ۱۸:۲؛ ۱۵:۴-۱۶) زیرا او خود، آنها را تجربه کرده است!

□ «مدتی او را تنها گذاشت» این عبارت به‌طور ضمنی به دو واقعیت اشاره می‌کند.

۱. وسوسه امری نیست که صرفاً یک بار برای همیشه رخ دهد
۲. شیطان مترصد اوقاتی است که ما ضعیف و آسیب‌پذیر شده باشیم (ر. ک. متی ۲۲:۱۶-۲۳)

نگرشی بر مضمون متن لوقا از روایت خدمت عیسی در استان جلیل (۱۴:۴-۵۰:۹)

الف) از ۱۴:۴ روایت لوقا از خدمت عیسی در جلیل آغاز می‌گردد. روایت یوحنا از روزهای آغازین خدمت عیسی در یهودیه (ر. ک. یوحنا ۱۹:۱-۴۲:۴)، در مقایسه با طرح الهیاتی‌ای که مدنظر لوقا در نگارش انجیلش بوده است، متفاوت است. لوقا قصد دارد خوانندگانش سفر عیسی به اورشلیم را به عنوان نقطه‌ی اوج خدمتش تلقی کنند. «در راه اورشلیم» موضوع محوری شرحی است که لوقا از خدمت عیسی ارائه می‌دهد، و آیه‌ی ۵۱:۹ بازتابگر این واقعیت است («با عزمی راسخ رو به اورشلیم نهاد»، ر. ک. ۱۳:۲۲؛ ۱۷:۱۱؛ ۱۸:۳۱؛ ۱۹:۱۱، ۲۸). شاید دلیل ترتیبی که لوقا از وسوسه‌های شیطان ارائه داده است، محوریت اورشلیم در روایتش بوده است، و به همین سبب، اورشلیم در آخرین وسوسه ذکر شده است.

ب) لوقا یک روز از زندگی عیسی را بر می‌گزیند (هم در ناصره و هم در کفرناحوم) و از آن برای آشکار ساختن تمام زندگی و خدمت عیسی بهره می‌گیرد. مضامین «با خوشحالی از او استقبال کردن» و «طرد کردن، حتی قصد قتل داشتن» مدام در حال تکرار هستند. خوانندگان با خواندن بخشی مشخص، با بازتاب همه‌ی این مضامین فوق‌الذکر روبه‌رو می‌شوند.

ج) به یاد داشته باشید همان گونه که عیسی از نشانه‌های مسیحایی عهد عتیق برای مکشوف ساختن خویش بهره می‌گرفت (ر. ک. ۳۵-۱۳:۲۴، مخصوصاً ۲۵-۲۷)، لوقا نیز -که انجیل خود را مدت‌ها پس از مرگ و قیام عیسی و منتشر شدن پیغام انجیل می‌نویسد- از همان ابتدا، به اصلی‌ترین نکات زندگی و پیغام عیسی اشاره می‌کند. صرفاً با بررسی انجیل از انتها به ابتدا، هدف و دورنمای لوقا به‌طور کامل برای ما آشکار خواهد شد. انجیل لوقا، به همان اندازه‌ای که دارای جنبه‌ی الهیاتی است، به همان میزان ترتیب و توالی رخ دادن وقایع تاریخی را نیز عرضه می‌کند. رویدادهایی که دارای صحت تاریخی هستند، به‌منظور تأثیرگذاری از جنبه‌ی الهیاتی، مورد گزینش قرار گرفته، تنظیم و مرتب شده‌اند (ر. ک. Fee, Stuart, *How To Read the Bible For All* (Its Worth, pp. 127-148)!

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۴:۴-۱۵

۱۴ عیسی با قدرت روح‌القدس به استان جلیل برگشت و شهرت او سراسر آن ناحیه را پُر ساخت. ۱۵ در کنیسه‌های آنان تعلیم می‌داد و همهٔ مردم او را می‌ستودند.

۱۴:۴ «به استان جلیل برگشت» متی و لوقا، هردو، بلافاصله پس از یادآورد شدن تجربه‌ی وسوسه‌ها در یهودا، وارد موضوع خدمت عیسی در استان جلیل می‌شوند که شامل ۱۴:۴ تا ۵۰:۹ می‌باشد. فقط یوحنا است که در ۳۵:۱-۴۴:۴ شرح خدمت عیسی را تا زمان وارد شدنش به جلیل ذکر می‌کند. معلمان مذهبی یهود، مفهوم نام جلیل را -که در زبان عبری به معنای «دایره» (BDB 165 II) است- چنین تفسیر می‌کردند: مکانی که توسط غیریهودیان مورد محاصره قرار گرفته است. یهودیان راست‌دین، جایگاه حقیرتری برای این منطقه در مقایسه با یهودا قائل بودند، با وجود این، خدمت عیسی در این ناحیه، تحقق یک نبوت پیش‌گویانه بود (ر. ک. اشعیا ۹:۱). یوسفوس این منطقه را در کتاب «جنگ‌های یهود» (Jewish Wars) ۳.۳. ۱-۲ توصیف می‌کند. مرقس (۱۴:۱) و متی (۱۲:۴) خاطرنشان می‌شوند که بازگشت عیسی به جلیل، با دستگیری یحیی تعمید دهنده توسط هیروودیس مصادف می‌شود.

□ «با قدرت روح‌القدس» وسوسه‌ها منجر به از دست دادن روح‌القدس نشدند. عیسی کلمات خدا را بازگو کرده و در قوت روح‌القدس عمل کرده بود. ارتباط و پیوند موجود در بین خدمات سه اقنوم تثلیث اقدس نسبت به یکدیگر، در سراسر عهد جدید قابل مشاهده و واضح است (ر. ک. آیات ۱۸-۱۹). رجوع کنید به عنوان خاص: تثلیث اقدس در ۲۲:۳.

۱۵:۴ «کنیسه‌ها» این نهاد محلی یهودی در زمان تبعید قوم به‌دست بابل، شکل گرفته بود و هدف آن اختصاص دادن مکانی برای دعا، عبادت، بررسی کلام خدا و خدمت، به یهودیانی بود که به‌خاطر اسارت، از معبد خود دور افتاده بودند. احتمالاً، این تنها مهم‌ترین طریقی بود که یهودیان می‌توانستند به واسطه‌ی آن فرهنگشان را حفظ کنند. آنان حتی هنگامی که به فلسطین بازگشتند، همچنان به حفظ این نهاد ادامه دادند.

□ «همهٔ مردم او را می‌ستودند» اناجیل محبوبیت عیسی را در میان مردم عادی در کنیسه‌های محلی استان جلیل، ثبت نموده‌اند. اما، آنها همچنین از مخالفت رو به افزایش رهبران مذهبی نیز گزارش می‌دهند. لوقا اغلب در این باره که مردم چگونه از سخنان عیسی در شگفت می‌شدند، توضیحاتی اضافه می‌کند (ر. ک. ۲۲:۴؛ ۲۵:۸؛ ۲۷:۱۱؛ ۱۷:۱۳؛ ۱۹:۴۸).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۶:۶-۳۰

۱۶ به این ترتیب به شهر ناصره، جایی که در آن بزرگ شده بود، آمد و در روز سبت طبق معمول به کنیسه رفت و برای قرائت کلام خدا برخاست. ۱۷ طومار اشعای نبی را به او دادند. طومار را باز کرد و آن قسمتی را یافت که می‌فرماید: ۱۸ «روح خداوند بر من است، او مرا مسح کرده است تا به بینوایان مؤده دهم. مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بینایی کورانو رهایی ستم‌دیدگان را اعلام کنم» ۱۹ و سال فرخندهٔ خداوند را اعلام نمایم. ۲۰ طومار را پیچید و به سرپرست کنیسه داد و نشست. در کنیسه تمام چشم‌ها به او دوخته شده بود. ۲۱ او شروع به صحبت کرد و به ایشان گفت: «امروز هنگامی که گوش می‌دادید این نوشته به حقیقت پیوست.» ۲۲ همهٔ حاضران او را تحسین می‌کردند و از کلمات فیض بخشی که می‌گفت، تعجب می‌نمودند. آنها می‌گفتند: «مگر این مرد پسر یوسف نیست؟» ۲۳ عیسی گفت: «بدون شک در مورد من این ضرب‌المثل را خواهید گفت که ای طیب خود را شفا بده. شما همچنین خواهید گفت که ما شرح همهٔ کارهایی را که تو در کفرناحوم کرده‌ای شنیده‌ایم، همان کارها را در شهر خود انجام بده.» ۲۴ عیسی ادامه داد و گفت: «در واقع هیچ نبی‌ای در

شهر خود پذیرفته نمی‌شود. ۲۵ یقین بدانید، در زمان الیاس که مدت سه سال و شش ماه آسمان بسته شد و قحطی سختی در تمام زمین به وجود آمد، بیوه زنهای بسیاری در اسرائیل بودند. ۲۶ با وجود این الیاس نزد هیچ‌یک از آنان فرستاده نشد، مگر نزد بیوه زنی در شهر صیدون. ۲۷ همین‌طور در زمان الیشع نبی، جذامیان بسیاری در اسرائیل بودند ولی هیچ‌کدام از آنان جز نعمان سریانی شفا نیافت. ۲۸ از شنیدن این سخن همه حاضران در کنیسه غضبناک شدند. ۲۹ آنها پرخاستند و او را از شهر بیرون کردند و به لب تپه‌ای که شهر بر روی آن بنا شده بود بردند تا او را به پایین بیندازند. ۳۰ اما او از میان آنان گذشت و رفت.

۱۶:۴-۳۰ در پانوشت ص. ۹۹، شماره‌ی ۹، در کتاب مقدس ترجمه‌ی جدید اورشلیم (NJBT) (۱۹۶۶) این نکته مطرح شده است که لوقا در این آیات، سه سفر مجزای عیسی به ناصره را در یک متن ترکیب کرده است.

۱. آیات ۱۶-۲۲، که در آنها عیسی مورد احترام قرار می‌گیرد (ر. ک. متی ۱۳:۴)

۲. آیات ۲۳-۲۴، که در آنها عیسی ساکنان شهر را شگفت‌زده می‌سازد (ر. ک. متی ۵۴:۱۳-۵۸)

۳. آیات ۲۵-۳۰، که در آنها عیسی مورد حمله قرار گرفته، و این بخش در اناجیل متی و مرقس نیامده است.

در NJB (Jerome Biblical Commentary, pp. 131-132) به این مطلب اشاره می‌شود که روایت مذکور در این آیات، چکیده‌ای الهیاتی است از این که عیسی چگونه در ابتدا مورد پذیرش و استقبال یهودیان فلسطین قرار گرفته و بعد، چگونه از سوی خود آنها طرد شده است.

۱۶:۴ «ناصره» املاي این واژه "Nazareth" (Nazara) خاص و نادر است، و فقط در این آیه و در متی ۱۳:۴ (که باز در ارتباط با وسوسه‌های عیسی است) به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد این امر گواهی است بر این موضوع که لوقا و متی هر دو از یک منبع مشترک برای نگارش انجیل خود بهره برده‌اند. این شهر، زادگاه عیسی بود (ر. ک. ۳۹:۲، ۵۱، ر. ک. به عنوان خاص در ۳۴:۴). این موضوع که مرقس ۱:۶-۶ و متی ۵۳:۱۳-۵۸ دو متن موازی با این متن لوقا هستند، و یا این دومین سفر عیسی به ناصره است، بحثی است که جای پرسش دارد. به نظر من، شباهت‌های این دو متن تا آن حد فراوان است که ما را متقاعد می‌سازد که دو متن ذکر شده در متی و مرقس، موازی با این متن لوقا هستند. لوقا به‌طور هدفمند این روایت را در ابتدای انجیلش به عنوان خلاصه‌ای از زندگی و خدمت عیسی خاطرنشان شده است.

می‌بایست به خاطر داشت که کتاب مقدس، کتابی است که به سبک کتب تاریخی غربی نوشته نشده است. ادبیات تاریخی خاور نزدیک، رویکردی گزینشی نسبت به رویدادهای تاریخی دارد، اما این به معنای عدم دقت و نادرست بودن آن نیست. هدف اناجیل ارائه‌ی شرح حال عیسی نمی‌باشد؛ آنها با هدف بشارت و شاگردسازی خطاب به گروه‌های مختلفی نوشته شده‌اند و قصد انتقال اطلاعاتی تاریخی صرف را ندارند. اغلب، مؤلفان اناجیل، محتوای نوشته‌های خود را با توجه به اهداف الهیاتی و ادبیاتی مورد نظر خود، گزینش، اقتباس و تنظیم کرده‌اند (ر. ک. Gordon Fee and Douglas Stuart's *How To Read the Bible For All Its Worth*, pp. 94-112, 113-134). منظور این نیست که آنها دست به تحریف یا جعل کردن رویدادها یا گفته‌ها زده‌اند. تفاوت‌های موجود میان اناجیل، الهامی بودن آنها را نفی نمی‌کند. بلکه این تفاوت‌ها، روایات شاهدان عینی و هدف منحصر به فرد بشارتی هر یک نویسندگان را تأیید و تصدیق می‌کنند.

□ «طبق معمول، به کنیسه رفت» عیسی از کودکی عادت به شرکت در جلسات عبادت جمعی را داشت. مطمئن هستم که او عهد عتیق را در مدرسه‌ی کنیسه فرا گرفته است (از سن ۵ سالگی). عادت‌ها بخشی حیاتی و سالم از زندگی ایمانی ما را تشکیل می‌دهند.

□ «سبت» این واژه برگرفته از واژه‌ای عبری است به معنای «آرامی» یا «توقف» (BDB 992). این واژه به هفتمین روز آفرینش اشاره دارد، روزی که خدا کار خود را پس از به پایان رساندن آفرینش متوقف ساخت (ر. ک. پیدایش ۱:۲-۳). خدا به دلیل خستگی استراحت نکرد، بلکه به این خاطر که:

۱. آفرینش به اتمام رسیده بود و همه چیز نیکو بود (ر. ک. پیدایش ۳۱:۱)

۲. الگویی قانونمند در خصوص پرستش و آسایش به انسان ارائه نماید

روز سبت همانند همه‌ی روزهای مذکور در باب اول کتاب پیدایش، از غروب آفتاب شروع می‌شد، بنابراین، از غروب آفتاب روز جمعه تا غروب آفتاب روز شنبه، روز سبت محسوب می‌گردید. تمام جزئیات مربوط به حفظ قوانین این روز در کتاب خروج (مخصوصاً باب‌های ۱۶، ۲۰، ۳۱ و ۳۵) و لاویان (مخصوصاً باب‌های ۲۳-۲۶) آمده است. فریسیان این قوانین مربوط به روز سبت را موضوع مباحثات شفاهی خود قرار داده و به این وسیله تفسیری از آنها دست داده بودند

که منجر به اضافه شدن قوانین و احکام تکمیلی فراوانی شده بود (سنت شفاهی، که بعدها شکلی مکتوب، به نام «تلمود»، به دست آورد). عیسی اغلب آگاهانه در این روز معجزاتش را انجام می‌داد، و با نیت قبلی، در نظر داشت تا قوانین ساختگی آنان را زیر پا گذارد تا از این طریق، فرصتی برای گفتگو با آنان فراهم شود. در حقیقت عیسی نفسِ روزِ سبت را انکار یا تحقیر نمی‌کرد، بلکه وی شریعت گراییِ خودپارسانگاران و فقدانِ محبتی که برگزیدگان مذهبی قوم از خود به نمایش می‌گذاشتند را سرزنش کرده یا رد می‌نمود.

عنوان خاص: جلسات عبادتی در کنیسه

□ «برای قرائت کلام خدا برخاست» ترتیب عمومی یک جلسه‌ی عبادتی در کنیسه به قرار زیر بود:

۱. دعا

۲. قرائت از تورات (۵ کتاب نخست)

۳. قرائت از انبیاء

۴. تفسیر متون (کلیسای اولیه از همین ترتیب تبعیت کرد، با این تفاوت که آنها قرائت از عهد جدید را به این فهرست افزودند)

طبق سنت یهودیان، عیسی برای قرائت از کتب مقدس ایستاد، و در هنگام تعلیم دادن نشست (ر. ک. آیه‌ی ۲۰). رجوع کنید به کتاب *The life and times of Jesus the Messiah*، به قلم Alfred Edersheim فصل دهم، صص. ۴۳۰-۴۵۰.

عیسی چندمرتبه در طول وسوسه‌ها از کتاب تثنیه نقل قول نمود. تمام آن نقل قول‌ها از ترجمه‌ی یونانی عهد عتیق که ترجمه‌ی هفتادگان خوانده می‌شود، بود. به نظر می‌رسد این متن قرائت شده در کنیسه‌ی ناصره توسط عیسی نیز از ترجمه‌ی هفتادگان بوده است. اکثر یهودیان روزگار عیسی، توانایی خواندن به زبان عبری را از دست داده بودند. آنان به زبان آرامی صحبت می‌کردند، اما بیش‌ترشان همچنین قادر بودند تا از زبان یونانی کوینه به عنوان زبان دوم خود بهره گیرند.

فرض من بر این است که عیسی می‌توانست به زبان عبری بخواند و صحبت کند (با نظر F. F. Bruce، در کتاب *Answers to Questions*، ص. ۱۷۵ موافق هستم). اگر این فرض را بپذیریم، بنابراین عیسی به سه زبان تسلط داشت. پرسش اصلی این است که چه متنی از کتب مقدس در کنایس جلیل مورد استفاده قرار می‌گرفته است؟ اغلب منابع یهودی به این نکته اذعان دارند که قرائت کتب مقدس در کنایس به زبان عبری بوده است، و پس از اتمام قرائت، ترجمه‌ای به زبان آرامی نیز برای حضار تدارک دیده شده است.

۱۷:۴ «طومار اشعای نبی» کتب مقدس عبری بر روی طومارهای بلندی از جنس پوست نوشته می‌شدند، که برای پیدا کردن جای درست مورد نظر خود باید طومار را می‌پیچانیدند. منبعی مفیدی که به اطلاعاتی از این دست اشاره می‌کند، کتاب *The Books and the Parchments* نوشته‌ی F.F. Bruce است.

۱۸:۴ این آیه، نقل قول ناقصی است از اشعیا ۶۱:۱-۲، از ترجمه‌ی هفتادگان، که در آن بخش سوم آیه‌ی ۶۱ و بخش دوم آیه‌ی ۶۲ حذف شده، اما بخش چهارم آیه‌ی اشعیا ۶:۵۸ به آن افزوده شده است. ترکیب و ویرایش متون عهد عتیقی امر متداولی در بین معلمان مذهبی یهودی بود. در نسخه‌ی خطی یونانی (MSS) اشکال متفاوتی از این نقل قول از اشعیا ۶۱:۱-۲ وجود دارد.

۱. برخی از نسخ از عبارت «مرا فرستاده است» به بعد را حذف کرده‌اند - W, L, D, B, x

۲. سایر نسخ جمله‌ی کامل اشعیا ۶۱:۱ را اضافه کرده‌اند - Epsilon, Delta, A

UBS⁴ برای مورد اول، متن کوتاه‌تر، رتبه‌ی A را قائل شده است (بالاترین درجه‌ی قطعیت).

ممکن است عیسی عمداً آن بخش از اشعیا ۶۱ را از نقل قول خود حذف کرده است، زیرا او قصد داشت تا در ناصره هیچ معجزه‌ای صورت ندهد. این دیدگاه، احتمالاً دلیل اضافه کردن سطر دیگری از اشعیا ۶:۵۸ در این نقل قول را، توضیح می‌دهد.

□ «روح خداوند بر من است» به حضور اشخاص مختلف تثلیث اقدس در این عبارت دقت کنید. رجوع کنید به عنوان خاص تثلیث اقدس در ۲۲:۳. عصر جدید عدالت، عصر روح القدس است.

□ «او مرا مسح کرده است» ریشه‌ی این واژه‌ی عبری، همان ریشه‌ی واژه‌ی «ماشیح» است (ر. ک. عنوان خاص در ۱۱:۲). لفظ عبری «ماشیح» (Messiah)، در زبان یونانی به «مسیح» (Christ) ترجمه شده است. از این اصطلاح برای نشان دادن دعوت و تجهیز رهبران توسط خدا استفاده شده است. در عهد عتیق انبیاء، کاهنان و پادشاهان مسح می‌شدند. رجوع کنید به عنوان خاص: مسح در کتاب مقدس در ۱۱:۲.

□

ترجمه‌ی قدیم: «بشارت دهم»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «بشارت دهم»

ترجمه‌ی مؤده: «مژده دهم»

در این مقطع از زمان، بشارت انجیل (خبر خوش) به‌طور کامل هنوز در دسترس نبود. این تنها پس از مرگ و قیام عیسی بود که اعمال و تعالیم او به‌طور کامل در مرکز توجه قرار گرفتند.

□ «بینوایان... اسیران... کوران... ستم‌دیدگان» به این موضوع توجه کنید که عیسی برای کمک به چه گروه‌هایی از مردم قدم به این دنیا گذاشت. عنایت و توجه او به این بخش از جامعه، تحقق بسیاری از آیات نبوتی در عهد عتیق بود.

۱۹:۴ «سال فرخنده‌ی خداوند را اعلام نمایم» در اصل، این عبارت به سال یوبیل اشاره دارد (ر. ک. لاویان ۸:۲۵-۱۷)، اما، مضمون این متن (اشعیا ۲:۶۱)، مصداقی از تحقق نبوت‌های آخرت‌شناسانه در مورد خدمت زمینی عیسی است. کلمنت و اوريجن اسکندریه‌ای، بر این عقیده‌اند که این گفته به این معناست که عیسی صرفاً یک سال مشغول خدمت بوده است، اما این دیدگاه، برداشتی بسیار لغوی است و در فهم این موضوع که چگونه این متن عهد عتیقی در شخص مسیح به تحقق رسیده است، هیچ کمکی به ما نمی‌کند.

۲۰:۴ «تمام چشم‌ها به او دوخته شده بود» Joseph A. Fitzmyer در تفسیر خود در خصوص باب‌های ۱-۹ انجیل لوقا، در کتاب مقدس Anchor، توضیح بسیار قابل توجهی درباره‌ی فعل *atenizō* (با علاقه‌ی تمام ثابت شده) ارائه می‌کند. وی خاطر نشان می‌کند که لوقا بارها این اصطلاح را، مخصوصاً در کتاب اعمال رسولان، به کار برده است.

«این واژه در اکثر موارد، نشان‌دهنده‌ی یک نگاه خیره، از روی احترام و اعتماد بوده است (وجهی تمایز ظریفی که لوقا با گزینش این فعل قصد نشان دادنش را داشته است). این رفتار خاص، بخشی از واکنش اولیه‌ی جماعت حاضر مبنی بر تعجبی خوشایند بود» (ص. ۵۳۳).

۲۱:۴ «امروز هنگامی که گوش می‌دادید این نوشته به حقیقت پیوست» فعل آخر این جمله، در حالت /خبراری مجهول کامل است. این آیه درباره‌ی تحقق آخرت‌شناسانه‌ی وعده‌ی ظهور پادشاهی خدا سخن می‌گوید، پادشاهی‌ای که اکنون در وجود عیسی حاضر بود. چه جمله‌ی غالفگیر کننده‌ای! پادشاهی خدا محور موعظات عیسی بود. این پادشاهی، همانا سلطنت کنونی خدا بر دل‌های آدمیان است، که روزی فراخواهد رسید تا همان گونه که در آسمان است، قلمروی این پادشاهی سراسر زمین را در بر گیرد (ر. ک. متی ۱۰:۶). این پادشاهی، هم این‌جا و اکنون است و هم هنوز در آینده فرا خواهد رسید!

عنوان خاص: پادشاهی خدا

یهوه (یهوه) در عهد عتیق به عنوان پادشاه اسرائیل (ر. ک. ۱ سمو. ۸: ۷؛ مز. ۱۰: ۱۶؛ ۲۴: ۷-۹؛ ۲۹: ۱۰؛ ۴۴: ۴؛ ۸۹: ۱۸؛ ۹۵: ۳؛ اش. ۴۳: ۱۵؛ ۴۴: ۴؛ ۴۶: ۴) و مسیح موعود پادشاه آرمانی قلمداد می‌شد (ر. ک. مز. ۲: ۶). با تولد عیسی در بیت لحم (۴-۶ ق.م). پادشاهی خدا با قدرت و رهایی جدیدی به داخل تاریخ بشریت راه یافت (عهد جدید، ر. ک. ار. ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز. ۳۶: ۱۷-۳۶). یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی را علام می‌داشت (ر. ک. متی ۳: ۲؛ متی ۱: ۱).

۱۵). عیسی به روشنی تعلیم می داد که پادشاهی خدا در شخص او و تعالیمش حضور دارد (ر.ک. متی ۴: ۱۷، ۲۳؛ ۹: ۳۵؛ ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۱-۱۲؛ ۱۲: ۲۸؛ ۱۶: ۱۹؛ مرقس ۱۲: ۳۴؛ لوقا ۱۰: ۹، ۱۱؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۲: ۳۱-۳۲؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۷: ۲۱). با اینحال این پادشاهی مربوط به آینده نیز می شود (ر.ک. متی ۱۶: ۲۸؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۶: ۲۹؛ مرقس ۹: ۱؛ لوقا ۲۱: ۳۱؛ ۲۲: ۱۶، ۱۸).

در موارد هم نظر اناجیل مرقس و لوقا به عبارت: "پادشاهی خدا" برخورد می کنیم. این موضوع مشترک، تعالیم عیسی درباره سلطنت کنونی خدا در قلب انسانهاست که روزی در تمامی زمین به کمال می رسد. این امر در دعای عیسی در متی ۶: ۱۰ نیز انعکاس یافته است. انجیل متی که برای یهودیان نگاشته شد، عبارتی را به کار می برد که در آن نام خدا آورده نشود (پادشاهی آسمان)، در حالیکه مرقس و لوقا برای غیریهودیان نوشتند و هر دو از نام خدا در این عبارت استفاده کردند.

دلیل وجود تنش مزبور دو بار آمدن مسیح بود. کانون توجه عهد عتیق فقط بر یک آمدن مسیح خدا - که آمدنی پر جلال، نظامی، به جهت داوری - بود، اما عهد جدید نشان می دهد که او نخستین بار به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و شاه فروتن زکریا ۹: ۹ آمد. دو عصر یهود یعنی عصر شرارت و عصر جدید عدالت بر روی هم قرار گرفته اند. عیسی در حال حاضر در قلب ایمانداران سلطنت می کند، اما روزی بر تمامی خلقت سلطنت خواهد نمود. او به همان گونه ای که در عهد عتیق پیشگویی شد، خواهد آمد. ایمانداران در میانه "آنچه در حال حاضر وجود دارد" و "آنچه هنوز واقع نشده" پادشاهی خدا زندگی می کنند (ر.ک. *Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* نوشته Gordon D. Fee and Douglas، صص. ۱۳۱-۱۳۴).

۲۲: ۴ «همه ی حاضران او را تحسین می کردند» گسترش محبوبیت اولیه ی عیسی همچنان در حال تداوم بود (ر.ک. آیه ۱۵)، اما در ناصره، نتوانست روندی با دوام داشته باشد.

□ «مگر این مرد پسر یوسف نیست؟» در زبان یونانی، انتظار می رود که پاسخ این پرسش «آری» باشد. این امر نشانگر عادی بودن دوران کودکی عیسی در ناصره است (یعنی، ۲: ۴۰؛ ۵: ۲). ادای این جمله مایه ی غرور هر فرزند پسری در زادگاهش بود.

۲۳: ۴ «ضرب المثل» این واژه، در معنای حقیقی کلمه به معنای «مَثَل» است، که به معنای «پرتاب کردن به کنار چیزی» می باشد. به کارگیری این حکایات تمثیلی، روشی برای یاددهی بود که در آن از رخداد های روزمره ی زندگی برای به تصویر کشیدن یا برجسته کردن حقیقتی روحانی بهره گرفته می شد.

□ «ای طبیب خود را شفا بده» نکته ای که عیسی قصد دارد به آن اشاره کند، واضح است: عیسی در نزد هم شهری های ناصری خود، از هیچ جایگاه ویژه ای برخوردار نبود. آنان از او می خواستند تا همان معجزاتی که در کفرناحوم انجام داده است را، در زادگاه خود نیز انجام دهد. از مرقس ۶: ۱-۶ درمی یابیم که به خاطر بی ایمانی این مردمان، عیسی در این شهر معجزات عظیم و فراوانی انجام نداد (ر.ک. آیه ی ۲۴).

□ «ما شرح همه کارهایی را که تو در کفرناحوم کرده ای شنیده ایم» این آیه، نمونه ی گویا و مناسبی است از این که چگونه لوقا از انجیل مرقس بهره گرفته است. مرقس ۱: ۲۱ بعد، شرحی از خدمات عیسی در کفرناحوم را ارائه می دهد. داستان شفا در کفرناحوم را که در انجیل مرقس در فصل اول آمده است، می توان در انجیل لوقا ۴: ۳۱-۳۷ یافت.

مشکلی که ما خوانندگان و مفسران معاصر غربی در تلاش برای درک اناجیل با آن روبه رو می شویم این است که فرض را بر این می گذاریم که این کتاب ها، همانند کتب معاصر تاریخی، رویدادها را به ترتیب زمان، با جزئیات، سلسله وار و بر اساس رابطه علت و معلولی به ثبت رسانده اند، که در واقع، چنین چیزی صحت ندارد. برای انجام دادن مطالعه ای مفید درباره ی موضوع نحوه ی تفسیر اناجیل، به *Fee and Stuart, How to Read the Bible for All Its Worth*, pp. 113-134 رجوع کنید.

۲۴: ۴

ترجمه ی قدیم: «هر آینه»

ترجمه ی هزاره نو: «آمین»

ترجمه ی مؤده: «در واقع»

این واژه، همان لفظ «آمین» است. فقط عیسی است که از این لفظ به عنوان شیوه‌ای ادبی در مطرح کردن جمله‌ای با اهمیت، استفاده می‌کند.

عنوان خاص: آمین

۱. عهد عتیق

الف. کلمه "آمین" از واژه عبری برای حقیقت (مِث) یا راستی (مُون، مونا) و ایمان یا آمین بودن می‌آید.

ب. ریشه لغوی آن از وضعیت جسمانی پایدار شخص است. متضاد آن کسی است که ناپایدار و لغزان است (تثنیه ۲۸: ۶۴-۶۷؛ ۳۸: ۱۶؛ مزبور ۴۰: ۲؛ ۷۳: ۱۸؛ ارمیاء ۲۳: ۱۲) یا تلو تلو می‌خورد (مزبور ۷۳: ۲). از این کاربردهای لغوی بسطهای استعاره‌ای آمین، قابل اعتماد، وفادار و قابل اتکا توسعه یافتند (پیدایش ۱۵: ۱۶؛ عبرانیان ۲: ۴).

ج. کاربردهای خاص

۱. یک ستون، ۲ پادشاهان ۱۸: ۱۶ (۱ تیموتائوس ۳: ۱۵)

۲. اطمینان، خروج ۱۷: ۲

۳. استواری، خروج ۱۷: ۲

۴. ثبات، اشعیاء ۳۳: ۶؛ ۳۴: ۵-۷

۵. راست، ۱ پادشاهان ۱۰: ۶؛ ۱۷: ۲۴؛ ۲۲: ۱۶؛ امثال ۱۲: ۲۲

۶. محکم، ۲ قرنتیان ۲۰: ۲۰؛ اشعیاء ۷: ۹

۷. قابل اتکا (تورات)، مزبور ۱۱۹: ۴۳، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۶۸

د. در عهد عتیق دو واژه عبری دیگر برای ایمان فعال بکار می‌روند

۱. باتاچ، توکل

۲. بیرا، ترس، احترام، پرستش (پیدایش ۲۲: ۱۲)

ه. از معنای توکل یا قابل اعتماد بودن کاربرد عبادتی بوجود آمد که برای تایید بیانیه در مورد راستی یا قابل اعتماد بودن دیگری بکار می‌رفت (تثنیه ۲۷: ۱۵-۲۶؛ نحمیاء ۸: ۶؛ مزبور ۴۱: ۱۳؛ ۷۰: ۱۹؛ ۸۹: ۵۲؛ ۱۰۶: ۴۸).

و. کلید الهیاتی برای این واژه آمین بودن انسان نیست، بلکه آمین بودن یهوه است (خروج ۳۴: ۶؛ تثنیه ۳۲: ۴؛ مزامیر ۱۰۸: ۴؛ ۱۱۵: ۱؛ ۱۱۷: ۲؛ ۱۳۸: ۲). تنها امید انسانیت سقوط کرده پیمان وفاداری پر از رحمت و امانت یهوه و وعده‌های اوست.

کسانی که یهوه را می‌شناسند می‌بایست مانند او باشند (حقوق ۲: ۴). کتاب مقدس داستان و حکایتی است از خدایی که تصویر خود را در انسان احیا می‌کند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). نجات توان انسان برات داشتن رفاقت نزدیک با خدا را بازسازی می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شدیم.

۲. عهد جدید

الف. کاربرد کلمه "آمین" به عنوان اختتام تایید آیینی قابل اعتماد بودن یک سخن در عهد جدید متداول است (۱ قرنتیان ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲۰؛ مکاشفه ۷: ۱؛ ۵: ۱۴؛ ۷: ۱۲).

ب. کاربرد واژه به عنوان اختتام دعا در عهد جدید متداول است (رومیان ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ غلاطیان ۱: ۵؛ ۶: ۱۸؛ افسسیان ۳: ۲۱؛ فیلیپیان ۴: ۲۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸).

ج. عیسی تنها کسی است که این واژه را بکار می‌برد (اغلب دوبار در یوحنا) تا سخنان مهمی را آغاز کند (لوقا ۴: ۲۴؛ ۱۲: ۳۷؛ ۱۸: ۱۷؛ ۲۹: ۲۱؛ ۳۲: ۲۳؛ ۴۳).

د. در مکاشفه ۳: ۱۴ این واژه به صورت عنوان برای عیسی بکار می‌رود (احتمالا عنوانی برای یهوه از اشعیاء ۶۵: ۱۶).

ه. مفهوم آمین بودن یا ایمان، قابل اتکا بودن یا توکل در یونانی با استفاده از واژه پیستوس یا پیستیس بیان می‌شود، که در انگلیسی توکل، ایمان و باور ترجمه می‌شود.

■ «هیچ نبی‌ای در شهر خود پذیرفته نمی‌شود» این جمله همانند ضرب المثلی انگلیسی است که می‌گوید: «نزدیکی و صمیمیت آبدستن تنفر است».

می‌بایست پذیرش عیسی به عنوان ماشیح، از سوی خانواده و همسایگان عیسی امر بسیار دشواری بوده باشد (ر. ک. مرقس ۴: ۶؛ متی ۱۳: ۵۷).

۲۵:۴-۲۷ عیسی به دو نمونه از عهد عتیق اشاره می‌کند که خدا در آن موارد به طرز معجزه‌آسایی برای غیبه‌یودیان عمل نموده و هیچ معجزه‌ای برای قوم صاحب عهد خود صورت نداده است (استیفان در فصل هفتم کتاب اعمال به این نمونه‌ها اشاره می‌کند). این موضوع با تأکید لوقا در انجیلش مبنی بر این که خبرخوش انجیل در دسترس تمام انسان‌هایی است که توبه کرده و ایمان آورند، کاملاً مطابقت دارد. با وجود این، همانند ایام ایلیا و الیشع اکثر یهودیان ایمان نخواهند آورد.

به این نکته دقت کنید که این دو نبی که به آنان اشاره شده است، از انبیای حکومت شمالی بودند (یعنی قرن ۱۰ ق. م. در اسرائیل)، یعنی متعلق به همان جایی بودند که عیسی در این مقطع از زندگی‌اش در آن‌جا مشغول به خدمت بود.

۲۵:۴ «مدت سه سال و شش ماه آسمان بسته شد» این بازه‌ی زمانی در یعقوب ۱۷:۵ نیز مورد اشاره قرار گرفته است، با وجود این، اول پادشاهان ۱:۱۸ فقط مدت سه سال را ذکر می‌کند. گویا این رویکرد، متعلق به سنت رهبران مذهبی یهودی بوده است. همچنین، اصطلاح سه سال و نیم، اصطلاحی آخرت‌شناسانه است که به «زمان مقرر شده برای جفا و مصیبت» اطلاق شده است (ر. ک. دانیال ۷:۲۵؛ ۱۲:۷؛ مکاشفه ۱۱:۲؛ ۱۲:۶، ۱۴).

۲۶:۴ «ایلیاس... نزد هیچ‌یک از آنان فرستاده نشد، مگر نزد بیوه زنی در شهر صرفة» خدا در عوض آن‌که نبی خود را برای خدمت کردن به قوم اسرائیل بفرستد (که در آن زمان در نیاز بود)، وی را به نزد یک زن نیازمند فینیقی می‌فرستد. لوقا آن بخش از گفته‌ها و تعالیم عیسی را که محبت و توجه‌اش را نسبت به مطرودان مورد تأکید قرار می‌دهد، ثبت نموده است.

۲۷:۴ «الیشع... نعمان سربانی» خدا به جای آن‌که نبی خود (الیشع) را برای شفا دادن عده‌ی کثیری از بیماران در میان قوم صاحب عهد خویش، اسرائیل (ر. ک. دوم پادشاهان ۵)، بفرستد، وی را برای شفا دادن یک سردار نظامی غیریهودی (که کشورش در آن زمان دشمن اسرائیل محسوب می‌شد) فرستاد.

۲۸:۴ «از شنیدن این سخن همه حاضران در کنیسه غضبناک شدند» منشاء این خشم ملی‌گرایانه‌ی یهودی، محبت عالم‌گیر و جهانی خدا نسبت به غیبه‌یودیان بود (همین امر در مورد واکنش یهودیان به موعظه‌ی استیفان در اعمال ۷ نیز صادق است). با شنیدن سخنان عیسی آنان نظر مساعدی درباره‌ی او نداشتند (ر. ک. آیات ۲۲ و ۲۹). آنان در پی شنیدن حقیقت خدا نبودند، بلکه صرفاً خواهان تصدیق تعصب‌ها و سنت‌های ملی‌گرایانه‌ی خود بودند (این طرز فکر در انسان‌ها در طی تمام اعصار تغییر چندانی نکرده است). این عبادت‌کنندگان مذهبی حاضر در کنیسه، بر علیه فردی «پر از خشم» شدند که «پر از روح» بود. چه واقعیت طعنه‌آمیزی!

۲۹:۴ «آنها برخاستند و او را از شهر بیرون کردند و به لب تپه‌ای ... بردند تا او را به پایین بیندازند» شگفت‌آور است که چقدر سریع، طرز نگرش این مردم از بهت و حیرت به خشم و قتل تغییر پیدا کرد.

۳۰:۴ «اما او از میان آنان گذشت و رفت» این رویداد معجزه‌ی چشمگیری است، که جزئیات کامل آن تشریح نشده است (ر. ک. یوحنا ۸:۵۹؛ ۱۰:۳۹). به سادگی چنین می‌توان توضیح داد که ساعت او هنوز نرسیده بود (ر. ک. یوحنا ۷:۳۰). این رویداد، دست‌کم نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که عیسی ظاهری همانند مردان عادی عصر خود داشت.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۱-۳۷

۳۱ عیسی به کفرناحوم که یکی از شهرهای جلیل است آمد و مردم را در روز سبت تعلیم داد. ۳۲ مردم از تعجب کردند، زیرا کلام او با قدرت ادا می‌شد. ۳۳ در کنیسه مردی حضور داشت که دارای روح دیو پلید بود. او با صدای بلند فریاد زد: ۳۴ «ای عیسای ناصری، با ما چه کار داری؟ آیا آمده‌ای ما را نابود کنی؟ تو را خوب می‌شناسم ای پاک مرد خدا.» ۳۵ عیسی او را سرزنش کرد و فرمود: «ساکت شو و از او بیرون بیا.» روح دیو پلید پس از آنکه آن مرد را در برابر مردم به زمین کوبید، بدون آنکه به او آسیبی برساند او را ترک کرد. ۳۶ همه متحیر شدند و به یکدیگر می‌گفتند: «این چه نوع فرمانی است؟ به ارواح پلید با اختیار و اقتدار فرمان می‌دهد و آنها بیرون می‌روند.» ۳۷ به این ترتیب شهرت او در تمام آن نواحی پیچید.

۳۱:۴ «عیسی به کفرناحوم که یکی از شهرهای جلیل است آمد» کفرناحوم به ستاد عیسی تبدیل شده بود و احتمالاً او خانواده‌ی خود را به آنجا نقل مکان داده بود.

■ «مردم را در روز سبت تعلیم داد» در همین روزهای نخستین خدمت عمومی عیسی، وی تا جایی که مقدور بود در کنیسه‌ها تعلیم می‌داد (همانند پولس، ر. ک. اعمال ۲۶:۳؛ رومیان ۱۶:۱). مدت زیادی طول نکشید که عیسی مجبور شد تا در فضای باز، در بیرون از شهر با انبوه مردم سخن گوید.

۳۲:۴ «مردم از تعالیم او تعجب کردند، زیرا کلام او با قدرت ادا می‌شد» معنای لغوی معادل یونانی فعل «تعجب کردن»، «با مشت ضربه زدن» یا «با ضربه کوبیدن» می‌باشد. پیغام عیسی کاملاً متفاوت بود (چه در محتوا و چه در فرم)، زیرا او مانند کاتبان-که دائماً از معلمان مذهبی مشهور مانند شامای (از مکتب محافظه کار) و هیلال (از مکتب لیبرال) نقل قول می‌کردند- سخن نمی‌گفت. وی مانند کسی که از جایگاه اقتدار سخن می‌راند، سخن می‌گفت (ر. ک. متی ۲۸:۷-۲۹؛ یوحنا ۴۶:۷).

■ «قدرت» رجوع کنید به عنوان خاص: کاربرد واژه‌ی *Exousia* توسط لوقا در ۲:۲۰.

۳۳:۴ «مردی ... که دارای روح دیو پلید بود» رجوع کنید به عنوان خاص زیر.

عنوان خاص: ارواح شریر (ارواح پلید)

■ «با صدای بلند فریاد زد» این عبارت به این اشاره دارد که وی واقعاً با تمام توانش فریاد بر آورد.

۳۴:۴

ترجمه‌ی قدیم: «آه ای»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «ای»

ترجمه‌ی مؤده: «ای»

پسونند ea در زبان یونانی در ترجمه‌ی هفتادگان، در کتاب ایوب، در ۵:۱۹ «آه» و در ۱۶:۱۵ «مرا واگذارید» ترجمه شده است. در اشعار هلنیستی برای بیان احساس ناراحتی یا تعجب به کار رفته است.

■

ترجمه‌ی قدیم: «ما را با تو چه کار است؟»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «تو را با ما چه کار است؟»

ترجمه‌ی مؤده: «با ما چه کار داری؟»

این عبارت در ترجمه‌ی هفتادگان با اشاره‌ای ضمنی به مفهوم دشمنی و خصومت، به کار رفته است (ر. ک. داوران ۱۲:۱۱؛ دوم سموئیل ۱۰:۱۶؛ ۲۲:۱۹؛ اول پادشاهان ۱۷:۱۸؛ دوم تواریخ ۲۱:۳۵).

■ «عیسای ناصری» رجوع کنید به عنوان خاص زیر.

در عهد جدید از اصطلاحات مختلف یونانی برای معرفی عیسی استفاده شده است:

الف. اصطلاحات عهد جدید

۱. ناصره (Nazareth) - شهری در جلیل (ر.ک. لوقا ۱: ۲۶؛ ۲: ۴، ۵۱؛ ۳۹؛ ۴: ۱۶؛ اعمال ۱۰: ۳۸). این شهر در منابع معاصر مورد اشاره قرار نگرفته اما در کتیبه های متأخرتر وجود دارد.
- برای عیسی، ناصری بودن مایه افتخار نبود (ر.ک. یوحنا ۱: ۴۶). اشاره به این مکان در نوشته بالای صلیب عیسی، نشانه ای از تحقیر یهودیان بود.
۲. Nazarenos - به نظر می رسد اشاره به مکانی جغرافیایی نیز دارد (ر.ک. لوقا ۴: ۳۴؛ ۲۴: ۱۹).
۳. Nazo-raios - ممکن است اشاره به یک شهر باشد، اما می تواند بازی با اصطلاح مسیحایی عبری "شاخه" نیز باشد (netzer، ر.ک. اش. ۴: ۱۱؛ ۱: ۵۳؛ ۲: ۲۳؛ ۵: ۳۳؛ ۱۵: ۳؛ ۸: ۶؛ ۱۲). لوقا از این اصطلاح برای عیسی در ۱۸: ۳۷ و اعمال ۲: ۲۲؛ ۳: ۶؛ ۴: ۱۰؛ ۶: ۲۲؛ ۸: ۲۴؛ ۵: ۲۶؛ ۹: استفاده می کند).
- ب. کاربردهای تاریخی در خارج از عهد جدید. این عنوان دارای کاربردهای تاریخی دیگر نیز هست.
۱. نشانگر یک گروه بدعت آمیز یهودی (پیش از مسیحیت).
۲. در محافل یهودیان برای توصیف ایمانداران به مسیح به کار می رفت (ر.ک. اعمال ۲۴: ۵، ۱۴؛ ۲۸: ۲۲).
۳. اصطلاحی رایج برای مشخص کردن ایمانداران در کلیساهای سوریه (آرامی) شده بود. در کلیساهای یونانی بود که ایمانداران با عنوان "مسیحیان" بازشناخته می شدند.
۴. مدتی پس از سقوط اورشلیم، فریسیان در Jamnia تجدید سازماندهی کردند و انگیزشی برای مجزا شدن رسمی کنیسه از کلیسا ایجاد نمودند. به عنوان نمونه یکی از وردهای لعنت علیه مسیحیان در "خوشابه حالهای هجدهم" از Berakoth 28b-29a موجود است که در آن از ایمانداران به عنوان "نصرانیان" یاد شده است.
- "باشد که نصرانیان و بدعتگران در لحظه ای ناپدید شوند؛ آنان از کتاب محو خواهند گردید و نامشان با وفاداران نگاشته نخواهد شد."

ج. دیدگاه نویسنده

من از اینهمه املاهای مختلف ناصری بسیار شگفت زده شده ام، هرچند می دانم که در عهد عتیق نمونه های دیگری از این مورد وجود دارد، مثلاً نام "یوشع" در عبری املاهای متفاوتی دارد. با این وجود، بخاطر (۱) نزدیکی زیاد با اصطلاح مسیحایی "شاخه"؛ (۲) همراه با معنای ضمنی منفی آن؛ (۳) همراه با عدم وجود یا کمبود مدارک لازم معاصر در مورد وجود شهر ناصره در جلیل، من همچنان نسبت به معنای دقیق آن مردد هستم؛ و گذشته از اینها (۴) این نام از دهان یک روح پلید در معنایی آخرشناختی بیان شده است (با این مضمون که: "آیا تو آمده ای تا ما را از بین ببری؟")

به منظور مطالعه فهرست کامل مطالعات انجام شده گروهی از دانش پژوهان بر روی این واژه رجوع کنید به: Colin Brown (ed), New

International Dictionary of New Testament Theolog, vol. 2, p. 346

■ «ما» به حالت جمع بودن این ضمیر دقت نمایید. در عهد جدید شاهد این هستیم که اغلب فرد توسط چندین دیو مورد تسخیر قرار می گیرد (ر.ک. ۲: ۸، ۲۷، ۳۰).

■

ترجمه‌ی قدیم: «تو را می‌شناسم کیستی، ای قدّوس خدا»
 ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «می‌دانم کیستی؛ تو آن قدّوس خدایی!»
 ترجمه‌ی مزده: «تو را خوب می‌شناسم ای پاک مرد خدا»

شناختن و شهادت دادن دیوها فایده‌ای برای عیسی به همراه نداشت، بلکه وزنه‌ی اتهام فریسی‌ها را علیه وی سنگین‌تر کرد، مبنی بر این ادعا که قدرت وی از شیطان سرچشمه می‌گیرد (ر. ک. آیه‌ی ۴۱؛ ۱۵:۱۱؛ متی ۳۴:۹؛ ۲۴:۱۲؛ مرقس ۲۲:۳).
لفظ «آن قدّوس خدا» یک لقب مسیحایی در عهد عتیق است. در لوقا ۳۵:۱ و اعمال ۱۴:۳ تلویحاً مورد اشاره قرار گرفته است. این همان لقبی است که دیوها در مرقس ۲۴:۱ و لوقا ۳۴:۴ عیسی را به آن لقب مخاطب قرار دادند.

عنوان خاص: آن قدّوس خدا

۳۵:۴ «ساکت شو» این فعل در حالت امری مجهول نامعین مفرد می‌باشد و به معنای «دهان را بستن» است. به تغییر ضمیر از «ما» (آیه‌ی ۳۴) به ضمیر مفرد در این جا دقت نمایید. احتمالاً فقط یکی از دیوها به جای سایرین سخن گفته است.

□ «بیرون بیا» این فعل در حالت امری معلوم نامعین است. اخراج دیوها در روزگار عیسی امر متداولی بود، اما روش‌های عیسی به‌طور اساسی با بقیه‌ی روش‌ها متفاوت بود. اخراج دیوها توسط عیسی به مثابه‌ی نشانه‌ای بود از فرارسیدن عصر جدید. رابی‌ها از دستور العمل‌ها و فرمول‌های مربوط به جادوگری استفاده می‌کردند، اما عیسی از اقتدار خویش بهره می‌جست. امروزه درباره‌ی مقوله‌ی اخراج دیوها و دیوزدگی، بسیار اطلاعات غلط و درهم‌ریخته‌ای در حال انتشار است. بخشی از این مسئله باز می‌گردد به این موضوع که کتب عهد جدید به این مقوله‌ها نمی‌پردازند. به عنوان یک شبان، تمایل داشتم که اطلاعاتی بیش‌تر در خصوص این موضوع می‌داشتم. در زیر، فهرست کتاب‌هایی را ذکر می‌کنم که مورد اعتماد من می‌باشند:

۱. *Christian Counseling and the Occult*, Kurt E. Koch

۲. *Demons in the World Today*, Merrill F. Unger

۳. *Biblical Demonology*, Merrill F. Unger

۴. *Principalities and Powers*, Hendrik Berkhof

۵. *Three Crucial Questions About Spiritual Warfare* by Clinton Anthony

برای من جای شگفتی است که اخراج دیوها به عنوان یکی از عطایای روحانی محسوب نشده و همچنین، این موضوع در رسالات رسولان نیز مورد اشاره قرار نگرفته است. من به جهان‌بینی‌ای مبنی بر کتاب مقدس معتقدم، که به قلمروی‌ای روحانی (نیک و شر) باور دارد که در قلمروی فیزیکی حاضر و فعال است (ایوب ۱-۲؛ دانیال ۱۰؛ افسسیان ۲:۲؛ ۱۴:۴؛ ۶:۱۰-۱۸). با وجود این، خدا تصمیم گرفته است که جزییات این امور را بر ما مکشوف نسازد. به عنوان ایمانداران، تمامی اطلاعاتی که برای داشتن زندگی‌ای خداپسندانه و پرتمر برای او به آن نیاز داریم، در اختیار ما قرار دارد! برخی از موضوعات مکشوف نشده یا بسط داده نشده است.

□ چندین مورد از نشانه‌های فیزیکی بیرون آمدن یک روح پلید از وجود فرد دیوزنده به ثبت رسیده است (ر. ک. مرقس ۱:۲۶؛ ۹:۲۶؛ لوقا ۹:۳۹). شاید به این طریق، بر این موضوع که آن روح حقیقتاً آن فرد را ترک کرده است، صحه گذاشته می‌شد.

این نخستین نشانه‌ی قدرت، به روشنی به ماسیح بودن عیسی اشاره داشت. لقب عهد عتیقی عیسی (ر. ک. مزمور ۱۰۶:۱۰) که به‌وسیله‌ی آن دیوها وی و قدرتش را در کنترل و داوری کردن بر آنها، باز می‌شناسند، به وضوح نشان از اقتدار روحانی عیسی ناصری دارد (ر. ک. آیه ۲۷).

۳۶:۴ «متحیر» این واژه‌ی یونانی از واژه‌ای که در آیه‌ی ۳۲ آمده است، متفاوت است، اما مترادف با آن است (ر. ک. *Greek-English Lexicon*, جلد اول، صص. ۳۱۱-۳۱۲). لوقا در انجیل لوقا ۴:۳۶؛ ۵:۹ و اعمال رسولان ۳:۱۰ از این واژه استفاده کرده است.

□ «اقتدار» رجوع کنید به عنوان خاص در ۲:۲۰. پیغام عیسی درباره‌ی خودش بسیار غیرمنتظره و تندروانه بود. وی با اعمال خود بر ادعاهایش صحه می‌گذاشت!

۳۷:۴ «شهرت او... پیچید» واژه «echo» در زبان انگلیسی، از این واژه‌ی یونانی گرفته شده است. خبر اقتدار عیسی بر ارواح پلید، همچنین خبر شفاهای جسمی، شور و هیجان مردم را برانگیخته و جماعت کثیری را گردهم آورده بود.

متن مژده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۸-۳۹

۳۸ عیسی از کنیسه بیرون آمد و به خانه شمعون رفت. مادر زن شمعون به تب شدیدی مبتلا بود. از عیسی خواستند که به او کمک نماید. ۳۹ عیسی بر بالین او ایستاد و با پر خاش به تب فرمان داد و تب او قطع شد و آن زن فوراً برخاست و به پذیرایی آنان مشغول شد.

۳۸:۴ «مادر زن شمعون» کاملاً واضح است که پطرس متأهل بوده است (ر. ک. متی ۱۴:۸؛ مرقس ۲۹:۱-۳۴؛ اول قرنتیان ۵:۹). تجرد عطیه است، و نه معیاری اجباری برای خادمان خدا. ازدواج یک اصل پذیرفته شده‌ی کتاب مقدسی است (ر. ک. پیدایش ۱:۲۸؛ ۱۸:۲؛ ۹:۱، ۷).

■ «مبتلا بود» این فعل در حالت غیر صرفی مجهول ناکامل است. این تب، از پیش بوده، و بیماری‌ای عود کننده بوده است.

■ «به تب شدیدی» این یک اصطلاح پزشکی است که گالن (Galen) آن را برای نوع خاصی از تب به کار برده است. اناجیل میان اخراج دیوها و شفا دادن بیماری‌ها توسط عیسی تمایز قائل می‌شوند.

■

ترجمه‌ی قدیم: «تب را نهیب داده»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «تب را نهیب زد»

ترجمه‌ی مژده: «با پر خاش به تب فرمان داد»

در انجیل لوقا عیسی بر این موارد نهیب داده است:

۱. دیوها (۳۵:۴، ۴۱؛ ۴۲:۹)

۲. تب (۳۹:۴)

۳. باد و تلاطم آب (۲۴:۸)

۴. شاگردان (۲۱:۹، ۵۵)

این عمل عیسی نشان‌دهنده‌ی قدرت و اقتدارش بود. عیسی حقیقتاً انسان بود، اما همچنین او خدای مجسم بود. توازن و تعادل قائل شدن میان این دو طبیعت، امر دشواری است. انجیل لوقا هر دو جنبه را مورد تأکید قرار می‌دهد.

نکته‌ای درباره‌ی نهیب زدن بر تب توسط عیسی: این که عیسی در این مورد برای مشکلی فیزیکی تشخیص قائل شده است، باعث نمی‌شود که این شفا، اخراج دیو تلقی گردد. دیوها می‌توانند موجب مشکلات فیزیکی گردند، اما این به آن معنا نیست که همه‌ی مشکلات فیزیکی ناشی از دیوها هستند. مراقب افراط‌ها و تفریط‌ها موجود در حیطه‌ی این مقوله باشید (هیچ دیوی وجود ندارد؛ دیوها مسبب همه‌ی مشکلات هستند)! رجوع کنید به عنوان خاص اخراج دیوها در ۳۵:۴.

متن مژده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴۰-۴۱

۴۰ هنگام غروب همه‌ی کسانی که بیمارانی مبتلا به امراض گوناگون داشتند آنان را نزد عیسی آوردند و او دست خود را بر یک‌یک آنان گذاشت و آنان را شفا داد. ۴۱ دیوها هم از عده‌ی زیادی بیرون آمدند و فریاد می‌زدند: «تو پسر خدا هستی»، اما او آنها را سرزنش می‌کرد و اجازه نمی‌داد حرف بزنند زیرا آنها می‌دانستند که او مسیح موعود است.

۴۰:۴ «هنگام غروب» این به معنای به پایان رسیدن روز سبت بود. یهودیان روز را از وقت غروب تا غروب روز بعدی حساب می‌کردند (ر. ک. پیدایش ۵:۱). بسیاری از یهودیان حتی بر این باور بودند که شفا یافتن در روز سبت، امر به‌جا و شایسته‌ای نیست.

□ «آنان را نزد عیسی آوردند» مردم قدرت عیسی را در کنیسه دیده بودند (آیات ۳۱-۳۷) و سخنان شفقت‌آمیز و نبوتی او را نیز شنیده بودند. اکنون عیسی از طریق اعمالش به آنان نشان می‌دهد که وی هم از قدرت و هم از شفقت یهوه برخوردار است.

□ «او دست خود را بر یک‌یک آنان گذاشت» به این نکته دقت کنید که عیسی صرفاً بر روی بیماران دست می‌گذاشت و هرگز بر روی دیو‌زده‌ها این کار را انجام نمی‌داد (ر. ک. آیه‌ی ۴۱).

عنوان خاص: گذاشتن دستها (دستگذاری) در کتاب مقدس

دستگذاری اشخاص به منظور دخیل بودن شخص (در خدمتی)، به شیوه‌های مختلفی در کتاب مقدس مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱. منتقل کردن رهبری خانواده (ر. ک. پید. ۴۸: ۱۸)
 ۲. همسان سازی با مرگ یک حیوان قربانی به عنوان جایگزین
أ. کاهنان (ر. ک. خرو. ۲۹: ۱۰، ۱۵، ۱۹؛ لاو. ۱۶: ۲۱؛ اعد. ۸: ۱۲)
ب. عامه مردم (ر. ک. لاو. ۱: ۴؛ ۲: ۸؛ ۴: ۴؛ ۱۵: ۲۴؛ II تو. ۲۹: ۲۳)
 ۳. جدا کردن افراد برای خدمت خدا در یک مأموریت یا مسئولیت خاص (ر. ک. اعد. ۸: ۱۰؛ ۲۷: ۱۸، ۲۳؛ تث. ۳۴: ۹؛ اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ I تیمو. ۴: ۱۴؛ ۲۲: II تیمو. ۱: ۶)
 ۴. شرکت داشتن در سنگسار قانونی یک گناهکار (ر. ک. لاو. ۲۴: ۱۴)
 ۵. دریافت برکت شفا، شادمانی و خداپرستی (ر. ک. متی. ۱۹: ۱۳؛ ۱۵: مرقس ۱۰: ۱۶)
 ۶. در ارتباط با شفای جسمی (ر. ک. متی. ۹: ۱۸؛ مرقس ۵: ۲۳؛ ۶: ۵؛ ۷: ۳۲؛ ۸: ۲۳؛ ۱۶: ۱۸؛ لوقا ۴: ۴۰؛ ۱۳: ۱۳؛ اعمال ۹: ۱۷؛ ۲۸: ۸)
 ۷. دریافت روح القدس (ر. ک. اعمال ۸: ۱۷-۱۹؛ ۹: ۱۷؛ ۱۹: ۶)
- در متون تاریخی مورد استفاده در پشتیبانی از انتصاب کلیسایی رهبران (برگماری/دستگذاری) عدم یگانگی چشمگیری وجود دارد.
۱. در اعمال ۶: ۶، رسولان بر آن هفت نفر برای خدمت محلی شان دست می‌گذارند.
 ۲. در اعمال ۱۳: ۳، انبیا و معلمین هستند که بر برنابا و پولس برای خدمت بشارت دست می‌گذارند.
 ۳. در I تیمو. ۴: ۱۴ مشایخ محلی در خوانده شدن و انتصاب اولیه تیموتائوس دخیل بودند
 ۴. در II تیمو. ۱: ۶ پولس است که بر تیموتائوس دست می‌گذارد.
- این تنوع و گنگی معنا، نمایانگر عدم سازماندهی در کلیسای قرن اول میلادی است. کلیسای اولیه بسیار پویا بود و معمولاً از عطایای روحانی ایمانداران بهره می‌برد (ر. ک. I قرن. ۱۴). واقعیت این است که عهد جدید برای حمایت یا ترسیم یک الگوی دولتی یا روند انتصاب و دستگذاری نوشته نشده است.

□ «آنان را شفا داد» توجه داشته باشید که عیسی همه‌ی آنانی را که به نزدش آمدند، شفا داد. همچنین، به تمایز میان مشکلات جسمانی در آیه‌ی ۴۰ و دیو‌زدگی‌ها در آیه‌ی ۴۱ دقت نمایید. این اعمال، مکشوف کننده‌ی قلب پر ترحم و پر مهر و محبت خدا نسبت به انسان و شفقت و قدرت مایشیح خدا می‌باشند.

۴: ۴۱ «عده‌ی زیادی» با خواندن متن انگلیسی این آیات چنین به نظر می‌رسد که عیسی همه‌ی آنانی را که بیماری جسمی داشتند شفا داد، اما فقط برخی از دیو‌زدگان را شفا بخشید. دو راه حل ممکن برای این موضوع وجود دارد:

۱. اخراج/رهایی از دیوها شامل عنصر اختیار و اراده است.
۲. کتاب مقدس واژه «همه/جمع» و «بسیاری» را به جای یکدیگر به کار می‌برد (ر. ک. «همه» در اشعیا ۵۳: ۶ در مقابل با «بسیاری» در ۵۳: ۱۱، ۱۲؛ یا «همه» در رومیان ۵: ۱۸ در مقابل با «بسیاری» در رومیان ۵: ۱۹).

□ «پسر خدا» رجوع کنید به عنوان خاص در ۳۵: ۱.

□ «اجازه نمی‌داد حرف بزنند» این دلیل دیگری است بر این که عیسی به ایشان اجازه‌ی بیان شهادتشان را نداد. مردم تصور و دید اشتباهی از رسالت مسیحایی (ملی‌گرایانه) وی داشتند. شهادت این دیوها در راستای حمایت و پشتیبانی از عیسی نبود، بلکه این امکان را برای رهبران مذهبی فراهم می‌کرد تا ادعا کنند که قدرت عیسی از شیطان سرچشمه می‌گیرد و نه از خدا.

□ «آنها می‌دانستند که او مسیح موعود است» دیوها دارای دانش الهیاتی هستند (ر. ک. یعقوب ۱۹:۲)، اما هیچ رابطه‌ی شخصی مبتنی بر ایمان با پدر یا پسر ندارند. این مورد، نمونه‌ی خوبی است از بی‌حاصل تلقی شدن دانشی که فاقد ایمان است (ر. ک. متی ۲۱:۷-۲۳). رجوع کنید به عنوان خاص: ماشیح در ۱۱:۲.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴:۴۲-۴۳

۴۲ وقتی سپیده‌صبح دمید، عیسی از شهر خارج شد و به جای خلوتی رفت. اما مردم به سراغ او رفتند و وقتی به جایی که او بود رسیدند، سعی می‌کردند از رفتن او جلوگیری نمایند. ۴۳ اما او گفت: «من باید مؤده پادشاهی خدا را به شهرهای دیگر هم برسانم چون برای انجام همین کار فرستاده شده‌ام.»

۴۲:۴ از طریق این آیه لوقا به دو موضوع اشاره می‌کند:

۱. جنبه‌ی بشری عیسی و نیازش برای دوری گزیدن و استراحت کردن
۲. انبوه جمعیت به خاطر دریافت شفاهای جسمی و رهایی از دیوها در پی عیسی روانه بودند و نه به خاطر تعالیمش. او نمی‌خواست برای چنین چیزهایی مشهور گردد، اما این معجزات موجب هموار شدن راه دسترسی وی به شمار بیش‌تری از مردم گردید.

۴۳:۴ «پادشاهی خدا» پادشاهی خدا موضوع محوری موعظات عیسی بود. این پادشاهی، سلطنت خدا در دل‌های انسانی در عصر حاضر را شامل می‌شود که روزی سراسر زمین را در برخواهد گرفت. پادشاهی خدا در زمان گذشته در لوقا ۲۸:۱۳، در زمان حال در لوقا ۲۱:۱۷ و در زمان آینده در متی ۱۰:۶-۱۱ تعریف شده و محسوب شده است. رجوع کنید به عنوان خاص: پادشاهی خدا در ۲۱:۴.

□ «چون برای انجام همین کار فرستاده شده‌ام» عیسی زمانی که دوازده سال داشت، از دعوت و هدف زندگی خود تا حدی آگاهی داشت (ر. ک. ۴۹:۲). مرقس ۱۰:۴۵ از شناختی سخن می‌گوید که عیسی در دوران بلوغ از دعوت خود داشت. عیسی کارگزار ویژه‌ی پدر، فرستاده و مسح شده توسط او بود (ر. ک. یوحنا ۳:۱۷). فعل این جمله، *apostellō* (ر. ک. آیه‌ی ۱۸) می‌باشد، که بعدها برای آن دسته از شاگردان عیسی به کار رفت که وی به آنها مأموریت بخشیده و گسیل نمود (رسولان، یوحنا ۱۷:۱۸؛ ۲۱:۲۰). این لفظ در انجیل یوحنا معنای ویژه‌ای بر خود گرفته است، اما در سایر اناجیل هم‌نظر، صرفاً یکی از معدود واژه‌های یونانی‌ای به حساب می‌آید که معادل فعل «فرستان» می‌باشند.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴:۴۴

۴۴ به این ترتیب او پیام خود را در کنیسه‌های یهودیه اعلام می‌کرد.

۴۴:۴ «یهودیه» اشاره به این مکان جغرافیایی با توجه به مضمون آیات ۱۴، ۳۱ و ۳۷ کمی غیرعادی است. انتظار می‌رفت که در این مقطع، عیسی در ناحیه‌ی جلیل باشد (ر. ک. متی ۲۳:۴).

به دلیل سردرگمی حاصل از لفظ «یهودیه» (که در MSS P⁷⁵, B, C, L وجود دارد) در تعدادی از نسخ خطی یونانی متعلق به قرون اولیه، «جلیل» جایگزین شده است^۹ (ر. ک. MSS A and D and the Vulgate and Peshitta)، که با مرقس ۳۹:۱ و متی ۲۳:۴ مطابقت دارد.

هیأت ویراستاران UBS⁴، رتبه‌ی B (تقریباً قطعی) را به لفظ «یهودیه» قائل شده‌اند. این شاید به دو دلیل زیر باشد (۱) کاربرد «یهودیه» شاید به تمامی اسرائیل اشاره دارد (یعنی، انبیاء) یا (۲) اناجیل به سبک کتب تاریخی غربی نگاشته نشده‌اند، بلکه آنها رسالاتی شرقی هستند.

^۹ همچنین در ترجمه‌ی قدیم نیز لفظ «جلیل» آمده است. م.

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. آیا ممکن بود که عیسی در اثر وسوسه مرتکب گناه شود؟
۲. آیا وسوسه شدن، خود گناه است؟
۳. آیا امکان دارد که خدا علت و به وجود آورنده‌ی وسوسه باشد؟
۴. رسالت مسیحایی عیسی به چه نحوی با این وسوسه‌ها در ارتباط می‌باشد؟
۵. چرا در اناجیل مختلف این وسوسه‌ها به ترتیب متفاوتی به ثبت رسیده‌اند (ر. ک. متی ۱:۴-۱۱؛ لوقا ۴:۱-۱۲)؟
۶. چرا اناجیل چنان بخش‌های بزرگی از خدمت عمومی عیسی را کنار گذاشته‌اند؟
۷. چرا عیسی به طور مرتب در کنایس تعلیم می‌داد؟
۸. چرا اهالی ناصره پر از خشم بودند؟
۹. توضیح دهید که چرا پیغام عیسی از سخنان معلمان مذهبی یهودی آن عصر بسیار متفاوت بود.
۱۰. چرا مردم از شنیدن تعلیم عیسی متحیر شده بودند؟
۱۱. چه چیزی درباره‌ی دیوها می‌دانید؟ هدف آنها چیست؟
۱۲. مادر زن داشتن پطرس به‌طور تلویحی به چه چیزی درباره‌ی تجرد اشاره می‌کند؟
۱۳. مهم‌ترین نکته در این خصوص که عیسی همه‌ی آنانی را که به نزدش می‌آوردند شفا می‌داد، چیست؟
۱۴. پادشاهی خدا چیست؟ به بیان خود آن را تعریف کنید.
۱۵. کاربرد لفظ «یهودیه» در آیه ۴۴، چه مشکلی در پی داشته است؟

انجیل لوقا فصل پنجم
تقسیم‌بندی بر اساس پاراگراف‌ها در ترجمه‌های مختلف

ترجمه‌ی قدیم	ترجمه‌ی هزاره‌ی نو	ترجمه‌ی مؤده
معجزه‌ی صید ماهی لوقا ۵: ۱۱-۱۱	نخستین شاگردان عیسی لوقا ۵: ۱۱-۱۱	انتخاب شاگردان لوقا ۵: ۱۱-۱۱
شفای یک جذامی لوقا ۵: ۱۶-۱۲	شفای مرد جذامی لوقا ۵: ۱۶-۱۲	شفای یک جذامی لوقا ۵: ۱۶-۱۲
شفای مرد افلیج لوقا ۵: ۲۶-۱۷	شفای مرد مفلوج لوقا ۵: ۲۶-۱۷	شفای یک مفلوج لوقا ۵: ۲۶-۱۷
ضیافت خانه در متی لوقا ۵: ۳۲-۲۷	دعوت از لاوی لوقا ۵: ۳۲-۲۷	دعوت لاوی لوقا ۵: ۳۲-۲۷
سوال رهبران مذهبی درباره‌ی روزه لوقا ۵: ۳۹-۳۳	سوال درباره‌ی روزه لوقا ۵: ۳۹-۳۳	درباره‌ی روزه لوقا ۵: ۳۹-۳۳

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه‌ی خوب کتاب مقدس» صفحه‌ی vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیش‌ارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می‌کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید. این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم بندی موضوعی خود را با ترجمه‌ی جدید کتاب مقدس مقایسه کنید. پاراگراف بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۷. پاراگراف اول

۸. پاراگراف دوم

۹. پاراگراف سوم

الی آخر...

نگرشی بر مضمون متن لوقا ۵: ۱۱-۱۱

الف) سه روایت مجزا و بی‌مانند از دعوت عیسی از ماهیگیران به شاگردی وجود دارد.

۱. مرقس ۱: ۱۶-۲۰ و متی ۴: ۱۸-۲۲

۲. یوحنا ۱: ۴۰-۴۲

۳. لوقا ۵: ۱۱-۱۱

ب) با قطعیت نمی‌توان گفت که این روایات، روایاتی موازی از یک رخداد مشترک (دعوت عیسی از شاگردان) از زبان شاهدان عینی متفاوت هستند، یا روایاتی مجزا از رخدادهایی متفاوت.

ج) فصل پنجم، قدرت عیسی را بر موارد زیر نشان می‌دهد

۱. طبیعت (ر. ک. آیات ۱-۱۱)

۲. بیماری (ر. ک. آیات ۱۲-۲۶)

۳. گناه (ر. ک. آیات ۲۷-۳۲)

د) یوحنا ۱:۲۱-۱۴ رویدادی را به تصویر می‌کشد که در آن عیسی به شاگردان ماهیگیر خود در صید کردن ماهی کمک می‌کند. روایت مذکور، بسیار به این روایت نقل شده در انجیل لوقا شباهت دارد، با وجود این، تفاوت‌هایی میان آنها قابل مشاهده است. اعتقاد من بر این است که این دو رویداد، دو رخداد مجزا و جداگانه می‌باشند (به احتمال زیاد مانند روایت پاکسازی معبد بزرگ)، یکی در اوایل خدمت عمومی عیسی و دیگری پس از رستاخیز او.

مطالعه‌ی واژگان و عبارت‌ها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱:۵-۱۱

۱ یک روز عیسی در کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود و مردم به طرف او هجوم آورده بودند تا کلام خدا را از زبان او بشنوند. ۲ عیسی ملاحظه کرد که دو قایق در آنجا لنگر انداخته‌اند و ماهیگیران پیاده شده بودند تا تورهای خود را بشویند. ۳ عیسی به یکی از قایق‌ها که متعلق به شمعون بود سوار شد و از او تقاضا کرد که کمی از ساحل دور شود و درحالی که در قایق نشسته بود، به تعلیم مردم پرداخت. ۴ در پایان صحبت به شمعون گفت: «به قسمت‌های عمیق آب بران و تورهایتان را برای صید به آب بیندازید.» ۵ شمعون جواب داد: «ای استاد، ما تمام شب زحمت کشیدیم و اصلاً چیزی نگرفتیم، اما حالا که تو می‌فرمایی، من تورها را می‌اندازم.» ۶ آنها چنین کردند و آن‌قدر ماهی صید کردند که نزدیک بود تورهایشان پاره شود. ۷ پس به همکاران خود که در قایق دیگر بودند اشاره کردند که به کمک آنان بیایند. ایشان آمدند و هر دو قایق را از ماهی پر کردند به طوری که نزدیک بود غرق شوند. ۸ وقتی شمعون پطرس متوجه شد که چه اتفاقی افتاده است، پیش عیسی زانو زد و عرض کرد: «ای خداوند، از نزد من برو چون من خطاکارم.» ۹ او و همه همکارانش از صیدی که شده بود، متحیر بودند. ۱۰ همکاران او یعقوب و یوحنا، پسران زبدي نیز همان حال را داشتند. عیسی به شمعون فرمود: «اترس؛ از این پس مردم را صید خواهی کرد.» ۱۱ به محض اینکه قایق‌ها را به خشکی آوردند، همه چیز را رها کردند و به دنبال او رفتند.

۱:۵ «مردم به طرف او هجوم آورده بودند» به خاطر موعظه/تعلیم/خدمت شفای عیسی، مردم فراوانی در عقب او روانه شده بودند؛ اغلب آنان قصد داشتند او را لمس کنند.

□ «تا کلام خدا را از زبان او بشنوند» این عبارت، عبارت محبوب لوقا است (ر. ک. ۵:۱؛ ۸:۱۱، ۲۱؛ ۱۱:۲۸؛ اعمال ۴:۳۱؛ ۶:۲، ۷:۱۴؛ ۱۱:۱؛ ۱۲:۲۴؛ ۱۳:۵، ۷:۴۴، ۴۶؛ ۴۸؛ ۳۲:۱۶؛ ۱۳:۱۷). این عبارت در هر یک از سایر انجیل، فقط یک بار به کار رفته و اصطلاحی متعلق به ترجمه‌ی هفتادگان است. ما ایمانداران امروزی، گاه چنین می‌اندیشیم که منظور از تعبیر «کلام خدا» صرفاً کتاب مقدس است، اما در واقع، این تعبیر مفهوم گسترده‌تری دارد. این تعبیر به تمامی آن چیزهایی اشاره دارد که خدا ما را از آنها آگاهانیده است. برخی از آنها در کتاب مقدس به ثبت رسیده است. مزمو ۷:۱۹-۱۱ و ۱۱۹، نمونه‌هایی از عهد عتیق هستند که نشان می‌دهند که یهودیان چه دریافتی از این تعبیر داشتند. فهم عهد جدیدی این تعبیر را می‌توان در لوقا ۱:۲؛ ۸:۱۱-۱۵، ۲۱؛ ۲۸:۱۱؛ ۲۴:۴۴ یافت. خدا را سپاس برای کلامی که در اختیار داریم! ما می‌بایست بر اساس آنها عمل کنیم و نگران آن‌چه از آن بی‌اطلاع هستیم، نباشیم. تمام آن‌چه برای نجات و زندگی مسیحی به آن نیاز داریم، در اختیار ما قرار داده شده است. بایستی در برابر حس کنجکاوی مان مقاومت کنیم!

□ «در کنار دریاچه جنیسارت» این دریاچه به چند نام خوانده شده است.

۱. کینرت یا کینرت (برای مثال در اعداد ۱۱:۳۴-مترجم)

۲. دریای جلیل

۳. دریای طبریّه یا تبریّه (برای مثال در یوحنا ۶:۱-مترجم)

۴. برخی اوقات، فقط «دریا» (ر. ک. متی ۱:۱۳؛ مرقس ۱:۴؛ از ترجمه‌ی هفتادگان در اعداد ۱۱:۳۴؛ یوشع ۳:۱۲)

طول این دریاچه ۲۰ کیلومتر و عرض آن ۱۳ کیلومتر است و حدوداً ۲۱۰ متر زیر سطح دریای آزاد قرار گرفته است، و اطراف آن را تپه‌های کم‌ارتفاع احاطه کرده است. ریشه‌شناسی لفظ جنیسارت نامعلوم است. از آن‌جا که این نام، نام زمین‌های کشاورزی بسیار حاصل‌خیزی است که در غرب دریاچه قرار داشت، برخی چنین می‌انگارند که این نام به معنای «باغ شاهانه» می‌باشد.

۲:۵ «عیسی ملاحظه کرد که دو قایق در آنجا لنگر انداخته‌اند» معادل یونانی واژه‌ی قایق در این آیه، در زبان یونانی برای هر قایقی، با هر اندازه‌ای قابل استفاده بود. این واقعیت که این قایق افراد زیادی را در خود جا داده بود (آیات ۲، ۴، و ۵) به این موضوع اشاره می‌کند که دست‌کم یکی از قایق‌ها، قایق ماهیگیری بزرگی بوده است.

□ **«تا تورهای خود را بشویند»** به‌طور معمول، ماهیگیران در طول شب در دریای جلیل مشغول ماهیگیری می‌شدند. ظاهراً این مردان، تمام شب را مشغول ماهیگیری بوده‌اند و در آن هنگام، صرفاً در حال شستن و تعمیر کردن تورهای خود (ر. ک. مرقس ۱۹:۱) برای فردا شب بودند.

۳:۵ «عیسی به یکی از قایق‌ها ... سوار شد» ازدحام و فشار مردم به حدی بود که عیسی جهت محافظت از خود سوار یکی از قایق‌ها شد (ر. ک. مرقس ۹:۳؛ ۱:۴) و دلیلی دیگر این که، احتمالاً وی این کار را با هدف افزایش صدایش انجام داد، تا آن جماعت انبوه بهتر صدای او را بشنوند.

□ **«متعلق به شمعون بود»** مقرر بود که او به رهبر گروه شاگردان تبدیل شود. عیسی در متی ۱۶:۱۶-۱۸ نام او را به پطرس (کیفا) تغییر می‌دهد. شمعون برای نخستین بار در انجیل لوقا ۶:۱۴، «پطرس» خوانده شده است.

□ **«درحالی که در قایق نشسته بود، به تعلیم مردم پرداخت»** حالت نشسته، حالتی متداول برای رابی‌های یهودی در هنگام تعلیم دادن بود (ر. ک. ۲۰:۴؛ متی ۵۵:۲۶)، اما در چنین موقعیتی، نشستن در داخل قایق امن‌تر از ایستادن در آن بود.

۴:۵ «به قسمت‌های عمیق آب بران» هر دو فعل این آیه (بران و بیندازید)، در حالت امری معلوم نامعین هستند. زمان، زمان مناسبی برای ماهیگیری نبود، مکان و عمق آن محل نیز برای آن کار مناسب نبود، با وجود این، پطرس از گفته‌ی عیسی اطاعت کرد (پس از مباحثه‌ای کوتاه، ر. ک. آیه‌ی ۵)!

۵:۵ «ای استاد» معادل یونانی لفظ «استاد»، واژه‌ی «epistatēs» است، که معنای لغوی آن «فردی که بر چیزی مسؤول گماشته شده است» می‌باشد. این اصطلاح برای کسی که مسؤولیتی بر عهده دارد، به کار رفته است. لوقا در ۲۴:۸، ۴۵ نیز از این لفظ استفاده کرده است. لوقا هرگز از لفظ «رابی» (معلم مذهبی یهود) استفاده نکرده است، زیرا مخاطبان او در این انجیل غیریهودیان هستند (ر. ک. ۵:۵؛ ۲۴:۸، ۴۵؛ ۳۳:۹، ۴۹؛ ۱۳:۱۷).

□ **«ما تمام شب زحمت کشیدیم و اصلاً چیزی نگرفتیم»** چرا لوقا از میان تمام گفته‌ها و کارهای عیسی تصمیم به ثبت این رویداد گرفته است؟ یکی از دلایل این است که این فصل، به چند رویداد اشاره می‌کند که نشان‌گر قدرت عیسی بر (۱) طبیعت؛ (۲) بیماری؛ (۳) گناه هستند. این اتفاق می‌توانست تعلیم تازه‌ی او و واقعیت فرارسیدن پادشاهی خدا را تثبیت و تصدیق کند. او نه فقط با اقتدار سخن می‌گفت بلکه با اقتدار نیز عمل می‌نمود (ر. ک. ۳۶، ۳۲:۴). با این همه، همچنان این سوال مطرح می‌شود که آیا این رویداد را می‌توان صحنه‌ای از به مبارزه طلبیدن تلاش، نیرو، شایستگی و دانش انسانی تلقی کرد یا نه (هنوز در انجیل لوقا هستیم و به یوحنا وارد نشده‌ایم). این ماهیگیران ماهر همه‌ی تلاش خود را انجام دادند و به هیچ نتیجه‌ای دست نیافتند، اما کلام عیسی به طرز بسیار چشمگیری ثمربخش واقع گردید.

۶:۵ «آن‌قدر ماهی صید کردند که نزدیک بود تورهایشان پاره شود» عیسی، سرور تمام آفرینش، به‌خوبی از خو و خصلت ماهی‌ها آگاهی داشت و می‌توانست آنها را اداره کند (ر. ک. متی ۲۷:۱۷). این داستان، در مورد یک ماهیگیر برجسته و موفق نیست، بلکه در مورد عیسی، کارگزار خدا در امر آفرینش و مایشیح خدا که از روح او پُر بود، می‌باشد!

۸:۵ «وقتی شمعون پطرس متوجه شد ... پیش عیسی زانو زد» این عبارت به طور لغوی به این معناست: «بر زانوهای عیسی افتاد». او در میان ماهی‌ها به زمین افتاد! پطرس، که شغلش ماهیگیری بود، طبیعت معجزه‌وار این رخداد و قدرت آن شخصی که در برابرش بود را بازشناخت!

□ **«ای خداوند»** در هنگام تفسیر کردن اناجیل می‌بایست به یاد داشته باشیم که این نوشته‌ها مدتی پس از وقوع این رویدادها نوشته شده‌اند. نویسندگان این روایات به‌طور کامل از ماجرای این رخدادها آگاهی داشتند. تشخیص دادن این موضوع که چه میزان از آگاهی کامل آنان از اصل روایات نقل شده در اناجیل، در شرحی که آنان از زندگی و خدمت عیسی به دست داده‌اند انعکاس پیدا کرده است، امر دشواری است. کاربرد لفظ «خداوند» مثال خوبی از این مورد است. واضح است که این لفظ پس از رستاخیز عیسی، حامل مفهومی مرتبط با صفات الهی می‌گردد (ر. ک. اعمال ۲:۳۶؛ رومیان ۹:۱۰-۱۳؛ فیلیپیان ۲:۹-۱۱)، اما همچنین با توجه به بستر فرهنگی، به راحتی می‌توانست متناظر با طرز خطاب مؤدبانه‌ی «آقا» یا «جناب» در زمان حال ما باشد (ر. ک. متی ۲۶:۱۸؛ لوقا ۶:۷؛ ۵۷:۹؛ یوحنا ۴:۱۱). این امکان نیز وجود دارد که لوقا با قصد قبلی از آرایه‌ی ایهام استفاده کرده است (ر. ک. *The Names of Jesus*، Vincent Taylor، ص. ۴۲، نمونه‌هایی در لوقا ۷:۱۳، ۱۹؛ ۱۰:۱۰، ۳۹، ۴۱). روایتی که در این قسمت آمده است، مثال خوبی از این مورد است. مقصود پطرس از زانو زدن در مقابل عیسی و خداوند خطاب کردن او چه بود؟ آشکار است که هدفش تمجید بود، اما آیا می‌توان این کار او را پرستش عیسی در مقام پسر تجسم یافته‌ی خدا تلقی کرد؟ (ر. ک. لوقا ۲۰:۹)

□ **«من خطاکارم»** هر چه به خدا نزدیک‌تر می‌شویم، بیش‌تر برگناهکار بودن خویش واقف می‌شویم (ر. ک. ایوب ۴۲:۵-۶؛ اشعیا ۶:۵). همچنین، این اطمینان خاطر دوباره برای ما وجود دارد که خدا افراد گناهکار، سقوط کرده و شکست‌خورده را محبت نموده و از طریق آنان عمل می‌کند (مانند، موسی، داوود، شاگردان عیسی). تنها امید بشر سقوط کرده، سرشت پر از رحم و شفقت خدا و منش فداکارانه‌ی مسیح است.

۹:۵ «او و همه همکارانش از صیدی که شده بود، متحیر بودند» این معجزه همکاران پطرس را نیز شگفت‌زده کرده بود.

۱۰:۵ «همکاران او یعقوب و یوحنا، پسران زبدي» این افراد به هسته‌ی مرکزی شاگردان عیسی تبدیل می‌یافتند. همه‌ی آنان به طبقه‌ی متوسط جامعه‌ی جلیل تعلق داشتند.

□ **«نترس»** این فعل در حالت/مری حال میانی همراه با ادات نفی است، که معمولاً به معنای متوقف کردن عملی است که از پیش در جریان است. این عبارت، یکی از عبارات محبوب لوقا است (ر. ک. ۱:۱۳، ۳۰؛ ۵:۱۰؛ ۸:۵۰؛ ۱۲:۳۲؛ اعمال ۱۸:۹؛ ۲۷:۲۴).

□ **«از این پس مردم را صید خواهی کرد»** این اصطلاح یونانی به مفهوم «زنده صید کردن» اشاره دارد. ممکن است این جمله، اشاره‌ای تلمیحی به ارمیا ۱۶:۱۶ باشد که در آن یهوه وعده می‌دهد برای بازیافتن و احیای مجدد قوم خود، ماهیگیران و صیادان به جهان خواهد فرستاد. ممکن است انتخاب ماهی به عنوان نمادی برای مسیحیت در کلیسای اولیه در ارتباط با موارد زیر بوده است:

۱. واژه‌ی «ماهی» در زبان یونانی (ایکتوس) سرنام سه‌واژه‌ی «عیسی مسیح، پسر خدا، نجات دهنده» است.
۲. صید ماهی به عنوان اشاره‌ای مجازی به امر بشارت دادن به کار گرفته شده است.

۱۱:۵ «همه چیز را رها کردند» آنان پس از به پایان رساندن صیدی چنین عظیم، که ارزش مادی زیادی نیز داشت، همه چیز را رها کردند. این پرسش مطرح می‌شود، آیا آنان صید را رها کردند تا فاسد گردد؟ بدیهی است که خیر. افراد دیگری، همکاران زبدي، آن‌جا بودند، یا احتمالاً آنها را میان جماعت انبوهی که حضور داشت، تقسیم کردند. بار دیگر، این گفته ما را به تأمل وامی‌دارد که تا چه حد مقصود این عبارت، ارائه‌ی توصیفی نمادین از ایمان حقیقی می‌باشد (ر. ک. لوقا ۵:۲۸؛ ۱۴:۳۳).

□ **«از عقب او روانه شدند»** احتمالاً این اولین باری نبود که آنان عیسی را ملاقات کرده و از او شنیده و با او سخن می‌گفتند. از انجیل یوحنا درمی‌یابیم که پیش‌تر آندریاس آنان را به عیسی معرفی کرده بود (ر. ک. یوحنا ۱:۲۹-۴۲). مطمئن هستم که آنان سخنان عیسی را در حال موعظه و تعلیم دادن شنیده بودند. به احتمال زیاد، آنان عیسی را در حال انجام دادن معجزات نیز دیده بودند. این که آنان همه چیز را ترک کرده و فوراً عیسی را پیروی کردند، واقعیتی

شایان تأمل است. این روشی بود مبتنی بر رسوم و آداب معلمان مذهبی، که بر اساس آن، آنان به طور رسمی اقرار می کردند که تصمیم به شاگردی عیسی گرفته اند (ر. ک. لوقا ۲۷:۵-۲۸؛ ۲۳:۹، ۴۹، ۵۷، ۵۹، ۶۱؛ ۲۲:۱۸، ۲۲).
گرفته اند (ر. ک. لوقا ۲۷:۵-۲۸؛ ۲۳:۹، ۴۹، ۵۷، ۵۹، ۶۱؛ ۲۲:۱۸، ۲۲).

نگرشی بر مضمون متن در متن آیات ۱۲-۳۲

- الف) روایات آمده در این آیات، موازی روایات مرقس ۴۰:۱-۴۵؛ متی ۱:۸-۴؛ و مرقس ۱۴:۲-۱۷؛ و متی ۹:۹-۱۳ می باشند.
ب) این رویدادها نشان دهنده طرز برخورد و رفتار انقلابی عیسی با جذامیان و باجگیران در مقایسه با معلمان مذهبی آن روزگار بود.
ج) لوقا هدفمندانه رویدادهایی را برگزیده است که از طریق آنها قدرت عیسی را بر موارد زیر نشان دهد:
۱. طبیعت (لوقا ۱:۵-۱۱)
 ۲. بیماری (لوقا ۱۲:۵-۲۶)
 ۳. قضاوت تبعیض آمیز و گناه انسان (لوقا ۲۷:۵-۳۲)

مطالعه‌ی واژگان و عبارت‌ها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۲:۵-۱۶

۱۲ روزی عیسی در شهری بود، از قضا مردی جذامی در آنجا حضور داشت. وقتی آن جذامی عیسی را دید به پای او افتاد و از او کمک خواسته گفت: «ای آقا، اگر بخواهی می توانی مرا پاک کنی.» ۱۳ عیسی دست خود را دراز کرد، او را لمس نمود و فرمود: «می خواهم، پاک شو.» فوراً جذام او بر طرف شد. ۱۴ عیسی به او امر فرمود که این موضوع را به کسی نگوید و افزود: «اما برو خود را به کاهن نشان بده و به خاطر پاک شدن قربانی ای را که موسی معین نموده است، تقدیم کن تا برای همه مدرکی باشد.» ۱۵ اما عیسی بیش از پیش در تمام آن نواحی شهرت یافت و عدّه زیادی گرد آمدند تا سخنان او را بشنوند و از ناخوشی های خود شفا یابند، ۱۶ اما او به خارج از شهر می رفت تا در تنهایی دعا کند.

۱۲:۵ «روزی عیسی در شهری بود» لاویان ۱۳:۴۶ و اعداد ۵:۲-۴ شرکت جستن جذامیان در حیات اجتماعی قوم اسرائیل را منع کرده بود.



ترجمه‌ی قدیم: «مردی پر از برص»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «مردی... که جذام تمام بدنش را فراگرفته بود»

ترجمه‌ی مؤده: «مردی جذامی»

لوقای طیب در این باب از انجیلش، از چند اصطلاح پزشکی استفاده می کند.

۱. در لوقا ۱۲:۵ او با به کار بردن یک اصطلاح تخصصی، در صدد است تا شدت بیماری را مورد تأکید قرار دهد.
۲. در لوقا ۱۸:۵ او برای لفظ «مفلوج» از یک واژه‌ی تخصصی استفاده کرده است - متی و مرقس از واژه‌ای متفاوت، که نزد عموم مردم رواج بیش تری داشت، بهره جسته‌اند.
۳. در لوقا ۳۱:۵ لوقا از یک اصطلاح پزشکی برای لفظ «تندرست» استفاده کرده است.

□ «جذام» این لفظ بیماری‌های متعددی را شامل می شد. این که آیا منظور از این بیماری، همان بیماری جذام امروزی است یا نه، نامشخص است. در دین یهود، جذام (یا هرگونه بیماری پوستی) مرضی تلقی می گردید که خدا آن را به عنوان مجازات به شخص بخشیده است (احتمالاً این نگرش در نتیجه‌ی اتفاقی که برای عزرا افتاده بود، در میان آنان شکل گرفته بود، ر. ک. دوم تواریخ ۲۶:۱۶-۳۲).

□ «ای آقا، اگر بخواهی می توانی مرا پاک کنی» واضح است که اخباری از قدرت عیسی به گوش این مرد رسیده بود، اما از این امر که آیا عیسی راغب خواهد بود که او را شفا دهد یا نه، مطمئن نبود. این جمله، نمونه‌ای است از یک جمله‌ی شرطی نوع سوم که اشاره به عملی بالقوه دارد که رخ دادنش محتمل‌تر از سایر اعمال باشد.

۱۳:۵ «عیسی... او را لمس نمود» طبق اصول شریعت، این کار عیسی موجب ناپاک تلقی شدنش به لحاظ آیینی می‌گردید. زندگی عیسی نشان داد که مردم برای او ارجح‌تر از قوانین یهودی و پاکی به لحاظ آیینی بود.

۱۴:۵ «عیسی به او امر فرمود که این موضوع را به کسی نگوید» در اناجیل هم‌نظر، عیسی تا زمانی که رویدادهای مربوط به نقشه‌ی عظیم نجات بشر به‌طور کامل محقق نشده‌اند، الهیت خود را پنهان می‌نماید. رجوع کنید به فهرست کامل این رویدادها در یادداشت‌های مربوط به لوقا ۵:۶-۸. عیسی نمی‌خواست صرفاً به عنوان یک شفادهنده شناخته شود. پیغام انجیل هنوز کامل نشده بود. آنچه عیسی قصد داشت تقدیم کند بسیار فراتر از صرفاً شفای جسمی بود. از مرقس ۱:۴۵ پی می‌بریم که در نهایت، این مرد از فرمان عیسی ناطاعتی کرد.

□ «برو خود را به کاهن نشان بده» این گفته‌ی عیسی به لایوان ۱۴:۱-۳۲ اشاره دارد. عیسی خواست:

۱. که آن فرد جذامی برای شهادت دادن نزد کاهن برود.
 ۲. که نشان دهد که او شریعت موسایی را به رسمیت شناخته و آن را رعایت می‌کند.
- در لوقا ۱۴:۱۷، لوقا جذامی دیگری را خاطرنشان می‌شود که عیسی به او نیز دقیقاً همین توصیه را نمود.

۱۵:۵ «اما عیسی بیش از پیش در تمام آن نواحی شهرت یافت» انسان سقوط کرده، بیمار و تنها، به هر جایی که در آن روزنه‌ی امید و کمکی بیابد، خود را می‌رساند.

۱۶:۵ «اما او به خارج از شهر می‌رفت تا در تنهایی دعا کند» عیسی، پسر مجسم خدا، نمونه‌ای از نقش دعا در زندگی ایماندار را از خود برجای گذاشت (ر. ک. لوقا ۳:۲۱؛ ۵:۱۶؛ ۶:۱۲؛ ۹:۱۸، ۲۸). اگر عیسی نیاز داشت تا تنها بماند و برای رویارویی با شرایط زندگی دعا کند، چقدر بیش‌تر، ما به دعا نیاز داریم!

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۷:۵-۲۶

۱۷ روزی عیسی مشغول تعلیم بود و پیروان فرقه فریسی و آموزگاران شریعت که از تمام روستاهای جلیل و از یهودیه و اورشلیم آمده بودند، در اطراف او نشسته بودند و او با قدرت خداوند بیماران را شفا می‌داد. ۱۸ در این هنگام چند مرد دیده شدند که مفلوجی را روی تختی می‌آوردند. آنها سعی می‌کردند او را به داخل بیاورند و در برابر عیسی به زمین بگذارند. ۱۹ اما به علت کثرت جمعیت نتوانستند راهی پیدا کنند که او را به داخل آورند. بنابراین به بام رفتند و او را با تشک از میان سفالهای سقف پایین گذاشتند و در وسط جمعیت در برابر عیسی قرار دادند. ۲۰ عیسی وقتی ایمان آنها را دید فرمود: «ای دوست، گناهان تو بخشیده شد.» ۲۱ علما و فریسیان به یکدیگر می‌گفتند: «این کیست که حرفهای کفرآمیز می‌زند؟ چه کسی جز خدا می‌تواند گناهان را ببخشد؟» ۲۲ اما عیسی افکار آنان را درک کرد و در جواب فرمود: «چرا چنین افکاری را در ذهن خود می‌پرورانید؟ ۲۳ آیا گفتن اینکه گناهان تو بخشیده شد، آسانتر است یا گفتن اینکه بلند شو و راه برو؟» ۲۴ اما برای اینکه بدانید پسر انسان در روی زمین قدرت و اختیار آمرزیدن گناهان را دارد، به آن مرد مفلوج گفت: به تو می‌گویم بلند شو، تشک خود را بردار و به خانه برو.» ۲۵ او فوراً پیش چشم آنان روی پاهای خود برخاست، تشکی را که روی آن خوابیده بود برداشت و خدا را حمد گویان به خانه رفت. ۲۶ همه غرق در حیرت شدند و خدا را حمد کردند و با ترس می‌گفتند: «امروز چیزهای عجیبی دیدیم.»

۱۷:۵ «روزی عیسی مشغول تعلیم بود و پیروان فرقه فریسی و آموزگاران شریعت... آمده بودند» رجوع کنید به متون موازی در مرقس ۲:۳-۱۲ و متی ۹:۱.

عنوان خاص: فریسی

سرمنشأهای ممکن این واژه عبارتند از:

- أ. "جدا شده". این گروه در طی دوران مکابیان شکل گرفت. (این دیدگاه بیش از سایرین مورد قبول است).
- ب. "تقسیم کردن". این معنای دیگر ریشه عبری واژه مزبور است. به گفته برخی معنای این واژه، مفسر بوده است (ر.ک. II تیمو. ۲: ۱۵).
- ج. "پارسی". این یکی دیگر از معنی ریشه آرامی است. برخی از آموزه های فریسیان دارای مشترکات زیادی با زرتشتیگری دو گانه پرست ایرانیان باستان است.

این گروه در دوران مکابیان از "Hasidim" (پرهیزگاران) شکل گرفت. گروههای متفاوت زیادی مانند اسن ها از واکنش ضدیونانیگری نسبت به آنتیوخوس چهارم ایپفانوس، سر بر آوردند. فریسیان نخستین گروهی است که در کتاب Josephus' *Antiquities of the Jews* 8: 5: 1-3 نام برده شده است.

آموزه های اصلی آنان عبارت بود از:

- الف. اعتقاد به آمدن ماشیح، که تحت تأثیر ادبیات مکاشفه ای یهود در دوران بین عهدین مانند I خنوخ، بود.
- ب. فعال بودن خدا در زندگی روزمره، این آموزه مستقیماً در تقابل با آموزه صدوقیان بود. بسیاری از آموزه های فریسیان در نقطه مقابل آموزه های صدوقیان است.
- ج. زندگی جسمانی پس از مرگ بر اساس زندگی زمینی، که شامل پاداش یا مجازات می شد. این آموزه ممکن از از دان. ۱۲: ۲ ناشی شده باشد.
- د. اقتدار عهد عتیق و سنتهای سینه به سینه (Talmud). آنان هشیارانه از فرمانهای خدا در عهد عتیق بر اساس تفسیر و کاربرد متألهین و علمای یهود اطاعت می کردند (Shammai محافظه کار و Hillel لیبرال). تفسیر معلمان دینی یهود بر اساس گفتگوی میان معلمان دینی از دو فلسفه متفاوت بود که یکی محافظه کار و دیگری لیبرال بودند. این مباحثات شفاهی درباره معنای کلام خدا سرانجام به دو شکل نگاشته شد: تلمود بابلی و تلمود ناکامل فلسطینی. آنها معتقد بودند که موسی این تفسیرهای شفاهی را بر کوه سینا دریافت کرده است. آغاز تاریخی این مباحثات با عزرا و مردانی از "کنیسه بزرگ" (که بعدها به شورای عالی یهود معروف شدند)، بود.
- ه. فرشته شناسی بسیار پیشرفته. این آموزه شامل موجودات روحانی نیک و بد می شد و از دو گانه پرستی پارسیان و ادبیات یهودی میان دو عهد، شکل گرفت.

■ «آموزگاران شریعت» به نظر می رسد که این اصطلاح متناظر با لفظ «علما» در لوقا ۲۱: ۵ (رجوع کنید به عنوان خاص لوقا ۲۱: ۵) می باشد. اغلب آنان فریسی بودند، اما نه همگی شان. تخصص آنان در زمینه ی کاربردی کردن شریعت شفاهی و کتبی در برخورد با موضوعات عملی زندگی روزمره بود. به تعبیری، آنان نقش لایوان محلی عهد عتیق را بر عهده گرفته بودند. این «وکلاهی کتب مقدس» بعدها تبدیل شدند به رابی های یهودی معاصر.

■ «از اورشلیم» با مطالعه آثار مکتوب رابی های یهودی به این مطلب پی می بریم که اورشلیم، ناحیه ای مجزا در داخل یهودیه قلمداد می شد. این افراد، نمایندگان از «مرکز فرماندهی کل» بودند! در اصل، این متخصصان کتب مقدسه با هدف آزمودن عیسی گردهم آمده بودند.



ترجمه ی قدیم: «قوت خداوند برای شفای ایشان صادر می شد»

ترجمه ی هزاره ی نو: «قدرت خداوند برای شفای بیماران با او بود»

ترجمه ی مژده: «او با قدرت خداوند بیماران را شفا می داد»

به این نکته توجه کنید که در لوقا ۱۴: ۴ «با قدرت روح القدس» آمده است. می بایست رابطه ی میان فردی نزدیکی که میان اشخاص اقا نیم تثلیث اقدس و کار آنان وجود دارد را به یاد داشته باشیم (رجوع کنید به عنوان خاص تثلیث اقدس در لوقا ۲۲: ۳). همچنین دقت کنید که واژه ی «خداوند» در این آیه به یهوه اشاره دارد. عیسی واسطه ی یهوه در امر آفرینش، در اجرای نقشه ی نجات و در محقق ساختن داوری می باشد.

عنوان خاص: عیسی و روح القدس

سیالیتی میان کار روح القدس و پسر وجود دارد. G. Campbell Morgan می گفت بهترین نام برای روح القدس "عیسای دیگر" است. در زیر به رئوس مطالب مقایسه کار و عناوین پسر و روح القدس می پردازیم:

۱. روح القدس به عنوان "روح عیسی" یا عباراتی نظیر آن خوانده شده است (ر.ک. روم. ۸؛ ۹؛ II قرن. ۳؛ ۱۷؛ غلا. ۴؛ ۶؛ I پتر. ۱: ۱۱).
۲. هر دو ایشان با عباراتی نظیر هم خوانده شده اند:

أ. "راستی"

(۱) عیسی (یوحنا ۱۴: ۶)

(۲) روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳)

ب. "شفیع"

(۱) عیسی (یوحنا ۲: ۱)

(۲) روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۶، ۲۶؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷)

ج. "قدوس"

(۱) عیسی (لوقا ۱: ۳۵؛ ۱۴: ۲۶)

(۲) روح القدس (لوقا ۱: ۳۵)

د. هر دو در ایماندار ساکن می شوند

(۱) عیسی (متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۴-۵؛ روم. ۸؛ ۱۰؛ II قرن. ۱۳؛ ۵؛ غلا. ۲؛ ۲۰؛ افس. ۳؛ ۱۷؛ کول. ۱: ۲۷)

(۲) روح القدس (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ روم. ۸؛ ۹؛ ۱۱؛ I قرن. ۳؛ ۱۶؛ ۶؛ ۱۹؛ II تیمو. ۱: ۱۴)

(۳) و خدای پدر (یوحنا ۱۴: ۲۳؛ II قرن. ۶: ۱۶)

■ در نسخ خطی یونانی مختلف، اشکال متفاوتی از متن آیه ی ۱۷:۵ به چشم می خورد. این گوناگونی، ثمره ی تلاش کاتبان به جهت وضوح بخشیدن به این جمله می باشد.

۱. چنین گزاره ای که «فریسیان و کاتبان از تمام روستاهای جلیل، یهودیه و اورشلیم برای شنیدن سخنان عیسی آمده بودند» (ر.ک. ¹ MSS، A^c، W، L، C، B، ولگات و ترجمه های سریانی) تا حد باورناپذیری بهت آور بود، در نتیجه، کاتبان این گزاره را چنان تغییر دادند که به کسانی اشاره داشته باشد که برای دریافت شفا آمده بودند و نه علمای یهود (ر.ک. ² MS، و برخی ترجمه های قبطی و ارمنی).
- این موضوع گواه بر این مدعا است که کاتبان نسل های بعدی، به سان عالمان معاصر غربی، به سبک و سیاق ادبیات شرقی (آرایه ی اغراق) اشراق کامل نداشته اند.

۲. ضمیر «او» مفرد است و به عیسی اشاره دارد (ر.ک. ³ MSS، W، L، B، اما برخی از کاتبان چنین پنداشته اند که این ضمیر به کسانی که شفا یافته اند اشاره دارد، و بنابراین آن را به ضمیر جمع تبدیل کرده اند (ر.ک. ⁴ MSS A، C، D و ترجمه ی ولگات، پشیتا و ترجمه های ارمنی). ⁴ UBS به ضمیر «او»، درجه ی «A» را قائل شده است، که به معنای «قطعی» است.

۱۸:۵ «مفلوجی» لوقا، طبیب غیریهودی، در این آیه از اصطلاحی تخصصی-پزشکی استفاده می کند (بقراط، گالن)، در حالی که متی و مرقس از اصطلاحی که در زبان محلی رایج بوده است، بهره جسته اند.

۱۹:۵ «بنابراین به بام رفتند و او را با تشک از میان سفالهای سقف پایین گذاشتند» اغلب منازل آن روزگار از بیرون دارای پله هایی بودند که از طریق آنها پشت بام قابل دسترسی بود. پشت بام محلی برای معاشرت با همسایه ها و در فصل گرما نیز محلی برای خوابیدن بود. می توان تصور کرد که مردمی که در آن خانه ی پرازدحام نشسته بودند، با دیدن فرو ریختن سقف بر سرهایشان، چه واکنشی می بایست نشان داده باشند؟

۲۰:۵ «وقتی ایمان آنها را دید» ضمیر «آنها» دوستان مرد مفلوج و خود مفلوج را شامل می شد.

واژه «ایمان» یک واژه کلیدی عهد جدیدی است (ر. ک. لوقا ۵: ۲۰؛ ۹: ۵۰؛ ۲۵: ۸؛ ۴۸؛ ۵: ۱۷؛ ۶؛ ۱۹؛ ۸: ۱۸؛ ۴۲؛ ۳۲: ۲۲). در زبان یونانی، حالت اسم این واژه، «pistis» است و فعل آن *pisteuō* این لفظ یونانی به شکل سه واژه در زبان انگلیسی ترجمه شده است—trust, believe, faith (رجوع کنید به عنوان خاص در لوقا ۴۵: ۱). درک این مفهوم به جهت دست دادن درکی درست از مفاهیم نجات (ر. ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۶: ۱۳) و زندگی مسیحی (ر. ک. عبرانیان ۱: ۱۱؛ ۳؛ ۶)، بسیار تعیین کننده است.

معادل عبری این واژه، «emeth» است، که در اصل، به فردی اشاره دارد که در موضع خود ثابت و پایدار است، اما به مرور زمان معنای آن بسط پیدا کرده و مفهومی مجازی به خود گرفته است، و به فردی اشاره دارد که قابل اتکا، وفادار، قابل اعتماد و امین باشد. ایمان آن عملی نیست که انجامش می دهیم، بلکه آن دستی است که به سوی خدا دراز شده تا موهبات وی را دریافت کند (ر. ک. افسسیان ۲: ۸-۹). ایمان، یک عمل نیست، بلکه طرز نگرشی پذیرا و شکرگزار در وقت نیاز می باشد. ما قابل اتکا، وفادار، قابل اعتماد و امین نیستیم، بلکه این فقط خداست که صاحب این خصوصیات است! ما بر قابل اعتماد بودن او اعتماد می کنیم؛ و ایمانمان را بر امانت او قرار می دهیم. امید بشر سقوط کرده، شخصیت تغییرناپذیر خدا، و رحمت و فیضش در قبال انسان سقوط کرده ی عاصی است.

دوستان مرد مفلوج ایمان داشتند که عیسی، در مقام نماینده ی خدا، از روی لطف و محبت با دوستشان رفتار خواهد کرد، و حاضر بودند که هر مانعی را برای رساندن مرد مفلوج به نزد عیسی پشت سر گذارند (ر. ک. لوقا ۷: ۹؛ ۵۰؛ ۴۸: ۸؛ ۱۹: ۱۷؛ ۴۲: ۱۸). آیا امروز می توان چنین محبت و توجهی را در میان دوستان یافت؟!

■ «گناهان تو بخشیده شد» این یک جمله ی خبری مجهول کامل است؛ و جمله ای بسیار حیرت انگیز برای شنوندگان بود. عیسی قصد داشت تا با بیان این جمله، گفت و گوی ای را با رهبران مذهبی حاضر در آن جمع دامن زند. در تفکر یهودیت ربانی، مفاهیم گناه و بیماری به یکدیگر وابسته بودند (ر. ک. یوحنا ۵: ۱۴ و یعقوب ۵: ۱۳-۱۵، اما، همه ی بیماری ها به گناه وابسته نیستند، ر. ک. یوحنا ۹: ۳). گناه بشر باعث بیماری های متعدد جسمی می شود.

۲۱: ۵ «علماء» رجوع کنید به عنوان خاص زیر.

عنوان خاص: علمای دین (کاتبان)

■ «چه کسی جز خدا می تواند گناهان را ببخشد؟» این دقیقاً نکته ی اصلی عیسی بود! وی کاملاً آشکار و به روشنی نشانه ای که ایشان از وی خواسته بودند را به آنان داد. با بیان این جمله، وی به صراحت و روشنی ماشیح بودن خود را اعلام می کند.

۲۲: ۵ «اما عیسی افکار آنان را درک کرد» این عبارت به کدام یک از موارد زیر اشاره دارد؟

۱. عیسی تصادفاً حرف های آنان را شنید

۲. عیسی الهیات آنان را می شناخت

۳. عیسی ذهنشان را خواند

انتهای آیه ی لوقا ۲۲: ۵، به مورد ۳ اشاره دارد.

۲۳-۲۴ شفای مرد مفلوج نشانه ای ظاهری برای رهبران مذهبی بود، که خبر از هدف، قدرت و شخص ماشیح می داد (ر. ک. لوقا ۴: ۱۸-۱۹). به جای ستایش و تجمید (که آنها در این مقطع آغازین خدمت عیسی از خود نشان دادند، ر. ک. لوقا ۵: ۲۵-۲۶)، قلبشان رفته رفته به سمت نفع طلبی، و حتی قتل وی مایل گردید (ر. ک. لوقا ۲۲: ۲۲؛ متی ۱۴: ۱۲؛ ۱: ۲۶؛ مرقس ۱۴: ۱۴؛ یوحنا ۵: ۱۸؛ ۱: ۷؛ ۱۹؛ ۳۷: ۸؛ ۴۰؛ ۵۳: ۱۱). شفا ممکن است بدون پیش شرط ایمان نیز رخ دهد. عیسی مردم را بنا به دلایل زیر شفا می بخشید:

۱. جلب توجه و نظر شنوندگان
 ۲. اثبات قدرت و شفقت خدا و مسیحایش
 ۳. تعلیم دادن به شاگردان
- با وجود این، بخشش گناهان هرگز بدون ایمان شخصی امکان‌پذیر نیست.

عنوان خاص: آیا شفا اراده‌ی خدا برای هر عصری است؟

۲۴:۵ «پسر انسان» این لفظ، عنوانی است که عیسی، خود برای خویش برگزیده است. در کتاب حزقیال (برای مثال در ۱:۲؛ مزمور ۴:۸)، این اصطلاح صرفاً به معنای «بشر» است، اما در دانیال ۱۳:۷-۱۴ به طور ضمنی، بر برخورداری از جنبه‌ای الاهی اشاره دارد (ر. ک. اول یوحنا ۳-۱:۴). این لفظ در یهودیت ربانی به کار گرفته نمی‌شد و در نتیجه، فاقد هرگونه معنی ضمنی نظامی، ملی گرایانه و انحصارمدارانه بود. برای مطالعه‌ی یادداشت‌هایی کامل‌تر به لوقا ۵:۶ رجوع کنید.

در متن موازی در متی ۸:۹، این جمله به چشم می‌خورد: «خدا را به‌خاطر عطای چنین قدرتی به انسان شکر نمودند». این گزاره جنبه‌ی بشری «پسر انسان» را برجسته می‌سازد. شایان تأمل است که گنوسی‌گری در روزگار لوقا تا چه حد زیادی توسعه و ترقی یافته بود، که بازتاب این امر در گزینش جنبه‌هایی از زندگی و تعلیم عیسی از سوی لوقا که تأکید بر بشریت او دارد، قابل مشاهده است.

عنوان خاص: پسر انسان

□ «در روی زمین قدرت و اختیار آمرزیدن گناهان را دارد» این مسئله اصلی‌ترین دغدغه و پرسش رهبران یهودی بود. قدرت و اقتدار عیسی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ (رجوع کنید به عنوان خاص: اقتدار در لوقا ۲:۲۰) آنان قادر به انکار کردن معجزات یا قوت تعلیمش نبودند، بنابراین سعی کردند تا منشاء اقتدارش را به ابلیس نسبت دهند.

۲۶:۵

ترجمه‌ی قدیم: «خوف بر ایشان مستولی شده»
 ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «ترس وجودشان را فراگرفته بود»
 ترجمه‌ی مؤده: «با ترس»

عیسی پیش از به‌دنیا آمدن از روح‌القدس پر بود (ر. ک. لوقا ۱:۱۵). الیزابت و زکریا از روح‌القدس پر بودند، در نتیجه می‌توانستند شخص و رخداد تولد عیسی را بهتر درک کنند (ر. ک. لوقا ۴۱:۱، ۶۷)، اما یهودیان (یعنی، اهالی ناصره) پر از خشم بوده (ر. ک. لوقا ۲۸:۴)، و رهبرانشان پر از ترس (ر. ک. لوقا ۲۶:۵) و غضب بودند (ر. ک. لوقا ۶:۱۱).

لوقا در کتاب اعمال به اشاره به این مضمون ادامه می‌دهد.

۱. شاگردان پر از روح‌القدس هستند (ر. ک. اعمال ۴:۲؛ ۸:۴؛ ۳۱؛ ۱۷:۹؛ ۹:۱۳).
۲. رهبران یهودی (صدوقیان) پر از حسد بودند (ر. ک. اعمال ۱۷:۵).
۳. جماعت یهودیان در انطاکیه پیسیدیه پر از حسد بودند (ر. ک. لوقا ۴۵:۱۳).

عکس العمل فرد نسبت به انجیل، بر ما آشکار می سازد که او از چه چیزی پُر است.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۷:۵-۲۸

۲۷ بعد از آنکه عیسی بیرون رفت متوجه باجگیری به نام لاوی شد که در محل دریافت باج نشسته بود. به او فرمود: «به دنبال من بیا.» ۲۸ او برخاست، همه چیز را وا گذاشت و به دنبال او رفت.

۲۷:۵ «باجگیری به نام لاوی» همچنین از متی ۹:۹ می دانیم که او «متی» (هدیه ی یهو) نام داشت. از مرقس ۱۳:۲ نیز می دانیم که او پسر حلفی بود. ظاهراً، عیسی نام او را تغییر نداده است؛ او یک نام یهودی داشت و یک نام جلیلی.

عنوان خاص: جدول نام های شاگردان

متی ۲:۱۰-۴	مرقس ۱۶:۳-۱۹	لوقا ۶:۱۴-۱۶	اعمال ۱۲:۱-۱۸
شمعون (پطرس)	شمعون (پطرس)	شمعون (پطرس)	پطرس
اندریاس (برادر پطرس)	یعقوب (پسر زبدی)	اندریاس (برادر پطرس)	یوحنا
یعقوب (پسر زبدی)	یوحنا (برادر یعقوب)	یعقوب	یعقوب
یوحنا (برادر یعقوب)	اندریاس	یوحنا	اندریاس
فیلیپس	فیلیپس	فیلیپس	فیلیپس
برتولما	برتولما	برتولما	توما
توما	متی	متی	برتولما
متی (باجگیر)	توما	توما	متی
یعقوب (پسر حلفی)	یعقوب (پسر حلفی)	یعقوب (پسر حلفی)	یعقوب (پسر حلفی)
تدی	تدی	شمعون (غیور)	شمعون (غیور)
شمعون (غیور)	شمعون (غیور)	یهودا (پسر یعقوب)	یهودا (پسر یعقوب)
یهودا (اسخریوطی)	یهودا (اسخریوطی)	یهودا (اسخریوطی)	یهودا (اسخریوطی)

□ «محل دریافت باج» باجگیری شغلی بود که فرد باید مجوز اشتغالش را هم از رومیان و هم از هیرودیان می خرید، و امکان سوءاستفاده ی فراوانی در آن وجود داشت. روشن است که لاوی مالیات رومیان و هیرودیان را بر روی راه اصلی که به «*Via Maris*» معروف بود، جمع آوری می کرد. وی از سوی یهودیان محلی، کاملاً از شرکت جستن در رویدادهای اجتماعی و مذهبی، محروم شده بود. لوقا چندین رخداد را که این دسته ی خاص از مطرودان اجتماع در آن حضور داشته اند، برگزیده و به ثبت رسانده است (ر. ک. لوقا ۱۲:۳-۱۳؛ ۲۷:۵-۲۸؛ ۲۹-۳۲؛ ۳۴:۷؛ ۱:۱۵-۲؛ ۹:۱۸-۱۴؛ ۱۹:۱-۱۰). وی از این طریق قصد داشت تا خوانندگان غیریهودی خود را اطمینان بخشد که یهو و مسیحای «او»، آنان را نیز به واسطه ی ایمان خواهد پذیرفت.

□ «به دنبال من بیا» این جمله در وجه امری حال معلوم است. این واقعیت که عیسی از یک باجگیر برای پیروی کردن از خود دعوت نماید، کاملاً امر شگفت آوری برای مردم کفرناحوم و حتی برای شاگردان بود. مسلماً، این امر، نماد و نشانه ای بود از این که گستره ی پیغام انجیل همه ی بشر را در بر می گیرد.

□ «او برخاست، همه چیز را وا گذاشت و به دنبال او رفت» ظاهراً، او عیسی را در حال موعظه کردن شنیده بود. او همانند یعقوب، یوحنا و پطرس عمل نمود (ر. ک. لوقا ۱۱:۵).

۲۹ لاوی برای عیسی در خانه خود مهمانی بزرگی ترتیب داد. عده زیادی از باجگیران و اشخاص دیگر با عیسی و شاگردانش سر سفره نشسته بودند. ۳۰ فریسیان و علمای آنها از شاگردان عیسی ایراد گرفتند و گفتند: «چرا شما با باجگیران و خطاکاران می‌خورید و می‌نوشید؟» ۳۱ عیسی به آنان جواب داد: «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه بیماران. ۳۲ من نیامده‌ام تا پرهیزکاران را به توبه دعوت کنم بلکه آمده‌ام تا خطاکاران را دعوت نمایم.»

□ «لاوی برای عیسی در خانه خود مهمانی بزرگی ترتیب داد. عده زیادی از باجگیران سر سفره نشسته بودند» لوقا ضیافت‌های متعددی را با شرکت عیسی - که همواره به قصد تعلیم و مکشوف ساختن خود، در آنها شرکت می‌کرد - به ثبت رسانده است (ر. ک. لوقا ۷:۳۶؛ ۹:۱۲؛ ۱۰:۳۸؛ ۱۱:۳۷؛ ۱۴:۱؛ ۱۹:۷؛ ۲۲:۱۴؛ ۲۴:۳۰؛ ۲۴:۴۱). کفرناحوم شهری بود که جاده‌ی اصلی از کنارش عبور می‌کرد، از این رو باجگیران زیادی در آن وجود داشتند. این که عیسی با چنین افرادی و با دوستان مطرودشان در ارتباط است و حتی با آنان سر سفره می‌نشیند، می‌توانست سایر اهالی شهر را شوکه کند (بینش دیگری از دربرگیرندگی انجیل، ر. ک. لوقا ۷:۳۴؛ ۱۵:۱-۲).

عیسی با مطرودان مذهبی و اجتماعی بر سر سفره می‌نشست تا به این طریق باب گفت‌وگوی مذهبی با آنان را آغاز کند. آنان گرد عیسی جمع می‌شدند چون او رفتاری متفاوت از معلمان و علمای خودپارسانگار یهودی با ایشان داشت. در فرهنگ خاور نزدیک، سر سفره نشستن اتفاق ویژه‌ای بوده، و نشان دوستی و مورد پذیرش واقع شدن بود. آنان گرداگرد میزی با پایه‌های کوتاه و نعلی شکل، بر بازوی چپشان کم می‌دادند، در حالی که پاهایشان را به پشت می‌بردند (Jeremia J. در کتاب *Eucharistic Words of Jesus*، صص. ۲۰-۲۱ این نظر را به چالش کشیده است. وی ادعا می‌کند که یهودیان به‌طور مرتب، رسم لم دادن بر سر سفره - که یک رسم مدیترانه‌ای بود - را انجام نمی‌دادند، مگر در روزهای جشن). در خاور نزدیک، سایر افرادی که برای خوردن غذا دعوت نشده بودند، می‌توانستند وارد خانه‌ی صاحب ضیافت گردند و در کنار دیوارها یا درها یا پنجره‌ها ایستاده و مکالمه‌ی شرکت‌کنندگان در ضیافت را گوش گیرند.

این موضوع جای تأمل دارد که تا چه حد باید در پی بازشناخت نمادهای آخرت شناسانه در این متن باشیم. آیا این ضیافت، سایه‌ای است از آن ضیافت مسیحایی که به تمام مطرودان حق شرکت در آن داده شده است؟ (ر. ک. متی ۸:۱۱؛ لوقا ۱۳:۲۹، احتمالاً منعکس‌کننده‌ی اشعیا ۵۹:۱۵-۲۱ می‌باشد) اگر چنین است، بنابراین می‌توان این برداشت الهیاتی را ارائه کرد که مشارکت موقتی با عیسی، بازتاب‌گر مشارکت آخرت‌شناسانه در پادشاهی خدا می‌باشد. گناهکاران هم‌اکنون و تا ابد با خدا مصالحه نموده‌اند! به تمامی گناهکاران در این ضیافت خوشامد گفته شده است (و همه گناهکاران، حتی قوم عهد در عهد عتیق، ر. ک. رومیان ۳:۹-۱۸).

۳۰:۵ «فریسیان» این عده از فریسیان در ضیافت حاضر بودند، اما جزو مدعوین نبودند. به‌نظر این اتفاقی غیرعادی است، اما در دوران کهن، علی‌رغم این که فردی رسماً به ضیافتی دعوت نشده بود، می‌توانست کنار دیوارها ایستاده یا از پنجره به داخل نگاه کند و در مکالمه‌ی جاری در خانه‌ی میزبان شرکت کند. ظاهراً «فریسیان» نام دیگری برای «علمای دین» است، گروهی که پیش‌تر در این متن به آنها اشاره شده بود. این فرقه گروهی از یهودیان متعهد بودند که سنت بخصوصی را پیروی می‌کردند که هدفش تصدیق و حفظ سنت شفاهی یهودیان (تلمود) بود. توجه داشته باشید که آنان با شاگردان عیسی رویاروی شدند و نه با خود عیسی. در حقیقت، عیسی با خوردن غذا با این گناهکاران بدنام، رفاقت و دوستی خود را با آنان نشان می‌داد. پیش‌تر، یحیی تعمیددهنده در قامتی زاهدانه ظهور کرده بود و رهبران یهودی او را رد کرده بودند؛ اکنون نیز عیسی را رد کردند، او که در قیاس با یحیی، از منش معاشرتی و اجتماعی‌تری برخوردار بود (ر. ک. متی ۱۱:۱۹؛ لوقا ۷:۳۴). آنان حتی عیسی را به «میگساری» متهم کردند، یعنی کسی که در خوردن مشروب افراط می‌کند. تقریباً همیشه، محافظه‌کاران مذهبی، از لحاظ شخصیتی دارای یک وجهه‌ی زشت و خودپارسانگارانه می‌باشند.

برای آشنایی بیش‌تر با منشاء و الهیات فریسیان به عنوان خاص: «فریسیان» در لوقا ۵:۱۷ و «کاتبان-علمای دین» در لوقا ۵:۲۱ رجوع کنید.

□ «چرا شما با باجگیران و خطاکاران می‌خورید و می‌نوشید؟» هر دو فعل این عبارت در حالت حال اخباری معلوم هستند، که به فعالیتی اشاره دارند که به‌طور مرتب و همیشگی در حال رخ دادن است. به‌نظر امروز بسیاری از «اعضای کلیسا» نیز این پرسش را مطرح می‌کنند، و این موضوع نشان می‌دهد که به چه آسانی ممکن است هدف آمدن عیسی مورد فراموشی قرار گیرد.

۳۱:۵ «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه بیماران» بررسی روایت موازی در مرقس ۱۵:۲-۱۷ می تواند مفید باشد. قصد دارم یادداشتی از تفسیرم بر فصل دوم انجیل مرقس را در این قسمت اضافه کنم.

« ۱۷:۲ «بیماران» آنها بر نیاز خود واقف بودند، و این آگاهی برای ایمان بسیار ضروری بود (ر. ک. متی ۳:۵-۴) و عیسی شفا دهنده و دوست آنان بود (ر. ک. لوقا ۷:۳۴؛ ۱۹:۱۰).

□ «من آمده‌ام تا خطاکاران را دعوت نمایم، نه پرهیزکاران را.» این یک جمله‌ی طعنه آمیز، احتمالاً ریشخند گرانه، مانند مرقس ۱۹:۷ می باشد. منظور از این جمله اشاره به پارسا بودن رهبران مذهبی نبود (ر. ک. متی ۲۰:۵) و این که آنان نیاز به توبه ندارند، بلکه بیش تر به این موضوع اشاره دارد که پیغام عیسی (ر. ک. مرقس ۱۴:۱-۱۵) برای آن عده از افراد جذابیت و گیرایی داشت که بر نیاز روحانی خود واقف بوده و آن را احساس می کردند. عیسی اغلب از ضرب المثل ها در تعالیمش بهره می گرفت (ر. ک. مرقس ۱۷:۲، ۲۱، ۲۲، ۲۷:۳؛ ۲۷:۴، ۲۸، ۲۹؛ ۳۷-۳۵؛ ۴۰:۹؛ ۵۰؛ ۱۰:۲۵، ۲۷، ۳۱، ۴۳-۴۴). هیچ کس نابینا تر از کسی نیست که به گمان خود بینا است!

Robert H. Stein در کتاب خود تحت عنوان *The Method and Message of Jesus' Teaching* درباره‌ی این جمله به نکته‌ی قابل توجهی اشاره می کند:

« اگر چه اصطلاح «تمامیت خواه» تداعی کننده‌ی مفاهیم مثبتی نمی باشد، اما کاربردی که Archibald M. Hunter از این اصطلاح دارد، بسیار کاربرد صحیحی است و سرسپردگی کاملی که عیسی از پیروانش خواهان است را به خوبی تشریح می کند. اگر فرد دیگری ادعاهایی را که عیسی عنوان می کرد، به زبان می آورد، بدون تردید گفته هایش نشانه‌ای از بیماری خودشیدایی محسوب می شد، زیرا عیسی به روشنی اشاره می کرد که تمام جهان حول او در حال گردش است و این که سرنوشت ابدی تمام بشر به پذیرش یا عدم پذیرش او از سوی آنان وابسته است... طبق سخنان عیسی، او در مرکز سرنوشت آدمیان قرار دارد. عدم پذیرش او به معنای داوری ابدی؛ پذیرش او به معنای مورد قبول خدا قرار گرفتن بود. عیسی ادعا می کرد که او نقطه‌ی عطف تاریخ و نقشه‌ی نجات است. اطاعت از او به مثابه‌ی رفتاری حکیمانه و گریختن از داوری تلقی می شد، اما نپذیرفتن سخنان او به مثابه‌ی حماقت و هلاکت بود، زیرا سخنان او، تنها اساس و شالوده‌ی مطمئنی است که آدمی می تواند زندگی اش را بر روی آن بنا کند (متی ۲۴:۷-۲۷) (ص. ۱۱۸).

□ «تندرستان» این لفظ به عنوان اصطلاحی پزشکی، معادل «سلامت» به کار رفته است.

□ ۳۲:۵ «توبه» معادل یونانی واژه‌ی «توبه» به معنای تغییر در فکر و ذهن است. معادل عبری واژه‌ی «توبه» به معنای تغییر در نحوه‌ی انجام دادن عمل است. توبه‌ی راستین کتاب مقدس مستلزم هر دو مورد فوق می باشد. توبه هم به معنای رویگرداندن «از» (بازگشت) و هم رویگرداندن «به» (ایمان) می باشد. این موضوع را می توانیم به وضوح در مرقس ۱۵:۱ ببینیم، «توبه کنید و به این مژده ایمان آورید» (ر. ک. اعمال ۱۶:۳، ۱۹؛ ۲۱:۲۰). این امر نشان دهنده‌ی وجه منفی توبه و وجه مثبت ایمان است. این سخن عیسی که «اگر توبه نکنید همه‌ی شما مانند آنان نابود خواهید شد» به خوبی به این مطلب اشاره می کند (ر. ک. لوقا ۱۳:۳). رجوع کنید به عنوان خاص: توبه در عهد عتیق در لوقا ۳:۳.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۳-۳۹

۳۳ آنان به او گفتند: «شاگردان یحیی اغلب اوقات روزه می گیرند و نماز می گزارند، شاگردان فریسیان هم، چنین می کنند، اما شاگردان تو می خورند و می نوشند.» ۳۴ عیسی به ایشان پاسخ داد «آیا شما می توانید دوستان داماد را درحالی که داماد با ایشان است به روزه گرفتن مجبور کنید؟ ۳۵ اما زمانی می آید که داماد از ایشان گرفته خواهد شد، در آن روزها ایشان نیز روزه خواهند گرفت.» ۳۶ همچنین برای آنان این مثل را بیان فرمود: «هیچ کس از یک لباس نو تکه‌ای پاره نمی کند تا با آن لباس کهنه‌ای را وصله کند. اگر چنین کند، هم آن لباس نو پاره می شود و هم وصله نو مناسب لباس کهنه نیست. ۳۷ همچنین هیچ کس شراب تازه را در مشکهای کهنه نمی ریزد. اگر بریزد، شراب تازه مشکها را می ترکاند، شراب به هدر می رود و مشکها نیز از بین خواهند رفت. ۳۸ آری، باید شراب تازه را در مشکهای نو ریخت. ۳۹ هیچ کس پس از نوشیدن شراب کهنه، شراب تازه نمی خواهد چون می گوید که شراب کهنه بهتر است.»

۳۳:۵ در روایت موازی این روایت (و احتمالاً اصل این روایت) در مرقس ۱۸:۲، رهبران یهودی این موضوع را در قالب پرسشی از عیسی مطرح می کنند (ر. ک. MSS A، C، D و ترجمه‌ی ولگات و ترجمه‌ی سریانی)، اما در لوقا این موضوع به شکل جمله‌ای اخباری است (ر. ک. MSS P⁴، B، L، W، ۴¹).

و چند ترجمه‌ی قبطی). کمیت‌ی ترجمه‌ی UBS⁴ بر این نظر است که اصالت جمله‌ی لوقا دارای درجه‌ی قطعیت «تقریباً قطعی» (درجه‌ی B) است. بعدها، کاتبان شکل این آیه را تغییر داده‌اند تا با روایت مرقس هم‌خوانی داشته باشد.

□ «روزه» فریسیان و شاگردان یحیی تعمیددهنده به لحاظ فرهنگی ملزم به روزه گرفتن در دو روز هفته، در روزهای دوشنبه و پنجشنبه بودند (ر. ک. لوقا ۱۲:۱۸). در شریعت موسایی صرفاً یک روز در سال، در روز کفاره برای روزه تعیین شده بود (ر. ک. لاویان ۱۶). این روزه‌های مقرر شده در دو روز هفته نمونه‌ی بسیار خوبی است از سنت باورِ پیشرفته و توسعه‌یافته (ر. ک. زکریا ۷-۸). هنگامی که روزه تبدیل به الزام می‌شود ارزش و اهمیت روحانی‌اش را از دست داده و همه‌ی توجهات را به سوی خود جلب می‌کند (ر. ک. متی ۶:۱۶-۱۸). رجوع کنید به عنوان خاص زیر.

عنوان خاص: روزه

هرچند در عهد جدید هرگز دستوری برای روزه داری داده نشده است، اما از شاگردان عیسی در مواقع خاصی انتظار می‌رفت که روزه بگیرند (ر. ک. ۲: ۱۹؛ متی ۶: ۱۶، ۱۷؛ ۹: ۱۵؛ لوقا ۵: ۳۵). روزه داری پسندیده در اشعیا ۵۸ توصیف شده است. عیسی خود سابقه‌ای برای آن قرار داد (ر. ک. متی ۴: ۲). کلیسای اولیه روزه می‌گرفت (ر. ک. اعمال ۱۳: ۲-۳؛ ۱۴: ۲۳؛ ۱۱: ۲۷). انگیزه و روش این کار بسیار پراهمیت است؛ اما طول مدت روزه و تناوب آن اختیاری می‌باشد. روزه داری در عهد عتیق برای ایمانداران عهد جدید الزامی نیست (ر. ک. اعمال ۱۵). روزه داری روشی برای نمایش روحانیت یک فرد نیست بلکه به منظور نزدیکتر شدن به خدا و طلب هدایت او انجام می‌شود. این کار می‌تواند از لحاظ روحانی به انسان کمک کند. گرایش‌های کلیسای اولیه به ریاضت کشی باعث شد تا کاتبان "روزه داری" را در بسیار از متون وارد کنند (مانند: متی ۱۷: ۲۱؛ مرقس ۹: ۲۹؛ اعمال ۱۰: ۳۰؛ ۱۷: ۵). برای اطلاعات بیشتر به Bruce Metzger's *A Textual Commentary on the Greek New Testament* انتشارات انجمن‌های متحد کتاب مقدس در مورد این متون سؤال برانگیز مراجعه کنید.

۳۵-۳۴:۵ «داماد» پرسش مطرح شده در آیه‌ی ۳۴ متوقع پاسخ «نه» می‌باشد. در مفهوم «داماد» تصویرپردازی‌های عهدعتیقی متعددی وجود دارد. در عهد عتیق یهوه داماد یا شوهر اسرائیل است. اما، هرگز این عنوان، یک عنوان مسیحایی تلقی نشده است. در این متن، عیسی داماد و کلیسا عروس است (ر. ک. افسسیان ۵: ۲۳-۳۲). جمله‌ی «داماد از ایشان گرفته خواهد شد» در لوقا ۵: ۳۵ به زمانی اشاره دارد که یک جدایی رخ خواهد داد. حال، در مقام مفسران، دو گزینه در پیش روی ما قرار دارد. گزینه‌ی اول، ما می‌توانیم این تصویر را به عنوان یک استعاره‌ی فرهنگی درباره‌ی زمان جشن و پایکوبی در ارتباط با جشن عروسی تلقی کنیم. هیچ‌کس هنگام جشن عروسی روزه نمی‌گیرد! گزینه‌ی دوم، می‌توانیم این تصویر را تمثیلی از زمان زندگی عیسی بر روی زمین و مصلوب شدنش محسوب کنیم. مرقس (که موعظات پطرس را در روم به تحریر درآورده و با پروردان آنها اولین انجیل را به نگارش درآورد) به‌طور کامل از اشارات ضمنی این استعارات آگاهی داشته و با آنها آشنا بود (در یهودیت «داماد» استعاره‌ای برای ماشیح نبود، بلکه استعاره‌ای از پادشاهی آتی خدا). آیا این مفهوم، پیش‌گویی‌ای از مرگ عیسی است؟ او به‌روشنی مسیحا بودن و الوهیتش را از طریق سخنان و اعمالش (مانند بیرون کردن دیوها، شفاها، بخشش گناهان) آشکار نموده است. پیروان او به شیوه‌ای شایسته و در موعدی شایسته روزه خواهند گرفت.

۳۶:۵ بخش‌های موازی این متن در مرقس ۲۱:۲ و متی ۱۶:۹ در فهم این مثل ما را یاری می‌رسانند، و اشاره می‌کنند که منظور از وصله‌ی نو، وصله‌ای است که از پارچه‌ای که آب‌نرفته بریده شده باشد (یعنی اگر با وصله‌ای از این جنس، لباس نو را وصله بزنیم، پس از شسته شدن جمع شده و باعث پارگی می‌شود). وصله‌ی نو (عیسی و پیام انجیل) لباس کهنه (یهودیت) را پاره خواهد کرد. نحوه‌ی به‌کارگیری و جنبه‌ی عملی دادن به این حقیقت بسیار مورد بحث قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این حقیقت بر لزوم انعطاف‌پذیر بودن فرد در ایمان و اعتقاداتش تأکید دارد. اما، فرد باید درباره‌ی ماهیت و میزان این انعطاف‌پذیری دقت و ملاحظه لازم را داشته باشد. عیسی تفسیر تحت‌اللفظی یهودیت ربانی را از سنت شفاهی مورد سرزنش قرار می‌دهد. خدا یاری‌مان کند! گاه، ما به سنت‌ها و سنت‌گرایی‌مان بیش از خود خدا وقف شده و متعهد هستیم (ر. ک. اشعیا ۴۳:۲۹). موازی این مثل را می‌توان در مرقس ۱۹:۲-۲۰ و متی ۱۶:۹-۱۷ یافت.

۳۷:۵ «مُشک» پوست بزها به نحوی از تشنه جدا می‌شود که بتوان آن پوست را به عنوان ظرفی برای مایعات به کار بُرد (برای مثال، آب، پیدایش ۱۵:۲۱؛ شیر، داوران ۱۹:۴؛ و شراب، یوشع ۴:۹، ۱۳). پوست‌هایی که تازه دباغی شده‌اند از خصوصیات کشسانی برخوردارند. هنگامی که این پوست‌ها کهنه می‌شوند،

فرایند تخمیر و انبساط شراب تازه سبب پاره شدن مشک می‌شود. یهودیت قادر به پذیرش ینش‌ها و اصلاحات عیسی نبود، و در نتیجه، نزدیک بود که باطل و بی‌اعتبار شود. عهد جدید (ر. ک. ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۲۲:۳۶-۳۸) در شخص عیسی فرا رسیده بود! هیچ چیز نمی‌توانست مثل سابق باقی بماند.

۳۹:۵ نسخه‌ی D (Bezae) از خانواده‌ی نسخ خطی غربی متعلق به قرن پنجم م.، لوقا ۳۹:۵ را حذف کرده است زیرا:

۱. در مرقس ۲:۲۲ و متی ۹:۱۷ نیز حذف شده است

۲. به نظر می‌رسد این آیه اولویت را به عهد عتیق می‌دهد (ر. ک. Metzger, *A Textual Commentary*, ص. ۱۳۹)

لوقا این جمله‌ی پایانی را از چه منبعی وام گرفته است؟ از مرقس گرفته نشده است. در متی به چشم نمی‌خورد، بنابراین احتمالاً در منبع کیونیز یافت نمی‌شود (منبع کیو، سخنان عیسی که احتمالاً متی آنها را به ثبت رسانده است). لوقا ظاهراً با افراد متعددی مصاحبه کرده است. بنابراین منبع ابتدایی این آیه می‌بایست یک سنت شفاهی باشد.

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده‌ی نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. چرا فصل پنجم انجیل لوقا فصل مهمی در نشان دادن قدرت و برتری عیسی محسوب می‌شود؟
۲. چرا عیسی از آن مرد مفلوج درخواست کرد تا خود را به کاهن نشان دهد؟
۳. چرا عیسی به آن مرد مفلوج گفت که ماجر را با هیچ کس در میان نگذارد؟
۴. چرا عیسی گفت: «گناهان تو آمرزیده شد»؟
۵. چرا دعوت عیسی از یک باجگیر به شاگردی، این چنین افراطی گرایانه و بنیادشکنانه تلقی گردید؟

انجیل لوقا فصل ششم
تقسیم‌بندی بر اساس پاراگراف‌ها در ترجمه‌های مختلف

ترجمه‌ی قدیم	ترجمه‌ی هزاره‌ی نو	ترجمه‌ی مؤده
شاگردان در روز سبت گندم می‌چینند لوقا ۵-۱:۶	صاحب روز شبات لوقا ۵-۱:۶	کار در روز سبت لوقا ۵-۱:۶
شفای دست بیمار لوقا ۱۱-۶:۶	شفای مرد علیل لوقا ۱۱-۶:۶	شفا در روز سبت لوقا ۱۱-۶:۶
انتخاب دوازده حواری لوقا ۱۶-۱۲:۶	انتخاب دوازده رسول لوقا ۱۶-۱۲:۶	انتخاب حواریون لوقا ۱۶-۱۲:۶
		در خدمت مردم لوقا ۱۹-۱۷:۶
موعظه‌ی بالای کوه خوشحال‌ها لوقا ۲۶-۱۷:۶	خوشابه‌حال شما لوقا ۲۶-۱۷:۶	ستایش و نکوهش لوقا ۲۶-۲۰:۶
موعظه‌ی بالا کوه درباره‌ی دوست داشتن دشمنان لوقا ۳۶-۲۷:۶	محبت به دشمن لوقا ۳۶-۲۷:۶	مهربانی با دشمنان لوقا ۳۶-۲۷:۶
موعظه‌ی بالای کوه درباره‌ی انتقاد از دیگران لوقا ۴۲-۳۷:۶	محکوم کردن دیگران لوقا ۴۲-۳۷:۶	قضاوت درباره‌ی دیگران لوقا ۴۲-۳۷:۶
موعظه‌ی بالای کوه میوه‌های درخت‌زندگی انسان لوقا ۴۵-۴۳:۶	درخت و میوه‌اش لوقا ۴۵-۴۳:۵	شناسایی درخت لوقا ۴۵-۴۳:۵
موعظه‌ی بالای کوه عمارت روی صخره یا شن لوقا ۴۹-۴۶:۶	معمار دانا و معمار نادان لوقا ۴۹-۴۶:۶	دو خانه لوقا ۴۹-۴۶:۶

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه‌ی خوب کتاب مقدس» صفحه‌ی vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

این یک تفسیر راهنمای مطالعه است، بدین معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که پیش‌ارویمان قرار دارد، گام برداریم. شما، کتاب مقدس و روح القدس، نقش اصلی را در تفسیر ایفا می‌کنید. نباید این بار را بر دوش مفسر کتاب مقدس بیندازید. این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با ترجمه‌ی جدید کتاب مقدس مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
- الی آخر...

نگرشی بر مضمون متن لوقا ۱:۵-۱۱

الف) به نظر می‌رسد این فصل به چند واقعه اشاره دارد:

۱. فریسیان به این دلیل که شاگردان عیسی در روز سبت گندم می‌خورند، با او برخورد می‌کنند (ر. ک. لوقا ۱:۶-۶)
۲. فریسیان به این دلیل که عیسی مرد علیلی را در روز سبت شفا می‌دهد، با او برخورد می‌کنند (ر. ک. لوقا ۶:۶-۱۱)
۳. عیسی دوازده شاگردش را انتخاب می‌کند (ر. ک. لوقا ۱۲:۶-۱۹)
۴. لوقا موعظه‌ای مشابه «موعظه‌ی سرکوه» که در متی ۷:۵ مذکور است، ثبت کرده است (در لوقا ۲۰:۶-۴۹)

ب) تفاوت روشنی میان «موعظه‌ی سرکوه» در انجیل متی و «موعظه در زمین هموار» در انجیل لوقا (ر. ک. لوقا ۱۷:۶) وجود دارد. به نظر می‌رسد لوقا از منظر شرایط اجتماعی و طرز نگرش‌های ما به دنیای مادی پیرامونمان این موعظه را نگاشته است (بنا به نظر برخی پژوهشگران لوقا به پاروسیا (Parousia) به تأخیر افتاده اشاره دارد)؛ در حالی که به نظر می‌رسد متی به روند پیشرفت و بالندگی روحانی در به شباهت مسیح در آمدن اشاره می‌کند (با چشم‌اندازی آخرت‌شناسانه). بر ما معلوم نیست که چرا لوقا «لعن»‌ها را (یعنی، «وای»‌های نبوتی در عهد عتیق. این «وای»‌ها به‌طور موازی متضاد «خوشا به حال‌ها» هستند) نیز منظور کرده، در آن صورت که متی کاملاً از آنها چشم‌پوشی می‌کند (این موضوع نشان می‌دهد که موعظه‌های ثبت شده در عهد جدید کلمه به کلمه نوشته نشده‌اند، بلکه آنها چکیده و گلچینی از موعظات هستند). اساساً، خوشا به حال‌ها احکام مشخصی که باید از آنها اطاعت شود، نیستند، بلکه نمونه‌ها و الگوهای هستند از طرز نگرش و رویکرد ما نسبت به دنیای امروزمان و جایگاه ما در آن. تشخیص دادن این امر که آیا لوقا و متی دو موعظه‌ی متمایز را به‌وسیله‌ی مضامین و مثال‌های یکسانی نوشته‌اند (ر. ک. *Encyclopedia of Bible Difficulties*, Gleason Archer، ص. ۳۱۲ و ۳۶۶) یا موعظه‌ی واحدی را به دو شکل متفاوت به ثبت رسانده‌اند (ر. ک. D. A. Carson، «متی» در *Expositor's Bible Commentary*) امر دشواری است. به یاد داشته باشید که هر یک از نویسندگان اناجیل با توجه به گروه هدفی که مخاطبش بوده است تعالیم عیسی را انتخاب، تنظیم و مرتب کرده است. لوقا از مطالب بسیاری از تعالیم عیسی که دارای عناصر خاص یهودیت بوده و متی آنها را به‌طور خاص برای خوانندگان یهودی‌اش ثبت کرده است، صرف‌نظر کرده است.

ج) پژوهشگران نسخه‌ی لوقا از موعظه‌ی عیسی را مورد بی‌اعتنایی فراوانی قرار داده‌اند. اغلب مفسران از روایت متی در جهت تفسیر روایت لوقا بهره می‌گیرند. اما، این دو روایت بسیار متفاوت از یکدیگر می‌باشند. خوشا به حال‌های لوقا فاقد بُعد آخرت‌شناسانه بوده، و به زمان حال اشاره دارند. عیسی شاگردان خود را خطاب قرار می‌دهد (ر. ک. لوقا ۲۰:۶). پادشاهی اکنون فرارسیده است! شرایط پیرامونی زندگی ایمانداران نمی‌بایست بر توکل و شادی آنان در خدا اثرگذار باشد.

مطالعه‌ی واژگان و عبارتها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱:۶-۵

۱ یک روز سبت عیسی از میان کشتزارهای گندم می‌گذشت. شاگردان او خوشه‌های گندم را می‌چیدند و در کف دستهای خود پاک می‌کردند و می‌خوردند. ۲ بعضی از فریسیان گفتند: «چرا شما کاری را که در روز سبت جایز نیست انجام می‌دهید؟» ۳ عیسی پاسخ داد: «مگر نخوانده‌اید داوود در وقتی که خود و یارانش گرسنه بودند چه کرد؟» ۴ او به خانه‌ی خدا وارد شد و نان تقدیس شده را برداشت و خورد و به یاران خود نیز داد، در صورتی که خوردن آن ناهای هیچ کس جز کاهنان جایز نیست. ۵ همچنین به ایشان فرمود: «پسر انسان صاحب اختیار روز سبت است.»

۱:۶ «از میان کشتزارهای گندم می گذشت» این عبارت به کوره راه هایی اشاره دارد که از وسط مزارع گندم، که در حومه ی روستاها یا شهرها بودند، عبور می کردند. عبارت «کشتزارهای گندم» می تواند به هر گونه از گیاهان گندمی که در این مناطق قابلیت رشد داشت، اشاره داشته باشد (مانند، جو، گندم). کتاب تلمود تعلیم می داد که در روز سبت هر سفری که در آن مسافتی بیش از ۲۰۰۰ قدم برداشته شود، انجام دادن کار محسوب شده و در نتیجه ممنوع بود. جالب توجه است که انبوه خلق و فریسیان و کاتبان در حال دنبال کردن عیسی در روز سبت بودند و بنابراین آنان خود نیز در زیر پا گذاشتن قانون سبت خطاکار تلقی می شدند.

این ماجرا منعکس کننده ی تأکید دائمی لوقا بر کشمکش موجود میان عیسی و رهبران مذهبی بر سر «شریعت شفاهی» (شریعت به ارث رسیده از شیوخ یا پیران) می باشد. شریعت گرایی ایشان از اشتیاق خالصانه شان در حفظ کلام خدا سرچشمه می گرفت! آنان جدی و مسلماً بسیار سرسپرده و متعهد بودند. باور آنان مبتنی بر این فرض بود که موسی شریعت شفاهی را از خدا بر فراز کوه سینا دریافت نموده و آن را شفاهاً منتقل کرده است. سه مثل عیسی در لوقا ۳:۳۹-۵ دقیقاً در تقابل با این طرز فکر آنان عنوان شده اند.



ترجمه ی قدیم: «در سبت دومِ اوّلین»

ترجمه ی هزاره ی نو: «در یکی از روزهای سبتات»

ترجمه ی مؤدّه: «یک روز سبت»

این عبارت (یک روز سبت) در MSS P⁴، B، L، W به چشم می خورد و UBS⁴ به آن درجه ی قطعیت «C» را می دهد، زیرا بعدها گزینه ی غیر معمول تری (منحصر به فردی) یافت شد، گزینه ی «در سبت دومِ اوّلین» در MSS A، C، D، K، X، Delta. درباره ی این عبارت منحصر به فرد نظریه های متعددی ارائه شده است.

۱. این عبارت بنا به تعبیر یهودی و طبق تقویم کهنات فلسطینی به روز سبت پس از عید فطیر اشاره دارد، اما دومین سبت پس از عید فصح، روزی که آن را مبداء قرار داده و از آن روز، ۵۰ روز تا روز پنتیکاست باید شمرده می شد (ر. ک. لاویان ۱۵:۲۳، رجوع کنید به *Archer Bible Commentary*، جلد ۲۸، ص. ۶۰۷).

۲. ناشی از یک اشتباه کاتبان است، که در اشاره به سه عملکرد مجزای عیسی در روز سبت، دچار سردرگمی شده اند و این سه واقعه را با یکدیگر اشتباه گرفته اند (ر. ک. لوقا ۱۶:۴، ۳۱:۶؛ رجوع کنید به *Textual Commentary*، Bruce Metzger، ص. ۱۳۹).

عنوان خاص: سبت

این واژه برگرفته از واژه ی عبری است به معنای «استراحت» یا «توقف»؛ و مربوط می شود به روز هفتم آفرینش، روزی که خدا پس از به پایان رساندن آفرینش کار خود را متوقف نمود (ر. ک. پیدایش ۲:۱-۳). خداوند به دلیل خستگی استراحت نکرد، بلکه به این خاطر که (۱) کار خلقت به پایان رسیده و همه چیز نیکو بود (ر. ک. پیدایش ۱:۳۱) و (۲) ارائه ی یک الگوی پرستش و استراحت به بشر. روز سبت همانند سایر روزهای فصل اول کتاب پیدایش آغاز می شود، از غروب؛ بنابراین، از غروب روز جمعه تا غروب روز شنبه به طور رسمی سبت محسوب می شد. تمام جزئیات مربوط به حفظ قوانین روز سبت در کتاب خروج (مخصوصاً فصل های ۱۶، ۲۰، ۳۱ و ۳۵) و لاویان (مخصوصاً فصل های ۲۳-۲۶). فریسیان مباحثات شفاهی و تفاسیر خود را در خصوص روز سبت، به این قوانین مکتوب تورات اضافه کردند. عیسی غالباً آگاهانه با زیر پا گذاشتن قوانینی که برای آنها حساسیت داشت، معجزات خود را انجام می داد تا بدین ترتیب فرصتی برای گفت و گو با آنان به وجود آورده باشد. عیسی سبت را ردّ یا تحقیر نمی نمود، بلکه شریعت گرایی خودپارسانگاران و فقدان محبت آنان را.

■ «شاگردان او» آشکار است که شاگردان از استاد خود تبعیت می کردند و در حال زیر پا نهادن شریعت سنتی سبت بودند (ر. ک. متی ۱:۱۲).

■ «خوشه های گندم را می چیدند و در کف دستهای خود پاک می کردند» فریسیان این اعمال شاگردان را:

۱. برداشت محصول

۲. غربال کردن

۳. آماده کردن غذا در روز سبت

تلقی کردند. این کارها بر طبق سنن شفاهی‌شان، مبتنی بر خروج ۲۱:۳۴، غیرمجاز محسوب می‌گردید. برای بررسی نمونه‌ای از سنن یهودیت ربانی به *Shabbath 7:2* رجوع کنید. عملکرد شاگردان عیسی، طبق شریعت مربوط به خوشه‌چینی در عهد عتیق کاری نامشروع نبود (ر. ک. تثنیه ۲۳:۲۵)؛ مورد مناقشه آن روزی بود (ر. ک. پیدایش ۱:۲-۳؛ خروج ۸:۲۰-۱۱؛ ۱۲:۲۳؛ ۱۵:۳۱؛ تثنیه ۱۲:۵-۱۵) که آنان این کار را انجام داده بودند. به نظر می‌رسد که نویسندگان اناجیل فعالیت‌های عیسی در روز سبت را به دلایلی که در زیر آمده است، نگاشته‌اند:

۱. برای نشان دادن مجادلاتی که در پی این کارها صورت گرفته است.
۲. برای نشان دادن این که عیسی هر روز مشغول انجام دادن چنین کارهایی بوده و روز سبت برای او در میان سایر روزهای هفته استثنا محسوب نمی‌شد.

۲:۶ «بعضی از فریسیان» فریسیان می‌پنداشتند که عیسی با این عملکردش فرمان خروج ۲۱:۳۴ را زیر پا می‌گذارد. این امر همچنین نشان می‌دهد که همیشه گروهی از مردم پشت سر عیسی حرکت می‌کردند. آن گروه متشکل شده بود از شاگردان، بیماران، کنجکاوان و نمایندگانی از رهبران مذهبی که مترصد فرصتی بودند تا او را به دام اندازند.

به سبب این دو دلیل، یعنی (۱) انگیزه و (۲) گروهی که عیسی خطاب به آنها سخن گفته است، تفسیر کردن برخی از تعالیم عیسی (بدون در نظر داشتن چارچوب مشخصشان) تبدیل به امر دشواری می‌شود، زیرا در این باره که او این تعالیم را خطاب به چه گروهی عنوان کرده است، عدم قطعیت وجود دارد.

۳:۶ «مگر نخوانده‌اید داوود ... چه کرد؟» به نظر می‌رسد این واقعه از زندگی داوود، بر ارجحیت نیاز انسانی بر اجرای مراسم شریعتی و سنت‌ها تأکید دارد (ر. ک. اول سموئیل ۱:۲۱-۶). صرفاً یک توضیح کوتاه بر روایتی که در اول سموئیل آمده است: به نظر در نوب، داوود به منظور جلب کمک کاهن به او دروغ گفت. متأسفانه، شائول آن کاهن را به جرم خیانت از طریق کمک کردن به داوود، به قتل رساند.

۴:۶ «خانه‌ی خدا» این اصطلاح به خیمه‌ی اجتماع اشاره دارد (ر. ک. خروج ۲۵-۳۱).

□ **«نان تقدیس شده»** منظور دوازده قرص نان بزرگ است (که نمادی از تدارک خدا برای دوازده قبیله بود) که در قدس، بر روی میز گذاشته می‌شد و هر هفت روز یک‌بار تعویض می‌شد. فقط کاهنان اجازه‌ی خوردن این قرص نان‌ها را داشتند (ر. ک. خروج ۲۵:۳۰؛ لاویان ۲۴:۵-۹). هر کدام از این قرص‌ها، وزنی در حدود سه کیلوگرم داشت.

□ **«به یاران خود نیز داد»** این عبارت در هر سه انجیل هم‌نظر ذکر شده است (ر. ک. متی ۳:۱۲؛ مرقس ۲:۲۵) و به اول سموئیل فصل ۲۱ اشاره دارد، اما در حقیقت، داوود درباره‌ی همراهان خود دروغ می‌گفت. ظاهراً وی این کار را برای محافظت از جان کاهنان در نوب انجام داد، زیرا می‌دانست که شائول از آنان انتقام خواهد گرفت. همراهان داوود و نیز اسرائیلیان ناراضی، صرفاً در اول سموئیل ۱:۲۲ به او ملحق شدند.

۵:۶ «پسر انسان» این یک «عبارت وصفی» از کتب عهد عتیق است؛ و در حزقیال ۱:۲ و مزمو ۴:۸ به معنای ریشه‌شناختی واقعی خود، یعنی «انسان» به کار رفته است. اما، در دانیال ۱۳:۷ در چارچوبی منحصر به فرد مورد استفاده قرار گرفته است، که هم به جنبه‌ی بشری و هم به جنبه‌ی الهی آن فردی که این لقب پادشاهی آخرت‌شناسانه‌ی جدید به وی نسبت داده شده است، اشاره دارد (ر. ک. مرقس ۸:۳۸؛ ۹:۹؛ ۱۳:۲۶؛ ۱۴:۲۶). از آن‌جا که یهودیت ربانی این اصطلاح را به کار نمی‌برد، در نتیجه فاقد هر گونه اشارات ضمنی ملی‌گرایانه، انحصارباورانه و نظامی بود، و به همین دلیل عیسی آن را به مثابه‌ی یک عنوان کامل برگزید تا از طریق آن، طبیعت دوگانه‌ی خود را (انسان کامل و خدای کامل) هم پنهان و هم مکشوف سازد (ر. ک. اول یوحنا ۱:۴-۶). این عنوان محبوب عیسی بود؛ و ۲۳ بار در انجیل لوقا به کار رفته است (ر. ک. لوقا ۵:۲۴؛ ۵:۶؛ ۹:۲۲؛ ۱۲:۴۴؛ ۱۵:۸؛ ۱۷:۴۰؛ ۲۲:۱۷؛ ۲۴؛ ۲۶؛ ۳۰؛ ۳۱؛ ۳۸؛ ۴۳؛ ۵۰؛ ۵۸؛ ۶۴؛ ۷۲؛ ۸۱؛ ۸۸؛ ۹۰؛ ۹۳؛ ۹۷؛ ۱۰۰؛ ۱۰۳؛ ۱۰۴؛ ۱۰۶؛ ۱۰۸؛ ۱۱۰؛ ۱۱۲؛ ۱۱۴؛ ۱۱۶؛ ۱۱۸؛ ۱۲۰؛ ۱۲۲؛ ۱۲۴؛ ۱۲۶؛ ۱۲۸؛ ۱۳۰؛ ۱۳۲؛ ۱۳۴؛ ۱۳۶؛ ۱۳۸؛ ۱۴۰؛ ۱۴۲؛ ۱۴۴؛ ۱۴۶؛ ۱۴۸؛ ۱۵۰؛ ۱۵۲؛ ۱۵۴؛ ۱۵۶؛ ۱۵۸؛ ۱۶۰؛ ۱۶۲؛ ۱۶۴؛ ۱۶۶؛ ۱۶۸؛ ۱۷۰؛ ۱۷۲؛ ۱۷۴؛ ۱۷۶؛ ۱۷۸؛ ۱۸۰؛ ۱۸۲؛ ۱۸۴؛ ۱۸۶؛ ۱۸۸؛ ۱۹۰؛ ۱۹۲؛ ۱۹۴؛ ۱۹۶؛ ۱۹۸؛ ۲۰۰؛ ۲۰۲؛ ۲۰۴؛ ۲۰۶؛ ۲۰۸؛ ۲۱۰؛ ۲۱۲؛ ۲۱۴؛ ۲۱۶؛ ۲۱۸؛ ۲۲۰؛ ۲۲۲؛ ۲۲۴؛ ۲۲۶؛ ۲۲۸؛ ۲۳۰؛ ۲۳۲؛ ۲۳۴؛ ۲۳۶؛ ۲۳۸؛ ۲۴۰؛ ۲۴۲؛ ۲۴۴؛ ۲۴۶؛ ۲۴۸؛ ۲۵۰؛ ۲۵۲؛ ۲۵۴؛ ۲۵۶؛ ۲۵۸؛ ۲۶۰؛ ۲۶۲؛ ۲۶۴؛ ۲۶۶؛ ۲۶۸؛ ۲۷۰؛ ۲۷۲؛ ۲۷۴؛ ۲۷۶؛ ۲۷۸؛ ۲۸۰؛ ۲۸۲؛ ۲۸۴؛ ۲۸۶؛ ۲۸۸؛ ۲۹۰؛ ۲۹۲؛ ۲۹۴؛ ۲۹۶؛ ۲۹۸؛ ۳۰۰؛ ۳۰۲؛ ۳۰۴؛ ۳۰۶؛ ۳۰۸؛ ۳۱۰؛ ۳۱۲؛ ۳۱۴؛ ۳۱۶؛ ۳۱۸؛ ۳۲۰؛ ۳۲۲؛ ۳۲۴؛ ۳۲۶؛ ۳۲۸؛ ۳۳۰؛ ۳۳۲؛ ۳۳۴؛ ۳۳۶؛ ۳۳۸؛ ۳۴۰؛ ۳۴۲؛ ۳۴۴؛ ۳۴۶؛ ۳۴۸؛ ۳۵۰؛ ۳۵۲؛ ۳۵۴؛ ۳۵۶؛ ۳۵۸؛ ۳۶۰؛ ۳۶۲؛ ۳۶۴؛ ۳۶۶؛ ۳۶۸؛ ۳۷۰؛ ۳۷۲؛ ۳۷۴؛ ۳۷۶؛ ۳۷۸؛ ۳۸۰؛ ۳۸۲؛ ۳۸۴؛ ۳۸۶؛ ۳۸۸؛ ۳۹۰؛ ۳۹۲؛ ۳۹۴؛ ۳۹۶؛ ۳۹۸؛ ۴۰۰؛ ۴۰۲؛ ۴۰۴؛ ۴۰۶؛ ۴۰۸؛ ۴۱۰؛ ۴۱۲؛ ۴۱۴؛ ۴۱۶؛ ۴۱۸؛ ۴۲۰؛ ۴۲۲؛ ۴۲۴؛ ۴۲۶؛ ۴۲۸؛ ۴۳۰؛ ۴۳۲؛ ۴۳۴؛ ۴۳۶؛ ۴۳۸؛ ۴۴۰؛ ۴۴۲؛ ۴۴۴؛ ۴۴۶؛ ۴۴۸؛ ۴۵۰؛ ۴۵۲؛ ۴۵۴؛ ۴۵۶؛ ۴۵۸؛ ۴۶۰؛ ۴۶۲؛ ۴۶۴؛ ۴۶۶؛ ۴۶۸؛ ۴۷۰؛ ۴۷۲؛ ۴۷۴؛ ۴۷۶؛ ۴۷۸؛ ۴۸۰؛ ۴۸۲؛ ۴۸۴؛ ۴۸۶؛ ۴۸۸؛ ۴۹۰؛ ۴۹۲؛ ۴۹۴؛ ۴۹۶؛ ۴۹۸؛ ۵۰۰؛ ۵۰۲؛ ۵۰۴؛ ۵۰۶؛ ۵۰۸؛ ۵۱۰؛ ۵۱۲؛ ۵۱۴؛ ۵۱۶؛ ۵۱۸؛ ۵۲۰؛ ۵۲۲؛ ۵۲۴؛ ۵۲۶؛ ۵۲۸؛ ۵۳۰؛ ۵۳۲؛ ۵۳۴؛ ۵۳۶؛ ۵۳۸؛ ۵۴۰؛ ۵۴۲؛ ۵۴۴؛ ۵۴۶؛ ۵۴۸؛ ۵۵۰؛ ۵۵۲؛ ۵۵۴؛ ۵۵۶؛ ۵۵۸؛ ۵۶۰؛ ۵۶۲؛ ۵۶۴؛ ۵۶۶؛ ۵۶۸؛ ۵۷۰؛ ۵۷۲؛ ۵۷۴؛ ۵۷۶؛ ۵۷۸؛ ۵۸۰؛ ۵۸۲؛ ۵۸۴؛ ۵۸۶؛ ۵۸۸؛ ۵۹۰؛ ۵۹۲؛ ۵۹۴؛ ۵۹۶؛ ۵۹۸؛ ۶۰۰؛ ۶۰۲؛ ۶۰۴؛ ۶۰۶؛ ۶۰۸؛ ۶۱۰؛ ۶۱۲؛ ۶۱۴؛ ۶۱۶؛ ۶۱۸؛ ۶۲۰؛ ۶۲۲؛ ۶۲۴؛ ۶۲۶؛ ۶۲۸؛ ۶۳۰؛ ۶۳۲؛ ۶۳۴؛ ۶۳۶؛ ۶۳۸؛ ۶۴۰؛ ۶۴۲؛ ۶۴۴؛ ۶۴۶؛ ۶۴۸؛ ۶۵۰؛ ۶۵۲؛ ۶۵۴؛ ۶۵۶؛ ۶۵۸؛ ۶۶۰؛ ۶۶۲؛ ۶۶۴؛ ۶۶۶؛ ۶۶۸؛ ۶۷۰؛ ۶۷۲؛ ۶۷۴؛ ۶۷۶؛ ۶۷۸؛ ۶۸۰؛ ۶۸۲؛ ۶۸۴؛ ۶۸۶؛ ۶۸۸؛ ۶۹۰؛ ۶۹۲؛ ۶۹۴؛ ۶۹۶؛ ۶۹۸؛ ۷۰۰؛ ۷۰۲؛ ۷۰۴؛ ۷۰۶؛ ۷۰۸؛ ۷۱۰؛ ۷۱۲؛ ۷۱۴؛ ۷۱۶؛ ۷۱۸؛ ۷۲۰؛ ۷۲۲؛ ۷۲۴؛ ۷۲۶؛ ۷۲۸؛ ۷۳۰؛ ۷۳۲؛ ۷۳۴؛ ۷۳۶؛ ۷۳۸؛ ۷۴۰؛ ۷۴۲؛ ۷۴۴؛ ۷۴۶؛ ۷۴۸؛ ۷۵۰؛ ۷۵۲؛ ۷۵۴؛ ۷۵۶؛ ۷۵۸؛ ۷۶۰؛ ۷۶۲؛ ۷۶۴؛ ۷۶۶؛ ۷۶۸؛ ۷۷۰؛ ۷۷۲؛ ۷۷۴؛ ۷۷۶؛ ۷۷۸؛ ۷۸۰؛ ۷۸۲؛ ۷۸۴؛ ۷۸۶؛ ۷۸۸؛ ۷۹۰؛ ۷۹۲؛ ۷۹۴؛ ۷۹۶؛ ۷۹۸؛ ۸۰۰؛ ۸۰۲؛ ۸۰۴؛ ۸۰۶؛ ۸۰۸؛ ۸۱۰؛ ۸۱۲؛ ۸۱۴؛ ۸۱۶؛ ۸۱۸؛ ۸۲۰؛ ۸۲۲؛ ۸۲۴؛ ۸۲۶؛ ۸۲۸؛ ۸۳۰؛ ۸۳۲؛ ۸۳۴؛ ۸۳۶؛ ۸۳۸؛ ۸۴۰؛ ۸۴۲؛ ۸۴۴؛ ۸۴۶؛ ۸۴۸؛ ۸۵۰؛ ۸۵۲؛ ۸۵۴؛ ۸۵۶؛ ۸۵۸؛ ۸۶۰؛ ۸۶۲؛ ۸۶۴؛ ۸۶۶؛ ۸۶۸؛ ۸۷۰؛ ۸۷۲؛ ۸۷۴؛ ۸۷۶؛ ۸۷۸؛ ۸۸۰؛ ۸۸۲؛ ۸۸۴؛ ۸۸۶؛ ۸۸۸؛ ۸۹۰؛ ۸۹۲؛ ۸۹۴؛ ۸۹۶؛ ۸۹۸؛ ۹۰۰؛ ۹۰۲؛ ۹۰۴؛ ۹۰۶؛ ۹۰۸؛ ۹۱۰؛ ۹۱۲؛ ۹۱۴؛ ۹۱۶؛ ۹۱۸؛ ۹۲۰؛ ۹۲۲؛ ۹۲۴؛ ۹۲۶؛ ۹۲۸؛ ۹۳۰؛ ۹۳۲؛ ۹۳۴؛ ۹۳۶؛ ۹۳۸؛ ۹۴۰؛ ۹۴۲؛ ۹۴۴؛ ۹۴۶؛ ۹۴۸؛ ۹۵۰؛ ۹۵۲؛ ۹۵۴؛ ۹۵۶؛ ۹۵۸؛ ۹۶۰؛ ۹۶۲؛ ۹۶۴؛ ۹۶۶؛ ۹۶۸؛ ۹۷۰؛ ۹۷۲؛ ۹۷۴؛ ۹۷۶؛ ۹۷۸؛ ۹۸۰؛ ۹۸۲؛ ۹۸۴؛ ۹۸۶؛ ۹۸۸؛ ۹۹۰؛ ۹۹۲؛ ۹۹۴؛ ۹۹۶؛ ۹۹۸؛ ۱۰۰۰؛ ۱۰۰۲؛ ۱۰۰۴؛ ۱۰۰۶؛ ۱۰۰۸؛ ۱۰۱۰؛ ۱۰۱۲؛ ۱۰۱۴؛ ۱۰۱۶؛ ۱۰۱۸؛ ۱۰۲۰؛ ۱۰۲۲؛ ۱۰۲۴؛ ۱۰۲۶؛ ۱۰۲۸؛ ۱۰۳۰؛ ۱۰۳۲؛ ۱۰۳۴؛ ۱۰۳۶؛ ۱۰۳۸؛ ۱۰۴۰؛ ۱۰۴۲؛ ۱۰۴۴؛ ۱۰۴۶؛ ۱۰۴۸؛ ۱۰۵۰؛ ۱۰۵۲؛ ۱۰۵۴؛ ۱۰۵۶؛ ۱۰۵۸؛ ۱۰۶۰؛ ۱۰۶۲؛ ۱۰۶۴؛ ۱۰۶۶؛ ۱۰۶۸؛ ۱۰۷۰؛ ۱۰۷۲؛ ۱۰۷۴؛ ۱۰۷۶؛ ۱۰۷۸؛ ۱۰۸۰؛ ۱۰۸۲؛ ۱۰۸۴؛ ۱۰۸۶؛ ۱۰۸۸؛ ۱۰۹۰؛ ۱۰۹۲؛ ۱۰۹۴؛ ۱۰۹۶؛ ۱۰۹۸؛ ۱۱۰۰؛ ۱۱۰۲؛ ۱۱۰۴؛ ۱۱۰۶؛ ۱۱۰۸؛ ۱۱۱۰؛ ۱۱۱۲؛ ۱۱۱۴؛ ۱۱۱۶؛ ۱۱۱۸؛ ۱۱۲۰؛ ۱۱۲۲؛ ۱۱۲۴؛ ۱۱۲۶؛ ۱۱۲۸؛ ۱۱۳۰؛ ۱۱۳۲؛ ۱۱۳۴؛ ۱۱۳۶؛ ۱۱۳۸؛ ۱۱۴۰؛ ۱۱۴۲؛ ۱۱۴۴؛ ۱۱۴۶؛ ۱۱۴۸؛ ۱۱۵۰؛ ۱۱۵۲؛ ۱۱۵۴؛ ۱۱۵۶؛ ۱۱۵۸؛ ۱۱۶۰؛ ۱۱۶۲؛ ۱۱۶۴؛ ۱۱۶۶؛ ۱۱۶۸؛ ۱۱۷۰؛ ۱۱۷۲؛ ۱۱۷۴؛ ۱۱۷۶؛ ۱۱۷۸؛ ۱۱۸۰؛ ۱۱۸۲؛ ۱۱۸۴؛ ۱۱۸۶؛ ۱۱۸۸؛ ۱۱۹۰؛ ۱۱۹۲؛ ۱۱۹۴؛ ۱۱۹۶؛ ۱۱۹۸؛ ۱۲۰۰؛ ۱۲۰۲؛ ۱۲۰۴؛ ۱۲۰۶؛ ۱۲۰۸؛ ۱۲۱۰؛ ۱۲۱۲؛ ۱۲۱۴؛ ۱۲۱۶؛ ۱۲۱۸؛ ۱۲۲۰؛ ۱۲۲۲؛ ۱۲۲۴؛ ۱۲۲۶؛ ۱۲۲۸؛ ۱۲۳۰؛ ۱۲۳۲؛ ۱۲۳۴؛ ۱۲۳۶؛ ۱۲۳۸؛ ۱۲۴۰؛ ۱۲۴۲؛ ۱۲۴۴؛ ۱۲۴۶؛ ۱۲۴۸؛ ۱۲۵۰؛ ۱۲۵۲؛ ۱۲۵۴؛ ۱۲۵۶؛ ۱۲۵۸؛ ۱۲۶۰؛ ۱۲۶۲؛ ۱۲۶۴؛ ۱۲۶۶؛ ۱۲۶۸؛ ۱۲۷۰؛ ۱۲۷۲؛ ۱۲۷۴؛ ۱۲۷۶؛ ۱۲۷۸؛ ۱۲۸۰؛ ۱۲۸۲؛ ۱۲۸۴؛ ۱۲۸۶؛ ۱۲۸۸؛ ۱۲۹۰؛ ۱۲۹۲؛ ۱۲۹۴؛ ۱۲۹۶؛ ۱۲۹۸؛ ۱۳۰۰؛ ۱۳۰۲؛ ۱۳۰۴؛ ۱۳۰۶؛ ۱۳۰۸؛ ۱۳۱۰؛ ۱۳۱۲؛ ۱۳۱۴؛ ۱۳۱۶؛ ۱۳۱۸؛ ۱۳۲۰؛ ۱۳۲۲؛ ۱۳۲۴؛ ۱۳۲۶؛ ۱۳۲۸؛ ۱۳۳۰؛ ۱۳۳۲؛ ۱۳۳۴؛ ۱۳۳۶؛ ۱۳۳۸؛ ۱۳۴۰؛ ۱۳۴۲؛ ۱۳۴۴؛ ۱۳۴۶؛ ۱۳۴۸؛ ۱۳۵۰؛ ۱۳۵۲؛ ۱۳۵۴؛ ۱۳۵۶؛ ۱۳۵۸؛ ۱۳۶۰؛ ۱۳۶۲؛ ۱۳۶۴؛ ۱۳۶۶؛ ۱۳۶۸؛ ۱۳۷۰؛ ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۴؛ ۱۳۷۶؛ ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۸؛ ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۸؛ ۱۴۰۰؛ ۱۴۰۲؛ ۱۴۰۴؛ ۱۴۰۶؛ ۱۴۰۸؛ ۱۴۱۰؛ ۱۴۱۲؛ ۱۴۱۴؛ ۱۴۱۶؛ ۱۴۱۸؛ ۱۴۲۰؛ ۱۴۲۲؛ ۱۴۲۴؛ ۱۴۲۶؛ ۱۴۲۸؛ ۱۴۳۰؛ ۱۴۳۲؛ ۱۴۳۴؛ ۱۴۳۶؛ ۱۴۳۸؛ ۱۴۴۰؛ ۱۴۴۲؛ ۱۴۴۴؛ ۱۴۴۶؛ ۱۴۴۸؛ ۱۴۵۰؛ ۱۴۵۲؛ ۱۴۵۴؛ ۱۴۵۶؛ ۱۴۵۸؛ ۱۴۶۰؛ ۱۴۶۲؛ ۱۴۶۴؛ ۱۴۶۶؛ ۱۴۶۸؛ ۱۴۷۰؛ ۱۴۷۲؛ ۱۴۷۴؛ ۱۴۷۶؛ ۱۴۷۸؛ ۱۴۸۰؛ ۱۴۸۲؛ ۱۴۸۴؛ ۱۴۸۶؛ ۱۴۸۸؛ ۱۴۹۰؛ ۱۴۹۲؛ ۱۴۹۴؛ ۱۴۹۶؛ ۱۴۹۸؛ ۱۵۰۰؛ ۱۵۰۲؛ ۱۵۰۴؛ ۱۵۰۶؛ ۱۵۰۸؛ ۱۵۱۰؛ ۱۵۱۲؛ ۱۵۱۴؛ ۱۵۱۶؛ ۱۵۱۸؛ ۱۵۲۰؛ ۱۵۲۲؛ ۱۵۲۴؛ ۱۵۲۶؛ ۱۵۲۸؛ ۱۵۳۰؛ ۱۵۳۲؛ ۱۵۳۴؛ ۱۵۳۶؛ ۱۵۳۸؛ ۱۵۴۰؛ ۱۵۴۲؛ ۱۵۴۴؛ ۱۵۴۶؛ ۱۵۴۸؛ ۱۵۵۰؛ ۱۵۵۲؛ ۱۵۵۴؛ ۱۵۵۶؛ ۱۵۵۸؛ ۱۵۶۰؛ ۱۵۶۲؛ ۱۵۶۴؛ ۱۵۶۶؛ ۱۵۶۸؛ ۱۵۷۰؛ ۱۵۷۲؛ ۱۵۷۴؛ ۱۵۷۶؛ ۱۵۷۸؛ ۱۵۸۰؛ ۱۵۸۲؛ ۱۵۸۴؛ ۱۵۸۶؛ ۱۵۸۸؛ ۱۵۹۰؛ ۱۵۹۲؛ ۱۵۹۴؛ ۱۵۹۶؛ ۱۵۹۸؛ ۱۶۰۰؛ ۱۶۰۲؛ ۱۶۰۴؛ ۱۶۰۶؛ ۱۶۰۸؛ ۱۶۱۰؛ ۱۶۱۲؛ ۱۶۱۴؛ ۱۶۱۶؛ ۱۶۱۸؛ ۱۶۲۰؛ ۱۶۲۲؛ ۱۶۲۴؛ ۱۶۲۶؛ ۱۶۲۸؛ ۱۶۳۰؛ ۱۶۳۲؛ ۱۶۳۴؛ ۱۶۳۶؛ ۱۶۳۸؛ ۱۶۴۰؛ ۱۶۴۲؛ ۱۶۴۴؛ ۱۶۴۶؛ ۱۶۴۸؛ ۱۶۵۰؛ ۱۶۵۲؛ ۱۶۵۴؛ ۱۶۵۶؛ ۱۶۵۸؛ ۱۶۶۰؛ ۱۶۶۲؛ ۱۶۶۴؛ ۱۶۶۶؛ ۱۶۶۸؛ ۱۶۷۰؛ ۱۶۷۲؛ ۱۶۷۴؛ ۱۶۷۶؛ ۱۶۷۸؛ ۱۶۸۰؛ ۱۶۸۲؛ ۱۶۸۴؛ ۱۶۸۶؛ ۱۶۸۸؛ ۱۶۹۰؛ ۱۶۹۲؛ ۱۶۹۴؛ ۱۶۹۶؛ ۱۶۹۸؛ ۱۷۰۰؛ ۱۷۰۲؛ ۱۷۰۴؛ ۱۷۰۶؛ ۱۷۰۸؛ ۱۷۱۰؛ ۱۷۱۲؛ ۱۷۱۴؛ ۱۷۱۶؛ ۱۷۱۸؛ ۱۷۲۰؛ ۱۷۲۲؛ ۱۷۲۴؛ ۱۷۲۶؛ ۱۷۲۸؛ ۱۷۳۰؛ ۱۷۳۲؛ ۱۷۳۴؛ ۱۷۳۶؛ ۱۷۳۸؛ ۱۷۴۰؛ ۱۷۴۲؛ ۱۷۴۴؛ ۱۷۴۶؛ ۱۷۴۸؛ ۱۷۵۰؛ ۱۷۵۲؛ ۱۷۵۴؛ ۱۷۵۶؛ ۱۷۵۸؛ ۱۷۶۰؛ ۱۷۶۲؛ ۱۷۶۴؛ ۱۷۶۶؛ ۱۷۶۸؛ ۱۷۷۰؛ ۱۷۷۲؛ ۱۷۷۴؛ ۱۷۷۶؛ ۱۷۷۸؛ ۱۷۸۰؛ ۱۷۸۲؛ ۱۷۸۴؛ ۱۷۸۶؛ ۱۷۸۸؛ ۱۷۹۰؛ ۱۷۹۲؛ ۱۷۹۴؛ ۱۷۹۶؛ ۱۷۹۸؛ ۱۸۰۰؛ ۱۸۰۲؛ ۱۸۰۴؛ ۱۸۰۶؛ ۱۸۰۸؛ ۱۸۱۰؛ ۱۸۱۲؛ ۱۸۱۴؛ ۱۸۱۶؛ ۱۸۱۸؛ ۱۸۲۰؛ ۱۸۲۲؛ ۱۸۲۴؛ ۱۸۲۶؛ ۱۸۲۸؛ ۱۸۳۰؛ ۱۸۳۲؛ ۱۸۳۴؛ ۱۸۳۶؛ ۱۸۳۸؛ ۱۸۴۰؛ ۱۸۴۲؛ ۱۸۴۴؛ ۱۸۴۶؛ ۱۸۴۸؛ ۱۸۵۰؛ ۱۸۵۲؛ ۱۸۵۴؛ ۱۸۵۶؛ ۱۸۵۸؛ ۱۸۶۰؛ ۱۸۶۲؛ ۱۸۶۴؛ ۱۸۶۶؛ ۱۸۶۸؛ ۱۸۷۰؛ ۱۸۷۲؛ ۱۸۷۴؛ ۱۸۷۶؛ ۱۸۷۸؛ ۱۸۸۰؛ ۱۸۸۲؛ ۱۸۸۴؛ ۱۸۸۶؛ ۱۸۸۸؛ ۱۸۹۰؛ ۱۸۹۲؛ ۱۸۹۴؛ ۱۸۹۶؛ ۱۸۹۸؛ ۱۹۰۰؛ ۱۹۰۲؛ ۱۹۰۴؛ ۱۹۰۶؛ ۱۹۰۸؛ ۱۹۱۰؛ ۱۹۱۲؛ ۱۹۱۴؛ ۱۹۱۶؛ ۱۹۱۸؛ ۱۹۲۰؛ ۱۹۲۲؛ ۱۹۲۴؛ ۱۹۲۶؛ ۱۹۲۸؛ ۱۹۳۰؛ ۱۹۳۲؛ ۱۹۳۴؛ ۱۹۳۶؛ ۱۹۳۸؛ ۱۹۴۰؛ ۱۹۴۲؛ ۱۹۴۴؛ ۱۹۴۶؛ ۱۹۴۸؛ ۱۹۵۰؛ ۱۹۵۲؛ ۱۹۵۴؛ ۱۹۵۶؛ ۱۹۵۸؛ ۱۹۶۰؛ ۱۹۶۲؛ ۱۹۶۴؛ ۱۹۶۶؛ ۱۹۶۸؛ ۱۹۷۰؛ ۱۹۷۲؛ ۱۹۷۴؛ ۱۹۷۶؛ ۱۹۷۸؛ ۱۹۸۰؛ ۱۹۸۲؛ ۱۹۸۴؛ ۱۹۸۶؛ ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۶؛ ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۸؛ ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۶؛ ۲۰۱۸؛ ۲۰۲۰؛ ۲۰۲۲؛ ۲۰۲۴؛ ۲۰۲۶؛ ۲۰۲۸؛ ۲۰۳۰؛ ۲۰۳۲؛ ۲۰۳۴؛ ۲۰۳۶؛ ۲۰۳۸؛ ۲۰۴۰؛ ۲۰۴۲؛ ۲۰۴۴؛ ۲۰۴۶؛ ۲۰۴۸؛ ۲۰۵۰؛ ۲۰۵۲؛ ۲۰۵۴؛ ۲۰۵۶؛ ۲۰۵۸؛ ۲۰۶۰؛ ۲۰۶۲؛ ۲۰۶۴؛ ۲۰۶۶؛ ۲۰۶۸؛ ۲۰۷۰؛ ۲۰۷۲؛ ۲۰۷۴؛ ۲۰۷۶؛ ۲۰۷۸؛ ۲۰۸۰؛ ۲۰۸۲؛ ۲۰۸۴؛ ۲۰۸۶؛ ۲۰۸۸؛ ۲۰۹۰؛ ۲۰۹۲؛ ۲۰۹۴؛ ۲۰۹۶؛ ۲۰۹۸؛ ۲۱۰۰؛ ۲۱۰۲؛ ۲۱۰۴؛ ۲۱۰۶؛ ۲۱۰۸؛ ۲۱۱۰؛ ۲۱۱۲؛ ۲۱۱۴؛ ۲۱۱۶؛ ۲۱۱۸؛ ۲۱۲۰؛ ۲۱۲۲؛ ۲۱۲۴؛ ۲۱۲۶؛ ۲۱۲۸؛ ۲۱۳۰؛ ۲۱۳۲؛ ۲۱۳۴؛ ۲۱۳۶؛ ۲۱۳۸؛ ۲۱۴۰؛ ۲۱۴۲؛ ۲۱۴۴؛ ۲۱۴۶؛ ۲۱۴۸؛ ۲۱۵۰؛ ۲۱۵۲؛ ۲۱۵۴؛ ۲۱۵۶؛ ۲۱۵۸؛ ۲۱۶۰؛ ۲۱۶۲؛ ۲۱۶۴؛ ۲۱۶۶؛ ۲۱۶۸؛ ۲۱۷۰؛ ۲۱۷۲؛ ۲۱۷۴؛ ۲۱۷۶؛ ۲۱۷۸؛ ۲۱۸۰؛ ۲۱۸۲؛ ۲۱۸۴؛ ۲۱۸۶؛ ۲۱۸۸؛ ۲۱۹۰؛ ۲۱۹۲؛ ۲۱۹۴؛ ۲۱۹۶؛ ۲۱۹۸؛ ۲۲۰۰؛ ۲۲۰۲؛ ۲۲۰۴؛ ۲۲۰۶؛ ۲۲۰۸؛ ۲۲۱۰؛ ۲۲۱۲؛ ۲۲۱۴؛ ۲۲۱۶؛ ۲۲۱۸؛ ۲۲۲۰؛ ۲۲۲۲؛ ۲۲۲۴؛ ۲۲۲۶؛ ۲۲۲۸؛ ۲۲۳۰؛ ۲۲۳۲؛ ۲۲۳۴؛ ۲۲۳۶؛ ۲۲۳۸؛ ۲۲۴۰؛ ۲۲۴۲؛ ۲۲۴۴؛ ۲۲۴۶؛ ۲۲۴۸؛ ۲۲۵۰؛ ۲۲۵۲؛ ۲۲۵۴؛ ۲۲۵۶؛ ۲۲۵۸؛ ۲۲۶۰؛ ۲۲۶۲؛ ۲۲۶۴؛ ۲۲۶۶؛ ۲۲۶۸؛ ۲۲۷۰؛ ۲۲۷۲؛ ۲۲۷۴؛ ۲۲۷۶؛ ۲۲۷۸؛ ۲۲۸۰؛ ۲۲۸۲؛ ۲۲۸۴؛ ۲۲۸۶؛ ۲۲۸۸؛ ۲۲۹۰؛ ۲۲۹۲؛ ۲۲۹۴؛ ۲۲۹۶؛ ۲۲۹۸؛ ۲۳۰۰؛ ۲۳۰۲؛ ۲۳۰۴؛ ۲۳۰۶؛ ۲۳۰۸؛ ۲۳۱۰؛ ۲۳۱۲؛ ۲۳۱۴؛ ۲۳۱۶؛ ۲۳۱۸؛ ۲۳۲۰؛ ۲۳۲۲؛ ۲۳۲۴؛ ۲۳۲۶؛ ۲۳۲۸؛ ۲۳۳۰؛ ۲۳۳۲؛ ۲۳۳۴؛ ۲۳۳۶؛ ۲۳۳۸؛ ۲۳۴۰؛ ۲۳۴۲؛ ۲۳۴۴؛ ۲۳۴۶؛ ۲۳۴۸؛ ۲۳۵۰؛ ۲۳۵۲؛ ۲۳۵۴؛ ۲۳۵۶؛ ۲۳۵۸؛ ۲۳۶۰؛ ۲۳۶۲؛ ۲۳۶۴؛ ۲۳۶۶؛ ۲۳۶۸؛ ۲۳۷۰؛ ۲۳۷۲؛ ۲۳۷۴؛ ۲۳۷۶؛ ۲۳۷

□ «صاحب اختیار روز سبت» این عبارت وصفی، به طور ضمنی از مفهوم مسیحایی حیرت‌آوری برخوردار است (ر. ک. متی ۸:۱۲). خدا روز سبت (رجوع کنید به عنوان خاص روز سبت در لوقا ۱۳:۶) را مقرر نموده بود (ر. ک. پیدایش ۲:۱-۳؛ خروج ۱۱:۲۸) و عیسی در این آیه ادعا می‌کند که وی صاحب و حاکم بر آن است.

قوانین مربوط به سبت در اولویت قرار گرفته بود. به عوض آن که محبت آن بشری که به صورت خدا خلق شده در مرکز مذهب قرار گیرد، رسوم مربوط به سبت ارجحیت یافته بود. قوانین به جای آدمی در اولویت قرار گرفته بود. استحقاق، جای محبت را گرفته بود. سنت‌های مذهبی (شریعت شفاهی) جایگزین نیت و قصد اولیه‌ی خدا شده بود (ر. ک. اشعیا ۲۹:۱۳؛ کولسیان ۲:۱۶-۲۳).

آدمی چگونه می‌تواند خدا را خشنود سازد؟ شاید بهترین تمثیل عهد عتیقی، مقوله‌ی قربانی باشد. خدا در نظر داشت تا قربانی طریقی باشد برای انسان گناهکار و نیازمند تا به وسیله‌ی آن به سوی وی بازگشته و رابطه‌ی مخدوش شده‌اش را با وی احیا کند، اما به مرور زمان به یک آیین و تشریفات مذهبی تبدیل شد. احکام مربوط به سبت نیز به همین سرنوشت دچار گشت! به جای آنکه انسان غایت سبت باشد (قوانین شریعتی برای انسان وضع شده باشند)، انسان به برده‌ی آن تبدیل شده بود.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۶:۶-۱۱

۶ عیسی در روز سبت دیگری به کنیسه رفت و مشغول تعلیم شد. از قضا مردی در آنجا حضور داشت که دست راستش خشک شده بود. ۷ علما و فریسیان مواظب بودند که ببینند آیا عیسی او را در روز سبت شفا خواهد داد تا مدرکی علیه او به دست آورند. ۸ اما عیسی به افکار آنان پی برد و به مردی که دستش خشک شده بود فرمود: «بلند شو و در وسط بایست.» او برخاست و آنجا ایستاد. ۹ عیسی به ایشان فرمود: «سوالی از شما دارم: آیا در روز سبت، نیکی کردن رواست یا بدی کردن؟ جان انسان را نجات دادن یا نابود کردن؟» ۱۰ دور تا دور به همه آنها نگاه کرد و به آن مرد فرمود: «دست را دراز کن.» او دست خود را دراز کرد و دستش خوب شد. ۱۱ اما آنان بسیار خشمگین شده در میان خودشان به گفت‌وگو پرداختند که با عیسی چه می‌توانند بکنند.

۶:۶ «عیسی در روز سبت دیگری به کنیسه رفت و مشغول تعلیم شد» این رویداد به طور موازی در متی ۹:۱۲-۱۴ و مرقس ۳:۱-۶ آمده است. نهاد کنیسه در دوران تبعید قوم به بابل در جامعه‌ی یهودی توسعه و بسط پیدا کرد. کنیسه در وهله‌ی نخست مکانی برای کسب تعلیم مذهبی، دعا، پرستش و مشارکت بود. در کنار معبد که کانون ملی یهود محسوب می‌گردید، کنیسه تجلی محلی یهودیت بود. عیسی به طور مرتب در جلسات کنایس شرکت می‌جست. وی دانش خود از کتب مقدس و سنن مذهبی را در کنیسه‌ی زادگاه خود، ناصره، فراگرفته بود. وی در تمامی آیین‌های عبادی مذهب یهود در قرن اول م. شرکت می‌کرد.

همچنین قابل توجه است که عیسی، ظاهراً به عمد، در روز سبت و در کنیسه کارهای تحریک‌آمیز و بحث‌برانگیز انجام می‌داد. او با نیت قبلی شریعت شفاهی (تلمود) مشایخ قوم را زیر پا می‌گذاشت، تا به این بهانه با رهبران یهودی (چه محلی و چه ملی؛ چه فریسیان و چه صدوقیان) وارد رویارویی یا بحثی الهیاتی شود. طولانی‌ترین مباحثه‌ی الهیاتی وی، که انحرافی از معیارها و ضوابط سنت یهود به شمار می‌رود، موعظه‌ی سرکوه می‌باشد (ر. ک. متی ۵-۷، بالاخص ۵:۱۷-۴۸).

□ «مردی در آنجا حضور داشت که دست راستش خشک شده بود» فقط لوقا به این مسئله اشاره می‌کند که دست راست آن مرد خشک شده بود، که احتمالاً قصد وی اشاره به این موضوع بود که آن مرد، دیگر قادر به کار کردن و تأمین نیازهای زندگی نبود.

۷:۶

ترجمه‌ی قدیم: «کاتبان و فریسیان چشم بر او می‌داشتند»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «علمای دین و فریسیان، عیسی را زیر نظر داشتند»

ترجمه‌ی مؤده: «علما و فریسیان مواظب بودند»

فعل این جمله در حالت/خبراری میانی ناکامل است که به عملی تکرار شونده اشاره دارد، به شروع یک عمل، یا به شروع عملی در زمان گذشته. همواره گروهی متشکل از این رهبران مذهبی مترصد بودند تا عیسی را در حین نقض قانونی مکتوب یا شفاهی، به دام انداخته یا غافلگیر کنند (ر. ک. لوقا ۱۴:۱؛ ۲۰:۲۰؛ مرقس ۳:۲).

□ «آیا» این یک جمله‌ی شرطی نوع اول است که با مرقس ۲:۳ مطابقت دارد. آنها چنین می‌پنداشتند که شاید عیسی کاری در راستای هتک حرمت به سنت‌های‌شان انجام دهد.

□

ترجمه‌ی قدیم: «تا شکایتی بر او یابند»

ترجمه‌ی هزاره: «در پی دستاویزی بودند تا به اتهام زنند»

ترجمه‌ی مؤده: «تا مدرکی علیه او به‌دست آورند»

این فعل، فعلی بسیار متداول در ترجمه‌ی هفتادگان است (ر. ک. تثنیه ۵:۶؛ اول مکابیان ۶:۷، ۲۵؛ دوم مکابیان ۴:۴۷؛ ۱۰:۱۳، ۲۱).

۸:۶ «اما عیسی به افکار آنان پی برد» به یادداشتی که در لوقا ۲۲:۵ آمده است، رجوع کنید. همین اصطلاح در لوقا ۴۷:۹ در اشاره به شاگردان مورد استفاده قرار گرفته است، حال آن‌که در لوقا ۲۲:۵ و ۸:۶ این اصطلاح به دشمنان عیسی اشاره دارد.

□ «بلند شو و در وسط بایست» هر دو فعل این عبارت، امری هستند، اولی حال معلوم و دومی نامعین معلوم. این مرد از عیسی تقاضای شفا نکرد، اما عیسی از شرایط خاص او در جهت تعلیم دادن درسی به شاگردان و فریسیان استفاده کرد. غالب اوقات، نیت اصلی عیسی از انجام دادن معجزات در درجه‌ی اول، یاد دادن درسی به شاهدان آن معجزات بود.

۹:۶ مسئله‌ی اصلی این است! روز سبت به چه دلیل مقرر گشته است (ر. ک. متی ۱۱:۱۲؛ مرقس ۴:۳)؟

□ «جان انسان» این مورد نمونه‌ی خوبی از به‌کارگیری واژه‌ی یونانی *psuchē* معادل «شخص» یا «جان»، و نه به معنای «نفس» است. با توجه به کتاب مقدس، بشر دارای «یک نفس» نیست؛ بلکه او «نفس زنده» شد (ر. ک. پیدایش ۷:۲). واژه‌های متفاوت فراوانی در زبان‌های عبری و یونانی وجود دارند که به ابعاد مختلف ذات بشری اشاره دارند، اما در واقع همه‌ی آنها به وجه زمینی حیات آدمی اشاره دارند.

۱۰:۶ «دور تا دور به همه‌ی آنها نگاه کرد» مرقس (پطرس^{۱۰}) در انجیل خود، در ۵:۳، قید حالت «خشمگین» را به این جمله اضافه می‌کند.

□ «به آن مرد فرمود» برخی از نسخ قدیمی یونانی (همچنین ترجمه‌ی انگلیسی NKJV) قید «همراه با خشم» را اضافه کرده‌اند، که از مرقس ۵:۳ برگرفته شده است، در مرقس این حالت به فریسیان اشاره دارد و نه به مرد مفلوج. نسخه‌ی UBS⁴ برای متن کوتاه‌تر (بدون قید) درجه‌ی قطعیت A («بالاترین درجه‌ی قطعیت») را منظور کرده است (W, C, B, A, x, MSS P⁴).

□ «دست را دراز کن» این عبارت در حالت امری معلوم نامعین است. کتاب تلمود نشان دادن کمک پزشکی به فرد بیمار در جهت حفظ جان‌ش را در روز سبت مجاز می‌شمارد، اما کمکی که به منظور شفای او باشد را منع می‌کند.

□ «او دست خود را دراز کرد» و این نشانه‌ای دال بر بالفعل شدن ایمان آن مرد بود.

۱۱:۶ «آنان بسیار خشمگین شدند» این موضوع نشان از توطئه‌ی در حال تکوین رهبران مذهبی دارد (ر. ک. مرقس ۶:۳). معادل یونانی واژه‌ی «خشمگین»، «عصبانیت ناموجه»، از واژه‌ی *nous* به معنای «ذهن یا فهم» و پیشوند نفی *a* تشکیل شده است. این لفظ در میان اناجیل فقط در این انجیل به کار

^{۱۰} از آنجا که مرقس در انجیلش سخنان پطرس را به ثبت رسانده است، مؤلف، پطرس را عنوان‌کننده‌ی این نظر محسوب می‌کند-مترجم

رفته است، اما پولس در دوم تیموتائوس ۹:۳ آن را به کار برده است. این اصطلاح، اصطلاحی متداول در کتب حکمت در ترجمه‌ی هفتادگان می‌باشد (ر. ک. ایوب ۲۳:۳۳؛ مزمور ۳۲:۲۲؛ امثال ۸:۱۴؛ ۱۵:۲۲؛ و جامعه ۱۰:۱۱).

□ «در میان خودشان به گفت‌وگو پرداختند که با عیسی چه می‌توانند بکنند» از مرقس ۶:۳ پی می‌بریم که طرفین این مذاکره، فریسیان و هیرودیان بودند، که دشمنان سنتی یکدیگر محسوب می‌شدند (چه در امور سیاسی، چه در امور اعتقادی). این گروه از رهبران مذهبی خود را مدافعان یهوه می‌انگاشتند! حیرت آور آن است که این رهبران مذهبی میان نقشه‌ی قتل که کشیده بودند و زیرپا گذاشته شدن قانون سبت از سوی عیسی، هیچ ناسازگاری و منافاتی نمی‌دیدند (ر. ک. متی ۲۶:۴؛ اول یوحنا ۵۳:۱۱).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۲:۱۶-۱۶

۱۲ در آن روزها عیسی برای دعا به کوهستان رفت و شب را با دعا به درگاه خدا به صبح رسانید. ۱۳ وقتی سپیده صبح دمید شاگردان خود را احضار کرد و از میان آنان، دوازده نفر را انتخاب کرد و آنها را رسولان نامید: ۱۴ شمعون که به او لقب پطرس داد و اندریاس برادر او، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و بارتولما، ۱۵ متی و توما، یعقوب پسر حلفی و شمعون معروف به فدایی، یهوذا پسر یعقوب ۱۶ و یهوذا یسخریوطی که خائن از کار درآمد.

۱۲:۶ «به کوهستان رفت» در کتاب مزامیر عهد عتیق، «کوه» کنایه از امنیت، قوت و ثبات داشت؛ و تداعی گر حضور یهوه (ر. ک. مزمور ۱:۱۲۱) یا معبد (کوه موری، ر. ک. مزمور ۱:۸۷) بود. موسی یهوه را بر فراز کوه ملاقات کرد (کوه سینا، ر. ک. خروج ۱۹:۱۶-۲۵). در گزارشی که متی از موعظه‌ی سر کوه عیسی در انجیلش ارائه می‌دهد، وی رابطه‌ی آشکار و محرزی میان عیسی و موسی قائل می‌شود. موعظه‌ی معروف عیسی (ر. ک. متی ۵-۷) بر فراز کوهی ایراد شد. احتمالاً، این توضیح تکمیلی در ارتباط با محل ایراد موعظه، برگرفته از انجیل مرقس ۱۳:۳ است (که پطرس به عنوان شاهد عینی آن را یادآور شده است). اما، لوقا از این موعظه به عنوان «موعظه در مکانی هموار» یاد می‌کند.

در این خصوص که این کوه به کدام یک از کوه‌های فلسطین اشاره دارد، اظهار نظری قطعی وجود ندارد. در جلیل کوهی وجود دارد که بارها در ارتباط با ملاقات عیسی پس از قیامت با شاگردان به آن اشاره شده است (ر. ک. متی ۲۶:۳۲؛ ۲۸:۷، ۱۰). مشخص کردن نام آن مکان امر مهمی نیست، بلکه آن چه آشکار است این است که وی برای دور شدن از جماعت و خلوت کردن با پدر به آن مکان رفت (ر. ک. لوقا ۹:۲۸).

□ «شب را با دعا به درگاه خدا به صبح رسانید» لوقا بیش از سایر نویسندگان اناجیل بر موضوع دعا در زندگی عیسی (ر. ک. لوقا ۳:۲۱؛ ۶:۱۲؛ ۹:۱۸-۱۸؛ ۱۱-۱:۴) و تعالیم عیسی درباره‌ی دعا (ر. ک. لوقا ۵:۱۱-۸؛ ۱:۱۸-۸، ۹-۱۴) تأکید داشته است.

عیسی پیش از آن که دوازده شاگرد ویژه‌ی خود - که مقرر بود بعدها نماینده‌ی او باشند - را برگزیند، شب را در دعا سپری کرد (جدواژه‌ی ناکامل معلوم). در این جا با تنش موجود میان تقدیر ازلی (خدای پدر) و اراده‌ی آزاد انسانی (عیسی) روبه‌رو می‌شویم. عیسی، پر از روح القدس، اولوهیت مجسم، هنوز به دعا کردن نیاز دارد. یهوذا یسخریوطی یکی از گزینه‌هایی بود که عیسی برایش دعا می‌کرد!

۱۳:۶ «شاگردان خود را احضار کرد» عده‌ی زیادی در حال پیروی کردن از عیسی بودند، اعم از مردان و زنان، جوانان و پیران (ر. ک. اعمال ۱:۲۱-۲۲). عیسی از بین شاگردان، دوازده تن را به عنوان نمایندگان ویژه‌ی خود و رهبران آتی برگزید. وی زمان و نیروی زیادی را صرف شاگردسازی آنان نمود (ر. ک. Robert Coleman, *The Master Plan of Discipleship*).

□ «دوازده» به نظر می‌رسد این عدد، با دوازده قبیله‌ی اسرائیل پیوند دارد، و سمبلی است از قوم خدا.

عنوان خاص: عدد دوازده

دوازده همواره عددی نمادین در سازماندهی است:

۱. خارج از کتاب مقدس

أ. دوازده صورت فلکی

ب. دوازده ماه سال

۲. در عهد عتیق

أ. پسران یعقوب (قبیله های یهود)

ب. بازتاب یافته در:

(۱) دوازده ستون مذبح در خروج ۴:۲۴

(۲) دوازده جواهر پیش سینه کاهن اعظم (که نشانگر قبیله های اسرائیل بودند) در خروج ۲۸:۲۱

(۳) دوازده نان در مکان مقدس خیمه اجتماع در لاو. ۵:۲۴

(۴) دوازده جاسوس اعزامی به کنعان در اعد. ۱ (یک نماینده از هر قبیله)

(۵) دوازده عصا (یکی برای هر قبیله) در عصیان قورح در اعد. ۱۷:۲

(۶) دوازده سنگ یوشع در یو. ۴:۳۹،۲۰

(۷) دوازده منطقه تدارکاتی سلیمان در ۱ پاد. ۷:۴

(۸) دوازده سنگ مذبح ایلیا برای یهوه در ۱ پاد. ۱۸:۳۱

۳. در عهد جدید

أ. دوازده رسول برگزیده

ب. دوازده سبد نان (یکی برای هر رسول) در متی ۱۴:۲۰

ج. دوازده تخت که رسولان عهد جدید بر آنها می نشینند (اشاره به ۱۲ قبیله اسرائیل) در متی ۱۹:۲۸

د. دوازده لشکر فرشتگان برای نجات عیسی در متی ۲۶:۵۳

ه. نمادگرایی مکاشفه

(۱) ۲۴ پیر و ۲۴ تخت در ۴:۴

(۲) ۱۴۴۰۰۰ (۱۲ ضربدر ۲) در ۷:۴؛ ۱۴:۳

(۳) دوازده ستاره بر تاج زن در ۱۲:۱

(۴) دوازده دروازه، دوازده فرشته که بازتاب دوازده قبیله در ۲۱:۱۲ هستند

(۵) دوازده سنگ بنای اورشلیم جدید با نام دوازده رسول بر آنها در ۲۱:۱۴

(۶) دوازده هزار تیر پرتاب در ۲۱:۱۶ (اندازده شهر جدید، اورشلیم جدید)

(۷) دیوار ۱۴۴ ذراعی در ۲۱:۷

(۸) دوازده دروازه از مروراید در ۲۱:۲۱

(۹) درختان اورشلیم با دوازده نوع میوه (هر ماه یک نوع) در ۲:۲۲

▣ «آنها را رسولان نامید» این توضیح، مختص انجیل لوقا است. واژه‌ی «رسول» از فعل «گسیل داشتن» مشتق شده، که تلویحاً به فرستاده شدن با اقتداری تفویض شده از سوی معلمان مذهبی، اشاره داشته است. این واژه در ادبیات کلاسیک یونانی، مترادف با واژه‌ی «سفیر» استفاده شده است. رجوع کنید به عناوین خاص: گسیل داشتن (*apostellō*) در لوقا ۹:۴۸ و جدول نام‌های رسولان در لوقا ۵:۲۷.

۱۴:۶ «شمعون که به او لقب پطرس داد» در عهد جدید سه فهرست دیگر از نام‌های رسولان وجود دارد. نام پطرس همیشه در ابتدای هر کدام از فهرست‌ها به چشم می‌خورد و نام یهودای اسخریوطی همیشه در انتهای فهرست‌ها. فهرست دوازده نفره‌ی شاگردان را می‌توان به سه گروه چهار نفری تقسیم کرد؛ اگرچه ممکن است غالباً ترتیب اسامی این چهار نفر در این گروه‌ها جا به جا شود، اما همواره آن چهار فرد مشخص در گروهی مجزا ذکر می‌شوند (ر. ک. متی ۱۰:۲-۴؛ مرقس ۳:۱۶-۱۹؛ اعمال ۱:۱۳).

□ «اندریاس» این نام در زبان یونانی به معنای «جوانمرد» است. از یوحنا ۱: ۲۹-۴۲ پی می‌بریم که اندریاس یکی از شاگردان یحیی تعمیددهنده بود، و وی برادر خود، پطرس را به عیسی معرفی نمود.

□ «یعقوب» این نام نامی عبری است (BDB 784)، به معنای «کسی که مترصد گرفتن جای کس دیگری است» (ر. ک. پیدایش ۲۵: ۲۶). در فهرست دوازده شاگرد، دو نام یعقوب به چشم می‌خورد. یکی از آنها برادر یوحنا (ر. ک. مرقس ۱۷: ۳) و عضوی از حلقه‌ی درونی شاگردان (پطرس، یوحنا و یعقوب) بود. این یعقوب، همان برادر یوحنا است.

□ «یوحنا» او برادر یعقوب و نیز عضوی از حلقه‌ی درونی شاگردان بود. وی ۵ کتاب از کتب عهد جدید را نگاشته و بیش از سایر رسولان زیسته است.

□ «فیلیپس» این نام در زبان یونانی به معنای «دوستدار اسب‌ها» می‌باشد. شرح دعوت او از سوی عیسی در یوحنا ۱: ۴۳-۵۱ آمده است.

□ «بارتولما» این نام به معنای «پسر بظلمیوس» است. احتمالاً، او همان نتائیل مذکور در انجیل یوحنا باشد (ر. ک. یوحنا ۱: ۴۵-۴۹؛ ۲۱: ۲۰).

□ «متی» این نام در زبان عبری (برگرفته از «ماتتیا» *Mattithiah*، ر. ک. اول تواریخ ۹: ۳۱؛ ۱۵: ۱۸، ۲۱؛ ۱۶: ۵؛ ۳: ۲۵، ۲۱؛ نحμία ۸: ۴) به معنای «هدیه‌ی یهوه» می‌باشد؛ و اشاره به همان «لاوی» مذکور در مرقس ۲: ۱۳-۱۷ دارد.

□ «توما» این نام در زبان عبری به معنای «دوقلو» یا «توأم» است (ر. ک. یوحنا ۱۱: ۱۶؛ ۲۰: ۲۴؛ ۲۱: ۲).

□ «یعقوب پسر حلفی» در فهرست اسامی دوازده شاگرد دو یعقوب به چشم می‌خورد. یکی برادر یوحنا (ر. ک. ۱۷: ۶) و عضوی از حلقه‌ی مرکزی شاگردان (پطرس، یوحنا و یعقوب) بود. یعقوب دوم، به «یعقوب کوچک» معروف بود (مرقس ۱۵: ۴۰).

□ «شمعون معروف به فدایی» در متن یونانی مرقس ۳: ۱۸ «شمعون «قانونی» (همچنین در متی ۱۰: ۴) آمده است.^{۱۱} از آن رو که مرقس انجیلش را خطاب به رومی‌ها نوشته، وی از به کارگیری لفظ «فدایی»^{۱۲}، که از لحاظ سیاسی حساسیت‌زا بود، اجتناب کرده است. فداییان، نام یک جنبش چریکی یهودی و ضد رومی بود. لوقا در اعمال ۱۳: ۱ لقب «فدایی» را برای شمعون یادآور شده است. لفظ «قانونی» ریشه‌های مختلفی دارد:

۱. برگرفته از نام منطقه‌ای به نام قانا در استان جلیل

۲. برگرفته از تعبیر «تاجر کنعانی» در کتب عهد عتیق

۳. برگرفته از عنوانی عمومی که به فردی که اهل کنعان بود، اطلاق می‌شد

با فرض درست بودن لقبی که لوقا برای شمعون ذکر می‌کند، «فدایی» واژه‌ای است که از واژه‌ی «هواه‌خواه» در زبان آرامی مشتق شده است (ر. ک. اعمال ۱۳: ۱) دوازده شاگردی که عیسی آنان را انتخاب کرد متعلق به چند گروه متفاوت و رقیب بودند. شمعون عضو یک گروه ملی گرا بود، گروهی که

^{۱۱} در ترجمه‌ی قدیم کتاب مقدس فارسی نیز «قانونی» ذکر شده است- مترجم

^{۱۲} یا «غیور» در سایر ترجمه‌های کتاب مقدس به زبان فارسی- مترجم

طرفدار سرنگونی امپراتور روم بود. به طور عادی، اگر این دو تن، شمعون و لای (متی باجگیر)، همزمان در اتاقی در کنار یکدیگر ظاهر می‌شدند امکان نداشت که حضور یکدیگر را برتابند.

□ «یهودا پسر یعقوب» وی همچنین «لی» (ر. ک. متی ۳:۱۰ ترجمه‌ی قدیم فارسی) یا «یهودا» (ر. ک. یوحنا ۲۲:۱۴) نامیده شده است. «تدای» و «لی» هر دو به معنای «فرزند محبوب» می‌باشند.

□ «یهودای اسخریوطی» در میان دوازده شاگرد عیسی، دو شمعون، دو یعقوب و دو یهودا به چشم می‌خورد. «اسخریوط» دارای دو ریشه‌ی احتمالی می‌باشد:

۱. اهل «قربوت» (شهری) در یهودا (ر. ک. یوشع ۲۵:۱۵، و این بدان معناست که در جمع شاگردان، فقط او از یهودیه بوده است)

۲. نام پدرش (ر. ک. یوحنا ۶:۷۱؛ ۲:۲۶)

۳. «مرد خنجر به دست» یا قاتل سیاسی، به این معنا که او نیز همچون شمعون، عضو گروه فداییان بوده است.

رجوع کنید به عنوان خاص اسخریوط در لوقا ۳:۲۷.

□ «که خائن از کار درآمد» نظریه‌پردازی‌ها و گمانه‌زنی‌های فراوانی درباره‌ی یهودا و انگیزه‌هایش صورت گرفته است. در انجیل یوحنا بارها به او اشاره شده و از او به بدی یاد شده است (ر. ک. یوحنا ۶:۷۱؛ ۴:۱۲؛ ۲:۱۳؛ ۲۶؛ ۲:۱۸؛ ۳؛ ۵). در نمایش معاصر «جیزس کرایست سوپرستار» (Jesus Christ Superstar) یهودا یک پیرو وفادار، اما سرخورده و دل‌سردی به تصویر کشیده شده که سعی داشت عیسی را وادار به تحقق بخشیدن به نقش مسیحایی موعود یهودیان سازد؛ به این تعبیر که عیسی حکومت رومیان را سرنگون سازد، شریران را مجازات کرده و اورشلیم را پایتخت جهان اعلام کند. اما، یوحنا در انجیلش، طمع و بدخواهی را به عنوان انگیزه‌های یهودا معرفی می‌کند.

مشکل اصلی، مسئله‌ی الهیاتی حاکمیت مطلق خدا و اراده‌ی آزاد انسان است. آیا خداوند یا عیسی، یهودا را به بازی گرفتند؟ آیا یهودا در قبال اعمالش پاسخگو می‌باشد، ولو آن‌که شیطان وی را تحت کنترل خودش داشت یا خدا پیش‌بینی کرد و سپس وی را برانگیخت تا به عیسی خیانت ورزد؟ کتاب مقدس مستقیماً به این پرسش‌ها نمی‌پردازد. خدا کنترل تاریخ را دست دارد؛ او از رویدادهای آینده آگاه است، اما انسان برای انتخاب‌ها و کارهایش پاسخگو و مسؤول است. خدا با انصاف است و انسان را بازپچه‌ی دست خود قرار نمی‌دهد!

کتاب جدیدی منتشر شده است که سعی در دفاع از یهودا دارد – *Judas: Betrayer or Friend of Jesus?* نوشته‌ی William Klesson. انتشارات Fortress Press، سال ۱۹۹۶. من با محتوای این کتاب موافق نیستم، زیرا شهادت انجیل یوحنا را بی‌ارزش می‌شمارد، اما حاوی نکات جالب توجه و تأمل برانگیزی می‌باشد.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۷:۶-۱۹

۱۷ عیسی با آنان از کوه پایین آمد و در زمین همواری ایستاد. اجتماع بزرگی از شاگردان او و گروه کثیری از تمام نقاط یهودیه و اورشلیم و اطراف صور و صیدون حضور داشتند. ۱۸ آنها آمده بودند تا سخنان او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند. آن کسانی که گرفتار ارواح پلید بودند، شفا یافتند ۱۹ و هر کسی در میان جمعیت سعی می‌کرد دست خود را به عیسی بزند چون قدرتی که از او صادر می‌شد، همه را شفا می‌داد.

۱۷:۶ این آیه نظیر متی ۲۴:۴-۲۵ و مرقس ۷:۳-۸ می‌باشد. این بخش، مقدمه و مدخلی است بر موعظه‌ای که در متی ۵-۷ «موعظه‌ی سرکوه» و در لوقا «موعظه بر زمین هموار» خوانده می‌شود.

۱۸:۶ «از امراض خود شفا یابند. آن کسانی که گرفتار ارواح پلید بودند، شفا یافتند» در انجیل، شاهد تمایز قائل شدن میان بیماری‌های فیزیکی و دیوزدگی می‌باشیم. رجوع کنید به عنوان خاص: ارواح شریر (ناپاک) در لوقا ۴:۳۳ و به یادداشت‌ها مربوط به بیرون کردن ارواح در لوقا ۴:۳۵. گرچه تأثیر نیروهای شریر ممکن بود با خود علائمی فیزیکی به همراه داشته باشد، با این حال عیسی هر یک از موارد را به نحو متفاوتی شفا بخشید. عیسی هر که به‌نزدش آمد را شفا داد. با بررسی روایات مربوط به شفا در انجیل، به این نکات پی می‌بریم که برخی اوقات شفا بر اساس موارد زیر محقق شده است:

۱. ایمان خود فرد
 ۲. ایمان دوستان فرد بیمار
 ۳. برخی اوقات حتی بدون داشتن ایمانی بزرگ (ر. ک. یوحنا ۵:۹-۹)
- شفای جسمانی لزوماً همواره به معنا یا اشاره به نجات یافتن آنی فرد بیمار نبود (ر. ک. یوحنا ۹).

۱۹:۶

ترجمه‌ی قدیم: «قوتی از وی صادر شده»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «نیرویی از وی صادر می‌شد»

ترجمه‌ی مؤده: «قدرتی که از او صادر می‌شد»

این یک فعل اخباری مجهول ناکامل است. قدرت روح‌القدس در وی ساکن بود و به سمت نیازمندان جاری می‌گردید (ر. ک. لوقا ۵:۱۷؛ ۴۶:۸؛ مرقس ۵:۳۰). کار خدمت، سبب گرفته شدن چیزی از وجود عیسی می‌شد.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۰:۶-۲۶

۲۰ بعد به شاگردان خود چشم دوخت و گفت: «خوشا به حال شما که فقیرید، پادشاهی خدا از آن شماست.» ۲۱ «خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید، شما سیر خواهید شد. خوشا به حال شما که اکنون اشک می‌ریزید، شما خندان خواهید شد.» ۲۲ «خوشا به حال شما هرگاه به‌خاطر پسر انسان، مردم از شما روی گردانند و شما را از بین خود بیرون کنند و به شما اهانت کنند و یا به شما بد بگویند. ۲۳ در آن روز شاد باشید و از خوشی پایکوبی کنید چون بدون شک پادشاه سرشاری در عالم بالا خواهید داشت زیرا نیاکان ایشان نیز درست به همین طور با انبیا رفتار می‌کردند.» ۲۴ «اما وای به حال شما ثروتمندان، شما روزهای کامرانی خود را پشت سر گذاشته‌اید. ۲۵ وای به حال شما که اکنون سیر هستید، گرسنگی خواهید کشید. وای به حال شما که اکنون می‌خندید، شما ماتم خواهید گرفت و اشک خواهید ریخت.» ۲۶ «وای به حال شما وقتی همه از شما تعریف می‌کنند. نیاکان ایشان درست همین کار را با انبیای دروغین کردند.»

۲۰:۶ «به شاگردان خود چشم دوخت» عیسی این موعظه را خطاب به شاگردانش ایراد می‌کند، در حالی که در انجیل متی وی گروه‌های مختلفی که در انبوه جماعت حضور داشتند را خطاب قرار می‌دهد.

□ «خوشا به حال شما که فقیرید» متی این خوشا به حال‌ها را در ارتباط با زندگی روحانی مطرح کرده است (ر. ک. متی ۵:۱-۱۲)، اما به نظر می‌رسد شکل خلاصه شده‌ی خوشا به حال‌های ارائه شده توسط لوقا در ارتباط با اوضاع و شرایط اجتماعی باشد (فقیر، گرسنه، گریان، و منفور، ر. ک. لوقا ۶:۲۰-۲۲). معادل لفظ «خوشا به حال» در زبان یونانی (*mkarios*) به معنای «خوشحال» یا «مفتخر» (ر. ک. لوقا ۶:۲۰-۲۲) می‌باشد. واژه‌ی انگلیسی «happy» از واژه‌ی «happenstance» از زبان انگلیسی کهن ریشه گرفته است. خوشحالی خدادادی ایماندار بر اساس اوضاع و شرایط بیرونی استوار نیست، بلکه بر اساس شادی درونی وی. در این جملات، هیچ فعلی به چشم نمی‌خورد. آنها در حالت ندایی هستند (مانند آرامی یا عبری) (ر. ک. مزمو ۱:۱). این مفهوم مبارک بودن، هم نگرش حاضر ما نسبت به خدا و زندگی را در بر گرفته، و هم نشان از امیدی آخرت‌شناسانه دارد.

□ «پادشاهی خدا» عبارت «پادشاهی خدا» یا «پادشاهی آسمان» بیش از ۱۰۰ بار در انجیل به کار رفته است. متی که مخاطبان انجیلش از پیشینه‌ی یهودی بودند و به‌خاطر آیه‌ی خروج ۷:۲۰ از تلفظ کردن نام خدا هراس داشتند، معمولاً از عبارت «پادشاهی آسمان» بهره گرفته است؛ با وجود این در متی ۶:۳۳؛ ۱۲:۲۸؛ ۱۹:۲۴؛ ۲۱:۳۱؛ ۲۳:۴۳ هم وی عبارت «پادشاهی خدا» را به کار گرفته است. اما، اناجیل مرقس (ر. ک. مرقس ۱۰:۱۴) و لوقا خطاب به غیریهودیان نوشته شده‌اند. این دو عبارت مترادف یکدیگراند (New Testament Theology, Frank Stagg, ۱۵۱-۱۵۲).

M. R. Vincent, در کتاب *Word Studies in the New Testament*، فهرستی از آیاتی را ارائه کرده است که به باور او پادشاهی خدا شامل هم زمان حال و هم زمان آینده است:

۱. حال- متی ۱۱:۱۲؛ ۱۲:۱۲؛ ۱۶:۱۹؛ لوقا ۱۱:۲۰؛ ۱۶:۱۶؛ ۱۷:۲۱ و مثل‌های بزرگ، علف‌های سمی، خمیرمایه، و تور ماهیگیری

۲. آینده- دانیال ۷:۲۷؛ متی ۱۳:۴۳؛ ۱۹:۳۸؛ ۲۵:۳۴؛ ۲۶:۲۹؛ مرقس ۹:۴۷؛ اول قرنتیان ۶:۹؛ دوم پطرس ۱:۱۱؛ مکاشفه ۲۰ (ص. ۱۶۱) «

۲۱:۶ «خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید، شما سیر خواهید شد» لوقا به‌طور واضح بیان نمی‌کند که این برطرف شدن نیاز یا تغییر شرایط چه موقع رخ خواهد داد. آیا این گفته در آینده، اما در طول این زندگی محقق خواهد شد (قید «اکنون»، دو بار در لوقا ۲۱:۶ و دو بار در لوقا ۲۵:۶ به‌چشم می‌خورد) یا در آینده به تعبیر آخرت‌شناسانه‌ی آن (مانند موقعیت آخرت‌شناسانه‌ای که در خوشابه‌حال‌های متی با آن مواجه هستیم، ر. ک. متی ۵:۱-۱۱)؟ نکته این است که آنانی که به مسیح اعتماد داشته باشند برکت خواهند یافت و از لحاظ فیزیکی پاداش دریافت خواهند کرد (بخش موازی در انجیل متی بر آینده‌ای از دید روحانی تمرکز دارد). در نهایت، نجات همه‌ی ابعاد زندگی فرد را متحول می‌سازد. اکثر ایمانداران کلیسای اولیه در اورشلیم فقیر بودند (این یکی از دلایلی است که پولس قصد داشت از کلیساهای غیریهودی برای آنها هدایا جمع‌آوری کند). لوقا وعده نمی‌دهد که انجیل بلافاصله اوضاع فیزیکی، مالی یا فرهنگی فرد را متبدل خواهد کرد، بلکه تأکید می‌کند که انجیل فوراً نگرش و امید فرد را دستخوش تغییر می‌سازد!

۲۲:۶ پیروی عیسی در این دنیای فروافتاده پیامدهایی با خود به همراه داشته و دارد (ر. ک. متی ۵:۱۰-۱۱). این وعده‌ی برکت و خوشا به حال، به خاطر پیش‌شرطی که در آن وجود دارد، با بقیه‌ی موارد متفاوت است و آن پیش‌شرط، موضوع جفا می‌باشد (ر. ک. اعمال ۲۲:۱۴؛ رومیان ۵:۳-۴؛ ۱۷:۸؛ فیلیپیان ۲۹:۱؛ اول تسالونیکیان ۳:۳؛ دوم تیموتائوس ۱۲:۳؛ یعقوب ۲:۱-۴؛ اول پطرس ۱۴:۳؛ ۱۲:۴-۱۹؛ مکاشفه ۷:۱۱؛ ۷:۱۳). این خوشا به حال‌ها، هم به زمان حال اشاره دارند و هم دارای جنبه‌ی آخرت‌شناسانه هستند (در آسمان، ر. ک. لوقا ۲۳:۶).

▣ **«پسر انسان»** رجوع کنید به یادداشت‌های مربوط به لوقا ۵:۶.

۲۳:۶ «در آن روز شاد باشید و از خوشی پایکوبی کنید» هر دو فعل، در حالت امری نامعین می‌باشند. برخورد و رفتار ایمانداران در حین عبور از جفا، طردشدگی و شکنجه، شهادت و گواه بسیار نیرومندی است دال بر نجات آنها و داوری حتمی جفاکنندگان.

▣ **«زیرا نیاکان ایشان نیز درست به همین‌طور با انبیا رفتار می‌کردند»** جفای مذهبی پدیده‌ی جدیدی نیست و عاملانش می‌پندارند که به این طریق، خدا را خدمت می‌کنند (ر. ک. یوحنا ۲:۱۶). در گذشته، یهودیان مرتکب فهرستی طولانی از این قبیل جفاها و ستم‌های مذهبی شده‌اند (ر. ک. عبرانیان ۱۱:۳۶-۴۰).

با وجود این، در این آیه به‌طور ضمنی به این موضوع اشاره می‌شود که شاگردان عیسی، انبیای جدید تلقی می‌شوند. آنان اعلام‌کننده‌ی خبر خوش خدا بودند. سخنگویان خدا در دوران عهد عتیق طرد شدند و حال، همان سرنوشت نصیب عیسی و پیروانش گشته است.

۲۴:۶ «وای» واژه *ouai* به معنای «دریغ-افسوس» می‌باشد. این واژه، اصطلاحی نبوتی است که در ترجمه‌ی هفتادگان به کار رفته است و منادی مرثیه‌ای سوگوارانه پس از فرارسیدن داوری خدا می‌باشد. این «وای»‌ها پیامدهای طبیعی (دقیقاً برعکس، متضاد) خوشا به حال‌ها هستند. لوقا در بین نویسندگان اناجیل، تنها نویسنده‌ای است که این بخش لعنت‌ها را نگاشته است (ر. ک. لوقا ۲۴:۶-۲۶). این امر شگفت‌انگیز است، به ویژه اگر چنین فرض کنیم که متی در این بخش، با قصد قبلی از الگوی موسی پیروی کرده است، زیرا این شیوه و ساختار نگارش ملهم از تثنیه ۲۷-۲۸ می‌باشد (بخش برکات و لعن‌ها).

▣ **«ثروتمند»** ثروتمندان به دلیل تصور باطلی که از خودپسندگی و بی‌نیازی خود دارند، در این بخش ذکر شده‌اند. «وای»‌ها دقیقاً صورت عکس «خوشا به حال‌ها» هستند. راه‌های خداوند راه‌های ما نیست (ر. ک. اشعیا ۵۵:۸-۹). آنچه در ظاهر ثروت و کامیابی به نظر می‌رسد، در واقع ممکن است لعنت باشد!

▣

ترجمه‌ی قدیم: «تسلی خود را یافته‌اید»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «تسلی خود را یافته‌اید»

ترجمه‌ی مؤده: «روزهای کامیابی خود را پشت سر گذاشته‌اید»

این عبارت در حالت اخباری معلوم حال می‌باشد. به اشاره‌ای که به صورت تلویحی به «زندگی این جهانی» (ر. ک. متی ۲:۶، ۵، ۱۵) در این گزاره وجود دارد، توجه کنید (و همچنین در سه «وای» دیگر).

۲۵:۶ «وای به حال شما که اکنون می‌خندید» به نظر می‌رسد این عبارت به شادی و بگو و بخندی سطحی که برآمده از آسایش دنیوی است، اشاره دارد. این «وای»ها در نقطه‌ی مقابل برکات و خوشا به حال‌هایی است که عیسی خطاب به ایمانداران بیان فرموده است (ر. ک. لوقا ۶:۲۳).

۲۶:۶ «وقتی همه از شما تعریف می‌کنند» این آیه در تقابل با لوقا ۲۳:۶ می‌باشد. آیه‌ی اول تیموتائوس ۷:۳ در این گزاره از آیه‌ی لوقا ۲۶:۶ از لحاظ الهیاتی توازن ایجاد می‌کند. ما نمی‌بایست به هر بهایی در طلب کسب تحسین و اقبال دنیا باشیم، بلکه باید سعی کنیم تا هر بهانه‌ی عیب‌جویانه و ملامت‌کننده را مرتفع سازیم، تا به پیشرفت کار خدمت و رساندن بشارت انجیل کمک کرده باشیم.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۷:۶-۳۶

۲۷ «اما به شما که سخن مرا می‌شنوید می‌گویم: به دشمنان خود محبت نمایند، به آنانی که از شما متنفرند نیکی کنید. ۲۸ برای آنانی که به شما دشنام می‌دهند دعای خیر کنید. برای آنانی که با شما بدرفتاری می‌کنند دعا کنید. ۲۹ وقتی کسی به صورت تو می‌زند طرف دیگر صورت خود را هم پیش او ببر. وقتی کسی قبا تو را می‌برد بگذار پیراهنت را هم ببرد. ۳۰ به هر که چیزی از تو بخواهد ببخش و وقتی کسی آنچه را که مال توست می‌برد آن را مطالبه نکن. ۳۱ با دیگران آن چنان رفتار کنید که می‌خواهید آنها با شما رفتار کنند.» ۳۲ «اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست دارند برای شما چه افتخاری دارد؟ حتی خطاکاران هم دوستداران خود را دوست می‌دارند. ۳۳ و اگر فقط به کسانی که به شما نیکی می‌کنند نیکی کنید برای شما چه افتخاری دارد؟ چون خطاکاران هم چنین می‌کنند. ۳۴ و اگر فقط به کسی قرض بدهید که توقع پس گرفتن دارید دیگر چه افتخاری برای شما دارد؟ حتی خطاکاران هم، اگر بدانند تمام آن را پس خواهند گرفت، به یکدیگر قرض خواهند داد. ۳۵ اما شما به دشمنان خود محبت نمایید و نیکی کنید و بدون توقع عوض، قرض بدهید که پاداش سرشاری خواهید داشت و فرزندان خدای متعال خواهید بود، زیرا او نسبت به ناسپاسان و خطاکاران مهربان است. ۳۶ پس همان‌طور که پدر شما رحیم است رحیم باشید.»

۲۷:۶ «اما به شما که سخن مرا می‌شنوید می‌گویم» این جمله متناظر است با «اگر گوش شنوا دارید، بشنوید» در لوقا ۸:۸؛ ۳۵:۱۴؛ مرقس ۹:۴، ۲۳؛ مکاشفه ۷:۲، ۱۱، ۱۷، ۲۹؛ ۶:۳، ۱۳، ۲۲؛ ۹:۱۳. فقط کسانی که روح‌القدس در وجودشان ساکن شده و از حساسیت نسبت به هدایت او برخوردار هستند قادر به درک این حقایق روحانی می‌باشند، چون ایشان با اهل دنیا تفاوت چشمگیری دارند. با بیان این جمله، لوقا نشان می‌دهد که مخاطبان عیسی (شاگردان) در این سخنان (ر. ک. لوقا ۶:۲۷-۳۸) با مخاطبان وی در لوقا ۶:۲۴-۲۶ («وای بر شما») متفاوت هستند.

□ «به دشمنان خود محبت نمایید» تمام این قسمت که افعال امری متعددی را شامل می‌شود به داشتن محبتی فداکارانه و جان‌نثارانه می‌پردازد (ر. ک. لوقا ۳۵:۶؛ متی ۴۴:۵). ایمانداران چگونه باید این موارد را انجام دهند؟

۱. به آنان که از شما متنفرند، نیکی کنید (لوقا ۲۷:۶)
۲. برای آنانی که به شما دشنام می‌دهند دعای خیر کنید (لوقا ۲۸:۶)
۳. برای آنانی که با شما بدرفتاری می‌کنند دعا کنید (لوقا ۲۸:۶)
۴. طرف دیگر صورت خود را هم پیش او ببر (لوقا ۲۹:۶)
۵. بگذار پیراهنت را هم ببرَد (لوقا ۲۹:۶)
۶. به هر که چیزی از تو بخواهد ببخش (لوقا ۳۰:۶)

تمام این موارد بایستی علی‌رغم رو به رو شدن با بدرفتاری‌های دیگران، انجام گیرند. نحوه‌ی رفتار ما مبتنی است بر کیستی ما در مسیح و نه شیوه‌ی رفتار دیگران با ما. با نشان دادن رفتاری محبت آمیز و فداکارانه در هنگام رویارویی با بدرفتاری و ناسزاگویی دیگران، شهادت نیرومندتری از خود بر جای خواهیم گذاشت (مانند طردشدن و مرگ مسیح).

لوقا در شرحی که از موعظه‌ی عیسی ارائه می‌دهد به مسائل و دغدغه‌های زمان حال در این دنیا پرداخته است. شیوه‌ی زندگی ما ایمانداران در جامعه‌ی عمل پوشاندن به هدف اولیه‌ی کلیسا، نقشی حیاتی و سرنوشت‌ساز دارد (ر. ک. لوقا ۴۷:۲۴؛ متی ۱۸:۲۸-۲۰؛ اعمال ۸:۱).

۲۸:۶ «برای آنانی که با شما بدرفتاری می کنند دعا کنید» اگر ایمانداران رنجیده خاطر گردند یا در پی انقام گرفتن برآیند، برکت، خوشی و احساس خرسندی خود را از دست خواهند داد. خشم، نفرت و سایر احساسات برآمده از نفس، می توانند حتی به ایمانداران صاحب حس آرامش و رضایت ضربه وارد کنند. همچنین آنها می توانند دریچه ای برای نفوذ و فعالیت ابلیس بگشایند. می بایست درد و ناراحتی خود را به مسیح بسپاریم. غالب اوقات، نشان دادن محبت موانع را در هم شکسته و فرصتی برای شهادت دادن درباره ی مسیح فراهم می آورد (ر. ک. رومیان ۱۴:۱۲-۲۱).
بخشش ما، مایه ی پدید آمدن شادی در ما و حس تقصیر در آنانی که با ما بدرفتاری کرده اند، می شود!

۲۹:۶ «قبا...پیراهن» «قبا» به لباس رویی اشاره دارد، که هنگام خواب، خود را با آن می پوشانند. این لباسی بود که در عهد عتیق فرد قرض دهنده آن را در طی روز نزد خود نگاه می داشت تا به این ترتیب بازگرداندن قرضش را تضمین کرده باشد (ر. ک. خروج ۲۵:۲۲-۲۶؛ تثیبه ۱۰:۲۴-۱۷).
«پیراهن» به لباس زیر اشاره دارد، لباسی که مستقیماً با پوست بدن در تماس بود. «پیراهن» ها طول های متفاوتی داشتند. شاید مشابه لباس زیری بوده است که ما امروزه بر تن می کنیم، متشکل از یک زیر پیراهنی و یک زیرشلواری.

۳۱:۶ این آن اصل جهانی و مطلق است که فراتر است از هشدار عهد عتیق در لاویان ۱۹:۱۸. متن موازی در انجیل متی در ۷:۱۲ یافت می شود که در آن متی گفته ی عیسی را به ثبت رسانده است مبنی بر این که با در پیش گرفتن چنین طرز نگرش و رفتاری، تمامی شریعت و نوشته های انبیا را به انجام رسانده ایم.

۳۲-۳۴:۶ این آیات شامل رشته ای از جملات شرطی است (اولین جمله، شرطی از نوع اول است، جملات دوم و سوم شرطی از نوع سوم است) که محبت ما را با محبت این دنیا مورد مقایسه قرار می دهد. شاید بتوانیم چند مثال از زندگی امروزی مان خاطرنشان شویم:

۱. محبت و بخشش در حین رانندگی
۲. کمک کردن به دیگران بدون مطالبه ی رسید جهت دریافت معافیت مالیاتی
۳. محبت و دعای ما برای سایر فرقه های مسیحی
۴. برداشتن زباله ی همسایه که باد آن را به حیاط شما رانده است، بدون جر و بحث کردن با او

۳۵:۶ «به دشمنان خود محبت نمایند» این عبارت دیگری در حالت /مری معلوم حال است، فرمانی مداوم و در جریان برای ایمانداران (ر. ک. لوقا ۳۲:۶-۳۴).



ترجمه ی قدیم: «بدون امید عوض»

ترجمه ی هزاره ی نو: «بدون امید عوض»

ترجمه ی مؤده: «بدون توقع عوض»

در ترجمه ی انگلیسی کتاب مقدس *The New Testament: An American Translation* نوشته ی Edgar J. Goodspeed، چنین ترجمه ی شده است: «بدون از دست دادن امید». همین معنا در ترجمه ی *The RSV Interlinear Greek-English New Testament*، به قلم Alfred Marshall، ص. ۲۵۱ نیز به چشم می خورد.

این واژه تنها در این قسمت از عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است. اکثر ترجمه های انگلیسی کتاب مقدس بر این نظر پافشاری دارند که این بخش از آیه ی لوقا ۳۴:۶ «اگر فقط به کسی قرض بدهید که توقع (امید-elpizō) پس گرفتن دارید» اقتضا می کند که در آیه ی ۳۵ به طور موازی، مترادف آن دوباره تکرار شود (ر. ک. Louw and Nids، *Greek-English Lexicon*، جلد اول، ص. ۳۵۷)، اما این واژه در هیچ نمونه ای از ادبیات کهن، با معنای مورد نظر این گروه از مترجمان به کار نرفته است.

با وجود این، این واژه در ترجمه ی هفتادگان با معنای «دلسرد شدن» یا «ناامید شدن» به کار رفته است (ر. ک. اشعیا ۱۹:۲۹؛ دوم مکابیان ۱۸:۹) و همچنین در نسخ پاپیروسی مصری نیز این واژه به همین تعبیر مورد استفاده قرار گرفته است (ر. ک. Moulton and Miligan، *The Vocabulary of the*

Greek Testament، ص. ۵۶). این واژه اصطلاحی پزشکی برای یک بیماری بسیار هولناک بود، بیماری‌ای که در آن اطلاق «ناامیدی» به وضع بیمار توجیه‌پذیر بود!

نظریه‌ی دیگر این است که این جمله تلویحاً به لاویان ۳۵:۲۵-۳۶ اشاره دارد؛ آیتی که در ارتباط با قرض دادن پول بدون سود و ربا می‌باشند.

□ «فرزندان خدای متعال خواهید بود» ما می‌بایست نمونه‌ای از محبت و احسان پدرانه‌ی خدا باشیم و نه بازتابنده‌ی خصوصیات خود-محورانه، «اول من» که نشأت گرفته از (۱) طبیعت سقوط کرده‌ی بشری یا (۲) آن شریر هستند، باشیم (ر. ک. لوقا ۳۶:۶؛ متی ۴۵:۵).

□ «زیرا او نسبت به ناسپاسان و خطاکاران مهربان است» چه جمله‌ی فوق‌العاده‌ای! خدا را سپاس باد که در او هیچ حس تلافی‌جویانه‌ای وجود ندارد! تنها امید گناهکاران شخصیت بدون‌تغییر، پر از فیض، رحمت و محبت خداوند است (ر. ک. لوقا ۳۶:۶؛ ملاکی ۳:۶).

۳۶:۶ این آیه فرمانی است (مری میانی حال) که با آیات ۳۲-۳۵ در ارتباط است. ما می‌بایست در برابر دیدگان مردمان دنیا اعتقاد و ایمانی که ادعای داشتند را داریم، زندگی کنیم. کارها راسراً از کلمات سخن می‌گویند. صفت «رحیم» یا «مهربان» فقط دو بار در کتب عهد جدید به کار رفته است (ر. ک. یعقوب ۱۱:۵، در توصیف خدا، ر. ک. رومیان ۱۱:۱۲؛ دوم قرنتیان ۳:۱)، اما در حالت اسمی بارها در جهت توصیف خصوصیات ایمانداران مورد استفاده قرار گرفته است (ر. ک. فیلیپیان ۱:۲؛ کولسیان ۱۲:۳).

چنین احتمال جالب‌توجهی نیز وجود دارد که سخنان عیسی در لوقا ۳۶:۶، بازتابی از لاویان ۲۸:۲۲ از ترجمه‌ی pseudo-Jonathan Targum (ترجمه‌ی غربی تورات) می‌باشد، در حالی که آیه‌ی موازی آن در متی ۴۸:۵ بازتابی است از لاویان ۲۷:۲۲ از ترجمه‌ی Targum (ر. ک. M. Black, *An Aramaic Approach to the Gospels and Acts*، ویراست سوم، ص. ۱۸۱، که F. F. Bruce، در کتاب *The Books and the Parchments*، ص. ۱۲۸ به آن اشاره کرده است). احتمالاً عیسی این موعظت را به زبان آرامی ایراد فرموده است. سنت کلیسای اولیه بر این باور بود که متی منبع «کیو» (سخنان عیسی که لوقا و متی از آنها بهره گرفته‌اند) را به زبان آرامی نگاشته است.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۷:۶-۳۸

۳۷ «درباره‌ی دیگران قضاوت نکنید تا خود مورد قضاوت قرار نگیرید. محکوم نکنید تا محکوم نشوید. دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید. ۳۸ بدهید که به شما داده خواهد شد، پیمانه‌ی درست و فشرده و تکان داده شده و لبریز در دامن شما ریخته خواهد شد، زیرا با هر پیمانه‌ای که به دیگران بدهید با همان پیمانه، عوض خواهید گرفت.»

۳۷:۶-۳۹ این بخش به همان مسائلی می‌پردازد که در فصل هفتم انجیل متی نیز آمده است، و درباره‌ی طرز نگرش و برخورد ما با دیگران، چه داخل و چه خارج از خانواده‌ی الهی سخن می‌گوید.

۳۷:۶ «درباره‌ی دیگران قضاوت نکنید... محکوم نکنید» این دو فعل هر دو در حالت امری معلوم حال همراه با ادات نفی می‌باشند، که به متوقف کردن عملی که از پیش در جریان بوده است، اشاره دارند. مسیحیان تمایل به انتقاد کردن از یکدیگر دارند. غالباً این آیه در این چارچوب نقل‌قول می‌شود که مسیحیان هرگز نباید یکدیگر را قضاوت کنند. اما، متی ۵:۷، ۶، ۱۵؛ اول قرنتیان ۱۰:۵-۱۲؛ و اول یوحنا ۴:۱-۶ نشان می‌دهند که عیسی چنین فرض کرده است که ایمانداران همدیگر را از لحاظ روحانی مورد سنجش قرار می‌دهند. آنچه اهمیت دارد انگیزه و محرک فرد در این کار است (ر. ک. غلاطیان ۶:۱؛ رومیان ۱۲:۱-۱۱؛ یعقوب ۱۱:۴-۱۲).

معادل یونانی واژه‌ی «قضاوت» از لحاظ ریشه‌شناسی، واژه‌ای است که در زبان انگلیسی واژه‌ی «انتقاد» از آن گرفته شده است. به نظر می‌رسد این واژه به روحیه‌ای انتقادی، محکوم کننده، و خودپارسانگار اشاره دارد که دیگران را سخت گیرانه‌تر از خود مورد قضاوت قرار می‌دهد؛ دسته‌ای از گناهان را بزرگ‌تر و قبیح‌تر از دسته‌ای دیگر می‌پندارد. خطایای خود را توجیه‌پذیر می‌داند، اما خطایای دیگران را توجیه‌ناپذیر تلقی می‌کند (ر. ک. دوم سموئیل ۱۲:۹-۱۰).

عنوان خاص: آیا کار درستی است که مسیحیان یکدیگر را داوری کنند؟

این موضوع را باید از دو نظر حل و فصل نمود. اولاً به ایمانداران تذکر داده شده است یکدیگر را داوری نکنند (ر.ک. متی ۷: ۱-۵؛ لوقا ۶: ۳۷، ۴۲؛ روم ۲: ۱-۱۱؛ یعقوب ۴: ۱۱-۱۲). لکن به ایمانداران هشدار داده شده تا رهبران را ارزیابی کنند (ر.ک. متی ۷: ۶، ۱۵-۱۶؛ ۱ قرن ۱۴: ۲۹؛ ۱ تسالونی ۵: ۲۱؛ ۱ تیمو ۳: ۱-۱۳؛ و ۱ یوحنا ۴: ۱-۶).

داشتن تعدادی ضوابط برای ارزیابی مناسب، می تواند مفید باشد

۱. ارزیابی باید به منظور تصدیق کردن باشد (ر.ک. ۱ یوحنا ۴: ۱-۱) "امتحان کردن" با چشم انداز به تایید نمودن

۲. ارزیابی باید با فروتنی و ملایمت صورت بگیرد (ر.ک. غلاطیان ۶: ۱)

۳. ارزیابی نباید متمرکز بر مسائل پسندهای شخصی باشد (ر.ک. روم ۱۴: ۱-۲۳؛ ۱ قرن ۸: ۱۳-۱۰؛ ۲۳-۳۳)

۴. ارزیابی باید رهبرانی را که "بی ملامت" باشند از خود کلیسا یا جامعه مشخص نماید (ر.ک. ۱ تیموتاوس ۳)

▣ «تا خود مورد قضاوت قرار نگیرید... تا محکوم نشوید» این عبارت‌ها، هر دو، منفی مضاعف قوی هستند.

▣ «دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید» این عبارت نیز، عبارت /مری معلوم حال دیگری است. دو فعل آغازین این آیه منفی بودند، اما این افعال سوم و چهارم مثبت هستند. نه تنها عدم وجود روحیه‌ی محکوم‌کننده و قضاوت‌کننده از اهمیت فراوانی برخوردار است، داشتن روحیه‌ی بخشش نیز موضوع بسیار مهمی است. این موضوع مشابه آن مطلبی است که خداوند در ایوب فصل ۴۲ به ایوب فرمود، این که وی می‌بایست به چه نحوی با سه دوست خود رفتار می‌نمود.

این آیه حاوی حقیقت بسیار با اهمیت و قابل توجهی است که بارها در سراسر عهدجدید تکرار شده است (ر.ک. متی ۵: ۷؛ ۶: ۱۴-۱۵؛ ۱۸: ۳۵؛ مرقس ۴: ۲۴-۲۵؛ ۱۱: ۲۵؛ یعقوب ۲: ۱۳؛ و ۵: ۹). نحوه‌ی رفتار و نگرش ایمانداران نسبت به یکدیگر بازتابی است از نحوه‌ی رفتاری که خدا با ایشان داشته است. این گفته به معنای ملغی انگاشتن حقیقت کتاب مقدس عادل شمردگی به واسطه‌ی ایمان نمی‌باشد؛ بلکه بر طرز نگرش و شیوه‌ی زندگی شایسته‌ی آنانی که چنین رایگان مورد بخشش خدا قرار گرفته‌اند، تأکید دارد. حیات جاودان از کیفیاتی مشهود و رویت‌پذیر برخوردار است!

۳۸:۶ «به شما داده خواهد شد» این گفته استعاره‌ای از یک اصل تجارتنی است. انصاف و مهربانی به انصاف و مهربانی می‌انجامد.

▣ «در دامن شما ریخته خواهد شد» فروشندگان آن روزگار اجناس خشک خود را (گندم، آرد، لوبیا) در بخشی از ردای خود که تا شده و به کمک کمربند به یک جیب تبدیل شده بود، می‌ریختند.

▣ «با هر پیمان‌ه‌ای که به دیگران بدهید با همان پیمان، عوض خواهید گرفت» تعداد دفعاتی که این سخن حکیمانه در انجیل متی به چشم می‌خورد، بسیار قابل توجه است (ر.ک. متی ۵: ۷؛ ۶: ۱۴-۱۵؛ ۱۸: ۳۵). این سخن، ضرب‌المثلی متداول در فرهنگ آن روزگار بود. به کار گرفتن افعال در حالت مجهول در لوقا ۶: ۳۷-۳۸ دال بر این موضوع است که خدا فاعل موارد زیر است:

۱. قضاوت کردن
۲. محکوم کردن
۳. بخشیدن
۴. دادن
۵. پیمان کردن

نحوه رفتار و برخورد ما با دیگران از کیفیت رابطه‌مان با خدا گواهی می‌دهد. هر چه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد (ر.ک. غلاطیان ۶: ۷).

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۶: ۳۹-۴۵

۳۹ همچنین مثلی برای ایشان آورد: «آیا یک کور می‌تواند عصاکش کور دیگری باشد؟ مگر هر دو در گودال نخواهند افتاد؟ ۴۰ شاگرد بالاتر از استاد خود نیست اما وقتی تحصیلات خود را به پایان برساند به پایه‌ی استادش خواهد رسید.» ۴۱ «چرا به پُر کاهی که در چشم برادرت هست نگاه می‌کنی

و هیچ در فکر تیری که در چشم خود داری نیستی؟ ۴۲ چطور می‌توانی به برادرت بگویی "ای برادر، اجازه بده آن پر کاه را از چشمت بیرون بیاورم،" در صورتی که تیر داخل چشم خود را نمی‌بینی؟ ای ریاکار، اول تیر را از چشم خود بیرون بیاور آن وقت درست خواهی دید که پر کاه را از چشم برادرت بیرون بیاوری." ۴۳ «هرگز درخت خوب میوه بد و یا درخت بد میوه خوب به بار نیاورده است، ۴۴ هر درختی از میوه‌اش شناخته می‌شود. از بوته‌های خار، انجیر جمع نمی‌کنند و از خاربن انگور نمی‌چینند. ۴۵ مرد نیکو از خزانه نیک درون خود نیکی به بار می‌آورد و مرد بد از خزانه بد درون خود بدی به بار می‌آورد، چون زبان از آنچه دل را پر ساخته است سخن می‌گوید.»

۳۹:۶ «گودال» این لفظ در ترجمه‌ی هفتادگان به معانی زیر به کار رفته است:

۱. قبر، دوم سموئیل ۱۷:۱۸

۲. دامی برای حیوانات، اشعیا ۱۷:۲۴-۱۸

ای واژه در عهد جدید صرفاً سه بار به چشم می‌خورد؛ و در انجیل متی ۱۱:۱۲ و ۱۴:۱۵ همانند این آیه در لوقا، به گودال یا چاه اشاره دارد. این گفته به‌طور ضمنی به این موضوع اشاره دارد که معلمان کاذب پیروانشان را به سوی هلاکت و تیره‌بختی سوق می‌دهند.

۳۹:۶-۴۰ در این خصوص که این آیات به چه نحوی دقیقاً در چارچوب آیات پیش و پس از خود قرار می‌گیرند، ابهام و سردرگمی وجود دارد. آیه‌ی ۳۹ به‌طور موازی در متی ۱۴:۱۵ و آیه‌ی ۴۰ نیز در متی ۲۴:۱۰ به چشم می‌خورد. عیسی اغلب همان مثال را به روش‌های متفاوت و در چارچوب‌های متنی متفاوتی به کار گرفته است. از لحاظ دستوری، پرسش اول در لوقا ۳۹:۶ متوقع پاسخ «خیر» است، در حالی که پرسش دوم متوقع پاسخ «بله» است.

۴۰:۶ عیسی آنچه را که تعلیم می‌داد، خود می‌زیست. وی علی‌رغم این که مردم را محبت می‌نمود و خدمتشان می‌کرد، از سوی ایشان رد شد. پیروان عیسی همان رفتار را در این دنیای فروافتاده تجربه خواهند کرد. آنگاه که ما ایمانداران (۱) از فرهنگ خود تقلید کنیم یا (۲) بی‌چون و چرا مورد پذیرش فرهنگمان قرار گیریم، با اطمینان می‌توان گفت که این امر نشانی است از این موضوع که ما در حال گام برداشتن در مسیر سرمشق‌گیری و پیروی از تعلیم عیسی نمی‌باشیم. مسیحیت ارائه شده در عهد جدید هرگز از سوی جامعه به گرمی مورد استقبال قرار نگرفته است. محبت فداکارانه و جان‌سپارانه دنیای خودمحور را معذب و مشوش نموده است.



ترجمه‌ی قدیم: «کامل شده باشد»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «تعلیم و تربیتش به کمال رسد»

ترجمه‌ی مؤده: «وقتی تحصیلات خود را به پایان برساند»

این عبارت، وجه وصفی مجهول حال اصطلاحی است که چنین معنا می‌دهد:

۱. جوجه‌های نوزادی که به اندازه‌ای رشد کرده‌اند که بتوان آنها را در بازار به عنوان جوجه‌های سرخ کردنی به فروش رساند

۲. استخوان‌های شکسته‌ای که اکنون بهبود یافته‌اند و بازوها و پاهایی که بتوان بار دیگر آنها را به کار گرفت

۳. تورهای ماهیگیری‌ای که قبلاً سوراخ شده‌اند و پس از تعمیر شدن، اکنون می‌توان دوباره با آنها ماهی گرفت

۴. کشتی‌ای که به‌طور کامل ساخته شده است، با بادبان‌ها، دکل‌ها و طناب‌ها تجهیز شده و آماده‌ی کشتی‌رانی است

این اصطلاح به معنای «به‌طور کامل مجهز شده جهت انجام دادن وظیفه‌ای مشخص» (ر. ک. افسسیان ۱۲:۴)، یا احتمالاً «ترمیم مجدد شده به‌جهت مفید واقع شدن» (ر. ک. غلاطیان ۶:۱) می‌باشد.

۴۱:۶-۴۲ عیسی به‌منظور منتقل کردن پیامی بی‌اندازه بااهمیت به افراد مذهبی درباره‌ی موضوع انتقاد، از زبان طنز و اغراق مختص مشرق زمین بهره گرفته است. یکی از عللی که مفسران لفظ‌گرای غربی سخنان عیسی را کلمه به کلمه و به‌طور لغوی تفسیر کرده‌اند، ملحوظ نداشتن این نکته بوده است.

۴۱:۶ «پَر کاه» نویسندگان کلاسیک یونانی این واژه را برای موادی که پرندگان لانه‌ی خود را با آن می‌سازند، به کار برده‌اند. بنابراین، این واژه به خرده‌هایی از گیاهان و مواد جزئی مشابهی اشاره دارد.

□ «هیچ در فکر تیری که در چشم خود داری نیستی؟» واژه‌ی «تیر» به الوار، تیر چوبی ساختمانی یا تیر شیب‌دار اشاره دارد. عیسی اغلب از آرایه‌ی ادبی «اغراق یا مبالغه» برای منتقل کردن حقایق روحانی به شنوندگانش بهره می‌گرفت (ر.ک. متی ۲۹:۵-۳۰؛ ۲۴:۱۹؛ ۲۴:۲۳).

۴۲:۶ «ای برادر» در چارچوب این متن، این واژه می‌تواند به موارد زیر اشاره داشته باشد:

۱. سایر یهودیان (ر.ک. لوقا ۱۲:۱۴؛ اعمال ۲۹:۲ [ر.ک. لوقا ۲۲:۶]؛ ۳۷؛ ۱۷:۳؛ ۲:۷)

۲. ایمانداران (ر.ک. لوقا ۳:۱۷؛ ۳۲:۲۲؛ اعمال ۱۵:۱؛ ۳:۶)

□ «ای ریاکار» این واژه‌ی مرکب متعلق به دنیای نمایش است و برای بازیگری که نقاب بر چهره داشت به کار می‌رفت؛ و از دو واژه‌ی یونانی تشکیل شده است: «قضاوت کردن» (*krinō*) و «زیر» (*hupo*)؛ و فردی را توصیف می‌کند که شیوه‌ی رفتارش با باور درونی‌اش تفاوت دارد (لوقا ۱۸:۹). نمونه‌ی خوبی از این عمل را می‌توان در زندگی داوود یافت (ر.ک. دوم سموئیل ۱۲:۹-۱۰). عیسی در متی ۲۰:۵؛ ۲:۶؛ ۵، ۱۶؛ ۱:۱۵؛ ۷؛ ۱۳:۲۳ از این کلمه برای وصف فریسیان خودپارسانگار بهره گرفته است.

این آیه به پسندیده بودن ابراز توجه و محبت ایمانداران به سایر مسیحیان، بدون منت‌گذاری و نیت خودپارسانگاران اشاره دارد (ر.ک. رومیان ۱:۱۴). کلیسا همواره مجبور بوده است رهبران و اعضای خود را مورد امتحان قرار داده و آنها را نصیحت نماید.

عنوان خاص: ریاکاران

۴۳:۶-۴۵ موازی این آیات در متی ۱۶:۷، ۲۰ به چشم می‌خورد. اعمال ما محتوای قلبمان را آشکار می‌سازد. کارهای ما پدر حقیقی‌مان را مکشوف می‌سازد (خدا یا شیطان). کارهای ما پیامدهایی با خود به ارمغان می‌آورند، مثبت یا منفی.

۴۵:۶ «چون زبان از آنچه دل را پر ساخته است سخن می‌گوید» این یک حقیقت پرقدرت عهد جدیدی است (ر.ک. متی ۱۲:۳۴-۳۵؛ ۱۸:۱۵).

عنوان خاص:

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۴۶:۶-۴۹

۴۶ «چرا پیوسته به من خداوندان خداوندان می‌گویید ولی آنچه را که به شما می‌گویم انجام نمی‌دهید؟ ۴۷ هر که نزد من بیاید و آنچه را که می‌گویم بشنود و به آنها عمل کند به شما نشان می‌دهم مانند چه کسی است. ۴۸ او مانند آن مردی است که برای ساختن خانه‌ی خود، زمین را عمیق کرد و شالوده آن را روی سنگ قرار داد. وقتی سیل آمد، رودخانه طغیان کرد و به آن خانه زد اما نتوانست آن را از جا بکند چون محکم ساخته شده بود. ۴۹ اما هر که سخنان مرا بشنود و به آن عمل نکند مانند مردی است که خانه‌ی خود را روی خاک بدون شالوده بنا کرد. به محض اینکه سیل به آن خانه زد خانه فرو ریخت و به کلی ویران شد!»

٤٦:٦-٤٧ صرفاً با دادِ سخن سر دادن درباره‌ی شاگردی عیسی، نمی‌توان دایعه‌ی شاگردی راستین وی را داشت (ر. ک. اشعیا ١٣:٢٩؛ متی ٢١:٧، ٢٢). مهم اطاعتی است که از سرسپردگی و وقف شخص نشأت می‌گیرد. اطاعت مقدم بر فیض نیست، بلکه مؤخر بر آن.

٤٦:٦ «خداوند!، خداوند!» معلمان مذهبی یهودی می‌گفتند که دو بار تکرار کردن نام یک فرد، نشان از محبت و عطوفت گوینده نسبت به او دارد (ر. ک. پیدایش ١١:٢٢).

واژه‌ی یونانی *Kurios* («خداوند») در قرن اول میلادی در معانی متعددی به کار رفته است. این واژه می‌توانست به معنی (١) «آقا»؛ (٢) «استاد»؛ (٣) «صاحب»؛ یا (٤) «شوهر» به کار رود. اما، در چارچوب‌های الهیاتی، معمولاً مفهوم کامل واژه‌ی عبری *Adon* (صاحب، استاد، شوهر، خداوند) مد نظر می‌باشد-واژه‌ای که یهودیان در هنگام قرائت کتب مقدس آن را جایگزین نام عهدی خدا، «یهوه»، می‌کردند (ر. ک. خروج ١٤:٣). به عنوان خاص در لوقا ٦٨:١ رجوع کنید. در چارچوب این متن، این افراد عبارتی الهیاتی در مورد عیسی بیان می‌کنند، اما هیچ‌گونه رابطه‌ی شخصی با وی ندارند (ر. ک. متی ٢١:٧-٢٥). پی بردن به این امر که در این مقطع آغازین خدمت عیسی چه میزان بار الهیاتی می‌بایست برای این گفته‌ی آنان قائل شد، امر دشواری است. پطرس پیش‌تر این واژه را به تعبیر الهیاتی آن به کار برده است (ر. ک. لوقا ٨:٥)، همانند این آیه، که عیسی میان اعتراف زبانی و اطاعت، پیوند برقرار می‌کند.

عنوان خاص: ارتداد (APHISTĒMI)

واژه یونانی آفستیستی زمینه معنایی گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. با اینحال واژه "ارتداد" در انگلیسی "آپاستسی" از این واژه مشتق شده است و کاربرد آن برای خواننده امروزی را از پیش تعیین می‌کند. مثل همیشه زمینه متن، کلید است، نه تعریف از پیش تعیین شده. این واژه‌ای مرکب است از حرف اضافه آپو، به معنای "از" یا "بدور از" و هیستیستی، "نشستن"، یا "ایستادن"، یا "تثبیت کردن". به کاربردهای زیر (غیر الهیاتی) توجه کنید:

١. حذف فیزیکی

الف. از معبد، لوقا ٢: ٣٧

ب. از یک خانه، مرقس ١٣: ٣٤

ج. از یک شخص، مرقس ١٢: ١٢؛ ١٤: ٥٠؛ اعمال ٥: ٣٨

د. از همه چیز، متی ١٩: ٢٧، ٢٩

٢. حذف سیاسی، اعمال ٥: ٣٧

٣. حذف ارتباطی، اعمال ٥: ٣٨؛ ١٥: ٣٨؛ ١٩: ٩؛ ٢٢: ٢٩

٤. حذف قانونی (طلاق)، تثنیه ٢٤: ١، ٣ و عهد جدید، متی ٥: ٣١؛ ١٩: ٧؛ مرقس ١٠: ٤؛ ١ قرنیان ٧: ١١

٥. حذف یک بدهی، متی ١٨: ٢٤

٦. اظهار بی‌اعتنایی از طریق ترک کردن، متی ٤: ٢٠؛ ٢٢: ٢٧؛ یوحنا ٤: ٢٨؛ ١٦: ٣٢

٧. اظهار نگرانی از طریق ترک نکردن، یوحنا ٨: ٢٩؛ ١٤: ١٨

٨. مجاز کردن یا اجازه دادن ١٣: ٣٠؛ ١٩: ١٤؛ مرقس ١٤: ٦؛ لوقا ١٣: ٨

از لحاظ الهیاتی هم فعل کاربردهای گسترده‌ای دارد:

١. کنسل کردن، بخشیده، پاک کردن تقصیر گناه، هفتادگان خروج ٣٢: ٣٢؛ اعداد ١٤: ١٩؛ ایوب ٤٢: ١٠ و عهد جدید، متی ٦: ١٢، ١٤-١٥؛ مرقس

١١: ٢٥-٢٦

٢. برای بازداشتن از گناه، ٢ تیموتاوس ٢: ١٩

٣. برای نادیده گرفتن از طریق دور شدن از چیزی

الف. شریعت، متی ٢٣: ٢٣؛ اعمال ٢١: ٢١

ب. ایمان، حزقیال ٢٠: ٨؛ لوقا ١٣: ٢؛ تسالونیکیان ٢: ٣؛ ١ تیموتاوس ٤: ١؛ عبرانیان ٣: ١٢

ایمانداران امروزی سولات الهیاتی زیادی می‌پرسند که هرگز به فکر نویسندگان عهد جدید خطور نمی‌کرد. یکی از آنها مربوط است به گرایش جدید به جدا کردن ایمان است از ایمانداری.

افرادی در کتاب مقدس وجود دارند که با قوم خدا و آنچه رخ می‌دهد ارتباط دارند.

۱. عهد عتیق

الف. قورح، اعداد ۱۶

ب. پسران عیسی، ۱ سموئیل ۲، ۴

ج. شائول، ۱ سموئیل ۱۱-۱۳

د. پیامبران دروغین (مثالها)

۱. تثنیه ۱۳: ۱-۵؛ ۱۸: ۱۹-۲۲

۲. ارمیاء ۲۸

۳. حزقیال ۱۳: ۷-۱

ه. پیامبران زن دروغین

۱. حزقیال ۱۳: ۱۷

۲. نحمیاء ۶: ۱۴

و. رهبران شرور یهودی (مثالها)

۱. ارمیاء ۵: ۳۰-۳۱؛ ۸: ۱-۲؛ ۲۳: ۴-۱

۲. حزقیال ۲۲: ۲۳-۳۱

۳. میکاه ۳: ۵-۱۲

۲. عهد جدید

الف. این واژه یونانی از لحاظ لغوی مرتد کردن است. عهد قدیم و جدید هر دو بر تشدید شرارت و تعلیم غلط پیش از آمدن ثانویه مسیح تاکید دارند (متی ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۲۲؛ اعمال ۲۰: ۲۹، ۳۰؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳، ۹-۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴). این کلمه یونانی احتمال دارد گفته‌های عیسی در مثل خاکها در لوقا ۸: ۱۳ را منعکس کند. معلمین دروغین احتمالا مسیحی نیستند، ولی از میان آنها آمده‌اند (اعمال ۲۰: ۲۹-۳۰؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۹)؛ با اینحال آنها قادرند ایمانداران واقعی، اما نابالغ را فریب داده و اسیر کنند (عبرانیان ۳: ۱۲). سوال الهیاتی این است که آیا معلمین دروغین هرگز ایماندار بودند یا خیر؟ جواب دادن به این سوال دشوار است، زیرا در کلیساهای محلی نیز معلمین دروغین وجود داشتند (۱ یوحنا ۲: ۱۸-۱۹). غالبا سستهای الهیاتی و فرقه‌ای ما بدون اشاره به متن کتاب مقدسی خاص به این سوال پاسخ می‌دهند (بجز روشی که در آن شخص برای اثبات نظرش یک آیه نقل را نقل می‌کند، بدون آنکه به زمینه متن توجه کند)

ب. ایمان ظاهری

۱. یهودا، یوحنا ۱۷: ۱۲

۲. شمعون جادوگر، اعمال ۸

۳. کسانی که در متی ۷: ۲۱-۲۳ ذکر شده‌اند

۴. کسانی که در متی ۱۳: ۱-۲۳، مرقس ۴: ۱-۱۲؛ لوقا ۸: ۴-۱۰ ذکر شده‌اند

۵. یهودیان در یوحنا ۸: ۳۱-۵۹

۶. اسکندر و هیمانئوس، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۹-۲۰

۷. کسانی که در ۱ تیموتائوس ۶: ۲۱ ذکر شده‌اند

۸. هیمانئوس و فیلاتئوس، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۶-۱۸

۹. دماس، ۲ تیموتائوس ۴: ۱۰

۱۰. ایمانداران ظاهری در عبرانیان ۳: ۱۰-۱۶

۱۱. معلمین دروغین، ۲ پطرس ۲: ۱۹-۲۱؛ یهودا ۱۲-۱۹

۱۲. ضد مسیح (دجال)، ۱ یوحنا ۲: ۱۸-۱۹

ج. ایمان ثمربخش

۱. متی ۷: ۱۳-۲۳

۲. ۱ قرن‌تیا ۳: ۱۰-۱۵

۳. ۲ پطرس ۱: ۸-۱۱

ما ندرتا در مورد این متون فکر می‌کنیم زیرا الهیات سازمان‌بندی شده (کالوینیسیم، ارمنی‌گرایی، غیره) پاسخ ما را از قبل دیکته می‌کند. لطفاً بخاطر پیش کشیدن این موضوع در مورد من پیشداوری نکنید. نگرانی من در مورد روش تفسیر مناسب است. باید اجازه دهیم کتاب مقدس با ما سخن بگوید و سعی نکنیم آنرا در الهیات جدید حل کنیم. این اغلب دردناک و شوک‌آور است زیرا بیشتر الهیات ما فرقه‌ای، فرهنگی یا رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) است، نه کتاب مقدسی. برخی از کسانی که در میان قوم خدا هستند معلوم می‌شود از قوم خدا نیستند (رومان ۹: ۶).

▣ «آنچه را که می‌گویم بشنود و به آنها عمل کند» این مثل منحصر به انجیل متی (متی ۷: ۲۴-۲۷) و انجیل لوقا (لوقا ۶: ۴۷-۴۹) می‌باشد. این عبارت مشابه اشاری ضمني واژه‌ی عبری *Shema* در تثنيه ۶: ۱ می‌باشد، آیه‌ای که این واژه در آن به مفهوم «شنیدن با هدف به‌جا آوردن» اشاره دارد. مسیحیت متضمن موارد زیر است:

۱. به‌دست آوردن دانش و آگاهی

۲. نشان دادن واکنشی شخصی

۳. شیوه‌ی زندگی با محوریت خدمت به دیگران

این نکته قابل توجه است که به هر دو بناکنندگان خانه گفته می‌شود که سخنان عیسی را بشنوند. بار دیگر، به‌نظر می‌رسد که این هشدارها خطاب به اشخاص مذهبی می‌باشد، افرادی که قبلاً سخنانش را شنیده و به میزانی نیز واکنش نشان داده‌اند.

۶: ۴۸-۴۹ این بخش انتهای بسیار شبیه بخش پایانی موعظه‌ی بالای کوه در انجیل متی می‌باشد (ر. ک. متی ۷: ۲۶-۲۷).

۶: ۴۸ «چون محکم ساخته شده بود» این عبارت با عبارت «زمین را عمیق کرد و شالوده‌ی آن را روی سنگ قرار داد» مطابقت دارد و پیامد طبیعی آن است. این عبارت در نسخ یونانی کهن ^{P75}، B، L، و W (UBS⁴ درجی A را به این عبارت اطلاق کرده است) به چشم می‌خورد. اما، ادامه‌ی این آیه از متن موازی در انجیل متی (ر. ک. متی ۷: ۲۵) گرفته شده است و در همان اوایل جایگزین عبارتی می‌شود که به قلم لوقا تعلق دارد (ر. ک. D، C، MSS A و ولگات). بسیاری از این بخش‌های افزوده شده توسط کاتبان در همان اوایل، در دورانی که رونویسی‌ها توسط دست صورت می‌گرفت، اضافه شده‌اند. این مورد یک نمونه‌ی از این موارد است. نسخه‌ی خطی ^{P75} متعلق به اوایل قرن سوم میلادی است، در حالی که نسخه‌ی (Alexandrinus) MS A به قرن پنجم میلادی تعلق دارد.

قصد دارم این مورد را یادآوری کنم که هیچ کدام از نسخ قدیمی یونانی عهد جدید (بیش از ۵۰۰۰ نسخه) به‌طور کامل با یکدیگر سازگاری ندارند، اما این تفاوت‌ها حقیقتاً هیچ کدام از آموزه‌های اصلی ایمان مسیحی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. عهد جدید بهترین متن مکتوب محفوظ از دوران باستان است. می‌توانیم اعتماد کامل داشته باشیم که این کتاب، حقیقت خدا را به ما که به او ایمان داریم و از او اطاعت می‌کنیم، منتقل می‌سازد. در نسخ خطی یونانی با کلمات اصلی و اولیه روبه‌رو هستیم. هیچ چیزی از دست نرفته است! آنچه بر ما مسلم نیست این است که کدام یک از این نسخ، نسخه‌ی اصلی است.

پرسشهای برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراورش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده‌ی نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. چرا عیسی همچنان به چالش کشیدن رهبران مذهبی درباره‌ی سنت شفاهی (در ارتباط با روز سبت) را ادامه می‌دهد؟

۲. چرا فهرست نام‌های شاگردان در اناجیل مختلف کاملاً یکسان نیستند؟

۳. چرا موعظه‌ی بالای کوه تفاوت‌های زیادی با موعظه در زمین هموار دارد؟
۴. با در نظر داشتن چارچوب انجیل لوقا، هدف موعظه‌ی عیسی بر زمین هموار چیست؟

انجیل لوقا فصل ۷

تقسیم‌بندی بر اساس عناوین پاراگراف‌ها در ترجمه‌های مختلف

ترجمه‌ی قدیم	ترجمه‌ی هزاره‌ی نو	ترجمه‌ی مؤده
ایمان افسر رومی لوقا ۱۰-۱:۷	ایمان نظامی رومی لوقا ۱۰-۱:۷	شفای غلام افسر رومی لوقا ۱۰-۱:۷
زنده کردن پسر یک بیوه‌زن لوقا ۱۷-۱۱:۷	زنده کردن پسر بیوه‌زن لوقا ۱۷-۱۱:۷	زنده کردن پسر یک بیوه‌زن لوقا ۱۷-۱۱:۷
برطرف کردن شک یحیی لوقا ۳۵-۱۸:۷	شک یحیی درباره‌ی عیسی لوقا ۳۵-۱۸:۷	سؤال یحیی لوقا ۳۵-۱۸:۷
تدهین پای‌های عیسی لوقا ۵۰-۳۶:۷	تدهین عیسی به دست زنی بدکاره لوقا ۵۰-۳۶:۷	در خانه‌ی شمعون فریسی لوقا ۵۰-۳۶:۷

قرائت دور سوم (از «راهنمای مطالعه‌ی خوب کتاب مقدس» صفحه‌ی vii مقدمه)

دنبال کردن نیت اصلی نویسنده در هر پاراگراف

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس و روح القدس در تفسیر کتاب مقدس، نقش اول را بر عهده دارید. شما نمی‌بایست از این وظیفه شانه خالی کنید و آن را صرفاً بر دوش مفسر کتاب مقدس بگذارید.

این باب را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با ترجمه‌ی جدید کتاب مقدس مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهام خدا نیست، اما کلیدی برای دنبال کردن نیت اصلی نویسنده است، این لب کلام تفسیر می‌باشد. هر پاراگراف یک و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۵. پاراگراف اول

۶. پاراگراف دوم

۷. پاراگراف سوم

الی آخر...

مطالعه‌ی واژگان و عبارتها

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۰-۱:۷

۱ وقتی عیسی تمام این سخنان را به مردم گفت به شهر کفرناحوم رفت. ۲ سروانی در آنجا خادمی داشت که در نظرش بسیار گرامی بود. این خادم بیمار شد و نزدیک بود بمیرد. ۳ آن سروان درباره‌ی عیسی چیزهایی شنیده بود. پس عده‌ای از رهبران یهود را نزد او فرستاد تا از او تقاضا نمایند بیاید و غلامش را شفا دهد. ۴ ایشان نزد عیسی آمدند و با اصرار و التماس گفتند: «او سزاوار این لطف توست ۵ چون ملت ما را دوست دارد و او بود که کنیسه را برای ما ساخت.» ۶ عیسی با آنان به راه افتاد و وقتی به نزدیکی‌های خانه رسید، آن سروان دوستانی را با این پیغام فرستاد که: «ای آقا بیش از این به خودت زحمت نده. من لایق آن نیستم که تو به زیر سقف خانه‌ام بیایی ۷ و به همین سبب بود که روی آن را نداشتم شخصاً به خدمت تو بیایم فقط فرمان بده و غلام من خوب خواهد شد، ۸ زیرا من خود مأمور هستم و سربازانی هم تحت فرمان خود دارم و به یکی می‌گویم "برو" می‌رود و به دیگری "بیا" می‌آید و به غلام می‌گویم "فلان کار را بکن"، البته می‌کند.» ۹ عیسی وقتی این را شنید تعجب کرد و به جمعیتی که پشت سرش می‌آمدند رو کرد و فرمود: «بدانید که من حتی در اسرائیل هم، چنین ایمانی ندیده‌ام.» ۱۰ قاصدان به خانه برگشتند و غلام را سالم و تندرست یافتند.

۱:۷ «وقتی عیسی تمام این سخنان را به مردم گفت» این «سخنان» به موعظه‌ای که در انجیل لوقا ۶:۲۰-۴۹ شرحش آمده است، اشاره دارد.

□ «کَفَرناحوم» این شهر، ستاد فرماندهی عیسی در استان جلیل تلقی می‌شد. رجوع کنید به یادداشت ۲۳:۴.

۲:۷ «سروانی» این سروان، رومی (یا یک سرباز وظیفه‌ی غیریهودی) و عضو یک ارتش اشغالگر بود. به نظر می‌رسد وی فردی خداترس بوده است، همانند کرنیلیوس در فصل دهم اعمال رسولان. تمامی اشارات به سروان‌ها در عهد جدید مثبت بوده است. این افسران درجه‌دار، قلب ارتش روم به شمار می‌آمدند.

□ «خادم» در روایت موازی در انجیل متی (متی ۵:۸-۱۳) واژه‌ی «پسر» آمده است.

□ «در نظرش بسیار گرامی بود» این عبارت، عبارت رایجی بود و در ترجمه‌ی هفتادگان در ارتباط با موارد زیر به کار رفته است:

۱. نام خدا، ر. ک. تثنیه ۵۸:۲۸
 ۲. ماشیح، ر. ک. اشعیا ۱۶:۲۸ و در عهد جدید در اول پطرس ۴:۲، ۶
 ۳. اشخاص شایسته‌ی احترام، ر. ک. تثنیه ۱۵:۲۲ و در عهد جدید در فیلیپیان ۲۹:۲
- بهترین همتای کاربرد عهد جدیدی این واژه را در عهد عتیق می‌توان در اول سموئیل ۲۱:۲۶ و اشعیا ۱۲:۱۳ یافت، جایی که به گرانها بودن ارزش حیات یک انسان اشاره می‌شود.

۳:۷ «پس عده‌ای از رهبران یهود را نزد او فرستاد تا از او تقاضا نمایند بیاید» همتای این روایت در انجیل متی ۵:۸-۱۳ به چشم می‌خورد، اما در انجیل مرقس شرح این روایت نیامده است. از آیه‌ی ۵ متوجه می‌شویم که چرا مشایخ یهودی (رهبران کنیسه‌ی محلی) مشتاق بودند که نقش واسطه را بر عهده گیرند.

□ «غلامش را شفا دهد» معادل یونانی «شفا دادن» در این جمله، واژه‌ی *sozō* است که اغلب در عهد جدید به معنای نجات از جنبه‌ی روحانی به کار رفته است (برای مثال، یعقوب ۱:۲۱؛ ۲:۱۴؛ ۴:۱۲)، اما در این قسمت، این واژه با تعبیر عهد عتیقی آن، که به رهایی فیزیکی اشاره دارد، به کار رفته است (برای مثال، یعقوب ۵:۲۰؛ متی ۲۲:۹؛ مرقس ۵:۶). معنای لغوی این واژه «سلامت کسی را به وی بازگرداندن» (جسمانی و/یا روحانی) است.

۶:۷

ترجمه‌ی قدیم: «خداوند۱»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو «سرورم»

ترجمه‌ی مؤده «ای آقا»

این واژه، حالت نداییِ واژه‌ی یونانی *kurios* است، که معانی و کاربردهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد:

۱. لقبی که نشان از احترام به طرف مقابل دارد، مانند «آقا» یا «جناب»
 ۲. لقبی برای شخص مافوق، مانند «سرور»
 ۳. لقبی الهیاتی در تأیید ماشیح بودن عیسی (ر. ک. آیه ۱۳)
- در چارچوب این متن (همانند فصل چهارم انجیل یوحنا) گزینه‌ی یک صادق است. همچنین، به دوپهلوی بودن کاربرد این واژه در آیه‌ی ۱۹ توجه داشته باشید («آنها را با این پیغام، نزد عیسی خداوند فرستاد»)

□ «بیش از این به خودت زحمت نده» این عبارت در حالت امری میانی *حال* است (Zerwick و Grosvenor در کتاب *Grammatical Analysis of the Greek New Testament*، ص. ۱۹۹ و A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures*، ص. ۹۹)، در حالی که Barbara،

□ «من لایق آن نیستم که تو به زیر سقف خانه‌ام بیایی» معلوم است که این افسر ارتش رومی از طرز برخورد یهودیان با غیریهودیان مطلع بود. میان آیه ۵ (پیام مشایخ یهودی) و حس عدم شایستگی این مرد (ر. ک. آیه ۷) تضاد آشکاری به چشم می‌خورد.

□ «فقط فرمان بده» افسر رومی از عیسی درخواست نکرد که به منزلش برود. این مرد به مأموریت دادن به سربازان زیر دستش عادت داشت (ر. ک. آیه ۸). این حرکت نشان از ایمان عظیم این فرد غیریهودی به قدرت عیسی دارد. همچنین، نمونه‌ای است از اعتماد بر سخنان عیسی به جای اعتماد بر حاضر شدن او در نجات یافتن یک شخص (در این جا، منظور نجات از جنبه‌ی فیزیکی است، اما خوانندگان غیریهودی همچنین جنبه‌ی روحانی نجات را در این روایت برداشت می‌کردند). لوقا روایت‌هایی را برگزیده است که این فرصت را به او به دست دهند که پیغام انجیل را به غیریهودیان برساند.

□ نسخه‌ی خطی یونانی دیگری در ارتباط با این آیه در دست است. این آیه در انجیل لوقا در حالت اخباری مجهول نامعین آمده است، *iathētō* (ر. ک. ⁷⁵P, B, L و در برخی ترجمه‌های قبطی، ⁴UBS درجه‌ی قطعیت B را برای آن ارائه کرده است)، اما در سایر نسخه‌های قدیمی، *iathēsetai* آمده است (اخباری مجهول آینده)، که در متی ۸:۸ به چشم می‌خورد (ر. ک. MSS, A, C, D, W و ترجمه‌ی ولگات و ترجمه‌ی ارمنی). هیچ یک از این دو واژه معنای متن را تغییر نمی‌دهند، اما این امر نشان می‌دهد که چگونه چنین اصلاحات یا ویرایش‌هایی به سادگی از سوی کاتبان رخ داده‌اند (بین ۲۰۰ الی ۴۰۰ میلادی).

□ «عیسی... تعجب کرد» رجوع کنید به یادداشت مربوط به ۶۳:۱.

□ «بدانید که من حتی در اسرائیل هم، چنین ایمانی ندیده‌ام.» این جمله از تأکید الهیاتی بسیار قابل توجهی برخوردار است. به یاد داشته باشید که مخاطبان لوقا در این انجیل، غیریهودیان هستند. در این چارچوب، عیسی ایمان یک افسر ارتشی را مورد تمجید قرار می‌دهد، فرزند بیوه زنی را شفا می‌بخشد (مانند ایلیا، ر. ک. لوقا ۲۵:۴-۲۶)، و تمایل به کمک کردن به زنی گناهکار دارد و حتی ایمانش را می‌ستاید (ر. ک. لوقا ۵۰:۷). واضح است که ایمان و نه نژاد یا مقام، کلید اصلی دوران جدیدی است که عیسی سرآغاز آن است.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۱:۷-۱۷

۱۱ فردای آن روز عیسی با شاگردان خود به اتفاق جمعیت زیادی به شهری به نام نائین رفت. ۱۲ همین که به دروازه شهر رسید با تشیع جنازه‌ای روبه‌رو شد. شخصی که مرده بود، پسر یگانه یک بیوه زن بود. بسیاری از مردم شهر همراه آن زن بودند. ۱۳ وقتی عیسی خداوند آن مادر را دید، دلش به حال او سوخت و فرمود: «دیگر گریه نکن.» ۱۴ عیسی جلوتر رفت و دست خود را روی تابوت گذاشت و کسانی که تابوت را می‌بردند، ایستادند. عیسی فرمود: «ای جوان به تو می‌گویم برخیز.» ۱۵ آن مرده نشست و شروع به صحبت کرد عیسی او را به مادرش باز گردانید. ۱۶ همه ترسیدند و خدا را تمجید کرده گفتند: «نبی بزرگی در میان ما ظهور کرده است.» و همچنین می‌گفتند: «خدا به قوم خود توجه نموده است.» ۱۷ خبر آنچه که عیسی کرده بود در سراسر استان یهودیه و همه اطراف آن منتشر شد.

۱۱:۷ «به شهری به نام نائین رفت» این داستان فقط در انجیل لوقا آمده است. به نظر می‌رسد این یک اتفاق استثنایی در سفرها و خدمت عیسی به شمار نمی‌رود، بلکه صرفاً یک رخداد عادی بود. شهر نائین در ۹ کیلومتری جنوب-شرقی ناصره، و در حوالی کوه تابور قرار دارد. این معجزه، متناظر با معجزه‌ای است که ایلیای نبی انجام داده بود، که در لوقا ۲۵:۴-۲۶ (ر. ک. اول پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۴) به آن اشاره شده است.

□ «عیسی با شاگردان خود به اتفاق جمعیت زیادی» همواره جمعیت زیادی متشکل از بیماران، کنجکاوان، و رهبران مذهبی، عیسی را دنبال می‌کردند. سهم عمده‌ی روایتی که لوقا از زندگی و تعالیم عیسی ارائه می‌دهد، بر مبنای شرح داستان‌های سفرهای او ساختار بندی شده است. این داستان‌های

سفرها شامل بسیاری از تعالیم عیسی که در انجیل متی به نام «موعظه‌ی بالای کوه» معروف است، می‌شود. در انجیل لوقا، عیسی در حال پیش‌روی به سوی آن نقطه‌ی رویارویی سرنوشت‌ساز در اورشلیم است. مثل همیشه، شفا‌های عیسی در روایات اناجیل، از چند هدف برخوردار بود:

۱. کمک به فردی نیازمند (به زنی در لوقا ۱۳:۷)

۲. شهادت دادن به:

الف) شاگردان (تا آنان رشد یابند)

ب) جماعت (درباره‌ی ایمان نجات‌بخش شخص شفا یابنده)

ج) اهالی شهر (ر.ک. لوقا ۱۲:۷)

د) رهبران مذهبی که همواره آنجا حاضر بودند

۳. برای اثبات مسیح‌بودنش

۱۲:۷ «پسر یگانه‌ی یک بیوه‌زن بود» عیسی چگونه از این حقیقت مطلع بود؟ احتمالاً:

۱. فردی از بین آن جماعت این را به او گفته است

۲. این مورد، مثال دیگری است از دانش فوق طبیعی او

۳. این گزاره، توسط نویسنده‌ی انجیل اضافه شده است

این حقیقت که این پسر، تنها پسر این زن بود به این معناست که او هیچ پشتیبان و حامی‌ای نداشت!

▣ «بسیاری از مردم شهر همراه آن زن بودند» مراسم خاکسپاری در سنت یهودی، شرکت تمام اجتماع را در پی داشت و بسیار پر سر و صدا و با ابراز احساسات فراوان همراه بود.

۱۳:۷ «خداوند» این اولین مورد از کاربرد این عنوان برای عیسی در انجیل لوقا است. رجوع کنید به عنوان خاص «نام‌های خدا» در لوقا ۶:۸.

▣ «دلش به حال او سوخت» این تعبیر یکی از معانی ضمنی بسط یافته‌ی «روده‌ها یا شکم» است. در دوران باستان، مردمان چنین می‌اندیشیدند که احشای تحتانی یا اعضای اصلی بدن انسان (قلب، کبد، شش‌ها) کانون و مقرّ عواطف بشری هستند (ر.ک. ترجمه‌ی هفتادگان: امثال ۱۲:۱۰؛ ۲۲:۲۶؛ ارمیا ۱۳:۲۸، ۵۱؛ دوم مکابیان ۵:۹-۶؛ چهارم مکابیان ۸:۱۰؛ باروک ۱۷:۲). پولس نیز اغلب از این استعاره استفاده می‌کرد (ر.ک. دوم قرنتیان ۶:۱۲؛ ۱۵:۷؛ فیلیپیان ۱:۸؛ ۲:۱؛ کولسیان ۳:۱۲؛ فیلیمون ۷:۱، ۱۲، ۲۰). لوقا نیز احتمالاً به تبعیت از پولس، از این تعبیر استفاده می‌کند (ر.ک. لوقا ۷:۱؛ ۷۸؛ ۱۳:۷؛ ۳۳:۱۰؛ ۲۰:۱۵؛ اعمال ۱۸:۱). آگاهی یافتن از عواطف و همدردی‌هایی که عیسی با ما در آنها شریک شده است، برای من بسیار پر معنی و ارزشمند است (ر.ک. مرقس ۱:۴۱؛ ۲:۸؛ ۳۴:۶).

▣ «و فرمود» به احتمال زیاد، آن زن در ردیف اول صف شرکت کنندگان در مراسم خاکسپاری بود (Alfred Edersheim, *Jewish Social Life*).

▣ «دیگر گریه نکن» این یک جمله‌ی امری معلوم حال است با/ادات نفی، که معمولاً به معنای "متوقف کردن عملی که در جریان است" می‌باشد.

۱۴:۷ «تابوت» این واژه در اصل به زیر تابوتی اشاره دارد (ر.ک. ترجمه‌ی NRSV). عیسی از این که با لمس چیزها یا افرادی که از لحاظ آیینی ناپاک شمرده می‌شدند، او نیز ناپاک شمرده شود واهمه‌ای نداشت.

▣ «ای جوان به تو می‌گویم برخیز» سن این مرد به‌طور قطع مشخص نیست، زیرا در جامعه‌ی یهودی، فرد تا سن چهل سالگی، جوان محسوب می‌شد. فعل این جمله در حالت امری مجهول نامعین است. عیسی بر مرگ و دوزخ قدرت دارد (ر.ک. مکاشفه ۱:۱۸). این معجزه چه نشانه‌ی پر قدرتی در تأیید مسیح‌بودن او است (ر.ک. لوقا ۲۲:۷).

۱۵:۷ «آن مرده نشست و شروع به صحبت کرد» معادل یونانی فعل «نشست» در این جمله، فعلی است که بندرت کاربرد دارد و صرفاً توسط پزشکان در ادبیات پزشکی یونانی به کار رفته است. کتب عهد جدید هرگز سخنان آنانی که از مرگ برخاسته‌اند را ثبت نکرده‌اند. چه گواه محکم و پرقدرتی در راستای تأیید سخنان و خدمت عیسی!

۱۶:۷ «همه ترسیدند و خدا را تمجید کرده گفتند: "نبی بزرگی در میان ما ظهور کرده است."» عیسی از لحاظ جغرافیایی در همان مناطقی خدمت کرد که ایلیا و الیشع نبی خدمت کرده بودند. این مردمان برترین عنوان و لقبی را که می‌دانستند، به عیسی نسبت می‌دادند.

□ «خدا به قوم خود توجه نموده است.» یهودیان به کرات ملاقات با ی‌م‌وه را تجربه نموده بودند. خدا در زندگی قوم خود فعال است. میان فراباشندگی و فروباشندگی خدا در کتاب مقدس، تنشی حقیقی وجود دارد. وی "آن قدوس اسرائیل" و در همان حال "پدر" ایشان است.

۱۷:۷ در تمامی اناجیل هم‌نظر، چنین جمله‌های جمع‌بندی‌ای ذکر شده است (ر.ک. مرقس ۱:۲۸؛ متی ۲۴:۴؛ ۳۱:۹؛ ۱:۱۴)، اما در انجیل لوقا این جمله‌ها بیش‌تر به چشم می‌خورند (ر.ک. لوقا ۱۴:۴، ۳۷؛ ۱۵:۵؛ ۱۷:۷). عیسی معجزات (شفاهای، اخراج دیوها، برخیزانیدن مردگان) خود را در خفا و پنهانی صورت نداد، بلکه در مقابل انظار عموم، و خبر این معجزات به سرعت در بین مردم نیازمند و آرزومند فلسطین منتشر می‌شد.

متن مژده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۱۸:۷-۲۳

۱۸ یحیی نیز به وسیله شاگردان خود از همه این امور باخبر شد. دو نفر از ایشان را احضار کرد ۱۹ و آنها را با این پیغام، نزد عیسی خداوند فرستاد: «آیا تو آن کسی هستی که قرار است بیاید یا منتظر دیگری باشیم؟» ۲۰ آن دو نفر نزد عیسی آمدند و عرض کردند: «یحیی تعمیددهنده، ما را نزد تو فرستاده است تا بداند: آیا تو آن کسی هستی که قرار است بیاید یا باید منتظر دیگری باشیم؟» ۲۱ همان ساعت عیسی عده کثیری را که گرفتار ناخوشی‌ها، بلاها و ارواح پلید بودند، شفا داد و به نابینایان زیادی بینایی بخشید. ۲۲ بعد به ایشان پاسخ داد: «بروید و آنچه را که دیده و شنیده‌اید به یحیی بگویید که چگونه کوران بینا، لنگان خرامان، جذامیان پاک، کرها شنوا و مردگان برخیزانیده می‌شوند و به بینوایان مژده می‌رسد. ۲۳ خوشا به حال کسی که درباره من شک نکند.»

۱۸:۷ «یحیی نیز به وسیله شاگردان خود از همه این امور باخبر شد.» متناظر این آیات، در متی ۲:۱۱-۱۹ به چشم می‌خورد.

۱۹:۷ «آیا تو آن کسی هستی که قرار است بیاید یا منتظر دیگری باشیم؟» برای توضیح ابهام یحیی درباره ی عیسی، چند نظریه مطرح شده است.

۱. او این جمله را صرفاً برای مجاب کردن شاگردانش گفت (جان کالوین، ر.ک. یوحنا ۱:۲۹-۴۲).
۲. یحیی، مرد بیابان، پس از حبس در زندان، به تدریج در حال عصبی شدن بود.
۳. یحیی برای وارد عمل شدن و فعالیت عیسی بی‌طاقت شده بود.
۴. عیسی بر طبق الگوی آخرت شناسی مورد انتظار یحیی عمل نمی‌کرد (ر.ک. متی ۱۲:۳؛ لوقا ۱۳:۳).

۲۱:۷ جمله‌ی واره‌ی آغازگر، چکیده‌ای از خدمت عیسی برای انبوه جماعت مردم بود. اگر آنان فقط می‌توانستند در اعمال عیسی نبوت‌های تحقق یافته را تشخیص دهند، اعمال وی، به وضوح کیستی‌اش را آشکار می‌کرد.

□ «به نابینایان زیادی بینایی بخشید» در میان معجزات ثبت شده‌ی عیسی، این معجزه بیش از بقیه صراحتاً بر مسیحا بودن وی اشاره دارد (ر.ک. اشعیا ۳۵:۵-۶؛ ۶۱:۱). قطعاً، می‌توان آن را نشانه‌ای از ناینایی روحانی‌ای دانست که یهودیت به آن مبتلا بود (ر.ک. یوحنا ۹).

۲۲:۷ «بروید و آنچه را که دیده و شنیده‌اید به یحیی بگویید» فعل «بروید» وجه وصفی مجهول نامعین است که در حالت امری آمده است؛ «بگویید» در حالت امری نامعین معلوم است. این آیه نمونه‌ی خوبی است از این که دستور زبان باید با چارچوب متن مرتبط باشد. این افعال، افعالی دستوری نیستند، بلکه تلاشی در جهت هدایت کردن فرستادگان یحیی. آنان دقیقاً برای همین کار آمده بود- «که برگشته و به یحیی بگویند». همان گونه که واژه‌ها در چارچوب متن، معنا می‌یابند، ساختارهای دستوری نیز از چنین خصوصیتی برخوردارند.

■ ادامه‌ی آیه ۲۲، ترکیبی است از چند نقل قول از کتب عهد عتیق که هر کدام از آنها در ارتباط است با کارهای عیسی که در آیه ۲۱ آمده است. نقل قول‌های ناقص اول و دوم، از اشعیا ۱:۶۱ هستند (یا احتمالاً اشعیا ۱۸:۲۹-۱۹؛ ۳:۳۲-۴؛ ۵:۳۵-۶؛ ۷:۴۲؛ ۱۶). این آیه از کتاب اشعیا، به آن بخش از این کتاب تعلق دارد که به دوران جدید می‌پردازد (باب‌های ۵۶-۶۶).

■ «جذامیان پاک» جذام و نازایی امراضی بودند که به اعتقاد یهودیان، نشان از عدم خشنودی خدا بودند.

■ «مردگان برخیزانیده می‌شوند» در کتب عهد جدید، فقط سه روایت از زنده شدن مردگان به ثبت رسیده است، اما گویا تعداد آنها بیش تر از این بوده است.

برای توصیف تعامل خدا با انسان در ارتباط با حیات فیزیکی‌اش، سه اصطلاح وجود دارد:

۱. "برگرفته شدن". خنوخ (ر.ک. پیدایش باب ۵)، مانند ایلیا (ر.ک. دوم پادشاهان)، بدون تجربه‌ی مرگ فیزیکی به آسمان برده شد.
۲. "احیا شدن". انسان‌ها دوباره به حیات فیزیکی برمی‌گردند، اما در نهایت دوباره خواهند مرد.
۳. "رستاخیز". عیسی مسیح نخستین فردی است که از بدن فیزیکی متعلق به دوران جدید برخوردار شد. این وعده‌ی حیات جاودان است، بدنی جدید که برای زندگی با خدا مهیا شده است (ر.ک. اول قرنتیان ۱۵).

■ «به بینوایان مژده می‌رسد» در بین موارد مذکور، این مورد منحصر به فردی بود که به ماهیت مأموریت عیسی اشاره دارد. خدا آنانی را که جامعه‌ی یهود ایشان را نادیده گرفته بود، از روی محبت در نقشه‌ی خود، به حساب آورد. این واقعیت، کنایه از شمول غیریهودیان در نقشه‌ی خدا دارد.

۲۳:۷ «خوشا به حال کسی که درباره‌ی من شک نکند.» عیسی در مورد پیش فرض‌هایی که یحیی درباره‌ی ماشیح داشت، به او هشدار می‌دهد. یهودیت به خاطر تصورات پیش‌اندیشیده‌ی خود از ماشیح موعود، علی‌رغم ظهورش، از وی محروم شد.

متن مژده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۲۴:۷-۳۰

۲۴ بعد از آنکه قاصدان یحیی رفتند عیسی درباره‌ی او برای مردم شروع به صحبت کرد و گفت: «وقتی به بیابان رفتید انتظار دیدن چه چیز را داشتید؟ نی‌نیزاری که از باد می‌لرزد؟ ۲۵ برای دیدن چه چیز بیرون رفتید؟ مردی با لباسهای حریر و دیبا؟ بدون شک اشخاصی که لباسهای زیبا می‌پوشند و زندگانی پر تجملی دارند در قصرها به سر می‌برند. ۲۶ پس برای دیدن چه چیز بیرون رفتید؟ یک نبی؟ آری، بدانید از نبی هم بالاتر. ۲۷ او مردی است که کتاب مقدس درباره‌اش می‌فرماید: "این است قاصد من که پیشاپیش تو می‌فرستم. او راه تو را پیش پایت آماده خواهد ساخت." ۲۸ بدانید که کسی بزرگتر از یحیی به دنیا نیامده است و با وجود این، کوچکترین شخص در پادشاهی خدا از او بزرگتر است.» ۲۹ همه‌ی مردم و از جمله باجگیران، سخنان عیسی را شنیدند و به سبب اینکه از دست یحیی، تمعید گرفته بودند، خدا را برای عدالتش شکر می‌کردند. ۳۰ اما فریسیان و معلمان شریعت که تمعید یحیی را قبول نکرده بودند، نقشه‌ای را که خدا برای آنان داشت رد کردند.

۲۴:۷-۲۷ این آیات، شامل یک سری پرسش‌هایی است که متوقع پاسخ منفی می‌باشند. آنها بر خصوصیات شخصیتی یحیی تأکید دارند.

۲۷:۷ «کتاب مقدس درباره‌اش می‌فرماید» این ارجاعات و نقل قول‌ها (ر.ک. ملاکی ۱:۳؛ ۴:۵؛ اشعیا ۴۰:۳-۴) نشان می‌دهد که عیسی از کیستی و رسالت خود کاملاً آگاه بود.

۲۸:۷ «بدانید که کسی بزرگتر از یحیی به دنیا نیامده است» چه جمله‌ی فوق‌العاده‌ای که ماسیح درباره‌ی قاصد و رسول خدا به زبان می‌آورد (ر. ک. متی ۱۱:۱۱)! باید به این نکته توجه داشت که سخنان پایانی عیسی در لوقا ۲۸:۷ نشان می‌دهد که یحیی آخرین نبی دوران عهد عتیق است، و نه اولین واعظ پیغام انجیل در عهد جدید.

کتاب عهد جدید بر قدرت استثنایی وعظ و پیام یحیی صحه می‌گذارند. وی نبی‌ای پر از روح القدس بود. با این وجود، عهد جدید به این خاطر که برتری و پرستش، معطوف به شخص و خدمت عیسی شود، بهای کم‌تری به یحیی می‌دهد. در قرون اولیه‌ی میلادی برخی گروه‌های بدعت‌آمیز سعی در ترفیع مقام و جایگاه یحیی داشته‌اند.

□ «با وجود این، کوچکترین شخص در پادشاهی خدا از او بزرگتر است» قسمت دوم آیه‌ی ۲۸ نسبت به قسمت اول آن- که از جنبه‌ی بنیادستیزانه‌ای برخوردار است- تکان‌دهنده‌تر است. این جمله، به‌طور بسیار واضح تازگی بنیادین دوران روح‌القدس-پادشاهی خدا- را نشان می‌دهد. چارچوب همین متن، دست کم به چند ویژگی جدید این دوران اشاره می‌کند:

۱. افسر رومی و غلامش (لوقا ۲:۷-۱۰)
۲. بیوه‌زن اهل نائین و فرزندش (لوقا ۱۱:۷-۱۷)
۳. گروه‌هایی از مردم که در اشعیا ۱:۶۱ ذکر شده‌اند (لوقا ۲۱:۷-۲۲)
۴. باجگیران (لوقا ۲۹:۷)

۲۹:۷-۳۰ این دو را آیه می‌توان از این دو منظر نگریست:

۱. عیسی درباره‌ی چگونه پذیرفته شدن پیغام لوقا باب ۶ از سوی مردم اظهار نظر می‌کند
۲. لوقا توضیح می‌دهد که پیام عیسی توسط مردم پذیرفته شده بود (کتاب مقدس ترجمه‌ی NET)

۲۹:۷ این آیه و آیه‌ی بعدی، نشان‌دهنده‌ی ترکیب جماعتی هستند که به‌طور مستمر در پی عیسی روانه بودند: مطرودان جامعه و رهبران مذهبی. مطمئن هستیم که هر کدام از آنها در گروه مخصوص خود ایستاده بود. این دو آیه شاید نقطه نظرات شخصی لوقا هستند. مطرودان جامعه بر خلاف رهبران مذهبی، پذیرای پیام توبه و ایمان بودند (ر. ک. مرقس ۱:۱۵). رهبران مذهبی خود را گروهی نخبه و برتر تلقی می‌کردند که انحصاراً مورد پذیرش خدا قرار داشتند.

ترجمه‌ی قدیم: «خدا را تمجید کردند»
 ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «تصدیق کردند که راه خدا حق است»
 ترجمه‌ی مؤده: «خدا را برای عدالتش شکر می‌کردند»

این گروه که پذیرای حقایق روحانی بودند، راه‌های حق و عدالت خدا را که در پیغام یحیی آشکار شده بود، تصدیق کردند. تعمد عمومی یحیی به مثابه‌ی اعتراف به نیاز روحانی و اظهار اعتماد بر این حقیقت بود که خدا پذیرنده‌ی فرد توبه‌کار است.

جای شگفتی است که اصطلاح «عادل شمرده شدن» در اناجیل به تعداد محدودی به چشم می‌خورد (ر. ک. متی ۱۱:۱۹؛ ۳۷:۱۲؛ لوقا ۲۹:۷؛ ۳۵؛ ۲۹:۱۰؛ ۱۵:۱۶؛ ۱۴:۱۸)، در آن حین که در نوشته‌های پولس به کرات با آن برمی‌خوریم (برای مثال، ۱۳ بار در رساله به رومیان و ۸ بار در رساله به غلاطیان). پولس اغلب از «عادل شمرده شدن» سخن می‌گوید (یعنی، فرد گناهکار چگونه در برابر خدا بی‌گناه محسوب می‌شود)، اما عیسی از وارد شدن به پادشاهی خدا سخن می‌گوید.

مخاطبان عیسی یهودیان بودند، آنان بر این باور بودند که به خاطر ابراهیم و شریعت موسی، خدا آنها را پذیرفته است، اما پولس اغلب غیریهودیان را مخاطب قرار می‌داد، مردمی که هیچ پیشینه‌ی عهد و پیمانی با خدا نداشتند. عیسی و پولس، هر دو بر نیاز انسان مبنی بر مشارکت با خدا، و این که این مشارکت چگونه باید در زندگی ایماندار (یعنی، سخانش، اعمالش، انگیزه‌هایش) تبلور یابد، تأکید داشتند.

□ «از دست یحیی، تعمید گرفته بودند» در آغاز، پیغام عیسی و پیغام یحیی مشابه بودند، اما میان تعمید یحیی و تعمید مسیحیت تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. تمرکز یحیی بر یک شالوده‌ی عهد عتیقی بود، در حالی که تمرکز عیسی بر خودش، بر یک شالوده‌ی عهد جدیدی بود.

جای سؤال است که، آیا آن گروه از شاگردان یحیی که عیسی را پیروی کردند، دوباره تعمید یافتند؟ آیین‌ها مراسمی نمادین هستند، که حامل مفهوم می‌باشند، اما آنها ساز و کارهای فیض محسوب نمی‌شوند. کارهای مذهبی و آیین‌های نیایشی بدون همراهی ایمان شخصی، به جای آنکه به مثابه‌ی پلی به سوی خدا باشند، تبدیل به موانع در این مسیر می‌شوند. کلید اصلی در ایمان حقیقی، قلب شخص است، و نه صرفاً اشکال بیرونی و ظاهری ایمان.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۱:۷-۳۵

۳۱ «مردم این زمانه را به چه چیز می‌توانم تشبیه کنم؟ آنان به چه می‌مانند؟ ۳۲ مانند کودکانی هستند که در بازار می‌نشینند و بر سر هم فریاد می‌کشند و می‌گویند: برای شما نی زدم نرقصید! نوحه‌گری کردیم، گریه نکردید!» ۳۳ مقصود این است که یحیای تعمیددهنده آمد که نه نان می‌خورد و نه شراب می‌نوشید و شما می‌گفتید: "او دیو دارد" ۳۴ پسر انسان آمد، او هم می‌خورد، هم می‌نوشد و شما می‌گویید: "نگاه کنید، یک آدم پرخور، میگسار و رفیق باجگیران و خطاکاران!" ۳۵ با وجود این، درستی حکمت خدایی به وسیله کسانی که آن را پذیرفته‌اند، به ثبوت می‌رسد.»

۳۱:۷-۳۴ این پاراگراف متناظر است با متی ۱۱:۱۶-۱۹. شیوه و سبک خدمت عیسی و یحیی با یکدیگر متفاوت بود (یحیی ریاضت‌کش و تارک دنیا بود؛ عیسی در دسترس جامعه)، با این حال، رهبران یهودی هر دو آنان را رد کردند. آیه ۳۰ نشان از تکبر و خودپارسانگاری رهبران یهودی دارد.

۳۱:۷

ترجمه‌ی قدیم: «مردمان این طبقه»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «مردم این نسل»

ترجمه‌ی مؤده: «مردم این زمانه»

این اصطلاح به تعبیر و مفهومی منفی در مورد حاضرانی بکار رفته است که حقیقت خدا را می‌دیدند و می‌شنیدند، اما واکنش مقضی را از خود نشان نمی‌دادند (ر. ک. لوقا ۳۱:۷؛ ۴۱:۹؛ ۲۹:۱۱؛ ۵۰؛ ۲۵:۱۷). شاید اشاره و کنایه‌ای باشد به تشنیه ۵:۳۲؛ مزبور ۸:۷۸؛ ارمیا ۳۱:۲؛ ۲۹:۷. برای آنانی که حقیقت را می‌شنوند و از پذیرش آن سر باز می‌زنند، قصور و خطای به مراتب بزرگ‌تری منسوب شده است، تا کسانی که حقیقت را هرگز نه دیده و نه شنیده‌اند.

۳۳:۷ «یحیای تعمیددهنده آمد که نه نان می‌خورد و نه شراب می‌نوشید» یحیی تعمید دهنده یک نذیره بود (ر. ک. اعداد فصل ۶). وی همچنین در بیابان زندگی می‌کرد و آزادانه با مردمی که مخاطبان و عطش بودند، معاشرت نمی‌کرد (مانند ایلیای نبی). رجوع کنید به عنوان خاص زیر.

عنوان خاص: نذر نذیره

(الف) هر فردی، چه مرد و چه زن، که از طایفه‌ی لاوی نبود، اگر تصمیم داشت خود را وقف کار خدمت خدا بکند باید این نذر را عملی می‌کرد ("جدا شده برای خداوند"). نذیر در لغت به معنای "جدا شده" است (BDB 634, KB 684)، که ریشه‌ی اصطلاح عبری "مقدس" است (رجوع کنید به عنوان خاص: مقدس).

(ب) در عهد عتیق، این نذری مادام‌العمر بود:

۱. سامسون (داوران ۷:۱۳)

۲. سموئیل (اول سموئیل ۲۱:۱)

۳. یحیی تعمید دهنده

(ج) مذهب یهود نوع کوتاه مدتی از نذر را به وجود آورده بود (احتمالاً بر اساس اعداد ۵:۶). کوتاه‌ترین زمان، سی روز بود. با به پایان رسیدن روزهای نذر، شخص باید موهای سرش را می‌تراشید و موهای بریده شده را بر آتش قربانی سوخته در معبد قرار می‌داد.

(د) مواردی که فرد نذیر باید رعایت می‌کرد (ر. ک. اعداد ۱:۶-۸):

۱. اجتناب از نوشیدن شراب، و سایر مشروبات الکلی، و خوردن محصول مو (انگور، کشمش)

۲. اجتناب از کوتاه کردن موهای سر

۳. دوری از لمس کردن جسد. تماس داشتن با جسد، شرکت کردن فرد را در مراسم مرتبط با تدفین و خاکسپاری، غیر ممکن می‌کرد.

۴. برای مواردی که فرد به طور اتفاقی ناپاک شود، گزینه‌هایی در اعداد ۹:۶ ذکر شده است. گویا موقعیتی که پولس رسول در اعمال ۲۳:۲۱-۲۵ در آن قرار داشت، با این مورد در ارتباط بود. در خصوص ایامی برای تطهیر و قربانی‌های مربوط به آن، توصیفاتی وجود دارد (ر.ک. اعداد ۹:۶-۱۲).

■ «و شما می‌گفتید: "او دیو دارد"» این همان اتهامی است که به عیسی نیز نسبت دادند (ر. ک. لوقا ۱۱:۱۴-۲۶). آنان توضیحی برای این امر نداشتند که خدا چگونه از یحیی به طرز شگفت‌انگیزی استفاده می‌کند، بنابراین آنان قدرت وی را به نیروی فوق طبیعی ابلیس نسبت دادند.

■ این تهمت آنان، دو مورد زیر را آشکار می‌کند:

۱. عمق دشمنی رهبران مذهبی

۲. شفقت عیسی

مخاطبان لوقا غیر یهودیان بودند، که آنان نیز فقیر بودند. این امر، محبت عیسی و هم‌ذات‌پنداری او با انسان عادی را نشان می‌دهد.

۳۵:۷

ترجمه‌ی قدیم: «اما حکمت از جمیع فرزندان خود مَصَدَّق می‌شود»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «اما حقانیت حکمت را همه‌ی فرزندان آن به ثبوت می‌رسانند»

ترجمه‌ی مؤده: «با وجود این، درستی حکمت خدایی به وسیله‌ی کسانی که آن را پذیرفته‌اند، به ثبوت می‌رسد.»

این آیه یک ضرب‌المثل کشاورزی است، همانند لوقا ۴۴:۶ «هر درختی از میوه‌اش شناخته می‌شود». اعمال و نگرش‌های آنانی که توسط یحیی تعمید یافته بودند (ر. ک. لوقا ۲۹:۷) آشکارا از رهبران مذهبی متفاوت بود (ر. ک. لوقا ۷:۳۰). یهودیان اغلب از اصطلاح عهد عتیقی «پسر...» به عنوان صفت برای توصیف یک شخص بهره می‌گرفتند.

متن مؤده برای عصر جدید: انجیل لوقا ۳۶:۷-۵۰

۳۶ یکی از فریسیان عیسی را برای صرف غذا دعوت کرد. او به خانه‌ی آن فریسی رفت و بر سر سفره نشست. ۳۷ در آن شهر زن گناهکاری زندگی می‌کرد. چون او شنید که عیسی در خانه‌ی آن فریسی غذا می‌خورد در گلابدانی سنگی، روغنی معطر آورد. ۳۸ پشت سر عیسی و کنار پاهای او قرار گرفت و گریه می‌کرد. چون اشکهایش پاهای عیسی را تر کرد، آنها را با گیسوان خود خشک نمود و پاهای عیسی را می‌بوسید و به آنها روغن می‌مالید. ۳۹ وقتی میزبان یعنی آن فریسی این را دید پیش خود گفت: «اگر این مرد واقعاً نبی بود، می‌دانست این زنی که او را لمس می‌کند کیست و چطور زنی است، او یک زن بدکاره است.» ۴۰ عیسی به فریسی گفت: «شمعون، مطلبی دارم برایت بگویم.» گفت: «بفرما، استاد.» ۴۱ فرمود: «دو نفر از شخصی وام گرفته بودند، یکی به او پانصد سکه نقره بدهکار بود و دیگری پنجاه سکه نقره. ۴۲ چون هیچ‌یک از آن دو نفر چیزی نداشت که به او بدهد، طلبکار هر دو را بخشید. حالا کدام‌یک از آن دو او را بیشتر دوست خواهد داشت؟» ۴۳ شمعون جواب داد: «گمان می‌کنم آن کسی که بیشتر به او بخشیده شد.» عیسی فرمود: «قضاوت تو درست است.» ۴۴ و سپس رو به آن زن کرد و به شمعون فرمود: «این زن را می‌بینی؟ من به خانه‌ی تو آمدم و تو برای پاهایم آب نیاوردی. اما این زن پاهای مرا با اشک چشم شست و با گیسوان خود خشک کرد. ۴۵ تو هیچ مرا نبوسیدی اما این زن از وقتی که من وارد شدم از بوسیدن پاهایم دست برنمی‌دارد. ۴۶ تو به سر من روغن نزدی اما او به پاهای من روغن معطر مالید. ۴۷ بنابراین بدان که محبت فراوان او نشان می‌دهد که گناهان بسیارش آمرزیده شده است و کسی که کم بخشیده شده باشد، کم محبت می‌نماید.» ۴۸ بعد به آن زن فرمود: «گناهان تو بخشیده شده است.» ۴۹ سایر مهمانان از یکدیگر می‌پرسیدند: «این کیست که حتی گناهان را هم می‌آمرزد؟» ۵۰ اما عیسی به آن زن فرمود: «ایمان تو، تو را نجات داده است، سلامت برو.»

۳۶:۷-۵۰ این داستان، مشابه شرح کارهای مریم اهل بیت عنیا می‌باشد، که در مرقس ۳:۱۴-۹؛ متی ۶:۲۶-۱۳؛ یوحنا ۲:۱۲-۸ به ثبت رسیده است. واضح است که پس از اندکی تعمق و تأمل بیش‌تر، روایتی که در لوقا شرحش آمده است، علی‌رغم برخورداری از شباهت، از روایتی که از مسح کردن پاهای عیسی توسط مریم در سایر اناجیل آمده است، متمایز است.

لوقا اغلب با قصد منتقل کردن پیغام انجیل به ضیافت‌هایی می‌پردازد که توسط فریسیان ترتیب داده شده بود (ر. ک. لوقا ۷:۳۶؛ ۱۱:۳۷؛ ۱۴:۱).

۳۶:۷ «یکی از فریسیان» عیسی به همه‌ی گروه‌های مردم خدمت کرد. او می‌خواست با همه در تماس باشد. رجوع کنید به عنوان خاص: فریسیان در لوقا ۱۷:۵.

□ «عیسی را برای صرف غذا دعوت کرد» انگیزه‌ی این دعوت، سؤال برانگیز است، شاید:

۱. کنجکاو
 ۲. تشنگی روحانی
 ۳. او را با عیسی دیده بودند
 ۴. تلاش برای یافتن چیزی که بتواند بر علیه عیسی از آن استفاده کند (ر. ک. لوقا ۷:۴۴-۴۵)
- چنین ضیافت‌هایی در حکم یک رخداد اجتماعی برای تمامی اعضای آن اجتماع بودند. گرچه فقط از مهمانان مدعو پذیرایی می‌شد، اما هر فرد دیگری می‌توانست وارد خانه شود و گفتگوهای سر سفره را بشنود.

□ «بر سر سفره نشست» در میان نویسندگان کتب عهد جدید، لوقا تنها نویسنده‌ای است که از این اصطلاح «*kataklinō*» استفاده کرده است (ر. ک.

لوقا ۷:۳۶؛ ۹:۱۴؛ ۱۵:۸؛ ۲۴:۳۰). سایر نویسندگان عهد جدید اصطلاح «*anakeimai*» را به کار برده‌اند.

یهودیان قرن اول از میز و صندلی استفاده نمی‌کردند، برخلاف پارسیان (ر. ک. استر ۱:۶؛ ۷:۸) و برخی از مصریان. به‌طور معمول آنها بر روی بالش‌هایی که در اطراف میزهای نعلی شکل چیده می‌شد، (که معمولاً در هر طرف سه بالش گذاشته می‌شد) روی آرنج چپشان تکیه می‌دادند.

۳۷:۷ «در آن شهر زن گناهکاری زندگی می‌کرد» این جمله به‌طور ضمنی به این معناست که او یک فاحشه بوده است، اما با این وجود، این عبارت

صریح نیست. در نظر رهبران مذهبی یهود، هر کسی که تمام احکام و تشریفات آیینی مذکور در تلمود را رعایت نمی‌کرد، گناهکار به شمار می‌رفت (برای مثال: چوپانان، دباغان). این شهر در شمال بود، و به احتمال زیاد کفرناحوم بود. سایر اناجیل داستان مسح کردن عیسی توسط زنی در منزل شمعون، در نزدیکی اورشلیم، را ثبت کرده‌اند. با این وجود، سایر اناجیل داستان مشابه دیگری از مسح کردن پاهای عیسی، این بار توسط مریم مجدلیه را نقل کرده‌اند (ر. ک. متی ۲۶:۶؛ مرقس ۱۴:۳؛ یوحنا ۱۲:۲).



ترجمه‌ی قدیم: «شیشه‌ای از عطر آورده»

ترجمه‌ی هزاره‌ی نو: «ظرفی مرمرین، پر از عطر، با خود آورد»

ترجمه‌ی مؤده: «در گلابدانی سنگی، روغنی معطر آورد»

«آلاباستر» یا «رخام گچی» سنگی است زرد رنگ، مایل به سفید که نامش را از نام شهری در مصر که این سنگ را از آنجا تهیه می‌کردند، گرفته بودند. عطر نیز محصول بسیار گرانبهائی بود. زنان اغلب این عطر را به عنوان یکی از اقلام جهیزه‌شان، توسط گردنبندی به دور گردن خود آویزان می‌کردند.

۳۸:۷ «پشت سر عیسی و کنار پاهای او قرار گرفت» در چنین ضیافت‌هایی که حکم یک رویداد اجتماعی را داشت، سایر اهالی شهر که جزو مدعوین

نبودند، اجازه داشتند وارد خانه شده و در کنار دیوارها بنشینند، یا از پنجره‌ها و درها نظاره‌گر ضیافت باشند و گفتگوهای داخل خانه را بشنوند. به یاد داشته باشید که عیسی بر روی آرنج دست چپش تکیه داده بود و پاهایش در پشت او قرار داشتند.

□ «چون اشکهایش پاهای عیسی را تر کرد، آنها را با گیسوان خود خشک نمود» برای یک زن یهودی، ظاهر شدن در انتظار عمومی با موهای باز و بدون پوشش سر، امری ناشایست و ناپسند به شمار می‌آمد.

□ «پاهای عیسی را می‌بوسید و به آنها روغن می‌مالید» این یک عمل کاملاً غیر معمول از جانب این زن بود که به نظر، نشان از شادی او از بخشیده شدنش داشت و برآمده از حس عمیق قدرانی از نگرش عیسی به شخصی چون او، بود (ر. ک. لوقا ۳۵:۷).

۳۹:۷ «اگر این مرد واقعاً نبی بود» این یک جمله‌ی شرطی درجه دوم است. قالب این جمله بیان‌گر این واقعیت است که این فریسی ایمان نداشت که عیسی یک نبی است. این جمله از ساختاری منحصر به فرد در زبان یونانی برخوردار است، که می‌توان آن را چنین فهمید: «اگر این مرد واقعاً نبی بود، که چنین چیزی صحت ندارد، می‌دانست این زنی که او را لمس می‌کند کیست و چطور زنی است، اما او بر این امر آگاه نیست.» این فریسی، کاملاً در مورد عیسی و انگیزه‌ها، اهداف و کارهایش دچار سوء تفاهم بود.

در کهن‌ترین نسخه‌ی خطی (Codex B) که به نسخه‌ی واتیکانوس (Vaticanus) معروف است – چون در کتابخانه‌ی واتیکان پیدا شده است – پیش از کلمه‌ی «نبی» حرف معرفه آمده است. واضح است که این امر، تلاشی الهیاتی بوده است تا عیسی و «آن نبی» در نبوت موسی در تثنیه ۱۵:۱۸، به یکدیگر مرتبط نشان داده شوند. این یک پیش‌گویی درباره‌ی مسیحای موعود بود. اما، با توجه به چارچوب متنی که در لوقا آمده است، این فریسی عیسی را ماشیح نمی‌خواند، بلکه ادعا می‌کند که او یک نبی نیست!

برای مطالعه‌ی عمیق‌تر این مبحث می‌توانید به کتاب *The Orthodox Corruption of Scripture: The Effect of Early Christological Controversies on the Text of the New Testament*. Oxford, 1993. نوشته‌ی Bart D. Ehrman رجوع کنید.

۴۰:۷ «شمعون» این نام، نام متداولی بود. در کتب عهد جدید نمونه‌های فراوانی از افرادی با این نام به چشم می‌خورد:

۱. شمعون پطرس، متی ۱۸:۴
۲. شمعون غیور یا فدایی، متی ۴:۱۰؛ اعمال ۱۳:۱
۳. شمعون، برادر ناتنی عیسی، متی ۵۵:۱۳
۴. شمعون جذامی، متی ۶:۲۶؛ مرقس ۳:۱۴
۵. شمعون قیروانی، متی ۳۲:۲۷
۶. شمعون فریسی، لوقا ۴۰:۷
۷. پدر یهودای اسخریوطی، یوحنا ۶:۷۱
۸. شمعون جادوگر، اعمال ۹:۸
۹. شمعون دباغ، اعمال ۴۳:۹

روایات موازی در اناجیل متی و مرقس نیز به این نکته اشاره دارند که این ضیافت در منزل فردی به نام شمعون ترتیب داده شده بود، اما آنها به فریسی بودن او اشاره‌ای نمی‌کنند.

۴۱:۷ فقط در انجیل لوقا شاهد تعریف کردن این مثل توسط عیسی به شمعون هستیم. متی و مرقس دلیل کاملاً متفاوتی برای عمل این زن ارائه می‌دهند (آماده کردن وی برای مرگ، با تدهین او برای خاکسپاری).

□ «پانصد سکه‌ی نقره^{۱۳}» دینار سکه‌ای متداول در آن دوران بود، هم‌ارزش با دستمزد یک روز کارگر یا سرباز بود (ر. ک. متی ۲۰:۲). رجوع کنید به کاربرد سکه‌ها در فلسطین در روزگار عیسی، در لوقا ۸:۱۵.

۴۲:۷ «حالا کدام یک از آن دو او را بیشتر دوست خواهد داشت؟» این داستان، دو دسته از افراد را هدف خود قرار می‌دهد:

^{۱۳} در دو ترجمه‌ی قدیم و هزاره‌ی نو «دینار» آمده است. مترجم

۱. افراد خودپارسانگاری که به زعم خود به هیچ بخششی از سوی خدا نیاز ندارند، یا به میزان کمی به آن احتیاج دارند.

۲. افراد فروتن و توبه‌کاری که بر نیاز خود بر بخشش خدا کاملاً آگاه هستند.

این مثل نکات مشابه فراوانی با مثل فریسی و فرد گناهکار دارد (ر.ک. لوقا ۹:۱۸-۱۴).

۴۴:۷-۴۷ شمعون فریسی به عنوان میزبان بر طبق فرهنگ مرسوم یهودی، می‌بایست برای مهمان خود، عیسی، کارهای خاصی را انجام می‌داد، که انجام نداد:

۱. او پاهای عیسی را پس از ورود به منزلش نشست، لوقا ۴۴:۷

۲. او عیسی را در هنگام ملاقات نبوسید، لوقا ۴۵:۷

۳. او با روغن عیسی را مسح نکرد، لوقا ۴۶:۷

۴۷:۷ «بدان که محبت فراوان او نشان می‌دهد که گناهان بسیارش آمرزیده شده است» عیسی از گناهان این زن چشمپوشی نکرد، بلکه آنها را

آمرزید. این بخش کوتاه از داستان انجیل به وضوح نشان‌دهنده‌ی ماهیت کاملاً متفاوت عهد و پیمان جدید در قیاس با عهد عتیق است (ر.ک. ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶:۲۲-۳۸).

اساس و بنیان نجات ما ایمان بر عیسی است و نه بر دستاوردها، فضایل، یا عملکردهای انسانی ما (ر.ک. افسسیان ۸:۲-۹). این شیوه‌ی جدید مورد پذیرش خدا قرار گرفتن در عهد جدید است!

الهی‌دانان کلمه‌ی «محبت» را مورد تأکید قرار می‌دهند و آن را به پیش‌شرطی برای آمرزش و مقبول شدن تبدیل می‌کنند. قطعاً محبت ثمره‌ی طبیعی داشتن رابطه‌ای شخصی با خدا به واسطه‌ی عیسی مسیح است، اما معیار مقبول خدا شدن نیست. پذیرش ما از سوی خدا بر اساس کار تکمیل شده‌ی پسر استوار است. انسان بایستی با توبه و ایمان به این کار پسر پاسخ گوید، اما آدمی قادر به اضافه کردن یا کم کردن از این هدیه‌ی رایگان نجات نیست. زندگی تغییر یافته و در حال تغییر ما که مشخصه‌ی آن محبت، ایمان، و پایداری است، شهادتی است بر ملاقات ما با خدا در مسیح. ایمانداران «برای انجام دادن کارهای نیکو» نجات یافته‌اند (ر.ک. افسسیان ۲:۱۰)، و نه «بر اساس کارهای نیکو» (ر.ک. رومیان ۳:۲۱-۳۰).

۴۸:۷ «گناهان تو بخشیده شده است» این جمله در حالت اخباری مجهول کامل است. این گفته‌ی عیسی می‌بایست مایه‌ی غافلگیری و شوکه شدن

یهودیانی که آنجا نشسته بودند، شده باشد؛ یهودیانی که معتقد بودند این تنها خداست که می‌تواند گناهان انسان را ببخشد (ر.ک. لوقا ۲۱:۵-۲۴).

۵۰:۷ «ایمان تو، تو را نجات داده است» این جمله در حالت اخباری معلوم کامل است. این ابراز و نمود محبت این زن، ثمره‌ی آمرزیده شدن او بود و

نه طریقه‌ای برای دریافت آمرزش. مسأله‌ی کلیدی، ایمان بر مسیح است (ر.ک. لوقا ۵:۲۰؛ ۹:۷؛ ۴۸:۸؛ ۱۹:۱۷؛ ۴۲:۱۸).

▣ «به سلامت برو» این جمله در حالت امری حال میانی است (ر.ک. لوقا ۴۸:۸).

پرسشهایی برای بحث و تبادل نظر

کتاب حاضر یک تفسیر با هدف راهنمای مطالعه است، و این بدین معنا است که شما، خود، مسئول تفسیری هستید که از کتاب مقدس انجام می‌دهید. هر یک از ما باید در نوری که فراویش قرار دارد گام بردارد. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر حق تقدم دارید. نباید این بار را به گردن مفسر بیندازید. پرسشهای زیر که برای بحث و تبادل نظر مطرح شده‌اند، به شما کمک می‌کنند تا درباره مسائل اصلی این بخش از کتاب تفکر کنید. این پرسش‌ها با هدف تشویق به تأمل و تعمق بیش‌تر طرح شده‌اند، و دربردارنده نکاتی قطعی و نهایی نمی‌باشند.

۱. چرا روایات مذکور در فصل هفتم انجیل لوقا و فصل هشتم انجیل متی، تفاوت‌های زیادی در قیاس با یکدیگر دارند؟

۲. چرا عیسی بشدت تحت تأثیر ایمان این مرد قرار گرفته بود؟

۳. چرا عیسی پسر بیوه زن نائینی را دوباره زنده کرد؟

۴. چرا یحیی درباره‌ی ماشیح بودن عیسی دچار شک شد؟ عیسی چگونه به پرسش یحیی پاسخ گفت؟

۵. آیا یحیی تعمید دهنده نبی‌ای متعلق به عهد عتیق بود یا متعلق به عهد جدید؟

۶. چرا گفته ی عیسی در لوقا ۴۸:۷ لعنتی برای رهبران یهودی به شمار می رود؟